شکر بجناب الهی که کتاب فواید انتساب مشهور [illegible] ۱۲۹۳

ذکائی سنه هجری ۱۲۶۵

بفرمایش محسن الاخلاق معتمد الآفاق شیخ احمد علی کتاب فروش ساکن

اندر کابلی دروازه باهتمام سید اشرف علی واسطی در مطبع العلوم دهلی منطبع شد

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش بی‌قیاس مر خدایی را سزد که در ضمن پیدایش هر موجودی از موجودات چندین هزار
حکمت تعبیه فرموده و ستایش بی‌نهایت صانعی را زیبد که جمیع مصنوعات با مر کن فیکان
شاهد عدول وجود و حیات کرده حکیمی که مبدعات عالم را بوجه احسن و طریقه اتقن
آفریده و علیمی که شفای هر مرضی بنی آدم منوط و مربوط با دویه و عقاقیر نموده جلت
نعمائه و عمت آلائه و درود نامعدود و تکبیر بیحد و طبیب نفوس جلیله و حکیم جسوم علیله را
که قانون اشارات او راه نجات بیان کرده و منهج قویم صراط مستقیم و شفای اسقام و
رفع آلام از اجساد و اجسام محجوبه عصیان و طغیان نموده وحیدیکه خلقت جمیع کائنات
پای نام نامی او و فریدیکه آفرینش جمله مخلوقات مختتم بنام سامی او یعنی محمد مصطفی
و احمد مجتبی علیه من الصلوة افضلها و من التحیات اکملها و بر آل و اصحاب او که رهبران
جاده دین و رهنمایان اهل یقین اند باد اما بعد این عجاله ایست نافع که کمترین گوشه گزین

گزین بنده مسکین ذکاء الله ابن اسحاق ابن اسمعیل الطبیب المشهور فی دیار الهند بلی الطبیب
خاقان محمد بقاخان غفر الله له ولهما واحسن الله الیه والیهما در قید جمع و تالیف و حیز
تهذیب و ترتیب در آمده نسخهای مجربه جد بزرگوار و والد نامدار که در قرابادینات
جسیمه و مطولات عظیمه و بیاضهای متفرقه بود و از یاد بر یاد رسیده در این سفینه
خالی از صنعیه نهاد و نام این به ملتقطه ذکائیه منتخب از مجموعه بقائیه بر طبق الهام
خداوند علام بافواه خاص و عام رسید و مامول از نقادان بصیر و مرجو از دیده وران
خبیر است که بنظر قبول مقبول شود و خطائی و لغزشی اگر جائی رفته باشد بذیل عفو
و صفح معفو گردد و جمعی که متمتع از آن شوند و بهره در آن یابند بدعا خیر این رو سیاه
گنهگار و تبه کار بیمقدار را یاد نمایند که غیر از این حقی ندارد و عقبی را بهتر از اولی میداند
و نعیم مقیم آنجا را العجل اینجا که الدنیا مزرعة الاخرة واقع است میخواند انه قریب مجیب
و علی کل شیٔ قدیر و بالاجابت جدیر حرف الالف مشتمل هشت باب باب اول
در ذکر اسوهای منشی و غیر منشی باب دوم در آبزنها و ابتنها که بر شوئی
گویند باب سیوم در بیان ارگجهها باب چهارم در ذکر نسخهای
اغبساده و لولوی باب پنجم در اطریفلات ذی اسهم و غیر ذی اسهم باب
ششم در اقسام انوشداروها و این باب مشتمل است بر دو فصل فصل اول در
اقسام انوشداروی ساده فصل دوم در بیان انوشدارهای لولوی قابض و غیر قابض
باب هفتم در انکبابها باب هشتم در ایارجها باب اول در اسوها
اسوقندی بارد موافق گرم مزاجان است تفریح و نشاط تمام آورد و اصحاب خفقان
و مراقیان و مالیخولیا و سودای محترقه را نافع است صفت [illegible] بست و چهار تبریزی
پوست مغیلان سه من تبریزی در خم کنند بجوشد ثلث خم خالی ماند پس خم را در سرگین

دفن کنند و بگذارند که جوش خورد و از جوش فرو ماند پس عرق کشند و در عرق
صندل سفید سوهان کرده و گشنیز خشک هر یک بیست مثقال گل نیلوفر چهل مثقال پوست
هلیله آمله منقی از هر یک صد مثقال تخم کاهو مقشر گاؤزبان هر یک صد و بیست مثقال
مغز تخم کدو نیم کوفته دو صد مثقال تخم کاسنی نیم کوفته تخم خرفه مقشر مغز تخم خیارین نیم کوفته
از هر یک دو صد و چهل مثقال پوست هلیله کابلی برگ بید بهار سده زرشک اصلی هر یک
سه صد مثقال گل سرخ چهار صد مثقال نیز یک شبانه روز بخیسانند و عرق کشند [illegible]
عنبر اشهب بدان نهج که بیند اسود مسکن صداع را مفید است و مقوی دل و دماغ
و خارش ندارد صفت قند سیاه یک من پوست سفیدان هفت سیر پوست بلیله حبشی
گل سرخ هر یک یک سیر آمله یک رطل اصل السوس نیم رطل شیرکا و دو سیر عنبر اشهب
یک درم بدستور عرق کشند اسود دیگر بجهت استسقا بسیار نافع است دیگر
[illegible] صفت مغز کوار چهار آثار درک دو آثار هلیله زرد نیم پاؤ زنجبیل
[illegible] آمله براده آهن فلفل دراز هر یک نیم پاؤ قند سیاه کهنه چهار آثار
قند را شربت نموده باقی ادویه که قابل جوکوب گردد جوکوب نموده همه ادویه
را با شربت در یک سبوی [illegible] اندازند آن سبوی را روغن تلخ یا روغن زرد
داشته باشند جمع نموده [illegible] در جای خنک دفن کنند که جوش خورد و
آن جوش فرو نشیند [illegible] کشند و گرد اگرد سبو از زیر آن لید اسپ
دهند تا یک هفته بگذرد اما خبر میگرفته باشند که از جوش دوا ضایع نشود پس صاف نموده
در شیشه نگاه دارند و قدر خوراک این اسود یک پیاله قهوه خوری غذا برای این دوا
دال مونگ را در آب خوب پزد که مهرا شود و نمک نه اندازد و مانند شوربا کرده بخورد
و موافق اشتها دو سه باش غذا بیفزاید و اگر تشنگی زیاده شود در یک پیاله قهوه

قهوه خوری عرق بادیان دو سه قطره سرکه انگوری داخل کرده بنوشند تشنگی رفع شود
اسهو دیگر صاحب جامع الجوامع آنرا بدل پهره کهیکوار نامیده و اجزای آنرا بالفاظ
عربی نگاشته نافع است برای استسقا و امراض کبد و معده و انثیین و جمیع
امراض بلغمی و سوداوی ص سنبل الطیب ناگیسر کباب چینی مقل ازرق دوقو قطراسالیون
هر یک سه توله اسارون سلیخه سیاه حب بلسان عود بلسان اسطوخودوس بادرنجبویه
بسفایج فستقی افسنتین رومی مصطکی رومی انیسون دارچینی رازیانه زعفران برگ
نارنج برگ ترنج هر یک چهار توله چوب چینی تیشه تراشیده غنچه کلسیخ منزوع
الاقماع پوست بلیله پوست بلیله زرد پوست بلیله کابلی بلیله سیاه آمله هر یک
پنج توله برگ صبر یعنی کهیکوار که خارهای آنرا دور کرده باشند دو سیر پوست
مغیلان پنج سیر شاهجهانی اجزا همه نیم کوفته قند سیاه برابر همه اجزای پوست
مغیلان درخم کرده آب بدستور دران ریخته زیر سرگین اسپ دفن کنند که جوش
خورد و آن جوش فرو نشیند چون ته ببندد صاف نموده در شیشه پر کرده نگه دارند
و هر صبح و شام چهار پیالی قهوه خوری بنوشند اگر خواسته باشند از این عرق
کشیده بعمل آرند اما بغیر عرق کشیدن بهتر است اسهو دیگر درینباب جس
اجواین پوست بلیله هر یک بست دام کیت یعنی خبث الحدید سی دام همه را نیم کوب
کرده در ظرف چوب کهنه که آب از آن ترشح نشود کنند و آب شیرین ده آثار بر
آن انداخته و دهن ظرف محکم بسته در کوی سرگین خشک دران انداخته باشند
بنهند و تمام کوی را از سرگین پر کنند و سه هفته برارند پس بیرون آرند و صاف
نموده در شیشه کنند و صبح و شام یکدام یا نیم دام و یا زیاده حسب حال
بنوشانند و بعضی قند سیاه کهنه برابر همه اجزا در اول داخل میکنند و بعضی بیشتر

ورق نمام مرزنکوش حرمل بابونه گل خطمی اکلیل الملک ورق اترج سداب طبیخ شیح قیصوم
بجنکشت هر یکی یکجزو حب نیل بید ستر نصف جزو در آب بسیار بپزند تا نصف بماند روغن
زیت نصف آب مضاف ساخته در آن بیمار را بنشانند گرم گرم **آبزن دیگر**
که همان منفعت دارد **ص** برگ اترج بابونه شبت حاشا تمام مرزنجوش مجموع را
در آب بجوشانند و علیل را دران بنشانند و بعد از خروج از آبزن جانب ماوف را
تمریخ بروغن قسط یا روغن کردکان کنند **آبزن مخترع حکیم معتمد الملوک مرحوم**
مجرب برای فالج و استرخا **ص** آب کرنب بست من اگر نباشد آب خالص بجوشانند و دران
و دران بابونه اکلیل الملک مرزنکوش ورق غار اذخر مکی برگ بادرنج اقاقیا اسطوخودوس
بیخ سوسن تمام گل یاسمین سفید وج ترکی قوة الصباغین پودینه بری پودینه جبلی برگ
صنوبر عشبه مغربی برگ سداب هر واحد دو کف تا ثلث آب برود پس صاف نموده
در آن آب روغن زیت ثلث وزن آب داخل کرده ارنب یا ثعلب یا ضبع یا دخل
هر کدام که باشد زنده آنرا بسته در عین جوش در آن اندازند و بجوشانند که مهرا شود
پس علیل در آن نشیند چون گرم باشد صبر کند تا سرد شود و بیرون آید **آبزن**
که صاحب مفاصل را بعد استفراغ بکار آید **ص** بگیرند کفتار پیر شده را بکشند
و در مرجل آب کنند و بسیار بجوشانند پس کفتار در آن نهند پوست ناکنده و ناشکافته
شبت و نمک در آن افکنند و آنقدر بجوشانند که مهرا شود پس صاف کرده در آبزن
نهند سه روز متصل در اول ماه هر روز دو دو مرتبه هر بار دو ساعت در آن
نشیند و چون از آبزن بیرون آید بدن را از آب گرم بشویند و بپوشند و از
هوا سرد ملاحظه کنند و همچنین سه روز در وسط ماه و سه روز آخر ماه و باید که هر
روز تازه بسازند و اگر کفتار نباشد روباه و خرگوش و گوشت خر وحشی بدل

بدل ولیست. آبزن که سنگ گرده بیرون آرد و درد زهار و مثانه را زایل کند
ص بابونه اکلیل الملک پرسیاوشان تخم قلت نیکوفته هر یک ده درم پوست بیخ بادیان
تخم خربزه نیکوفته پوست بیخ خطمی هر یک هفت درم خارخسک شش درم بنفشه برگ نیلوفر
هر یک چهار درم اشنان سه درم همه را در ده من آب بجوشانند تا نصف بماند صاف نموده
بعمل آرند آبزن مخترع جهت ورم رحم که در وقت انحطاط و انتهای سبب تحلیل است
ص گل خطمی سفید گل نیلوفر برگ خطمی تازه جو مقشر نیکوفته سبوس گندم تخم خربزه نیکوفته
اکلیل الملک گل بابونه تخم خطمی برگ کرنب تازه عنب الثعلب تازه برگ کاسنی تازه برگ
بارتنگ تازه شلغم خشک یا تر بیخ برگ درسی یا چهل آثار آب بجوشانند تا مهرا شود پس
بدست بمالند صاف کرده در آب آن نیمگرم نشینند و از همین آب بمقدار رسا در اقداب به
توته دار گرفته از مکان دو موضع علت تطول نمایند و در ایام انحطاط تخم کتان و حلبه
سلق و شبت نیز افزایند و بعد برآمدن آبزن روغن حنا یا روغن شبت بشرط عدم
موانع تدهین کنند آبزن دیگر که اورام کلیه و مثانه را سود دهد بابونه تخم کتان
سبوس گندم همه را در آب بجوشانند و روغن کنجد آمیخته آبزن کنند آبزن که اورام
کلیه و مثانه را سودمند بود ص لعاب بزر کتان لعاب حلبه لعاب تخم مرو نیکوفته آبزن
کنند آبزن که سنگ مثانه را پاک کند و عسر البول را دفع کند مفید بود ص بابونه
اکلیل الملک گل سرخ گل خطمی خشک هر یک ده درم پوست خربزه خشک تخم قلت نیکوفته
پرسیاوشان هر یک هفت درم اشنان بیخ سوسن نیکوفته پوست بیخ بادیان هر یک
پنج درم کاکنج حلبه هر یک چهار درم قیصوم بنفشه هر یک سه درم دوقو برگ نیلوفر
هر یک دو مثقال همه را در ده من آب بجوشانند تا پنج من بماند در طشتی بریزند و در آن
نشینند و چون از آب بیرون آید دو سه قطره روغن عقرب در احلیل چکانند آبزن که

بول الدم کلو باشد دارد صص برگ مورد تر تازه و گلنار جوز السرو پوست انار گل سرخ
جوشانیده در آن نشینند آبزن که ورم حار و بارد کلیه را سود دهد صص اکلیل الملک
بابونه سبوس گندم کشنک جو نیمکوفته جوشانیده آبزن نمایند آبزن که سرعت انزال
که بسبب تیزی حدت منی بود سودمند است صص برگ مورد گلنار گل سماق ثمرة الطرفا
لحیة التیس پوست انار جوشیده آبزن نمایند آبزن که سنگ گرده و مثانه را
سود دهد صص بابونه درمنه ترکی تمام مرزنجوش برگ کرنب سرگین کبوتر بچه مساوی
همه جوشیده در ان نشانند و ثفل آنرا بر عانه و حوالی ناف نهند آبزن که بجرح
مقعد نفع دهد صص عدس مقشر گل سرخ پوست انار جفت بلوط جوشانیده صاف کرده
در آن نشینند و ثفل آنرا گرفته با روغن گل در هم آمیخته ضماد نمایند ایضاً آهن پاره
که زنگار گرفته باشد یک شبانه روز بشراب خیسانیده یک ساعت در ان نشینند و
بعده روغن زرد آلو یا شفتالو یا روغن بیضه قرص ورد سوخته بر ان پاشند
آبزن که خروج مقعد و رحم را مفید است صص گلنار جفت بلوط مازو ورق آس بقدر
حاجت بجوشانند و در ان نشینند آبزن که نافع است بدرد بواسیر و قرحه آن صص
برگ خرفه برگ خبازی برگ خطمی برگ بنفشه برگ بارتنگ هر یک یک دسته در بیست
رطل آب بجوشانند و در ظرف کلان عمیق شب گرم بنشانند آبزن که ادرار طمث
کند صص نعناع خشک سداب اشکطرا شیح فنطریون سنبل الطیب مرزنجوش
ابهل هر یک بست درم کوفتنی را نیمکوفته در آب جوشانیده تا ناف بنشینند آبزن
مدر حیض صص مرسلیخه مرزنجوش پودینه اذخر قسط اکلیل الملک شونیز کرنب
سداب فودنج کرفس حاشا بنجاسف قردمانا هر یک جزوی بپزند و در آن نشانند
آبزن که حابس حیض بلیغ است صص جوز السرو ثمرة الطرفا پوست انار نیمکوفته

نیم کوفته گلنار هر یک پنج درم گل سرخ برگ مورد هر یک ده درم در ده من آب جوشانیده
تا پنج من بماند در طشتی بریزند و در آن نشینند و بر پشت زهار همین آب را چند مرتبه
بریزند و حجامت بی شرط زیر پستان کنند که تا جذب ماده بدان طرف کند لیکن
پیش ازین آبزن قرص کهربا و رب مورد خورده باشند آبزن که معاونت
حمل کند و فرزند را باحتیاط تمام نگهدارد مازو پوست انار هر یک سه درم برگ مورد
خشک چهار درم گلنار گزمازج هر یک پنج درم گل سرخ هر یک هفت درم در ده من
آب بجوشانند تا نصف بماند پس صاف نموده در طشتی کرده بیمار را در آن نشانند
آبزن که بجهت زنان حامله که حیض بینند و عادت ایشان باشد سودمند است
صص عدس پوست انار گلنار مازو جفت بلوط در آب بپزند در آن نشیند آبزن
قابض حیض که اگر در شبی و سن جوان رفته باشد آنرا نافع است صص اول قرص کهربا
و رب مورد بخورند بعد از آن بگیرند ثمرة الطرفا جوز السرو پوست انار نیم کوفته هر
سه درم شب یمانی مازو نیم کوفته گلنار هر یک پنج درم گل سرخ برگ مورد هر یک ده درم
در ده من آب بجوشانند تا پنج من بماند در طشتی ریزند و در آن نشینند و بر پشت زهار
چند مرتبه ریزند و همین آب را چند مرتبه تکرار کنند و حجامت بی شرط زیر پستان بکار
برند آبزن که چون خصیه برآمده و مراق بالا رفته باشد در آنوقت بکار برند
صص بابونه مرزنجوش حاشا تمام زوفا خشک عنب الثعلب برگ زیتون اکلیل الملک
تخم کتان جوشانیده روغن قسط روغن باردین داخل کرده در طشتی کنند و مریض را
در آب بنشانند و دیگر با آفتابه نطول بر پشت زهار کنند و از اعلی باسفل بمالند آبزن
که سنگ گرده و مثانه را با بول برآرد صص بابونه اکلیل الملک خطمی گوکهرو خشخاش
پرسیاوشان تخم قلت هر یک چهار درم بنفشه بنجاسف هر یک دو درم در ده من آب

بجوشانند و درمیان حمام در این آب بنشینند و وقت برآمدن از حمام دو قطره روغن
عقرب در احلیل چکانند **فصل دوم در ابتنه** ابتنه جهت مرکی ص سرسون زرد
بیخ مهک تخم کرنجوه دیودار مجیٹهه ترپهله گهوهه مرسند هی بیخ پیپل پهول برنگه
پوست سرس هلد دار هلد کوفته بیخته در بول گوسفند سرخ رنگ یا سیاه رنگ یا در بول گوسا
یک رنگ تر کرده بر اندام بمالند ابتنه جهت دور کردن نشان آبله و روشن کردن
رخساره از مجربات حکیم گیلانی ص آرد جو استخوان پوسیده بیخ نی آرد تخم
مغز تخم خربزه حب البان قسط شیرین کوفته بیخته بطلا با تخم کتان سرشته طلا کنند
وصبح بآبی که بابونه و بنفشه در ان جوش داده باشند بشویند ابتنه جهت مهاسه که
ایام جوانی بر روی پدید آید ص برگ نیم بیخ سوسن پوست سرس باهم سائیده
طلا نمایند ایضاً مغز گهوبچی سفید نمک سنگ سائیده شب بر روی بمالند و صباح
بشویند ابتنه مجرب جهت مهاسه ص زراوند مدحرج تخم ترب هر یک یکتوله اهلیل
یک توله افسنتین نیم توله بیخ سوسن آسمانگونی نیم توله کوفته بیخته با آب قرص سازند
و بآب سوده بر روی بمالند ابتنه جهت مهاسه ص کف دریا یک جزو بادام تلخ
مقشر دو جزو هر دو را نرم کوبیده هر شب بمالند وصبح از آب گرم بشویند ابتنه
جهت کلف و برش و نمش ازاله کند و رنگ را جلا دهد و روشن کند و آزموده است
ص سرشف زرد کلان نبات درم و در نیم رطل شیر گاو بآتش ملایم بجوشانند
تا تمام شیر در خورد پس سرشف را خشک کنند و بسایند و نگهدارند و وقت حاجت
قدری در آب حل کرده بر رو بمالند و ساعتی نگهدارند پس همچنین خشک مالیده دو
کنند بکر بعمل آرند و اگر خواهند با آب فاتر بشویند و اگر در آب سبوس گندم جوش
داده بشویند بهتر باشد ابتنه جهت کلف ص تخم ترب تخم خربزه آرد باقلا نسیمه

بس که تر کرده مغز بادام اکلیل الملک کتیرا برابر کوفته بشیر میش آمیخته کلف
بمالند ابتثه جهت کلف و روشن کردن رنگ رخساره ص بیخ بنفشه یمنی
سفید نیم پاو حسن یوسف مغز تخم تربوز انزروت سفید مغز تخم خیار رشکوک مروارید
مغز تخم خربزه هر واحد سه دام کف دریا نیم پاو فوفل ... ند یکدام خیر بوا یکدام
کوفته باریک سائیده در گلاب محلول ساخته قدری روغن چنبیلی مخلوط کرده
استعمال نمایند باب سیوم در ارگجه یا ارگجه که در ساعت میشود و بهتر
نسخه ها است ص عنبر عود غرقی مشک عود غرقی را با گلاب سائیده آن را داده
رالعه سحق بلیغ با آن مخلوط کرده استعمال نمایند ارگجه دیگر که بسیار تحفه است
ص صندل سفید یک تولہ با وبالا نکهه یکماشه کهیله یکماشه بیخ بنفشه یکماشه چوبه
قسم اول دو ماشه کافور یکرقی اگر غرقی سه ماشه شلاخ سنبل یکماشه تیل چنبیلی علی
پاو دام مشک دو ماشه عنبر اشهب عود هر یک دو ماشه عرق بهار پاو سیر گلاب
یک شیشه چوترمی سه سرخ الائچی سه سرخ ارگجه جهت تقویت رحم و خوشبو
کردن و تحلیل اورام و تفتیح سده و سیلان اکثر امراض رحم را مفید ص قرنفل
دارچینی گل سرخ هر یک یکجزو سنبل الطیب با سه عود غرقی هر یک نیم جزو اظفار الطیب
یک نیم جزو کوفته باریک سائیده با ده وزن آن جزا گلاب سه روز خیسانیده آن
سه روز در آب جوشانند تا به ربع رسد بهم وزن دویه ازین آب اضافه کرده با آتش
ملایم بهم را بجوشانند تا بربع رسد صاف نموده بوزن آن روغن بان مخلوط کرده در
شیشه نموده یکهفته در سرکین اسپ دفن کنند تا غلیظ شود مثل عسل پس بکار برند از آن
با یک حبه مشک و یکجزو عنبر ممزوج نموده بکار برند باب چهارم در اغبیابی
لولوی جهت قروح عین مفید است ص صدف سوخته مروارید ناسفته اقلیمیا

ذهبی اقلیمیای فضی هر یکی یکدرم و نیم توتیه سرمه هر یکی سه درم کوفته بیخته صلایه کرده
اکتحال نمایند اغبره ساده که تقویت چشم و تحدید بصر کند و جرب و سبل و شترناق و قروح
چشم را مفید بود صفت توتیای کرمانی پرورده بآب باران مغسول بدان صدف سوخته
هر یکی ده درم شکر طبرزد سفید پنج درم همه را صلایه کرده مثل غبار ساخته در سرمه
دان نگهدارند باب پنجم در اطریفلات اطریفل اسطوخودوس مالیخولیا و صرع و

باب ۵

امراض بلغمی و سوداوی را سود دهد و دماغ و معده را از اخلاط غلیظ پاک کند و برص و
بهق را نافع است و مداومت آن مانع سفید شدن موی و دافع رطوبات صفت پوست هلیله
زرد پوست هلیله کابلی پوست هلیله سیاه پوست بلیله اسطوخودوس آمله منقی سنا
مکی تربد سفید بسفایج فستقی مصطکی افتیمون کشمش مویز از هر یک پنج مثقال کوفته و
بیخته به بست و پنج مثقال روغن بادام چرب نموده بعسل مصفی سه وزن ادویه بسرشند
بعد از چهل روز استعمال نمایند شربتی قدر خوراک چهار مثقال اطریفل اسطوخودوس
مفید به نسیان بارد و مقوی دماغ بارد است و حافظه را قوت میدهد صفت عاقرقرحا
قرنفل پودینه دشتی از هر یک نیم مثقال عود صلیب زنجبیل اسارون شامی گل بابونه اذخر
مکی دارچینی فلفل بسباسه مصطکی کندر دارفلفل از هر یک سه مثقال پوست هلیله زرد
پوست هلیله کابلی پوست بلیله قسط ترکی اسطوخودوس سعد کوفی بادرنجبویه از هر یک
پنج مثقال هلیله سیاه آمله مقشر پوست بلیله از هر یک ده مثقال مویز منقی گلقند کهنه از
هر یک نود مثقال عسل سفید یکصد و هفتاد مثقال مویز را خسته دور کرده شب
در عرق عود قماری نیم رطل و عرق گل مشکی که گل سیوتی را میگویند نیم رطل عرق صعتر
نیم رطل عرق اذخر نیم رطل عرق بیاز نیم رطل عرق فرنجمشک نیم رطل بخیسانند صبحی
با گلقند در دیگ بجوشانند تا مهرا شود فرود آورده بگذارند تا سرد شود بقوام

بقوام آورده پس ادویه کوفته بیخته به روغن بادام چرب کرده با آن بسرشند و بعد چهل روز
استعمال نمایند شربت دو مثقال اطریفل افتیمون ص نمک هندی دو درم
غاریقون نر م تربد سفید هر یک پنجدرم پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست
هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر اسطوخودوس بسفایج فستقی تربد سفید هر یک
هفت درم ایارج فیقرا ده درم کوفته بیخته به روغن بادام شیرین چرب کرده بعسل سه
چند بسرشند شربتی سه درم یا پنجدرم اطریفل افتیمون نافع مالیخولیا و جمیع
امراض سوداوی تنقیه دماغ و خون امراض بارده دماغی مینماید قدر شربت از دو
مثقال تا پنجدرم ص هلیله کابلی آمله مقشر بلیله هر یک دو مثقال تربد سفید پنجمثقال
افتیمون سنا مکی هر یک پنج مثقال شیطرج بسفایج اسطوخودوس گل سرخ هر واحد سه
مثقال انیسون نمک هندی هر یک دو مثقال روغن بادام یک توله عسل سه وزن
ادویه بدستور بسرشند اطریفل جهت بهق و برص و نمش نافع است ص پوست
هلیله کابلی بلیله آمله منقی افتیمون لاجی هر واحد پنجدرم عاقرقرحا شیطرج هندی
هر واحد دو درم دارفلفل قرفه هر واحد چهار درم اجزا را کوفته بیخته با سه حصه
عسل خالص آمیخته بسرشند شربتی از دو درم تا سه درم از مجربات حکیم علی اطریفل
مسهل جهت برص و بهق و جذام و داء الفیل وغیره امراض بلغمی ص انیسون یکدرم
هلیله کابلی بلیله آمله منقی افتیمون غاریقون صبر سقوطری ایارج فیقرا شاهتره هر یک
دو درم حاشا سه درم سقمونیا بی مشوی اسطوخودوس هر یک پنجدرم بسفایج سنا
مکی هر یک هفت درم تربد سفید پانزده درم با عسل معجون کنند مقدار شربت از
پنجدرم تا پنجمثقال اطریفل خبث الحدید تقویت دماغ و اصلاح سودا کند بنفع معده
و [illegible] بواسیر و برص و بهق را سود دهند ص نوشادر نیم درم دارچینی دو درم سنبل

حماماہیل قرنفل ہریک سہ درم فلفل سفید فلفل سیاہ نارمشک بلیلہ ہندی ہریک نیم
اوقیہ پوست ہلیلہ کابلی پوست بلیلہ آملہ مقشر تخم کرفس جبلی ہریک شش درم خردل
یک اوقیہ کوفتہ بیختہ بروغن بادام چرب کردہ با عسل سہ وزن ادویہ لبسرشند
منقول از تحفۃ المومنین اطریفل دیگر جہت طنین گوش و تقویت معدہ نافع است ودیگر فواید
بسیار دارد صں دارفلفل فلفل دراز دارہیل ہریک پانزدہ ماشہ آہن کشتہ یک نیم
دام تخم کشنیز مقشر سہ دام آملہ مقشر شش دام دارچینی پانزدہ دام اصل السوس
مقشر سہ دام سنا و سہ دام بلیلہ کابلی سہ دام طباشیر سفید پانزدہ ماشہ نمک
لاہوری پانزدہ ماشہ نبات یک پا و عسل مصفی یک پاؤ سیر ہمہ ادویہ را بروغن گاو
چرب نمودہ و برای گرمی ہوا بجای یک سیر شہد نبات باید انداخت و بجای نبات
یک پاؤ شہد اندازند اطریفل دیدان کرم ہای خورد و بزرگ و حب القرع را بکشد
صں برنگ کابلی پوست ہلیلہ کابلی پوست بلیلہ آملہ منقی ہریک دہ درم تربد
سوصوف سفید حب النیل قسط تلخ ہریک شش درم قنبیل ترمس افسنتین رومی ترمند
افتیمون شامی نمک نفطی خردل تخم حنظل سعد کوفی راسن ہریک سہ درم کوفتہ
بیختہ بروغن چرب کردہ با دو مقدار عسل مصفی یا زیادہ لبسرشند شربتی از دو
مثقال تا چہار مثقال اطریفل بافی جہت اقسام مالیخولیا خصوصا مراقی و قولنج
نافع و اخراج اخلاط ثلاثہ و تنقیہ معدہ و دماغ کند و مانع صعود ابخرہ و مدا است و
نزلہ را قاطع است و بجمیع امزجہ موافق و قوت آن تا دو سال باقی است و شربت آن
جہت اسہال چہار مثقال تا شش مثقال و برای مداومت ہر روز یکمثقال تا دو
مثقال کافی است و این اطریفل از مولفات صاحب تحفۃ المومنین است کہ بنام پدر خود
منسوب کردہ صں صندل سفید کتیرا ہریک سہ مثقال پوست بلیلہ آملہ مقشر کل

کل سرخ طباشیر کل نیلوفر هر یک پنج مثقال پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه
کل بنفشه تخم کدو دوشوی هر یک ده درم تربد مجوف کشنیز خشک هر یک بیست مثقال
روغن بادام شیرین سی مثقال ادویه کوفته بیخته بروغن شیرین چرب کرده کل بنفشه
بار دگر ده مثقال عناب سپستان هر یک صد عدد جوشانده صاف نموده با یک
وزن عسل کف گرفته و یکنیم وزن شیره مربای هلیله بقوام آرند و ادویه دیگر
بسرشند اطریفل سناکی مجرب برای حکه و سعفه ص ریوند چینی پنج مثقال پوست
هلیله آمله منقی سناکی هر یک ده مثقال پوست هلیله زرد پانزده مثقال کوفته
بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده با عسل مصفی سه وزن ادویه معجون سازند
اطریفل شاهتره جهت حکه و جرب و سعفه نافع است و آبله آفرنگ را نیز زایل کند
ص کل سرخ شش درم سناکی ده درم پوست هلیله آمله منقی هر یک بیست درم
هلیله کابلی سی درم شاهتره پنجاه درم کوفته بیخته با مویز مدقوق بسرشند دیگر
ریوند چینی چوب کادی یعنی کنده هر یک دو درم هلیله سیاه آمله سناکی هر یک ده درم
هلیله کابلی شاهتره هر یک سی درم هلیله زرد چهل درم کوفته بیخته بروغن
بادام چرب کرده با کشمش مدقوق بسرشند شربتی از دو درم تا چهار درم با
طبیخ عناب اطریفل شاهتره بسباسه افتیمون مصطکی رازیانه هر یک یک درم
تخم کشنیز خشک کل سرخ بنفشه هر یک دو درم و نیم تخم کاسنی سه درم هلیله زرد
هلیله کابلی هلیله آمله تربد مجوف هر یک ده درم روغن بادام یا روغن کنجد
دو سنا شاهتره بیست درم عسل قدر حاجت شربتی دو مثقال دیگر که خارش
و سعفه را سود دارد ص هلیله زرد چهل درم هلیله کابلی سی درم هلیله آمله منقی
هر واحد بیست درم سناکی بیست درم شاهتره سی درم ریوند چینی دو درم

کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده به کشمش بسرشند شربتی چهار درم تا پنج درم
اطریفل که عرق مدنی را نفع دارد و مسهل و قالع ماده این علت است هر که ده
روز متواتر بخورد از علت سالم ماند صفت پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقی
تربد موصوف زنجبیل قنبیل جمله برابر کوفته بیخته بروغن بادام چرب نموده بعسل
بسرشند شربتی سه درم اطریفل صغیر جهت تقویت دماغ و حواس و منع
بخار صعودی بدماغ و رفع نسیان و تصفیه ذهن و لون نافع و باسترخای معده و
بواسیر نیز مفید است صفت پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست بلیله هلیله سیاه
آمله مقشر مساوی کوفته بیخته با روغن بادام چرب کرده با عسل یا قند مقوم یا
مویز یا کشمش به قوق بسرشند مقدار شربتی اگر دو چند باشد فعل دوا کامل تر و
اگر سه چند باشد قلیل الساعه میشود و آنچه با مویز ساخته میشود به تقویت جگر مخصوص
است اطریفل زعفرانی جهت تقویت دماغ و صداع حار و منع بخار و صدر و مراق
مجرب است صفت کافور قیصوری زعفران بادام شیرین ترنج کشنیز پوست هلیله
پوست هلیله کابلی هلیله سیاه و بلیله آمله منقی نبات سفید یک چند ادویه عسل مصفی
دو چند اطریفل معروف اطریفل سازند اطریفل کشنیز جهت سرعت انزال و کشادگی
مجرای بول و بینی مجرب است صفت پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست بلیله آمله منقی
هر یک دو درم کشنیز خشک چهار درم کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده
کشمش دوازده درم نبات بست و چهار درم بقوام آرند شربتی سه درم اطریفل
مقل جهت قطره خون بواسیر مجرب است صفت پوست هلیله کابلی پوست بلیله
آمله منقی از هر یک دو مثقال کهربا شمعی لسبد سوخته هر یک نیم مثقال زاج سفید
نانخواه هر یک دو مثقال مقل ازرق بست مثقال مقل را در آب کنند تا یا سیر حل

حلکرده باقی ادویه کوفته بیخته با هفتاد مثقال عسل سفید بقوام آورند و معجون سازند
شربتی دو مثقال اطریفل کشنیزی تالیف ناچیز در دفع خفقان حار و منع بخارات صاعد
از معده و مراق و تقویت معده و دل نافع و مجرب است صص پوست هلیله زرد پوست
هلیله کابلی هلیله سیاه آمله منقی غنچه گل سرخ تخم خشخاش سفید گل گاوزبان از هر
واحد دو توله تخم کشنیز مقشر برابر اجزا هلیلجات را کوفته بیخته بروغن بادام چرب
کرده با قند سفید دو چند و ترنجبین یک چند بقوام آورده مشک و زعفران یک یک ماشه
حلکرده بیامیزند و بقدر سه ماشه یا یکتوله با عرق گاوزبان اکثر آخر نهار و گاهی
اول نهار تناول نمایند اطریفل کشنیزی متعارف جهت تبخر و رطوبت معده و هضم
طعام و منع صعود بخارات معده بدماغ و تقویت و تسخین معده و احشا و مثانه و حواس
تصفیه خون و حدت فهم و ذکا و تقویت اعصاب و اعانت باه و رفع نسیان و بلادت
و جمیع علل بارده رطبه دماغی و سرعت پیری و رفع بواسیر ریحی و تحسین لون و تسمین
بدن نافع است و به محرور المزاج مناسب نیست و بجز سرما نتوان استعمال کرد مگر
بضرورت صص شقاقل زنجبیل تودری لسان العصافیر بهمنین جب فلفل کنجد مقشر
شکر طبرزد خشخاش سفید هر یک دو درم پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلیله
آمله مقشر فلفل دارفلفل هر یک شش درم بکوبند و بروغن بادام یا روغن
گاو که چهارم حصه ادویه باشد چرب کرده در سه چند آن عسل منزوع الرغوه بسرشند
و بعد سه ماه استعمال کنند و قوتش تا سه سال باقیست اطریفل کشنیزی عنبری صداع
و دوار و خفقان حار را نافع و مجرب است صص پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی
پوست هلیله سیاه پوست بلیله پوست آمله از هر یک ده درم تخم کشنیز بریان
روغن بادام شیرین دو درم مشک یکماشه کافور سه ماشه زعفران خوشبو دو ماشه

شهد و چند باشد یکی چند گلاب چهار شیشه علی الرسم بقوام آرند اطریفل مقل جهت
بواسیر عظیم النفع است صص مقل سی درم پوست هلیله زرد آمله پوست بلیله هر یک ده درم
مقل را در آب کنند تا حل نمایند و شصت مثقال عسل اضافه کرده بقوام آرند ادویه دیگر
کوفته بیخته بآن بسرشند اطریفل مقل ملین جهت بواسیر گرم است در وسط درجه
دوم و خشک در اول درجه سوم طبیعت را نرم کند و بواسیر را سود دهد صص پوست
هلیله کابلی پوست بلیله هلیله سیاه آمله مقشر سطوخودوس افتیمون از هر یک دو درم
و در بعضی نسخها بسفایج هم ده درم داخل است فلوس خیارشنبر مقل هر یک سی درم
مقل و خیارشنبر را در آب حل کرده بعسل بقوام آرند و ادویه کوفته بیخته بروغن بادام
چرب کرده بدان بسرشند اطریفل فولادی که بطریق حلوا ساخته میشود برای
صداع و شقیقه و درد و اکثر امراض چشم و سبل و نزول الماء مفید است صص زنگ
سنگ سوده منقی فلفل دراز نکند یکدام پوست هلیله زرد فولاد کشته یکد دو دام
سنا دو سه دام اصل السوس چهار دام آمله منقی نیم پاو روغن گاو و نبات مصری
شهد خالص از هر واحد بیست و هفت دام بطریق حلوا ساخته نگهدارند قدر خوراک
یکدام صبح و یکدام شب وقت خواب بخورند اطریفل که وسواس مالیخولیا را مفید است
صص مصطکی سنبل جوزبوا از هر یک دو درم تخم کرفس انیسون از هر یک سه درم گاوزبان
فرنجمشک حجر لاجورد حجر ارمنی مغسول بادرنجبویه هر یک چهار درم افسنتین سنا مکی
شیطرج افتیمون بسفایج تربد مجوف سطوخودوس از هر یک پنج درم پوست هلیله
کابلی پوست بلیله آمله مقشر هر یک ده درم کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده
با عسل مصفی یا مویز منقی بسرشند اطریفل معمول برای اقسام مالیخولیا پوست
هلیله کابلی پوست هلیله زرد و هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک چهار درم ابریشم

ابریشم مقرض سه درم شاهتره دو درم گل گاوزبان بادرنجبویه هر یک یکدرم برگ
سنا مکی بست و چهار درم اسطوخودوس بسفایج فستقی هر یک یکدرم مصطگی نیم
دو درم لاجورد مغسول دو درم کشمش خشک بست و چهار درم عسل صاف سه وزن
سنا مکی را در آب بجوشانند و با عسل بقوام آرند و ادویه دیگر کوفته بیخته بروغن
چرب کرده اطریفل سازند قدر خوراک یک توله اطریفل که همیشه معمول حکیم شاه
محمد اکبرآبادی مرحوم بوده نافع اقسام جنون مصلح فساد خون و رفع نزله و فضول
و نافع بخار معده و اعضا دیگر ص قرفه شاهتره الایچی خورد سلیخه مصطگی هر یک
سه و نیم ماشه گل سرخ اصل السوس هر یک نه ماشه بلیله سیاه پوست بلیله آمله
هر یک یک و نیم توله پوست بلیله زرد تربد موصوف هر یک سه توله کوفته و بیخته بروغن
گاو چرب کرده با عسل نیم سیر عالمگیری بقوام گرفته لبسرشند قدر خوراک یکتوله
یا دو توله باب ششم در انوشدارو و این باب مشتمل است بر دو فصل فصل
اول در انوشدارو های ساده قابض و غیر قابض انوشدارو ساده ص گلسرخ
دو توله دو ماشه سعد کوفی دو توله منحکه یک توله اسارون زعفران هر یک یکتوله
دانه هیل خورد دانه هیل کلان هر یک دو و نیم ماشه جوزبویه نه ماشه مصطگی رومی
یک توله بسباسه قرفه سنبل زرنب هر یک نیم ماشه آمله سبز نیم سیر و چهار درم
آمله را در نیم سیر شیر یا دو گاو و یک شبانه روز تر کنند که رمقش دور شود بعد ازان
در غربال آهنی قلعی دار مالیده که مغزش بر آید و ثقلش دور کنند بعد ازان مغز آمله را با
در خریطه کرباس انداخته بیاویزند که آب برود و چکه نماند بعد ازان دو اثار قند را با
بقوام آورده چکه آمله را در عین جوشش داخل قند کنند و کفچه زنند تا بقوام آید بعد ازان
زده و ادویه کوبیده اندک اندک بیخته بهم زنند تا معجون شود دیگر ص گلسرخ

کشنیز خشک درم سعد پنجدرم قرنفل سه درم مصطکی سنبل اسارون هریک سه درم فوفل
زرنب زعفران قاقله کبابه هیل دانه جوز بوا بسباسه دارچینی هریک دو درم آمله
مقشر یک رطل در نه رطل آب بجوشانند که سه رطل بماند نیک دست مالیده صاف نمایند
و با دو رطل قانید بقوام آرند و داروها نرم کوبیده بدان بسرشند اگر قانید نباشد
یک رطل قند و یک رطل عسل بدان کنند و اگر آمله را نیم رطل کنند خوشمزه تر شود و مراد
از رطل تخمینا بست و چهار توله است و از درم سه و نیم ماشه انوشدارو بنا
قلیل الاجزا سهل التیسیر و معمول حقیر نافع بمنفعت کثیر صص آمله ده توله در شیر بز روز
پارچه پیزر کرده بگلاب نیم سیر قند سفید یکرطل بقوام آورده سنبل الطیب گل سرخ
هریک نیم توله سعد کوفی جدوار بسفایج اصیل مصطکی دانه الایچی خورد هریک سه و نیم
ماشه طباشیر سفید پوست ترنج هریک چهار و نیم ماشه تخم کاسنی تخم خرفه زرشک منقی
کوفته بیخته با مشک یک ماشه شیره زرشک در قدری گلاب برآورده داخل نمایند و اگر خواهند
قدری عنبر و زعفران هم بیفزایند و این نسخه در تقویت معده و جگر مفید است فصل
دوم در انوشدارو های لولوی قابض و غیر قابض انوشدارو لولو منقول از
حکیم علی گیلانی که جهت خفقان حار نافع و موافق صفراوی مزاج است و نشاط آورد
و مقوی قلب و رنگ رو را نیکو کند و مقوی معده است صص گل سرخ سعد کوفی هریک
پنجدرم قرنفل زرنب مصطکی اسارون تخم خرفه زعفران هریک سه درم هیل دانه
بسباسه جوز بوا قرفه سنبل الطیب تخم کاسنی صندل سفید مروارید ناسفته
طباشیر گاوزبان مشک هریک دو درم ورق نقره یکدرم آمله یک سیر جهانگیری
قند سفید یک سیر عسل سفید یک سیر در بعضی نسخه فرنجمشک دو ماشه نیلوفر ابریشم
قاقله هریک سه درم اضافه کنند آمله را یک شبانه روز در پنج سیر شیر ماده گاو

کاو خیسانیده و پس بکرار بشویند و بعد از ان در هشت سیر آب بجوشانند تا سه حصه شود و پس از
پارچه گذرانیده آب آن بگیرند چنانچه جرم آن اصلا نگذرد و بعد از ان آب با العسل و
قند بقوام آورند اجزا را کوفته بیخته در آن بخیزند معجون سازند شربتی یک توله دیگر
منقول از تحفه معمول جهت تقویت معده و برانگیختن اشتها و تقویت اعضای رئیسه
و بدن و ازاله نقاهت مجرب ص یاقوت ریوند اسارون سعد عود هندی اذخر
صندل سفید پوست ترنج ساذج هندی البسد یشب سبز تخم بادرنجبویه درونج
هیل زرشک بهدانه عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره هر یک دو مثقال طباشیر سفید
ابریشم مقرض مصطکی زعفران سنبل الطیب مروارید ناسفته کهربا گل سرخ
هر یک سه مثقال آمله نو دو مثقال آمله را شهد آلجیته یک وزن ادویه شکر سفید و مثل ان
عسل کف گرفته بسرشند انوشدار وی لولو جهت تقویت معده و قلب
ص عنبر اشهب یک مثقال سعد کوفی زرنب هیل اسارون رومی درونج عقربی
سنبل الطیب بهمنین قرنفل مروارید ناسفته ورق نقره هر یک سه مثقال ورق
گل سرخ تخم کشنیز هر یک پنج مثقال شیر آمله سی مثقال شربت فواکه چهل مثقال عسل
و قند سفید بالمناصفه سه وزن ادویه بعضی پوست بیرون پسته سه مثقال اضافه
کرده اند انوشدار و معتدل لولوی با نبات سدلانا جلال ص قرفه سنبل الطیب
جوز بوا زرنب بسباسه زعفران هر یک دو درم سعد کوفی قرنفل پوست بیرون
پسته قاقلین زرشک بهدانه مصطکی رومی اسارون تخم تونک تخم کاسنی
گل گاوزبان کشنیز خشک بریان طباشیر گل نیلوفر دواله هر یک سه درم گل سرخ
صندل سفید مقاصری سائیده هر یک شش درم مروارید ناسفته ساذج هندی
فرنجمشک هر یک دو درم شیر آمله یک رطل در نه رطل آب بجوشانند تا سه رطل آید

فرود آرند و صاف نمایند و با یکمن قند بقوام آرند و دارو ها را کوفته بیخته بسرشند و
قدری مشک اضافه کنند شربتی دو مثقال نوشدار وی لولو عجیب النفع
و با کثر امزجه موافق و بارها بتجربه در آمده و از تالیف ذره بیمقدار است و در اسهال
و غیر اسهال بعمل می آید ص شیره آمله منقی ده مثقال با قند سفید دو چند شربت
زرشک یکچند گلاب نیم سیر بقوام آورده عود هندی پوست بیرون پسته مصطگی
رومی هر یک سه نیم ماشه گل سرخ گاوزبان کبود پوست ترنج طباشیر سفید
کهربا شمعی ابریشم سفید هر یک چهار و نیم ماشه تخم خرفه مقشر هفت ماشه مروارید
ناسفته چهار و نیم ماشه صندل سفید بگلاب سوده سه نیم ماشه آب سماق آب لیمون
هر یک پنج دام عنبر اشهب پاو کم دو ماشه ورق نقره چهار و نیم ماشه بطریق معلوم
اضافه نمایند و در ظرف چینی نگهدارند سه درم تا چهار درم با بدرقه مناسب
بعمل آرند نوشدارو قابض ص سعد کوفی دو توله و نیم پوست بیرون پسته
زرشک بهدانه اسارون صندل سفید تخم خرفه گاوزبان گیلانی کشنیز خشک
طباشیر سفید قرنفل هر واحد یکنیم توله گل سرخ مصطکی هر یک سه توله دارچینی
سنبل الطیب زرنب قاقله صغار پسته مشک و زعفران عنبر اشهب کلنا فلنجا
اقاقیا هر یک توله صدف سائج قشر تخم خشک مغز بیل ال صمغ عربی نشاسته
دانه سوئیز هر یک پنج توله آمله منقی چهل توله بسد یکنیم توله جز بویه زراوند بسباسه
قاقله کبار هر یک دو ماشه عسل سفید یکنیم آثار گلاب خوشبوی یک شیشه نبات
سفید یکنیم آثار. باب هفتم در انکباب ها انکباب نافع لقوه امتلائیه بعد
تنقیه عامه و خاصه بعد استعمال غراغر و عطوسات جهت تحلیل و تلطیف بقایای
فضول دماغی و اعصاب مفترع و مخترع حکیم معتمد الملوک ص اکلیل الملک نیم

شیح ارمنی اجزا اطرفا ازبیخ وبرگ وشر برگ سداب قیصوم مرزنجوش مرماحوز عاقرقرحا
صعتر فارسی برگ غار حب الغار عشنه مغربی از هر یک کفی انجمه کوفته بهم را
در آفتابه سربسته بپزند تا مهرا شود جند بیدستر یک مثقال داخل کرده روغن یاسمین روغن
ناردین حل کرده سر در دون آن بخار بدارند و آب از انطول نمایند و ثفل از ابر موضع
علت ضماد نمایند دیگر از ابوسهیل مسیحی ص صعتر عاقرقرحا شیح ارمنی برگ غار
بابونه اکلیل الملک مرزنجوش جوشانیده سر بخار آن دارند انکباب نافع تجاذ
دینوی دیگر منتهی کرده و باصلاح آورده باشد ص برگ خبازی گشنیز سبز برگ
بنفشه اکلیل الملک عنب الثعلب هر واحد مساوی در قمقمه جوشانیده دهن را در محاذ
دود آن کشاده بدارند که بخار بحلق رسد و ورم تحلیل یابد دیگر در بیناب خصوصا
وقتیکه بعد تدهین رقبه بروغنی که در روغنها این باب نوشته شده بعمل آرند بقطع
کلی باشد ص ورق خبازی ورق بنفشه گل بنفشه جوشانیده بطریق معمول
بعمل آرند باب هشتم در ایارجها ایارج انطاکی به تشنج و صداع و درد سر کهنه
و قرحه سوداوی و ارتعاد و مفاصل نافع ص جعده سنبل زعفران دارچینی هر واحد
سه درم زراوند طویل قطر اسالیون فلفل سفید سکبینج جاوشیر هر یکی پنج درم کمادر
یوس فراسیون غاریقون اسطوخودوس هر یک ده درم شحم حنظل بیست درم عسل بقدر
کفایت به دستور معلوم ساخته بعد شش ماه بعمل آرند ایارج جالینوس نسخه این
نیز افیون منفعت با یارج لوغاذیا است که می آید ص هر سه فلفل مر دارچینی
زعفران جاوشیر سکبینج جندبیدستر قطر اسالیون زراوند مدحرج جنطیانا فربیون
هر یکی نصف درم افتیمون جعده مقل کمافیطوس فراسیون صبر سلیخه بسفایج تا
یک درم و نصف کمادریوس بصل الفار مشوی غاریقون سقمونیا خربق سیاه

اسطوخودوس افتیمون غاریقون هر یکی سه درم و یک دانگ شحم حنظل چهار دانگ در عسل بقدر کفایت شربت
شربت او مثل ایارج فیقرا است ایارج فیقرا نافع است صداع و سعفه و شقیقه و فالج و
لقوه و استرخاء زبان و ثقل آن و وجع مفاصل و تنقیه فضول دماغی و طبقات معده می کند و حل
قولنج و دفع قی قولنجی نماید و تعز بدان بعد اسهال در جلب رطوبات و زایل ساختن لقوه مفید
و بمرغ بروغن چرب کرده بشهد آلوده و با ایارج گردانیده در حلق در آوردن
بهیچ قوی باقی است و گویند بگرده ضرر دارد و مصلح او عناب است و گویند حق ایارج
آنست که در آب افتیمون حل کرده استعمال نمایند و نسخه ایارج فیقرا که بقراط تالیف کرده
مقدم بر تراکیب فیقرا است آنست مصطکی سنبل دارچینی سلیخه حب البلسان مصطکی
اسارون زعفران هر یک جزوی صبر سقوطری دو چند یا سه چند شربتی دو درم
بعسل و آب گرم وقت خواب در حالتی که معده ممتلی نبود و اطبا حسب تقاضای حاجت
و وقت تصرفها در این نسخه کرده اند چنانچه در صداع حار و غثیان و قی ورق گل سرخ
بدل زعفران نموده اند و نیز در حاجت شدید به تلطیف عوض اسارون کبابه مقرر کرده
و برای منع تسحج که لازم صبر است جهت غالیه او از امعا در ضمن کثیر الامعا افزودن
دارچینی را واجب دانسته اند و بعضی بهمین غرض مقل یک جزو داخل کرده اند و برای
تنقیه کبد عصاره غافث زیاده نموده اند و بعضی برای تلطیف خلط غلیظ قرنفل جوز بوا
بسباسه و جهت تنقیه دماغ از سودا اسطوخودوس مضاف ساخته اند و غیر آنها جهت
باخراج بلغم کثیر شحم حنظل ممزوج میسازند و ایارج شحم میخوانند و باید دانست
که ایارج بطی العمل است مگر آنکه با عسل ممزوج باشد و آنچه صبر او مغسول بود ضعیف
الاثر است اما بگرم مزاج مفید خاصه که بآب کاسنی مغسول باشد و طریق در ساختن ایارج
سه گونه است یکی آنچنان خشک مثل سفوف بدارند و قوت او زیاده تر به سه ماه نگاه

حرف البا مشتمل بر سه باب باب اول مشتمل بر دو فصل **فصل اول**
در بخورات که مقصود از ان تطییب و تفریح و تعطیر مجلس است بخوری که مجلس را معطر
سازد و دل و دماغ را قوت دهد ص صندل سفید یک مثقال عنبر اشهب دو مثقال
عود هندی نبات سفید هر یک پنج مثقال عود و صندل و عنبر را بکلاب سوده نبات کوفته
داخل کرده فتیله سازند وقت حاجت آتش بر ان نهند تا بتدریج بسوزد و در نسخه
بجای عنبر خصی لبان است بخوری دیگر کافور قیصوری هفت مثقال مشک خالص
ده مثقال عود غرقی خام پنجاه و پنج مثقال عنبر اشهب شصت و پنج مثقال از دو
کوفته بکلاب سرشته عجین کرده قطعهای کوچک ببرند و در سایه خشک کنند
و وقت حاجت بخور کنند بخوری که مسمی است به ند بفتح و تشدید دال و بفارسی کشته
میکویند و فایده دیر ماندن بوی خوش است با آتش و اکر در شمع کذارند تا دوام شمع
در مجلس رایحه آن باشد و کاهی در مجمرة النعل میسوزند و در فرش و ثیاب میکذارند
فرش و لباس معطر سازد و اهل البصره ازین قرصها میسازند و ببلیه می نامند مخترع
آن بحا شعره است برای بعضی خلفا بهر حال مقوی و ذکی فکر و مفرح ارواح و مقوی
قلب و محرک باه است و طریق ساختن انست که مشک و عنبر و مصطکی را در کلابی که
قدری صمغ در آن حل کرده باشند حل کنند و عود کوفته بیخته در آن آمیزند و خمیر کرده
فتیلهای رقیق بسازند و بکار برند **فصل دوم** در بخورات که با مراض
اعضا تعلق دارد و مقصود از ان تطییب و تعطیر نیست بخوری که تقویت ذهن
و دماغ و تزکیه حواس و ازالهٔ خفقان و غشی کند ص عود هندی قسط شیرین
صندل سفید جزو مشک کافور هر یک نیم جزو کوفته بیخته بکلاب سرشته
حبها سازند و بخور کنند دیگر صرع را سود دهد و باید که روز سیوم بدان بخور کنند

تبخیر کنند ص حاشا فودنج هر دو برابر در سرکه بپزند و نزدیک بینی دارند قطع خلا
کنند تجویز که بخاصیت ازاله طرفه کند ص سنگ آسیا با آتش خوب گرم کرده
و از آتش برآورده رباط و پاک کرده شراب چند بران پاشند و سطر و قت حشیشم بگشاید
بخار آن بگیرد تا وقتی سایل شود و طرفه در عمل یکبار یا دو بار زایل شود تجویز کرده
بنفشه با بوندکل سرخ برگ نیلوفر برگ بید تخم خطمی برگ خرفه جوشانیده و سر
بخار آن دارند و آب آن نطول نمایند دیگر حشیم را دفع کند ص صبر سقوطری
سداب صعتر در سرکه جوشانند و بخار آن در بینی دارند و از آب آن نیمگرم نطول
فرمایند دیگر جهت حشیم که از سده مسقات باشد نافع است ص زرنیخ احمر
شونیز فودنج جبلی فرادا و مجموعا بر آتش انداخته دود بگیرند دیگر که سده
بینی بکشاید ص باقلا بسرکه تر کنند و بر آتش انداخته دود بگیرند و شراب گرم کرده
همین حکم دارد و تبخیر صندل سفید و دخان در دیالبی و دخان ورق آس نیز
هر واحد مفید است دیگر جهت نقصان و بطلان شامه که سوء مزاج حار باشد
نافع است ص سنگی گرم کنند و سرکه بران پاشند و بخار آن به بینی رسانند
و تا دهی و تکرار نفع ظاهر میشود دیگر جهت نقصان و بطلان شم که از برد بود
نافع است ص سعتر سداب پودینه بسرکه جوشانیده بخار بگیرند دیگر که نافع
بسیلان انف و زکام که از گرمی باشد ص کافور ربع درم نخاله دقیق جوار
دقیق شعیر دقیق باقلا صندل سفید ورد بنفشه خشک ثمر طرفه هر یک نیم درم
کوفته در خل ثقیف بخیسانند و خشک کرده بگلاب سبند قرصها سازند و وقت حاجت بخار
بگیرند تجویز دیگر جهت حبس میکنند زکام را تبخیر بلادن هم نافع است بر زکام
و دار چینی نافع است بر زکام رطب و تبخیر بسکر قطع میکند زکام را و تبخیر بسفند رو

سفید سکنه نوازل را و استنشاق نه و فادر طب بابونه نافع میکند نزلات عظیمه دیگر
جهت سده منخرین و جاری شدن فضول در زکام صفراوی ص قرطاس مصری
عنبر اشهب کشنیز خشک بر آتش ریخته دود آن بگیرند دیگر جهت زکام و سودا
ص سنبل الطیب سندروس نبات سفید قرطاس مصری کشنیز خشک عنبر اشهب
دیگر جهت تفتیح سده منخرین در زکام بلغمی ص شکر سرخ کاغذ خطایی نوشته کهنه
هلیله بارچه سوخته سندروس سنبل الطیب مجموعه را یکجا کرده بر آتش اخگر ریخته
بخار دود آن بگیرند دیگر مفتح سده منخرین در زکام سوداوی ص شکر
طبرزد مصطکی سندروس مجموعه را یکجا کرده بخور نمایند دیگر که کرم دندان را
بسیار نافع است ص بگیرند چوب درخت خرزهره تازه و درانبوبه قصب کنند
و یک سر آن چوب بیرون گذارند و در آتش دارند سر انبوبه قصب را که طرف دوم
است بر نفس دارند تا دود برسد بخور که در دندان نفع کند و کرم آن را
بکشد و برآرد ص تخم گندنا کوفته بقطران ممزوج کرده بر آتش اندازند و به
طریق معلوم دود بگیرند دیگر که کرم دندان را بکشد ص تخم گندنا تخم پیاز تخم
بذر البنج مساوی کوفته با پیه بز و موم سرشته بر آتش گذاشته دود آن به دندان
رسانند دیگر بول بسته کودکان بکشاید ص گندم سرشته موی گربه سیاه
گربه بر آتش بسوزند که دود به بینی رسد دیگر که در سهولت حبل و تسهیل ولادت
عجیب است ص حنظل ازرق مرا اهل با پیه کوفته بیخته با دق سازند و تبخیر
کنند اگر لادن در تحت آن بخور کنند همین نفع دهد بخور که در اخراج جنین حی و میت
نافع است ص سرگین اسب در زیر رحم بسوزند و بخور پوست انار شیرین نفع
دارد بخور مجرب جهت عقر ص دارشیشعان هشتم ارشب سداب خشک با به

باب سویه کوفته بیخته با موم قرصها سازند و تبخیر کنند بخور ر درد بواسیر و آماس و خارش
آن سودمند است ص مثقل استخوان ماهی بیخ بادنجان بیخ کنیر کوهان شتر همه را
بر آتش نهند و بخور سازند بخور ر بجهت بواسیر بسیار مجرب است ص برگ قنب را
در شیر گاو پزند تا مهرا شود پس اول بخار آن بگیرند و برگ قنب را سائیده بر مخرج
ببندند بخور ر بجهت وجع بواسیر بیخی و مکیا مجرب است کمال الدین حسین شیرازی
ص پوست مار که مسلوخ باشد جرم قیل سوهان کرده مثقل ازرق بیخ کنیر سفید
پوست تخم مرغ پوست انار شیرین اقماع بادنجان فرفیون شاخ گوزن شاخ گاو خر ازطرز [?]
خشک سر موی آدمی خار خسک پنبه دانه مجموع را بکوبند و قدری بر آتش افکر نهاده
بخور بگیرند بخور ر که در دو باسور بنشاند خوب کلان تخم گشنیز خشک با سویه در
ظرفی بسوزند و دود آن بمقعد رسانند بخور ر که حبس خون بواسیر کند ص انزروت
راتینج پوست خرنوب مازو اجزا را برابر کوفته بیخته اقراص سازند و بر آتش پشکل شتر
دود کنند بخور ر بجهت بواسیر نفع تمام بخشد ص کدو را بدفعات بر سر آتش که از
پشکل شتر باشد انداخته دود بگیرند بخور ر که تبخیر به دان مجفف جدری است اگر ما [?]
باشد ص صندل کلسرخ برگ مورد بسوزند و اگر سرما بود برگ طرفه سوزند
بخور رحیا بهن که عبارت از شقّ جلد است ص پوست مغیلان پوست درخت
آمله هر یک پنج آثار در دو آثار آب در دیگی که سر آن محکم گرفته باشند بجوشانند بعده
لحاف را پوشیده بخار آن بدست و پا رسانند و با آب نیمگرم آن دست و پا را بشویند
پس مسکه گاو بمالند بخور ر بجهت زخم آتشک و بواسیر و نواحی لغایت مجرب است
آف و بعد یل ص اسپند دو تانک اجوائن خراسانی یکیا تانک تا نخواه یکیا تانک شنگرف
دو نیم تانک زغال دو نیم تانک همه را کوفته بیخته چون سفوف سازند و از مجموع

چهار ده پوری بندند جهت زخم بر کرسی نشسته خود را بچادری پوشیده یک پوری
سفوف بر آتش اخگر نهاده بزخم رسانند اگر بواسیر و نواصیر باشد باید که حقه ای
خورد بکنند و ازین سفوف بالای اخگر در آن حقه گذاشته مقعد بران نهاده دود بتابانند
و اگر بواسطه بیماری آتشک و زکام سوراخی بهم رسیده باشد باید که دود این سفوف
بطریق تنباکو بکشند نافع است بخور برشعثا موافق نسخه معمول ص فلفل سفید
فلفل سیاه بزر البنج هریک بیست مثقال افیون خالص ده زعفران پنج سنبل الطیب
عاقرقرحا فرفیون هر واحد یکجزو عسل سه جزو بدستور معمول ترتیب سازند هر قدر
که کهنه شود بهتر است باب دوم از حرف الباء در برودات برود که حفظ
چشم و تقویت بصر و قطع دمع کند ص مشک یک دانگ کافور دو دانگ زعفران
سادج هندی برنج هریکی یکدرم مروارید دو درم مارقشیشا هشت درم توتیا
اخضر مرقلیمیای ذهب هریک دوازده درم اثمد منقوع در آب باران یا آب
چاه منقطر بیست درم توتیا و اثمد و مروارید و مارقشیشا را سه روز یا پنج روز سحق کنند
و خشک نمایند و دیگر دواها را کوفته باریک بیخته بیامیزند و بکار برند برود که
دمعه و سیلان اشک و تر بودن چشم را سود دهد ص استخوان هلیله کابلی سوخته
سه درم ماز و نمک اندرانی هریک یکدرم و نیم برود در زمان جلا عین کند
و بالغ النفع است در این امر بگیرند پوست انار شیرین و ترش صادق الحموضت
هریک را علیحده بیفشارند و در دو ظرف انداخته سر بسته در آفتاب اول حزیران
در آخر تا شب بدارند و هر ماه از ثفل صاف کنند پس بالسویه جمع کرده سه رطل
از آن از صبر و فلفل و دار فلفل و توتیا یک یک درم سائیده انداخته بدارند هر چند
کهنه میشود بهتر میشود و هم به تقطیر و هم به تکحیل بسبیل استعمال آرند و حاجی جلال نوشته

کر اگر قدری اسپید زرد کوفته بیخته تنها و همچنین نبات تنها در این آب کنند هم سود
دارد برود قرح که از جهت درد حار بغایت نافع است صفت توتیای کرمانی را
کوفته و بحریر بیخته در آب کدوی تازه هشت روز بپرورده خشک کرده دیگر بار
سحق بلیغ کرده استعمال نمایند برود که بیاض چشم و دمعه و ظلمت و ابتدای
نزول نافع است و تقویت چشم و تنشیف رطوبت آن کند ساذج هندی نصف درم توتیا
یک درم نشاسته دو درم کحل اصفهانی شش درم همه مثل غبار سحق کرده استعمال
کنند برود که جهت بثور دهان و قلاع حار مفید است صفت گل سرخ عدس مقشر
تخم کشنیز از هر یک یک درم بذر بقله صاف اسپغول طین قیمولیا هر یک نیم درم کافور زعفران
هر یک دانگی برود که در قلاع و قروح دهان وقت حدت بکار آید و تبرید نماید
صفت کافور ربع جزو ورق عنب الثعلب خشک تخم کشنیز خشک سوخته سماق منقی
هر یک یک جزو و گل سرخ طباشیر بذر بقله کرسنه نشاسته هر یک دو جزو و مغز بادام
شیرین مقشر سه جزو شب و روز اگر بیاشامند برود جهت خناق صفت گلسرخ
عفص عدس مقشر سماق گلنار تخم الطرخشقوق شکر طبرزد پودینه هر یک یک جزو و عاقرقرحا
کبابه قاقله زعفران هر واحد نصف جزو کوفته بیخته در حلق دمند باب سیوم در
بنادق و این باب احتوا دارد بر دو فصل فصل اول در اقسام بنادق که با مراض کلیه و
مثانه و دیگر اعضاء تناسل تعلق دارد فصل دوم در مرکبات که بلفظ بندقه نوشته
شد و در امراض غیر اعضای مذکوره مستعمل میشود فصل اول در بنادق البزور
در قرح مجاری بول نافع است صفت مغز تخم کدو دو درم تخم خربوزه نشاسته قثا دو درم
مغز تخم خیارین پنج درم بزر البنج سفید تخم خرفه مقشر هر یک دو درم تخم خطمی سفید کتیرا
نشاسته رب السوس تخم خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته

وبیخته بنادق سازند دیگر مجرب میرزا باقر ولد حکیم عماد الدین محمود مغز تخم خیارین
بادرنگ مغز تخم خرفه مقشر از هر یک پنج درم خشخاش سفید خشخاش سیاه از هر یک پنج درم
تخم کرفس حب الآس چهار درم عنب الثعلب شش درم مغز تخم خربزه ده درم کتیرا صمغ عربی از
هر یک پنج درم گل ارمنی مغسول دو درم نبات سفید دو صد درم کوفته بیخته با آب شیره
بنادق سازند دیگر در اورام آلات بول قبل از ظهور تقیح وتقیح دهند ص مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو شیرین تخم خرفه تخم کاسنی تخم خطمی اسبغول تخم بارتنگ جمله برابر غیر از
اسبغول اجزا را بکوبند وبنادق سازند شربتی سه درم وبدانند که در ورم کلیه عوض
آب آب خیار یا آب کدو بخته یا آب تربز بدهند که نفع تمام دارد دیگر جهت حرقه
بول وقروح وجرب کلیه ومثانه وعسر بول نافع ومجرب است ص مغز تخم کدو شیرین
بزر البنج سفید تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام مقشر کتیرا البساسه رب السوس خشخاش
گل ارمنی تخم کرفس هر یک دو درم مغز تخم خیار پنج درم مغز تخم خربزه ده درم ادویه
نرم کوفته بلعاب بهدانه بنادق سازند هر بندقه قدر یک درم شربتی خوراک سه بندقه
با شربت خشخاش یا شربت بنفشه واگر بنفشه خشک یا تخم خشخاش سفید یا هر دو
با آب ساییده با نبات شیرین کرده بنادق همراه وی دهند روا است واگر شیر خشخاش
در آب گلاب یک شب تر نمایند وصباح صاف کرده بشربت بنفشه بدهند در تسکین وجع
جروح وقرحه فایده تمام دارد وصاحب قرابادین قادری میگوید که من در این نسخه
طباشیر سفید سه درم کاکنج پنج درم اضافه نموده بعمل آورده ام [illegible] یافتم
دیگر جهت جمود دم در مثانه مفید است منقول از قانون ص ابهل حلتیت
اشق فوه اجزا مساوی کوفته بیخته بنادق سازند شربتی چهار بندقه بحار الاصول
فصل دوم در بندقها بندقه که خوردن آن ازاله سنگ وبلغم میخوردن ننماید دور

دور کنند بگیرند اطراف اقراص طباشیر باهم وزن آن مقوی شستی از تخم بکوبند و چهار ماه برابر جوزه
بسازند و یکی ناشتا و یکی شب و یکی خواب بکار برند نسخه بندقه مضاعف منقول از بیاض
علوی‌خان مرحوم دوا هندی است حص تالمکهانه تخم اسگند بیخ بند سروالی تخم کونچ پهلی
جوز بوا بسباسه دانه هیل تا قلمه کباب سنبل الطیب شقاقل ستاقچ هندی زرنباد مصطکی
سیاه موصلی سفید بابین کلان گل سپاری گل پسته گل دهاوه مشدی گنیدی
گل کیکر گل خر زهره پوست کیکر پوست درخت مولسری سپاری چهالیه اندر جو شیرین
فلفل دار فلفل زنجبیل دارچینی سمندر سوکهه صمغ پلاس پانزه پهل جوزالسرو سمندر
پهل سنگهاره ثعلب مصری صمغ تاهنجنه صمغ سینبل زعفران مغز نارجیل خرما
جارک مغز کردکان مغز بادام شیرین صمغ ببول مغز چلغوزه مغز پسته مشک خالص
مغز چلغوزه کهلی کهیلا سنا و گوکهرو اسگند ناگوری کاج کوفته بیخته اگر خواهند مهیز
قسم استعمال کنند و اگر خواهند شهد و قند سفید بقوام آورده معجون سازند بندقه که
در عرف مستی است به کهلوری حص کهته پایا خوب هر قدر که باشد موافق وزن
آن باین مصالح خمیر کنند صندل سفید صاف ملباشیر سفید دانه الاچی خورد آب
ملتهی شیره بادام مقشر کافور بهمنین هر قدر که خرچ شود گلاب در عرق بید مشک بجوشانند
بندقها بندند

حرف التا

باب التا مشتمل بر دو فصل فصل اول در تریاقها
که با امراض اعضا تعلق دارد فصل دوم در تریاق که بسموم مشروعه و ملدوغ و غیره نافع
است فصل اول در تریاقات امراض اعضا تریاق اربعه یعنی چهار دارو
حار در ثلثه و یابس در ثانیه نفع میکند با امراض بارده خصوصاً الصرع و تفتیح سدد میکند
و خفقان بارد و اوجاع کبد و طحال را نفع میکند و کسر میکند ریاح را که در معده است
ذاهبا و متقادم لسع عقارب و حیات و عناکب و سموم هوام است و ادرار میکند فضول را

حرف التا

که محتبس از سده شده باشد و جهت عسر ولادت و اخراج جنین نیز نافع و در معالجات امراض
جلدی در ادویه جلدیه نیز واقع است شربت این یکمثقال و بقاء قوت این را دو سال است
ص حب الغار جنطیانا زراوند طویل مر همه را کوفته بیخته بعسل منزوع الرغوه بقدر
کفایت بسرشند و بآب گرم بدهند **تریاق الاسنان** از تالیف قدما و نهایت
مجرب تسکین درد دندان کند ص زنجبیل فلفل کرد حلتیت جندبیدستر افیون بالسویه
با عسل سرشته بر دندان دردناک قدری گذارند و مولف شفا الاسقام ادویه
دیگر بران مضاف نموده زراوند دحرج میعه سائله هر یک نصف اجزاء سابق
من تحفة المومنین **تریاق ثمانیه** یعنی تریاق هشت دارو معمول شده و منافع
این زیاده از منافع تریاق اربعه است برای صرع و لقوه سودمند باشد و دفع
ادویه مسموم و لسع جانوران مسموم کند ص زراوند طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب
الغار مر مکی صاف قسط تلخ زرد چوبه جنطیانا رومی کوفته بیخته بعسل مصفی معجون سازند
شربتی یکمثقال و بقاء قوت تا دو سال **تریاق** جهت ذرب و ضعف معده و امعا
و قبض شکم و تقویت اعضای رئیسه بیعدیل است ص ورق نقره یکدرم عود خام
بزرالبنج هر یک دو درم مروارید ناسفته کهربا مرجان عقیق یشب یاقوتی طباشیر
طراثیث کشنیز خشک بریان صندل سفید بهمنین فوفل سعد زیره کرمانی تربد مصطکی کرویا
بادروی سنبل گل ارمنی پوست بیرون پسته هر یک سه درم تخم خرفه بریان پنجدرم خشخاش
سفید پنجدرم شادنه عدسی مقشر صمغ عربی آرد کنار پنجدرم حب الآس خسته عناب
بریان نموده خسته سویز هر یک سه درم خسته انگور بزرگ پنجدرم آب به شیرین
آب سیب شیرین آب امرود بالسویه دو چند قند سفید سه چند ادویه **تریاق نزله**
نام لعوقی است که در منع ریختن مواد نزله و رفع سرفه از مجربات است چون این دوا

این دوا سریع النفع است در اندک زمان وکثیر المنفعت تریاق مسمی شده ص سطوخودوس
پنجدرم گل گاوزبان گیلانی تخم سوره کشنیز خشک هر یک ده درم تخم کاهو بست
درم بزرالبنج کوکنار هر یک سه درم تخم خشخاش سفید چهل درم خیسانیده بجوشانند
و قند سفید سه صد درم اضافه نموده بقوام آرند و در آخر قوام گل سرخ رب السوس
نشاسته صمغ عربی کتیرا مرصاف هر یک پنجدرم نرم سائیده در ان ریزند شربتی
سه مثقال نوشته اند اما آنچه معمول است یکمثقال است **فصل دوم** در تریاقهای
سموم مشروبه و ملدوغه نافع است **تریاق بلیغ النفع** که جماعتی از اطبا آنرا
در لدغ افاعی مساوی تریاق کبیر یافته اند ص زراوند دحرج جند بیدستر هر
واحد یکدرم و نیم فلفل سه درم انیسون ده درم کوفته بیخته بمیفختج بسرشند
شربتی جزوه **تریاق حب الاترج** جهت سموم مشروبه و ملدوغه مجرب است کبیر النفع
ص نمک طعام برگ سداب خشک هر یک پنجمثقال تخم اترج مقشر ده مثقال
شکر و کان سی مثقال انجیر کوبیده قدریکه دواها با آن سرشته شود ادویه
را جدا کوفته وزن کرده با انجیر کوبیده سرشته دهند شربتی ده مثقال **تریاق**
گزیدن کلب الکلب را نافع است ص جنطیانا کندر هر یک پنجدرم سرطان محرق ده درم
بعسل بسرشند شربتی یکمثقال چند روز مداومت نمایند **تریاق الطین** جهت
سموم نافع و خاصه او است که چون بخورد تا که از سم پاک نشود قی ننماید و اگر
قی بیارد دلیل آن باشد که سم نخورده ص گل مختوم حب الغار ریشه ماسیاهی مساوی
کوفته بیخته بروغن گاو چرب کنند و بعسل بسرشند شربتی یک فندقه **تریاق**
عقرب جهت لدغ عقرب نفع بلیغ دارد ص جنطیانا زراوند حب الغار قسط
تلخ شهدانج سداب جند بیدستر عاقرقرحا شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی

بعسل لسرشته شربتی یک جوز دیگر همین عمل دارد ص زراوند دحرج پوست کندر
بالسویه کوفته بیخته یک درم با شراب بخورد تریاق مردارسنگ ص تخم کرفس مر
مساوی کوفته بیخته دو مثقال با یک وقیه شراب و یک وقیه طبیخ کرفس بدهند و بطبیخ
شبت و بوره مکرر قی فرمایند و بجوارش سفرجل مسهل الطبع را نرم دارند و حقنهای تند
بکار برند و شراب صرف کهنه و زنجبیل مربی بدهند و اگر کسی سفیده آب خورده باشد
بماء العسل و طبیخ انجیر قی فرمایند و ربع درم سقمونیا بماء العسل بدهند بعد از ان عصاره
افسنتین و سایر مدرات با ماء العسل حرف الجیم مشتمل بر سه باب باب اول در جوارشها

حرف الجیم

باب دوم در جواهر مهره‌ها باب سیوم در جلابها و جلنجبینها مشتمل بر دو فصل

باب ا

باب اول در اقسام جوارشها جوارش آمله مقوی معده و موافق محروری
مزاج از مجربات حکیم علویخانصاحب مرحوم ص آمله منقی پانزده توله در نیم آثار
گلاب و نیم آثار عرق بید مشک بخیسانند صبح خوب جوشانیده مهرا ساخته از پارچه
گذرانیده بعده نبات نیم آثار و عسل خالص پانزده توله داخل نموده بقوام آرند
و مروارید ناسفته دو توله صندل سفید ابریشم مقرض غنچه گل سرخ گل گاوزبان
دانه هیل خورد از هر یک یک توله عنبر سه ماشه ورق طلا سه ماشه ورق نقره نیم توله
پوست بیرون پسته دارچینی از هر یک توله کوفته بیخته با آن سرشته معجون سازند
جوارش آمله دیگر جهت عالیجاه برادر نادرشاه که [illegible] قدیم و ضعف معده و [illegible]
و ضعف باه داشت و از خوردن این جوارش در امراض مذکوره تخفیف کلی شد ص
شیره آمله پانزده مثقال زرشک بیدانه پنج مثقال فادزهر معدنی کهربا شمعی
گل ارمنی مغسول طباشیر سفید صندل سفید کزمازج صمغ عربی بزر البنج سفید تخم بلیون
غنچه گل سرخ طراشیت شیرین عنبر اشهب از هر یک یک مثقال خشخاش مربی دو مثقال تخم

تخم کشنیز خشک تخم خرفه مقشر مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه از هر یک شش مثقال یا شیر
اعرابی نیم مثقال نبات سفید یکصد و ده مثقال رب به شیرین گلاب عرق بید مشک
از هر یک بست مثقال بدستور مرتب سازند جوارش آمله نسخه معمول مقوی معده
و مشتهی خوش ذائقه و اسهال و بواسیر را دافع و نافع ص آمله منقی بشیر پرورده
ده توله تخم کشنیز مقشر شش ماشه غنچه گل سرخ صدف سوخته هر یک چهار ماشه مصطکی
طباشیر سفید دانه هیل عود هندی سماق هر یک سه ماشه آب لیموی کاغذی چهار توله
قند سفید نیم آثار بقوام آرند جوارش آمله ص آمله در سرکه خیسانیده ده توله عود
مصطکی از هر یک یک توله پوست ترنج پوست بیرون پسته از هر یک هفت ماشه
قند سفید یکمن بدستور مرتب سازند جوارش آمله قابض که تقویت معده کند
و خلفه را سود دارد ص امرود پاک کرده یک رطل همه را در سرکه تند بپزند و بکوبند
و با دو رطل عسل برفق بپزند تا منعقد شود پس از آتش فرود آورده طباشیر یک
اوقیه زرشک دو اوقیه بیندازند و حرکت دهند تا که مستوی گردد جوارش آمله جا
در طب است مقوی معده و مشتهی و مسکن حرارت کبد و مقوی قلب و مفرح آن و دافع اسهال
مراری ص عنبر اشهب ورق طلا ورق نقره هر یک دو دانگ مروارید ناسفته چهار دانگ
طباشیر سفید صندل سفید سماق منقی زرشک منقی غنچه گل سرخ منزوع الاقماع بادرنجبویه
پوست بیرون پسته هر یک یک مثقال کشنیز خشک مقشر مغز تخم خرفه مقشر هر یک دو مثقال
شیر آمله منقی دوازده مثقال نبات سفید رب به شیرین دو وزن ادویه جوارش که
مسمی بجوارش شاهی است تالیف سید علویخان رحمة الله علیه مالیخولیای مراقی را نافع
است و مقوی قلب و معده و تفریح آرد ص زرشک منقی بست و پنج مثقال آمله
مربی هلیله مربی خسته بیرون کرده بگلاب عرق بید مشک هر یک هفتاد و [illegible]

بپزند تا منصف شود و بپالایند پس شربت انار ترش شربت انار شیرین نبات سفید هر یک بیست
و پنج مثقال سکنجبین سی مثقال شربت نارنج شربت لیمو شربت آلو هر یک چهل و پنج
مثقال داخل کرده بقوام آرند پس عنبر اشهب و مثقال ابریشم مقرض ورق طلا ورق
نقره مروارید ناسفته هر یک سه مثقال گل گاوزبان گیلانی غنچه گل سرخ هر یک پنج مثقال
کوفته بیخته بسرشند شربتی دو درم جوارش آمله لولوی مقوی قلب و معده ص
شیره آمله زرشک بیدانه در آب خالص و گلاب و عرق گاوزبان و آب انار مین و عرق بید مشک
عرق بادرنجبویه از پارچه بیخته بپالایند و با شیره نبات سفید بقوام آرند پس ورق
طلا ورق نقره عنبر اشهب هر یک سه ماشه مروارید ناسفته یاقوت رمانی کهربا شمعی
دارچینی مصطکی هر یک شش ماشه پوست زرد اترج نه ماشه دانه هیل طباشیر
ابریشم مقرض صندل سفید گل گاوزبان کشنیز خشک مقشر هر یک توله به دستور
با آن بسرشند شربتی شش ماشه جوارش اترج نافع برای لقوه و فالج و استرخا
و مقوی دماغ و اعصاب و معده تالیف حکیم معتمد الملک ص شیره آمله سه مثقال یک
شب در عرق بهار نارنج و گلاب از هر یک یک صد و پنجاه مثقال بخیسانند روز دیگر
بجوشانند که نصف شود و از صافی بگذرانند پس بگیرند پوست زرد اترج پنج مثقال
اذخر مکی اسارون انیسون نانخواه بهمن سفید دارچینی سعد کوفی اظفار الطیب فوفل
فلنجه غنچه گل سرخ قاقله هیل کلان قرفه خوشبو کاشم کندر مصطکی رومی از هر یک سه
مثقال جوز بوا دارفلفل فلفل سیاه سنبل الطیب عود هندی قرنفل از هر یک
دو مثقال زعفران عنبر اشهب مشک تبتی از هر یک یک مثقال کوفته بیخته عسل
مصفی سه صد مثقال در آب مذکور داخل کرده بقوام آرند و ادویه را به دستور
بسرشند شربتی دو درم و گاهی جندبیدستر و حب و اخرطالی از هر یک یک مثقال اضا

داخل میکنند جوارش سقف که بلغم خام را از معده و امعا برآرد و از قی باز دارد
و قولنج را بگشاید و ریاح بواسیر و وجع خاصره و پشت را نفع دهد منقول از قادری
ص دارچینی آمله منقی بسباسه مصطکی قرنفل جوزبوا از هر یک دو درم فلفل زنجبیل
هر یک چهار درم تربد موصوف سقمونیا هر یک هفت درم و نیم قند سفید بست درم کوفته
بیخته بعسل بسرشند شربتی برای اسهال شش درم جوارش سقف لقوه معده
و قولنج میگشاید و ریاح معده و بواسیر دفع کند و وجع خاصره و ظهر را نیز دفع
قی را مانع قدر خوراک جهت گوارش دو درم و جهت اسهال شش درم ص زنجبیل
دارچینی آمله سقمونیا قرنفل بسباسه جوزبوا هر یکی دو درم و نیم فلفل قاقله هر یکی
درم سقمونیا تربد سفید هر یکی پنج درم قند سفید نود درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش انارین جهت تقویت معده و جگر محرور و غریب و جهت بهم رسانیدن اشتهای
مفقود عجیب است ص آب انارین قند سفید هر یک یک سیر آب نعناع عرق گلاب
هر یک هفت دام سنبل الطیب مصطکی هر یک دو درم الایچی کلان پوست ترنج
هر یک چهار ماشه پوست بیرون پسته یکدرم الایچی خورد سه ماشه جوارش انارین
قابض نیز معمول ص قند سفید پاو سیر آب لیمو هشت دام شربت حب الاس هفت
دام آب انارین هفت دام شربت لیمو آب پودینه سبز شیره مربی آمله هر یک چهار
دام گلاب دو دام مصطکی دانه الایچی زهر مهره هر یک سه ماشه گل سرخ عود ترکی جوزبوا
طباشیر هر یکی ده ماشه معجون سازند و باید دانست که سیر و دام در این هر دو جوارش
بوزن عالمگیری معتبر است جوارش انبرباریس مقوی معده و جگر و احشا و مسکن
حرارت معده و جگر و مانع ریختن مواد بمعده و قاطع صفرا و تشنگی و غلیان خون
ص بگیرند آب زرشک تازه و اگر تازه نباشد خشک سرخ که بغایت خوب بود بجوشانند

و صاف کنند و قند را بقوام آورده بدستور جوارش انار بسازند و گاهی گل سرخ و طباشیر سفید و دانه
الایچی هر واحد دو درم اضافه کرده میشود و در اینصورت زیاده مفید می افتد و دیگر ضعف معده
و امعا و اسهال را نافع است حب لبس هر دو ریباس مقشر دو درم طباشیر کهربا مصطگی هر یک
سه درم تخم خرفه پنج درم زرشک سماق منقی حب الاس لسان الثور گلنار نانخواه زنجبیل تخم خیار هر یک
شش درم با زرشک هفت درم کوفته بیخته بشربت ریباس و یا آب حماض بسرشند شربتی تا سه
درم و گاهی برعایت حرارت نانخواه و زنجبیل را موقوف ساخته قدری مصطگی و کندر
و گلنار اضافه کرده میشود و اسهال را مفید می آید جوارش سویق مکلس بند حل
مصطگی گلنار هر یکی پنج درم حب الاس سماق هر یکی ده درم تخم سویق صمغ عربی هر یک بیست
درم بعسل بسرشند جوارش بارد اسهال باز دارد و در حمی غیر حمی توان داد کافور
سه درم طباشیر کهربا دقیق انجیر فوفل هر یکی چهار درم شاه بلوط زعفران نیلوفر هر یک
پنج درم گل سرخ حب الاس هر یک شش درم تخم حماض ریحان هفت درم سماق هشت درم
زرشک عنبر اشهب سیب هر یک ده درم حب الرمان پانزده درم رب ترنج یا رب سیب
بسرشند جوارش جاودانی معده را قوت دهد و طعام هضم کند و حفظ زیاده و بواسیر
را نافع بود و رنگ صاف کند و بوی دهان خوش گرداند جوز بوا بسباسه قرنفل دارچینی
سنبل الطیب سعد آمله منقی اهلیله از هر یک جزوی کوفته بیخته با عسل سه چند و نبات
سه چند بسرشند مقدار شربتی دو درم جوارش جلالی تالیف جلال الدین طبیب معده
را قوی کند و اشتهای طعام آورد و ضعف گرده دور کند و منی بیفزاید و جماع را قوت
دهد جوز مشک دارچینی انیسون تخم کرفس هر یک یک مثقال سک یک مثقال و نیم فلفل دو مثقال
زیره کرمانی زنجبیل مصطگی بودینه خشک عود هندی هر یک چهار مثقال سنبل الطیب
قرنفل دارچینی قاقله هر یکی دو مثقال قند سفید بوزن همه کوفته بیخته بعسل کف گرفته

کافی کرده‌اند بستر شیند شربتی یک مثقال تا دو مثقال جوارش جالینوس نافع معده و هاضم
طعام و دافع نفخ و مقوی معده و امعا و جگر بود و سیاهی مو نگهدارد و سودا و صفرا
نافع و گرده را گرم کند و سرفه بلغمی و صداع رطوبی قدیم و جدید را مفید و روشنی چشم را
بیفزاید و خلط خام را از مفاصل دور کند و ثقل جرباه زیاده کند و آن را قوی گرداند
وزن و مرد را فربه کند و بوی دهن خوش کند و ریاح بواسیر را نیکو بود و رنگ را صاف
کند و قروح بدنی را نیک باشد و جهت جنون و قوبا و نقرس و بهق و درد گلو و کثرت
بول شب را مفید است و سنگ گرده و مثانه را بریزاند هر که بست و یکروز بیان آورد
کند از جمیع امراض ایمن بود و جهت دمامیل و زحیر و خلفه هم مفید است و بمنزله تریاق
است عدیل ندارد و محتاج به پرهیز نباشد صن سنبل الطیب قرفه قاقله سلیخه دارچینی
خولنجان زنجبیل زعفران فلفل سفید دار فلفل قسط بحری سفید عود بلسان اسارون
قصب الذریره هر یک جزوی مصطکی پنج جزو شکر بوزن همه بعسل دو چند معجون سازند
و بعد هفت روز بعمل آرند و هر قدر کهنه شود بهتر است شربتی دو مثقال تا سه مثقال
پیش از طعام و بعد از طعام بیک ساعت توان داد و در بعضی نسخ حنظل تا سه مثقال اضافه
کرده اند و در بعضی نسخ بجای دار فلفل قرفه است و شکر نیست و قدر شربت در اینصورت
یک مثقال است جوارش جوزی طعام را هضم کند و اسهال باز دارد و سپرز بگدازد
و هم استسقا را نافع و ادرار بول کند صن بسباسه درونج هر یک سه درم قاقله کبار
قرنفل انیسون اکلیل الملک شیطرج هندی نارمشک هر یک چهار درم ریوند چینی زراوند
مدحرج اشنه هر یک پنج درم قسط قرفه سنبل الطیب حب بلسان سلیخه هر یک ده درم
هلیله سیاه پوست هلیله کابلی بروغن زیت بریان کرده هر یک بست درم جوز بوا پنج عدد
حب الآس برابر همه ادویه نبات دو وزن ادویه در گلاب بگدازند و بقوام آورده دوا را

کوفته بیخته بسرشند و بعد در ماه بعمل آرند جوارش جوزی بنسخه محمد ذکریا رازی شکم
به بندد و ملاست معده دهد اشتها و قراقر را نافع بود و ماسکه را قوت دهد صص دانه مویز
در سرکه تر کرده تف داده سی درم حب الآس شصت درم خرنوب نبطی گلنار گزمازج هر یک
ده درم کندر نانخواه مصطکی سعد سنبل هر واحد پنج درم کوفته بیخته بگلاب و قند بسرشند
شربتی سه درم جوارش زیره که آب رفتن دهان که از غلبه بلغم بود نافع است صص
بوره ارمنی یک مثقال فلفل سه مثقال زنجبیل چهار مثقال زیره یک شبانه روز در سرکه کرده نهاده
برآورده در سایه خشک کرده تف داده ده مثقال کوفته بیخته با قند سفید یا نبات صاف
صد مثقال بقوام آرند جوارش سفرجلی مسهل معمول در افرجه جارو و بارها
در حمی تجربه آمده و اسهال نیک نمود صص دارچینی زنجبیل دار فلفل زعفران هر یک
ده درم تربد موصوف با وسیر عالمگیری عرق نعناع قطعات به پاک کرده هر یک نیم سیر
عسل یک سیر قطعات به را در عرق نعناع عرقی که عبارت از سرکه و قدری برگ نعناع است
که آنرا مقطر کرده عرق بگیرند بپزند تا که مهرا شود پس بکوبند و با عسل بقوام رسانند
و در هم کنند که یکسان شود پس تر دواها دیگر سوا زعفران کوفته و بیخته بیامیزند و زعفران
را در گلاب سوده کم کم اندازند ولت کنند و معجون سازند قدر خوراک دو توله است و هر گاه
موسم به تازه نباشد بهی بازاری به ساخته اعمال آرند جوارش سفرجلی ممسک به معمول حضر
به ولایتی عسل هر یک یک سیر عرق نعناع نیم سیر زنجبیل قرفه قرنفل عود قماری دارچینی
دار فلفل فلفل سفید هر یک یکتوله عنبر اشهب مشک هر یک یک ماشه جوارش سفرجلی
تفاحی برای بطلان اشتها که در حمیات بهم رسد نافع است صص شربت سیب
شربت به از هر یک یک رطل آمله مقشر هلیله مقشر عود قماری صندل سفید طباشیر هر یک
پنج درم آب لیمون دوازده توله جوارش سماق اسهال صفراوی باز دارد و تشنگی

و احشا را قوت دهد صفت گلنار صمغ عربی انار دانه هر یک پنجدرم حب الاس ده درم سماق
بست درم خرنوب سی درم کوفته بیخته با مویز منقی دیگر باره بکوبند شربتی سه درم
جوارش صندل که نافع است برای سوء هضمی که از حرارت باشد صفت گل سرخ طباشیر
سفید صندل هر یک پنج توله مصطکی سنبل هندی عود خام هر یک یکنیم توله زرشک
چهار توله مشک یکنیم توله شربت به شیرین سه وزن ادویه بدستور بسرشند من شفاء
الاسقام جوارش صندل نسخه حکیم اکبر آبادی معده و جگر گرم و خفقان حار را نافع
بود و اسهال صفراوی باز دارد صفت صندل سفید بگلاب سوده پنجدرم طباشیر سفید
تخم خرفه کشنیز بریان پوست بیرون پسته هر یک دو درم مصطکی عود قرنفل تخم فرنجمشک
زعفران مروارید مرجان هر یک درمی مشک نیم درم آب ترنج پنجاه درم گلاب سی درم
کافور دانگی قند سفید یکمن شربت دو درم تا پنجدرم جوارش مقوی مبهی که مجرب بنظر
خصوصا که ضعف باه از ضعف قوی طبیعی باشد صفت مشک خالص یکنیم دانگ قاقله کبار
هر یک یکمثقال قرنفل سنبل الطیب جوزبوا بسباسه لسان العصافیر اصیل اذخر دارچینی
مصطکی عود هندی زعفران قند سفید گلاب از هر واحد ده مثقال قند را بگلاب حل نمایند
و شهد خالص سه چند ادویه اضافه نمایند و بقوام آرند و باقی ادویه را بعد کوفتن
بیختن داخل نمایند و بقدر یکمثقال یا زیاده استعمال کنند جوارش طباشیر صفت
صندل سفید آمله منقی طباشیر سفید کشنیز خشک مقشر حب الاس پوست اترج سماق منقی
مصطکی رومی کافور قیصوری موافق مقدار هر یک رب به شیرین سه وزن ادویه با عرق
گاوزبان و عرق کیوره جوارش سازند جوارش طباشیر سیلان منی و ندی و ودی
و ادرار بول که از گرمی فتد سود دارد و تپهارا باصلاح آرد صفت قصب الذریره صندل سفید
زرشک منقی هر یک سه درم صمغ عربی تخم حماض طباشیر زعفران هر یک پنجدرم گلسرخ

پنجدرم کوفته بیخته بانگبین صافی وشکر طبرزد لیسند شربتی دو درم تا پ زرشک
جوارش عنبر معده را گرم کند و ریاح غلیظه آنرا تحلیل نماید و بلغم قطع کند و دل و دماغ
را قوت دهد و حواس تیز نماید ص مشک عنبر هریک دو دانگ اسارون قرنفل زعفران
هریک نیم درم هیل دارچینی دارفلفل زنجبیل جوزبوا هریک یکدرم نبات سفید یکرطل
جوارش عنبر فالج ولقوه ورعشه را مفید وعقل وحفظ زیاده کند ومعده را قوی
گرداند وسردی را ببرد وباه را قوت دهد ص نبات بکمین را بقوام آورده فرو گیرند وعنبر
اشهب یکمثقال در آن انداخته به تیز زنند ودست کرده بر سنگ ریزند ولکا تبر بریده دارند
جوارش شونیز که حفظ را بیفزاید ونسیان را دور کند مجرب است ص شونیز هلیله کابلی
هریک پنجدرم زنجبیل نانخواه هریک ده درم عسل سفید دوچند قدر خوراک یکمثقال
جوارش عنبر که مقوی دل و دماغ وحواس و قاطع بلغم ومسخن معده وریاح بارده
غلیظه را تحلیل نماید ص هیل دانه دارچینی دارفلفل زنجبیل جوزبوا هریک نیم توله
اسارون قرنفل زعفران هریک سه ماشه مشک عنبر اشهب هریک ده ماشه عسل سفید
هریک پاؤسیر بدستور معمول بسرشند سن شفاء الاسقام جوارش عود معده سرد را
گرم کند واشتها آرد وهاضمه را قوت دهد ص سنبل یکدرم قرنفل دو درم عود قماری
خام پنجدرم نبات بکمین در گلاب بگدازند وبقوام آرند وادویه کوفته بیخته بران پاشند
وبتیر بزنند وبر روی سنگ ریخته ببرند جوارش عود ترش که مجرب وران النسیب
وبحرة السوداء طبع بصورت مطبوع معمول ص عنبر اشهب مشک خالص هریک
یکماشه مصطکی رومی عود غرقی پوست بیرون پسته هریک دو درم آب لیمو کاغذی
هفت عدد نبات نیم سیر معجون سازند جوارش عود ترش شربت سیب شربت
به هریک پاؤسیر آب لیمو کاغذی چهار دام عود مصطکی نیم توله صندل سفید پوست

پوست بیرون پسته هریک سه ماشه جوارش عود ترش دیگر ص عود ده ماشه
سنبل قاقله کبابه زعفران پوست ترنج قرنفل دارچینی بادرنجبویه مصطکی طباشیر هریک
سه ماشه آب سیب ترش پنجاه ماشه گلاب شصت ماشه آب لیمو نود ماشه قند و نبات
سه وزن ادویه بدستور بسرشند جوارش عود ترش ص آب آلوی سبز آب سماق
بگلاب خیسانیده هریک ده درم آب لیمو کاغذی ده درم قند سفید نیم آثار بقوام
آورده عنبر اشهب یکمثقال داخل نمایند بعد ازان عود بگلاب سوده مصطکی سوده هریک نیم
نیم درم اضافه نمایند خوراک نه ماشه تا یکتوله با یک ماشه شیره هیل بگلاب کشیده
جوارش عطای منی بیفزاید و مجامعت را قوت دهد و کرده و منی را قوی گرداند
مجرب است ص بهمنین تودری بیخ اشپست مغز تخم خربزه مغز تخم چرچیر تخم پیاز تخم حاضر
کرنه یعنی تخم الجزره کتیرا تخم هلیون تخم شلغم تخم کرفس هریک سه مثقال شقاقل
قاقله صغار دارفلفل خولنجان دارچینی زنجبیل قرفه هریک پنج مثقال ترنجبین سفید از تخم
و خاک پاک کرده سه وزن ادویه ترنجبین را یک شب در شیر گاو خیسانیده و صبح بمالیده
صاف کنند و بر آتش نهند تا غلیظ شود فرود آرند داروها کوفته بیخته بدان بسرشند
و در ظرف کانسی یا چینی کنند شربتی سه مثقال با بیست درم شیر تازه گاو بخورند
جوارش کندر ادرار بول کودکان را که از سردی باشد بگیرد چون با آن حرقت نبود
ص دارچینی دو درم کندر خولنجان هریک سه درم قرفه قاقله هریک چهار درم قرنفل
جوزبوا خرنوب بسباسه سنبل هریک پنج درم مصطکی یک استار همه را کوفته بیخته بدو
وزن عسل کف گرفته بسرشند شربتی دو درم تا سه درم جوارش عود بلیغ که مخترع
مولف است برای تقویت معده و بهم رسانیدن اشتها و طرد ریاح و تجوید هضم و رفع
قبض بی‌عدیل و چندان سخونت ندارد ص بادیان انیسون رومی پودینه خشک مصطکی

دانه الایچی خورد هر یک یکدرم عود غرقی طباشیر بن سلوجن هر واحد دو درم دارچینی یکنیم درم
گل سرخ سنا مکی تربد سفید هر یک دونیم درم عسل سفید نیم پاو و نبات سفید پاو و سیر گلاب
پاو سیر ادویه کوفته بیخته بعسل و نبات بقوام آورده بطریق لوز نگهدارند بقدر دو سه لوز با گلاب
تناول نمایند و گاهی بجهت تبرید سنا مکی و گل سرخ را در آب خوب جوشانیده داخل قوام نموده می آید
انسیف تر دیگر د جوارش لولوی للحبل منقول من القانون زنجبیل چهار درم زرنباد
درونج بزر الکرفس شیطرج قاقله جوزبوا قرفه هر یک دو درم بهمن سرخ بهمن سفید دار فلفل
هر یک سه درم دارچینی پنج درم شکر سفید برابر ادویه وزن الشربة منه ملعقة فانه تصلح حال
رحمها و معدتها و یحبان یشتد العشا بمعدة الحبالی فیقوی جوارش لولوی نافع است
برای حامله و دفع ریاح رحم میکند و حفظ جنین مینماید و مجرب است ص زرنباد درونج
دو درم مروارید ناسفته هر یک یکدرم دارچینی دو درم ابریشم مقرض دو درم جند بیدستر
یکنیم درم تشنه سنبل هندی هر یک نیم درم هیل دانه خورد زعفران عود هندی قرنفل
هر یک یک درم عسل سفید سه برابر ادویه بدستور سابق شند من تدبیر الحبالی جوارش
مصطکی ساده سردی معده و جگر را نافع است و بلغم دفع کند و آب رفتن از دهان باز
دارد ص مصطکی سه مثقال کوفته با گلاب سی درم و یکمن قند بقوام آرند و بر روی
سنگ ریزند و بعد از آنکه سنگ را بروغن بادام یا شیر گاو چرب کرده باشند بریزند و بهتر
آنکه مصطکی بعد قوام آمیزند تنها یا بگلاب سائیده و بعضی در وزن مصطکی اختلاف هم
گفته اند جوارش قابض که تقویت معده کند و خلفه را سود دارد ص امرود پاک
کرده ثلث رطل سیب پاک کرده نیم رطل به پاک کرده یکرطل همه را در سرکه تند بپزند
و بکوبند و با دو رطل عسل خالص منقی بپزند تا منعقد شود و پس از آتش فرود آورده
طباشیر یک وقیه شیره زرشک دو اوقیه بیفزایند و حرکت دهند تا مستولی گردد جوا

جوارش مفرح بارد از مرکبات شاهی نفع میکند به توحش و تفزع و به سوداکه از غلبه
حرارت پیدا شده باشد و دل را قوت دهد و رنگ نیکو کند صـ مشک دو ثلث قیراط
کافور ربع درم زعفران نیم درم ورق اترج دو درم بهمن سفید سه درم کهربا سه مثقال
بسد مروارید ناسفته تخم فرنجمشک هر یک شش درم دانه زرشک گاوزبان از هر یکی
پنج مثقال تخم بادرنجبویه هفت درم گل سرخ گشنیز خشک طباشیر سفید از هر یکی ده درم
تخم خرفه دوازده درم فانید یا شکر طبرزد یک رطل آب سیب یک رطل علی الرسم معجون سازند
شربتی از یک مثقال تا دو مثقال باب دوم در جواهر مهره‌ها جواهر مهره برای
تقویت اعضای رئیسه و افزایش روح و حرارت غریزی و خفقان و جمیع بیماریهای قلب
را نافع است از یاقوتیها در عمل قویست صـ فادزهر شش درم مروارید بسد لاجورد
یاقوت احمر یاقوت کبود یاقوت اصفر یشب زمرد عقیق ورق نقره مصطکی هر یک دو
درم ورق طلا جدوار ناجیل دریایی عنبر اشهب مشک مومیایی هر یک یک درم همه را
باریک سائیده باز در گلاب سحق کرده بقدر کنار حب بندند و با سنگ شوری خوب
مهره نمایند و ورق طلا بر آن بچسپانند شربتی از دو سرخ تا دانگی جواهر مهره دیگر
مقوی دل و دماغ و جگر و قوت باه و قوت باصره و تریاق سموم و دافع خفقان [illegible]
و بواسیر و جنون و حمی وبائی و حصبه و [illegible] امراض چشم و تحلیل سلابات و معین حمل و حافظه
و حافظ شباب و مانع ضرر سموم شربت یک دانگ سوده بگلاب صـ مشک ورق
نقره ورق طلا هر یک سه ماشه عنبر اشهب مومیایی دارچینی زمرد هر یک نیم توله کهربا
ابریشم سوخته مروارید ناسفته یاقوت رمانی حجر الیهود جدوار هر یک یک توله یشب
دندان فیل سوخته شاخ گوزن محکوک مرجان سفید هر یک دو توله ناجیل دریایی چهار
توله جدا جدا سائیده سحق بلیغ نمایند و عنبر و مشک داخل کرده صلایه کنند و مهره سازند

و در عرقها بیامیزند و بعد خشک شدن جلا دهند

باب سیوم در اقسام جلابها و جلنجبین مشتمل بر دو فصل

فصل اول در جلابها

و جلاب در اصطلاح اطبا عسل یا شکر را گویند
که در سه مثل گلاب یا آب جوشانده مقوم کرده باشند و اگر جوش ندهند جلاب خام نامند و اختلاف
در اینکه او حار است یا بارد یا معتدل میتوان گفت که بنابر اختلاف اصناف عسل و شکر باشد
و در بیاض و حمرة و شدت حلاوت و قلت آن یا بنابر اختلاف انواع گلاب که بآن ممزوج
میشود در حرارت و عفوصت و لفاحت و ازینست که اقسام او بسیار شده جلابیکه
صداع گرم را مفید است و تسکین عطش و تلیین طبع و اطفاء حرارت کند صفت شکر لطیف
سفید یکرطل در یک رطل لعاب اسپرزه بود و در دو رطل آب بپزند و کف بردارند و بقوام
آرند و اگر اسپرزه در عرق بید مشک و گلاب لعاب بگیرند و بجای شکر نبات داخل
کنند الطف و انفع و بدل و معده سفید تر باشد جلابی که جهت مفلوج و ملقو بجای
آب قناعت کردن نفع نمایان بخشد خاصه اگر فصل حار و مزاج گرم باشد و ایضا
سده و طبع را نرم کند صفت شکر سفید یکرطل و در سه رطل آب بپزند و کف بردارند
تا بقوام جلاب آید جلاب دیگر معمول حقیر نافع بنفع کثیر در اکثر امراض و باغیه سوداوی
و بلغمیه با حرارت مزاج جمع شده باشد و چند جا در فالج و لقوه بجای ماء العسل
بعمل آمده صفت قند سفید یکرطل و در عرق گاوزبان یکرطل عرق بادرنجبویه یکرطل گلاب
یکرطل و گاهی عوض گلاب عرق بهار نارنج داخل نموده بر آتش ملایم بپزند تا صفائی
حاصل نماید پس گل گاوزبان عود الصلیب اسطوخودوس هر یک دو مثقال در مقدار
از گلاب یا عرقی از عرقهای مناسب مزاج و حال جوشانده صاف نموده ضم نمایند
و بر آتش گذارند که باثبت تشخف شده قوام معتدل گردد در شیشه نگهدارند و گاهیکه
تطییب و تفریح و تقویت منظور میباشد عنبر اشهب دو دانگ زعفران یکدانگ نیم دا

داناک اضافه کرده میشود و وقتیکه تسخین زیاده مطلوب می گردد بعضی افاویه چون دارچینی
وجوز بوا و بسباسه و مصطکی درمیان آن بقدر مناسب افزوده شود جلاب دیگر قند
سفید یکمن در گلاب بجوشانند و کف بر دارند و بقوام آرند و اگر گاوزبان و گل گاوزبان
یا درنجبویه گل سرخ اضافه نمایند جهت امراض سوداوی و بلغمی انفع خواهد شد دیگر جهت
تبها و تشنگی و التهاب معده و جگر و حصبه و جدری تبها که با سرفه بود نافع است و تقویت
و منضج و ملین و مدر بول و عرق است و اورام احشا را دافع و نافع شکر سفید یکجزو عرق بید
مشک و گلاب هر یک دو جزو و آب باران سه جزو بقوام آرند و اگر زیاده سرد تر خواهند
عرق بید عرق نیلوفر هر یک دو جزو اضافه نمایند ایضاً منقول از قانون و کامل
الصناعة ص شکر سفید یکجزو و آب باران دو جزو و گلاب سه جزو بقوام آرند فصل
دوم در جلنجبین ها جلنجبین مهتابی خفقان حار را نافع ورق گل چاندنی که در
مشت هوست صد عدد و قند سفید صد درم بدستور ساخته قدری گلاب پاشیده در
ماهتاب دارند جلنجبین نسترن جهت خفقان حار و تقویت قلب بی نظیر است ص
گل سیوتی صد عدد و قند سفید صد درم بدستور ساخته قدری گلاب پاشیده نگهدارند
جلنجبین نیلوفری صداع و سعال را نافع ص ورق نیلوفر تازه یک رطل قند
سفید بدستور ساخته در آفتاب نهند و هر روز تحریک داده باشند جلنجبین گاوزبانی
دل و دماغ را قوت دهد و غشی و ضعف دل و ماده سوداویرا دفع کند ص گل گاوزبان
تازه یکمن با دومن قند سفید بدستور سازند و اگر تازه نباشد خشک بگلاب تر کرده
بکار برند جلنجبین گاوزبانی از قلانسی تب ربع را نافع و بلغم بر آید ص ترید سفید
موصوف زنجبیل بسفایج هر یکی پنج درم کوفته بیخته در گلقند عسلی یا شکر ده درم آمیخته
قوی مزاجانرا یک شربت است جلنجبین مسهل ص زنجبیل پنج درم اسفاناخ پنج درم

تربد سفید چهار دانگ گل گاؤزبان ده درم جمله یک شربت است جلنجبین معمول که در اکثر اورام
معده و جگر همراه شیر شتر استعمال میشود حب عصاره ریوند چینی بقدر دو دانگ
تربد سفید مصوف یکدرم انیسون رومی نیم درم غاریقون سفید نیمش یکنیم درم گلقند
بست درم اجزا را کوفته بیخته در گلقند خوب بهم ساخته نگهدارند و بقدر چهار توله همراه شیر شتر
بعمل آرند **حرف الحاء مهمله** مشتمل بر پنج باب **باب اول** در مرکباتی که بلفظ حافظ
صحت مقرر شده مثل حافظ الصحت و حافظ الروح و حافظ الجنین و غیر آن **باب
دوم** در حبوبات و این باب مشتمل بر سه فصل است فصل اول در حبوب ذی اسم و غیر ذی اسم
فصل دوم در حبوب که اختصاص دارد با مراض باشند حب نفث الدم و حب السل و حب عقم
و اسهال و زحیر و از این قبیل فصل سیوم در حبوبات افیونیه جدواریه و غیر جدواریه
باب سیوم در بیان نسخهای حسوها **باب چهارم** در اقسام حبوبات **باب
پنجم** در حمولات **باب اول** در مرکبات حافظ الصحت و حافظ الروح و جنین و غیر
آن **حافظ الصحه** از جمله مفرحات جهت خفقان و مالیخولیا مراقی و سوء مزاج
حار بی مادی و تهیج از امراض حاره و حفظ صحت امزجه حاره نماید و مفید مجرب است
صفت مروارید ناسفته کهربا بسد شمعی از هر یک یکمثقال صندل سفید تخم کشنیز گل نیلوفر
گل گاؤزبان مغز تخم کدو رومی مغز تخم خیارین تخم کاسنی مقشر غنچه گل سرخ از هر یک
دو مثقال ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب مشک تبتی از هر یک نیم مثقال آب سیب شیرین
شربت زرشک ساده هر یک بیست و چهار مثقال نبات بدستور مرتب سازند و دیگر
مقوی بدن حافظ صحت پیران بامزجه حاده لائق حب مومیائی درائی خیر و سی
عنبر اشهب از هر واحد یک قیراط مصطکی رومی یک دانگ همه را در روغن پسته دو مثقال
در قدر مناسب حل کنند پس بگیرند مشک خالص قیراطی فادزهر حیوانی سه قیراط دارچینی

دارچینی قرنفل عود هندی جوزبوا خصیة الثعلب بسباسه عود صلیب بروغن عقربی زنجبیل جدوار
خلاصی از هر یک یک دانگ همه را کوفته و بیخته بروغن مذکور آمیخته نبات سفید اندازه حاجت بقوام آورده
سه حصه نمایند هر روز یک حصه بخورند بالایش عسل مصفی پنج مثقال تخم فرنجمشک یک مثقال
گلاب ده مثقال حافظ الروح مومیای اصیل ورق الاصول یک مثقال روغن پسته
تخم خرفه مقشر از هر یک پنج مثقال عنبر اشهب نیم مثقال مشک خالص عدد دارچینی خطائی از
هر یک یک دانگ نیم ترنجبین خراسانی نوزده مثقال رب سیب شیرین رب به شیرین رب
انار شیرین گلاب عرق بهار عرق بیدمشک هر یک نوزده مثقال عسل مصفی چهل مثقال
معجون سازند حافظ الجنین طفل را از اسقاط باز دارد و چون در بعضی زنان طفل بعد
از تولد چون شش ماهه رساند موجب هلاک میشود استعمال این معجون در ایام حمل موجب
رفع آن میگردد و مجرب است حص مروارید ناسفته کهربا الشمعی محرق صندل سفید صندل
سرخ طباشیر سفید درونج عقربی عفص بیخ الجزه گل ارمنی از هر یک دو مثقال و نیم مغز
تخم سپندانه تخم خرفه مقشر از هر یک پنج مثقال عنبر اشهب دو دانگ و نیم شربت عود ریحانی
پنجاه مثقال نبات سفید پنجاه مثقال ورق نقره بست عدد ورق بست و معجون سازند و در ابتدا
حمل چهل روز هر روز یک مثقال بخورند حافظ صحت البدن و الروح نسخه مخترع
مولف حقیر که بجهت ناقهین و محرور المزاج تالیف داده و به انعاش قوی ارواح و حرارت
غریزی و تقویت کمال بخشیده شرابه را بجای خود و اعتدال آورده و در این باده عدیم المثل
ندارد نافع و مجرب است حص مروارید ناسفته آبدار طباشیر سفید یاقوت سرخ شفاف
یشب سبز هر واحد یکدرم زهر مهره و جواهر مهره اصیل عنبر اشهب مشک خالص زعفران
هر واحد نیمدرم گلاب و عرق بیدمشک حل نموده صندل سفید و سرخ بگلاب سوده
هر واحد یک نیم درم غنچه گل سرخ زنگین گل گاوزبان لیمو مغز تخم کدوی شیرین تخم کاهو مقشر

مغز تخم خیار بادرنک تخم خرفه مقشر هر واحد دو درم آب سیب شیرین آب ناسپاتی آب
انار ولایتی بهی دانه آب به رسیده هر یک بست و پنج درم گلاب و بید مشک پنجاه پنجاه درم
قند سفید دو چند شربت فواکه یک چند ورق نقره یکدرم ورق طلا نیم درم بدستور
مرتب سازند از یکدرم تا سه درم شربتی مقرر است حافظ الاحشا و نسخه صاحب
تحفه که از مولفات خود نوشته جهت سده ماساریقا و جگر و ضعف و برودت جگر و مرارا
معده و سوء القنیه نافع است صص دارچینی اصیل الکبیر هر یک پنج مثقال زعفران دو مثقال
قوسو چهار مثقال سنبل الطیب شش مثقال انیسون چهار مثقال دوقو چهار مثقال
رب السوس عصاره غافث هر یک سه مثقال مرصاف چهار مثقال تخم روغن بلسان قدر قوام
مقام است با عسل سرشند قدر شربت یکمثقال باب دوم در حبوبات فصل
اول در حبوبات مسهله ذی اسم و غیر ذی اسم حب ایارج موافق تنقیه و قطع ماده
اکثر اقسام صداع و تنقیه سر و دماغ کند صص مقل ازرق کتیرا هر یک چهار سرخ شحم حنظل
نمک هندی هر یک یکدانگ و نیم غاریقون سفید نیم درم ایاره فیقرا تربد سفید موصوف
حب النیل هر یک درمی کوفته بیخته با عرق بادیان حبها سازند این یک شربت است
حب ایارج در صرع بکار آید صص ایاره فیقره یکدرم افتیمون نیم درم شحم حنظل
قنطوریون دقیق مقل ازرق هر واحد دو دانگ ملح نفطی یکدانگ مجموع یک شربت
است حب ایارج برای فالج و لقوه و صرع و آشفتگی خواب و لیا و درد معده و مخرج
اخلاط بلغم و سودا و اخلاط غلیظه لزجه از دماغ و معده و مفاصل و بثور سوداویه صص
مقل ازرق افتیمون پوست هلیله کابلی هلیله سیاه سنای مکی عود صلیب انیسون هر یک
یکدرم زنجبیل یکدرم و دو دانگ غاریقون سفید سقمونیا فستقی غنچه گل سرخ خود ورس
هر یک دو درم تربد موصوف دو درم و نیم ایارج فیقرا سه درم کوفته بروغن بادام

باب ٢

بادام شیرین چرب نموده حبها ساخته بورق نقره پیچیده دو مثقال با آب گرم وقت خواب
فرو برند حب افتیمون که اعضاء سر و معده را از اخلاط سوداوی پاک کند صبر
محموده یک درم تربد سفید مجوف شش درم ایارج فیقرا شحم حنظل غاریقون هر یک سه
افتیمون مقل ازرق هر یک دو درم کوفته بیخته حبها سازند خوراک دو نیم درم حب
افتیمون بنسخه دیگر تنقیه سر و بدن از سودا کند و جمیع امراض سوداوی خصوصاً
مالیخولیا و مانیا و سرسام سوداوی را الغایت نافع است صبر پوست هلیله کابلی پوست
هلیله زرد آمله منقی پوست بلیله هر واحد دو درم ورق گل سرخ سنای مکی اسطوخودوس
لاجورد مغسول هر واحد دو درم و نیم غاریقون سفید از موینه بیز گذرانیده شش
درم افتیمون اقریطی ده درم کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده با آب رازیانج
حبها سازند قدر خوراک چهار درم تا هفت درم حب افتیمون جذام و مالیخولیا
را سود دارد و سودا برآید صبر ورق گل سرخ نمک هندی هر یک دانگی مصطکی نیم درم
بسفایج اسطوخودوس افتیمون پوست هلیله زرد هر یک یک درم کوفته بیخته با آب کتیرا
سرشته حبها بندند حب اصطمخیقون که اخلاط ثلاثه را از سر بدر کند صبر فیقرا حب
النیل صبر هر یک ده درم پوست هلیله زرد افتیمون بسفایج سقمونیا هر یک پنج درم شحم
حنظل سه درم و ثلث درم سنای مکی مقل هر یک دو درم با آب رازیانه حب سازند شربتی
از سه درم تا چهار درم با آب انیسون حب ابی فضل جهت نقرس ملح هندی صعتر فارسی
هر یک دو درم هلیله زرد و بلیله آمله زنجبیل هر یک چهار درم مقل هفت درم صبر ده درم
شیطرج سیر ده درم فانیذ پانزده درم تربد بست درم سورنجان بست درم مقل را با
عنب الثعلب یا آب کاسنی حل کنند و ادویه با آن بسرشند و حبها بندند شربتی سه درم
حب قوقایا درد چشم و درد سر را سود دارد و تن را از فضول پاک کند صبر

ایاره فیقرا ده درم تربد اسطوخودوس هر یک پنج درم شحم حنظل سه درم و دو دانگ
سقمونیا دو درم و نیم و در نسخه دیگر کتیرا یک درم اضافه کرده اند بآبی که مقل در آن
حل کرده باشند حبها سازند این جمله در شربت است دیگر فضلات بلغمی و صفراوی
از دماغ مستخرج گرداند و درد سر را نافع آید و روشنی چشم افزاید ص صبر سقوطری سقمونیا
مشوی شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی هر یک یک دانگ و نیم مقل دانگی کتیرا نیم دانگ
این جمله یک شربت است دیگر ایاره فیقرا ده درم تربد اسطوخودوس هر یک پنج درم
شحم حنظل سه درم و دو دانگ سقمونیا دو درم و نیم کتیرا یک درم کوفته بیخته باب
مقل حبها سازند این جمله ده شربت است حب شبیار مخصوص باخراج سودا ایجا
مخصوص ص ایارج فیقرا یک جزو نصف پوست هلیله کابلی افتیمون ولایتی شحم حنظل هر یک
یک جزو اسطوخودوس ثلث جزو مصطکی عود خام بسفایج هر یک نصف جزو حجر ارمنی مغسول
ثلث جزو خربق سیاه ربع جزو با آب سیب شیرین حب سازند شربتی دو درم حب
شبیار در درد سر و تاریکی چشم مفید و باصره را قوت دهد و درد معده دور کند
منقول از قرابادین شفائی ص صبر سقوطری سه درم گل سرخ هلیله زرد مصطکی هر یک
هر یک درمی سقمونیا مشوی نیم درم و در قرابادین جلالی کتیرا نیم درم داخل است
کوفته بیخته حب سازند شربتی یک مثقال تا سه مثقال حب لاجورد منقی سر و بدن
از سودا و نافع جمیع اقسام امراض سوداویه ص رب السوس کتیرا هر یک ربع جزو
سقمونیا مشوی نیم جزو پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه افتیمون هر یک
یک جزو لاجورد مغسول [illegible] جزو کوفته بیخته باب جبها سازند دیگر مسهل سودا
و صفرا غلیظ و اخلاط بلغمی ص گل سرخ کتیرا هر یک نیم درم اسطوخودوس یک درم حجر
لاجورد مغسول مصطکی رومی پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی گل بنفشه بسفایج فستقی

فستقی غاریقون سفید تربد سفید مجوف خراشیده عود قماری خام سنا مکی چیده افتیمون
هر یک دو درم صبر سقوطری دوازده درم کوفته بیخته با سیب شیرین حب سازند قدر
خوراک دو درم حب ملا جور د نافع از برای قروح اورام سوداویه آتشک و
مفاصل سوداوی ص انیسون کتیرا هر یک دانگی و طبسوخی (یعنی درج) غاریقون سفید لاجورد
مغسول پوست هلیله زرد سورنجان مصری هر یک نیم درم تربد موصوف یک درم
ایارج فیقرا یک مثقال کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده بگلاب سرشته
حبها سازند هر حبی بقدر نخودی بورق نقره پیچیده با آب گرم فرو برند شربتی سه
درم حب تنقیه اسهال صفرا و بلغم کند ص گل بنفشه پوست هلیله زرد تربد سفید
هر یک سه درم رب السوس یک درم و نیم سقمونیا مشوی نیم درم کتیرا سفید یک درم
کوفته بیخته برابر نخود حب سازند حب صرع ص افتیمون اسطوخودوس بسفایج
فستقی نمک هندی غاریقون سفید هر یک نیم دانگ تربد سفید هلیله زرد تخم حنظل
کتیرا سفید سقمونیا مشوی هر یک یک دانگ ایارج فیقرا نیم مثقال کوفته بیخته با آب
سرشته حبها سازند حب عشا سقمونیا مشوی نیم دانگ مقل دانگ گل سرخ
دو دانگ غاریقون پوست هلیله کابلی هر یک نیم درم تربد موصوف یک درم با آب
حبها سازند و این یک شربت است حب لقوه مجرب و آزموده است ص سقمونیای
مشوی مقل ازرق از هر یک دانگی بسفایج زنجبیل هر یک دو دانگ سورنجان
مصری نیم درم ایارج فیقرا افتیمون هر یک چهار دانگ تربد موصوف یک درم و نیم
کوفته و بیخته با آب سرشته حبها سازند برابر نخود مجموع یک شربت است حب
حیات اخلاط ثلثه را از بدن برآرد و طبع را نرم دارد ص سنا مکی پنج درم پوست
هلیله زرد هلیله سیاه هر یک دو درم زنجبیل یک درم کوفته و بیخته با مویز منقی حبها سازند

و دو درم شربتی است حب استرخا ایارج فیقرا تربد سفید غاریقون از هر واحد یکدرم
بوزیدان اسطوخودوس عود الصلیب از هر یک نیم درم شحم حنظل مصطکی از هر یک دانگی سقمونیا مشوی
نیم دانگ با بادیان حبها سازند و این حب صرع را نیز نافع است حب اختلاج شحم حنظل
مثقال ازرق انیسون از هر یک دانگی و نیم افتیمون نیم درم تربد سفید مجوف محکوک یکدرم و چهار
دانگ حبها سازند و این یک شربت است حب مبارک هر که از مسهل کراهیت و
نفرت دارد و یا بقیه بر آرد و جهت تدارک قصور عمل مسهلات که بسهولت مواد غلیظه
کثیره خارج نماید امارو زدیگر از استعمال مسهل باید داد و جهت استعمال دوام و دفع قبض
مدام نافع ترین اشیا است معمول و مجرب ص قرنفل مدور ماشه با دیان انیسون هر یک
سه ماشه گل بنفشه شش ماشه پوست هلیله زرد کشمش تازه هر یک یک توله سنا مکی تازه
چیده ترنجبین چیده گلقند آفتابی هر یک دو توله اجزا را کوفتنی کوفته و بیخته بکشمش و گلقند با
بکوبند که حب تواند بست جهت قبض و استعمال همیشگی نه ماشه تا یکتوله و جهت اسهال دو توله معمول
است حب مبارک مخترع حکیم معتمد الملوک در اسهال صفراوی نظیر ص سقمونیا مشوی
یکمثقال کتیرا دو مثقال پوست هلیله زرد هلیله کابلی هلیله سیاه سنا مکی زرشک منقی گل بنفشه
خالص هر یک چهار مثقال کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده بعسل خیارشنبر بسبت
مثقال سرشته حبها سازند هر حبی بقدر نخودی بورق نقره پیچیده بگذارند شربتی از دو
درم تا دو مثقال است حب جهت حمی سوداویه ص لب حب القرطم یکدرم تربد سفید مجوف
خراشیده یکدرم غاریقون سفید نیم درم تخم کرفس نیم درم انیسون نیم درم ملح هندی
دو دانگ کوفته بیخته با عرق بادیان حبها سازند جمله یک شربت است ترویح الارواح حب
هلیله که حکیم محمد جعفر ولد مولانا حیدر شخصی که حمی ربع داشت باین حب علاج کرده باید که
اول یوم ربع بوقت طلوع آفتاب دو مثقال ازین حب تناول نموده قهوه دارچینی بنوشند

بنوشند و غذا در این هر روز نخود آب باشد و روز دوم گلقند آفتابی هفت مثقال سکنجبین
هفت مثقال با عرق گاوزبان بنوشند و غذا در این روز آش ریاحی گوشت بره تناول
نمایند و صاحب این تپ را باید که در جمیع اوقات از حموضات و لبنیات پرهیز نمایند ص
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه ورق سنا چیده از هر یک پنج مثقال ایارج
فیقرا سه مثقال عصاره افسنتین یکمثقال و نیم سقمونیا تربد هندی شاهتره از هر یک یکمثقال
نمک هندی یک دانگ کوفته و بیخته بروغن بادام شیرین چرب ساخته حبها ببندند و ده
مثقال با قهوه مذکور یا گلاب بخورند و روز نوبت حب ذهب یک عدد آخر روز بعمل آرند
حب ذهب موافق این نسخه بسازند ص طلای زر سوخته هلیکلیس فادزهر حجر و اخطای از هر یک
نیم مثقال جدوار مصطکی زعفران از هر یک چهار دانگ دارچینی قرنفل از هر یک نیم مثقال
صمغ عربی دو دانگ کتیرا یک دانگ اجزا را کوفته بیخته بگلاب سرشته حبها بقدر نخود سازند
حب هلیله نافع از برای اخراج سودا و صفرا از سر و تمام بدن و مکرر بتجربه درآمده ص
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلیله آمله ورق سنا از هر یک
دو دانگ سقمونیا یک دانگ کوفته بیخته بروغن بادام شیرین چرب کرده بگوشت مقو
حبها سازند و به آب نیم گرم بخورند حب سورنجان کبیر ایارج فیقرا تربد از هر یک ده
درم شحم حنظل قنطوریون سورنجان ماهیزهرج بوزیدان هر کدام پنج درم فرفیون
دو درم زنجبیل شیطرج فلفل دارفلفل خردل جندبیدستر هر کدام یک درم حب سازند شربتی از دو و نیم
درم تا سه درم و این حب را عظیم النفع گویند و گاهی زیاده میکنند سکبینج باسطه زیاد
در عمل در این حب محموده صلیبیت قنه جاوشیر مقل هر کدام دو درم این در نقرس بارد
عظیم النفع است حب بربویا که وجع مفاصل را در یک روز بلکه یک ساعت تسکین
سبب با صلاح آرد ص انیسون سقمونیا هر یک یک و نیم درم پوست هلیله بوزیدان

سورنجان هر واحد یکدرم تربد صبر سقوطری ها هر یک بست درم با آب گرم کنند تا حب سازند شربتی
سه درم با آب گرم حب سورنجان که وجع مفاصل بلغمی و صفراوی را بسیار مفید است
ص صبر پوست هلیله یکنیم درم شحم حنظل دو ثلث یکدرم سقمونیا یکدانگ و نیم زعفران
دانگی شربتی دو نیم درم یا سه درم حب سورنجان من غنی و منی مستغنی بحب مقیم الرمن
ص ایارج فیقرا ده درم فرفیون دو درم تربد سفید ده مثقال زنجبیل خردل شیطرج
فلفل جند بیدستر از هر واحد یک یک درم کوفته بیخته با آب بادیان سرشته حبها بسته
مقدار دو نیم تا به لعل آرند و این حب عجیب الفعل است حب سورنجان نافع بوجع
مفاصل بلغمی ص سورنجان مصری ایارج فیقرا پوست هلیله زرد هر یک شش درم
مقل نیم درم تربد سفید بوزیدان با هنیر تا رج هر یک سه درم مقل را با آب کنند تا
حل کرده ادویه دیگر با آن خمیر کرده حبها سازند شربتی دو نیم درم تا سه درم است
حب سورنجان نافع نقرس ص تخم کرفس نمک هندی هر یک دانگی سقمونیا
سورنجان هر یک دانگی و نیم هلیله زرد تربد هر یک نیم درم صبر یکدرم شربت
یکدرم است حب عجیب جهت تسکین درد مفاصل مجرب ص استخوان آدمی سوخته
باریک سائیده بگلاب حبها کنند قدر ربی بدهند و صاحب تحفه گفته که آشامیدن
استخوان انسان سه روز هر روز یک مثقال با مثل آن شکر جهت عرق النسا و مفاصل
وصرع بغایت آزموده است ص کثیرا طسوخ کلسیح مصطکی اسعن هر یک دانگی
شحم حنظل حب النیل نمک هندی زنجبیل محمود هر یک دانگی و نیم مقل دو دانگ سورنجان
نیم درم ایارج فیقرا یکدرم تربد سفید یکمثقال با آب خالص حب سازند حب نقرس و درد را
بعد فصد و صفراوی را بعد قی بدهند ص زعفران یکدانگ سقمونیا مشوی یکنیم دانگ
شحم حنظل چهار دانگ سورنجان تربد سفید هلیله هر یک یکدرم و نیم شربت سه درم

شربتی سه درم حب جهت نقرس صـ هلیله زرد یکدرم صبر چهار دانگ ماهی زهره
بوزیدان هر یک دو دانگ سقمونیا یکدانگ یک شربت است حب جالینوس گوید من این را
آزموده ام سردی معده و خلط فاسد معده دفع میکند و شکم میراند و در هر وقت میتوان
داد صـ گل سرخ سه درم مصطکی چهار درم صبر هفت درم تربد سفید دو درم کوفته بیخته
بآب بسرشند و حب برابر نخود سازند و پانزده حب بآب گرم بدهند وقت خواب حب
برء الساعت مسهل اخلاط غلیظ از مفاصل و اعماق بدن و با وجع مفاصل و
نقرس و عرق النسا و وجع ورک نافع و بعد بدل صـ صبر سقوطری سورنجان مصری پوست هلیله
زرد سنا مکی مصطکی بالسویه کوفته بیخته بروغن بادام شیرین حب سازند شربتی دو درم وقت
خواب بآب نیمگرم حب مسهل که اسهال بلغم و صفرا کند سقمونیا مشوی نیم درم کثیرا
درم رب السوس پوست هلیله زرد نیم درم ریوند خطایی یکدرم تربد سفید مجوف خراشیده
یکمثقال گل نیلوفر گل بنفشه هر یک دو درم گل سرخ دو درم سنا مکی دو مثقال کوفته
و بیخته بگلاب سرشته حبها بمقدار نخود بندند و از پنج ماشه تا هفت ماشه بآب گرم بخورانند
حب مسهل صفرا و فضول حمیات صفراوی نیز استعمال کنند و بکسانیکه از طبیع مستفرغ
باشد این حب مناسب است و تنقیه دماغ هم کند صـ سقمونیا مشوی نیم دانگ و دو حبه
کثیرا دانگ رب السوس پوست هلیله زرد بنفشه گل سرخ هر یک دو درم سنا مکی دو مثقال
و اگر ربو و ضیق النفس باشد غاریقون نیم درم اضافه کنند کوفته بیخته بآب عنابی بسرشند
و حب سازند و در شربت بنفشه بگردانند و فرو برند و از عقب آن نبات بآب گرم خورند
حبی که جهت دوار مجرب است با ماء العسل و امثال آن بخورانند صـ پوست بیخ کبر ریوند
خطایی هر یک دو درم مرجان سوخته صبر زرد تخم کرفس غاریقون نمک هندی هر یک
درمی با عرق بید حبها سازند قدر شربت یک مثقال حب اشتها جهت صلابت طحال

ص پوست هلیله زرد زنجبیل شیطرج اشخار سفید تنکار سهاگه بریان زیره سفید نمک سنگ
هر یکی برابر کوفته بیخته بقند کهنه بسیال دو چند سرشته حبها خورد ساخته تا چهار ماشه
بدهند **فصل دوم** در حبوب که اختصاص دارد بامراض مرض حب سل که بسبب نزلات
حاره باشد و نفث الدم همراه داشته باشد ص کافور قیصوری نیم دانگ طباشیر
بیخ انجبار دم الاخوین هر یک باشتمی شادنج عدسی مقشر گل ارمنی نشاسته غبار رحی
کثیرا رب السوس واقیا مغز بادام مقشر تخم خرفه مقشر تخم کاهو مقشر مغز تخم کدو شیرین
غوسی السماک اقاقیا عصاره لحیة التیس هر یک یک دانگ افیون یک سرخ زعفران سوخته
بلعاب اسپغول حبها سازند و هر روز با شیر خر بدهند حب برای سعال رطوبی یا بلغمی و
ضیق النفس از مجربات اهل هند ص بگیرند دار فلفل و در پارچه پیچیده در زیر خاکستر
گرم مقدار یکساعت بگذارند بعد از آن فلفلها را در دست مالیده دانه ها را از تنها
جدا نمایند بقدر یکتوله و این دانه ها گرفته سهاگه بریان کرده یک توله تا قرنفل دو
نیم توله همه را کوفته در کهرل انداخته بشیر کهیکوار سه چهار روز بهمواره سحق بلیغ نمایند
تا شیر کهیکوار بسیار در خورد چنانکه در سحق و شیره دادن مبالغه نمایند بهتر است بمقدار
نخود حب بسته نگهدارند یک حب یا دو حب بخورند مجرب است **حب السعال** فلفل دار فلفل
انار دانه چوکها قند سیاه کوفته بیخته با قند سرشته حبها سازند حب سل که با حرارت
باشد کافور قیصوری نیم دانگ سرطان سوخته صمغ عربی رب السوس کثیرا گل ارمنی
هر یک یک دانگ مغز تخم کدو شیرین تخم خیارین هر یک دو دانگ کوفته بیخته بلعاب
بهدانه حبها سازند و با شیر خر بخورانند و این یک تجربه است حب که جهت سرفه و
سل مجرب است ص نشاسته صمغ عربی کثیرا تخم خشخاش سفید مغز بادام مقشر
افیون مصری هر یک یکماشه بلعاب بهدانه حبها بندند حبی که مسمی است بغوری

بغرہی السمک جہت سل و سرفہ و نزلات حار سفید و تفرق اتصال و نفث الدم و بدرہ را
نفع کند مجرب و بیعدیل است صص تخم خشخاش سفید صمغ عربی شکر تیغال کتیرا مغز بادام شیرین
غبار رہی غرہی السمک تخم خطمی گل کاؤزبان رب السوس دو ماشہ مغز تخم کدو تخم کاہو
مقشر سہ ماشہ افیون مصری خالص یکماشہ زعفران نیم ماشہ کوفتہ و بیختہ بلعاب
بہدانہ و اسپغول حبہا سازند برابر عدس یک حب تا دو حب وقت شب بخورند حب
سعال جہت سرفہ خشک و سرفہ مدقوق و مسلول نافع است صص صمغ عربی کتیرا سفید مغز
بہدانہ رب السوس تخم خطمی تخم خشخاش سفید تخم خرفہ مقشر قند سفید ہر یک سہ درم مغز
بادام شیرین مغز باقلا تخم خیار مغز تخم کدو ہر یک نیم درم بآب اسپغول حبہا سازند
دیگر نشاستہ صمغ عربی کتیرا مغز بادام شیرین مغز تخم کدو مغز تخم خیار برابر گرفتہ
ساوہی ہمہ بلعاب بہدانہ حبہا سازند حب نزلہ یاب حکیم یادی صص بزر البنج
سفید مصطکی گل ارمنی مغسول کہربا کتیرا صمغ عربی رب السوس نشاستہ گل کاؤزبان
تخم خشخاش سفید مغز تخم خیارین افیون کافوری از ہر یک دو مثقال بیخ لفاح زعفران
ہر یک یکمثقال ریوند خطائی یکمثقال و نیم کوفتہ و بیختہ با آب کوکنار سرشتہ حب بقدر
نخود سازند شربتی از یک حب تا دو حب حب البواسیر معمول حقیر مجرب بکرات کثیر
در ازالہ قبض دایمی کہ سوء طبیعت باشد نافع و انواع ریاح بواسیریہ و معدیہ مراقیہ را
دافع و با وجود آن رنج بواسیر دامیہ بالغ النفع است پوست ہلیلہ کابلی پوست ہلیلہ زرد
پوست بلیلہ آملہ ہر واحد دو مثقال بادیان حضض ہندی انیسون ہر یک یک مثقال
سقل ازرق تخم کشنیز چہار مثقال عسل خیار شنبر ہفت مثقال ہلیلہ جات را کوفتہ بیختہ
بروغن چرب کردہ با دیگر ادویہ بار دیگر بکوبند سقمل را بآب کنند تا بشویند و صاف کردہ
خیار شنبر دران حل نمایند و ادویہ کوفتہ دران آمیختہ قدری روغن بادام در حل

دست را به روغن بادام چرب نموده حبها بندند و از سه ماشه تا یکتوله بر سبیل دوام بالطریق
متساویه بعمل آرند و چندین جا در همین نسخه باضافه مویز و انجیر پنجمثقال که داده شد عجیب
و غریب فایده نمود و کسی که از رایحه فلوس متنفر باشد سو قوف داشتن آن موجب
نقصان فایده نگشته حب مقل معتمد سید جرجانی در امر بواسیر بی نظیر است ص
صبر شش درم تخم اسپند جاوشیر اشق غاریقون عصاره غافت حب النیل از هر واحد
پنج درم سکبینج مقل از هر واحد دو درم کوفته بیخته با آب کنند تا حب بندند از یکدرم
تا یکمثقال بخورند حب بواسیر مجرب که بواسیر دامیه و ریحیه را نافع است ص
زریره سفید هلیله سیاه کهنه صندل سفید صندل سرخ گل ارمنی مردار سنگ شب یمانی
آمله مقشر پوست هلیله کلان همه را کوفته و بیخته هشت پهر در آب برگ نیم کهرل کنند
پس حبها بسته در سایه خشک نمایند و دو ماشه بخورانند حب بواسیر و اعتقال
طبع که ایذا ده بود مجرب است ص مقل چهار جزو آمله مقشر پوست هلیله زرد و هلیله
سیاه پوست هلیله کابلی پوست بلیله تخم کنند تا هر یک پنج جزو مقل را نیم کوب کرده
و در آب کنند تا نشست بخیسانند و روز دیگر در هاون بکوبند که مثل مرهم شود و ادویه
در آن سرشته بقدر نخود حبها سازند هر روز در خلا معده نه عدد و پانزده عدد
فرو برند و از چیزهای سوداوی پرهیز کنند حب اسهال شکم به بندد و خون آن بند
باز دارد ص پوست انار نیم درم مازو یکدرم سماق دو درم دانه مویز سه درم حب الآس
ده درم کوفته بیخته با آب حبها بندند و در سایه خشک کنند شربتی دو درم با آب به بهر
از آن هفته هیمبشت در سرکه غلطانیده بخورند حب سندروس نافع بواسیر و قامع
مواد آن و بجهت انتعاش شهوت طعام و هضم آن مفید ص سندروس پوست
بیضه پاک نموده از غشاء رقیق زیر آن شیطرج هندی بزر الکراث یک یک درم نوشادر
تخم گندنا

نوشادر نصف درم خبث الحدید مدبر چهار درم مقل بمقداری که در آب محلول آن حبها
بسته شود و هفت عدد بخورند حب که جهت اسهال مجرب است ص تخم آس
درم بلیله ارشی پنج درم نشاسته مقلو انجبار تخم خرفه برشته خشخاش سفید برشته
هریکی سه درم کوبیده و بیخته بقدر نخود حب بسته هفت حب بخورانند حبی که در
حبس خون بواسیری نظیر است ص کهربا بسد درع محرق هریک دو درم و نیم تخم
کندر تا سه درم هلیله سیاه و بلیله آمله هریک پنج درم مقل ده درم کوفته بیخته مقل
با آب کنند با آب ورق سرو حبها سازند حب جهت اسهال و قسم اطفال مجرب است
ص کلی غوره دانار یک عدد جوز بوا افیون هریک یکماشه جاکسو سونت نرکچور
زیره سفید مقشر بلدی حجر اسود مغز آن گرفته کونپل شاخ نیم کونپل لکاین ها
ببول کوفته بیخته حبها سازند بمقدار دانه موتهه و یک حب تا دو حب بدهند حب
شفا از برای تسکین حرارت تپهای گرم و قی صفراوی مجرب است ص زهر مهره خطائی
دو جزو مروارید یک جزو زهر و خشب صلایه کرده با آب حبها بندند دو ماشه با آب
یا گلاب حل کرده بدهند حب لعوب گرانند تپهای گرم و سرفه گرم در دهان گیرند
تشنگی بنشاند خاصه اگر رب غوره یا آب انار و یا مانند آن بسرشند ص مغز تخم خیار
مغز تخم کدو تخم خرفه مقشر هریک یک جزو تخم کاهو مقشر نیم جزو رب السوس یک
جزو بکوبند و بلعاب اسبغول بسرشند و با آب برگ خرفه حبها بندند و در سایه خشک
کنند و باز بکوبند و با آب میوه باسرشته حبوب سازند حب مسهل که جهت شطرالغب
مجرب است ص صبر سقوطری مصطگی پوست هلیله زرد راوند چینی عصاره افسنتین
گل سرخ هریک یک جزو زعفران نیم جزو با آب کاسنی تازه حبها سازند شربتی از یک
درم تا دو درم با سکنجبین ساده و این حبها را بعد تنقیه بعمل آرند و اگر این عصاره ها

نباشد غافث و فستقین و افتیمون بدهند و هر شب در آخر چهار مثقال دو درم بدهند دیگر
بجهت شعر الغب مقل یک دانگ سقمونیا یک دانگ و نیم کتیرا دو دانگ شحم حنظل نیم درم
ایارج فیقرا یک درم حب سازند حبی که جهت تپ دق نافع است و خشونت سینه
و سرفه را دافع ص بزر البنج نیم ماشه افیون یک ماشه گل ارمنی گل نیلوفر کتیرا مغز تخم
کدو مغز بهیدانه هریک دو ماشه طباشیر رب السوس تخم خرفه کافور چو دانه هریک نیم ماشه
صمغ عربی چهار ماشه تخم خشخاش سفید تخم خیارین هریک شش ماشه کوفته بیخته بلعاب
تخم بنکو سفید از نخود حبها بندند و هر صباح هفت حب با شیره تخم خرفه ده درم
شیره تخم خیارین ده درم آب انار شیرین ده درم بدهند حب کافور جهت حمی دق
که با سهال باشد و دیگر حمیات حاره که شدید الحرارت باشد نافع است ص
کافور قیصوری نیم مثقال گل ارمنی زهره مهره خطائی هریک یک مثقال طباشیر
سفید مروارید ناسفته تخم کشنیز مقشر خشک صندل سفید هریک دو توله مغز بهیدانه مغز تخم
کدو شیرین هریک چهار مثقال اول صمغ عربی دو دانگ را در عرق صندل حل کرده باقی دواها
کوفته بیخته سرشته حبها بقدر نخود سازند هر روز یک مثقال بخورند دیگر در همین باب ص
کافور قیصوری نیم مثقال طباشیر سفید نشاسته صندل سفید تخم کدو شیرین کتیرا
هریک یک مثقال کوفته بیخته بلعاب اسبغول حبها سازند شربتی یک مثقال دیگر که در
دهان داشتن نفع تمام میرساند بخناق و اعانت میدهد بر انضاج و انفجار ص سرطان نهری
حضض مکی طباشیر سفید صمغ عربی کتیرا تخم مرو مغز حب سفرجل کوفته بیخته با آب حبها
به بندند و در دهن نگدارند حبی که جهت قرحه حلق معمول از مجربات است ص تخم گل
یکدرم موم کافوری یکدرم و نیم انزروت دو درم روغن گل سه درم و نیم موم روغن ساخته
حبها خورد کرده یا یک را برده تخم مرغ آلوده فرو برند و اگر بطور لعوق لعق کنند نافع باشد

باشد و در غذا ہم زردہ تخم مرغ نیم برشت تناول کنند حب مجرب جہت زخم زبان و دہان
گذارند ص آرد کرسنہ آرد عدس جو سوختہ گلنار برگ گاوزبان گیلانی برگ حنا شاہترہ
طباشیر سفید نشاستہ گل نیلوفر ہر یک یکماشہ ابریشم سوختہ ہر یک دو ماشہ زہر مہرہ
خطائی سودہ صمغ عربی کتیرا تخم خرفہ مقشر دم الاخوین ہر یک دو ماشہ انزروت مربی
یکماشہ چوب چینی دو ماشہ کوفتہ بیختہ حبہا ساختہ در دہن نگہدارند حب ممسک برائے
اسہال مفرط اطفال و تشنگی ایشان ص زیرہ سفید بریان تخم رازیانہ نشاستہ
ہر یک دو ماشہ نانخواہ یکماشہ افیون مصری شش برنج ہمہ را کوفتہ بیختہ انار خام
کاواک کردہ در آن پر کنند و انار را در میان خمیر پیچیدہ در خاکستر گرم گذارند تا خمیر
پختہ شود پس بعد سرد شدن خمیر را دور کردہ دوا ہا را مع انار سائیدہ حبہا بقدر دانہ
باجرہ یا فلفل بہ بندند و موافق سن و سال اطفال بدہند دیگر ممسک بہ بندد و اسہال
خون باز دارد سماق دو درم مازو بنجر یکدرم پوست انار نیم درم حب الآس دہ درم
سویق بریان سہ درم کوفتہ بیختہ صمغ عربی را بآب حل ساختہ دوا ہا باہم سرشتہ حبہا
سازند حب کہ جہت اسہال کبدی و غیر کبدی مجرب بو علی است ص مازو کزمازج
دو مثقال صمغ عربی کوفتہ بیختہ برابر فلفل حبہا سازند خوردسال را یک حب و سال خوردہ
را سہ چہار و افیونی را تا دہ توان داد حب حلتیت کہ حکیم مصری برای علامی فہامی
ابوالفضل ترتیب دادہ معدہ را قوت دہد و تحلیل ریاح و تصحیح قولنج نماید و باہ برانگیزد
ص دارچینی دو ماشہ قرنفل ہشت ماشہ کباب چینی قاقلہ کبار رازیانہ تخم کرفس فلفلمویہ
ہر یک سہ ماشہ مصطگی کندر زرنباد قاقلہ صغار سنبل الطیب ہر یک یک تولہ سورنجان
مصری لسان العصافیر ہلیلہ کابلی ہر یک دو تولہ زنجبیل پی لیتہ دار فلفل بہمن سفید
فلفل گرد ہلیلہ سیاہ شقاقل مصری سیاہ دانہ مقل ازرق ہر یک سہ تولہ انگوزہ

قسم اول خصیة الثعلب یا نخواه هر یک چهار توله سویز منقی سه درم مغز بادام نیمپاو چلغوزه
پاو سیر هر دو هلیله را در روغن زیتون اینقدر بجوشانند که سرخ نشود لیکن ادویه را جدا جدا
کوفته بیخته یکجا کنند و سویز و مغز بادام و چلغوزه را علیحده بر سنگ صلایه کرده باهم کرده
در هاون سنگین دو سه روز بکوبند و برابر فلفل حبها بسته از پنج حب تا ده حب بکار برند
حب هاضم و مشتهی و رافع قبض و نافع معده صح زنجبیل فلفل آمله از هر واحد یک جزو
دار فلفل دو جزو و هلیله زرد تربد سفید مقشر مجوف هر دو سه جزو کوفته بیخته با آب لیمو سحق
نمایند بقدر کنار جنگلی حب بسته نگاهدارند و حب حاجت قبل طعام یا بر طعام بخورده باشند
حب جهت هضم و تقویت معده و طرد ریاح غلیظه و دفع قی شدیده معمول است صح
نمک سانبهر نمک سیاه نمک شور نمک سفیده هر یک سه مثقال نعنا زرانباد هر یک پنج مثقال
هلیله زرد و بلیله آمله مقشر فلفل گرد زنجبیل مرچ ترکی هر دو زیره نمک سنگ هر یک نه
مثقال تخم کشنیز نیمپاو بادیان نانخواه هر یک پاو سیر کوفته بیخته با آب لیمو خمیر کرده
در آفتاب خشک کنند باز با آب آمله بشویند سبز اگر بهم رسد خمیر کرده خشک نموده باز
با آب لیمون خمیر کرده حبها برابر جو بسته بخورانند و اگر آمله سبز بهم نرسد آمله خشک در
آب تر کرده بجای آب خمیر کنند حب برای هضم طعام و درد شکم و تحلیل ریاح صح پوست
بلیله یکدام بادیان یکدام شیطرج هندی هفت ماشه پودینه خشک هفت ماشه کشنیز خشک
هفت ماشه الاچی کجراتی هفت ماشه سونته سه ماشه پیپل سه ماشه فلفل سه ماشه پیاکه
تیلیه سه ماشه چوک ترش یک توله نمک لاهوری هفت ماشه نمک سیاه یک توله همه را
کوفته بیخته در رس لیمو بقدر کنار حبها بندند حب مصطکی سرفه نزله و زکام را
نفع دهد و سیلان منی را منع نماید مصطکی و زعفران هر واحد یک جزو افیون مصری
چهار جزو کوفته بیخته حبها سازند هر حبی بقدر فلفلی شربت یک حب تا دو حب

ذهب جهت نزله و سرفه و تنقیه دماغ مجرب ص یاقوت رمانی مرجان مروارید ناسفته
عنبر ورق طلا سقمونیا بیشوری کتیرا زعفران مصطکی گل سرخ پوست هلیله کابلی صبر سقوطری بیست
درم ادویه را کوفته و بیخته با گلاب عرق بید و آب کرفس را از یاد حب سازند شربتی یک مثقال
حب نزله جهت همین فواید که مذکور شد ص بزرالبنج تخم کاهو بنفشه نشاسته تخم خشخاش
صمغ عربی افیون کافوری پنج لفاح زعفران بقدر دو دانگ کوفته بیخته با آب کوکنار
سرشته حبها بقدر فلفل بندند شربتی ۲ حب حب اقاروسی کثیر النفع از عمان قاروم
منقول از جهت سرفه و نزله معمول و فواید کثیره دارد و در قوت معده و اعضای سینه تقویت با
و امساک مشمول ص مشک خالص یک دانه عنبر اشهب سه دانه کهربا بسد هر یک شش دانه
مغز بادام مقشر نشاسته سفید تخم کدو عرقی مروارید ناسفته یاقوت رمانی هر یک یک رب
السوس صمغ عربی نبات سفید پنج بنفشه افیون مصری هر یک دو توله جواهر را بر سنگ سماق
صلایه بگلاب کرده دواهای دیگر کوفته بیخته یکجا کرده باز در گلاب خمیر کرده حبها بمقدار
نخود ببندند حب جهت سرفه و نزله و نفث الدم ص مصطکی گل ارمنی کهربا کتیرا
صمغ عربی رب السوس نشاسته گل گاوزبان تخم خشخاش سفید مغز تخم خیارین بزرالبنج افیون
کافوری هر یک دو مثقال پنج لفاح زعفران هر یک یک مثقال و ربند خطایی یک مثقال
کوفته بیخته بآب کوکنار سرشته حبها بقدر فلفل سازند و از یک عدد تا دو عدد بخورند
حب نفث الدم ص گل ارمنی چهار دانگ کهربا دو دانگ دم الاخوین صمغ عربی
اقاقیا هر یک سه دانگ طباشیر سفید نشاسته عصاره لحیة التیس هر یک دو مثقال کتیرا
سفید گلنار فارسی هر یک چهار دانگ کوفته بیخته بآب بارتنگ سرشته حبها سازند
حب هاضم و جشاء دافعه ص زنجبیل دو درم فلفل سیاه نیم پاشه قرنفل چهار ماشه
نمک پنج درم چوک ترش دو و نیم درم ادویه را کوفته بیخته چوک را در آب لیمو کهرل نموده

جہا لبسازند بسیار بخورد یک حب بعد طعام بخورند حب ہیضہ ہاضم لبسیار مجمول خوش
ذائقہ صں الایچی خورد دارچینی ہر یک پاو دام مشد لون سونچر لون سپید لون
چوکہار لون ہینگ پیپلا مول پیپل زیرہ سیاہ زیرہ سفید سونٹھ شیطرج ناگکیسر تالیس ہر
ہر یک نیم دام چوک ترش دہ دام انار دانہ ہشت دام کوفتہ بیختہ با آب لیمو خمیر کردہ مقدار
کنار حب بندند یکی یا دو حب بخورند حب کہا لبسیار ہاضم تحفہ روزگار است صں
کہار جو تری کہار دارچینی کہار کباب چینی جوا کہار ہر یک دو ماشہ دانہ الایچی خورد دہ
ماشہ ہمہ را شش پہر در آب لیمو کہرل کردہ بقدر سرخ حب بندند یکی بدہند چینی کہ
ہاضم است صں لونگ دارچینی ہر دو الایچی مرچ پیپل ہینگ با برنگ اجواین تر پہلہ
چوک انار دانہ نمک سونچر نمک سپیدہ نمک سانبہر نمک جوا کہار مرچ کبشول جمو سولف
سرخ جملہ برابر کوفتہ بیختہ با آب لیمون جہا سازند حب ملذذ کہ باہ آرد وہم فاعل را
لذت دہد وہم مفعول را الشبر طیکہ حدت دوا بمزاج عضو مؤذی نیاید صں عاقرقرحا
سونٹھ دارچینی ولونگ کہا پہ نیز آمیزند جملہ برابر کوفتہ بعسل یا زنجبیل لبسرشند وقدر نخود
جہا بندند وقت کار یک حب در دہان گیرند وآب دہان بر ذکر وقبل بمالند الخ
ومن المجرب العجیب المشاہدۃ الغریب فی الامساک صں جوز بوا بسباسہ افیون مصری
تازہ واسپند مصطگی زعفران ناگکیسر سونچرس تخم کوکل سپاری چہالیہ دانہ الایچی خورد
طباشیر اجواین خراسانی از ہر واحد یک ماشہ باریک سودہ بلعاب اسپغول وبہدانہ حب
بقدر کنار بستہ نگاہ آرند وبوقت حاجت یک حب با آب تازہ بخورند وبعد چہار گہڑی شیر
تازہ گاو یا شیر بیخی بنوشند وتریاق این حب در تعمر نمک لاہوری است وانند حب
سیماب تا در دہن دارد انزال نشود صں دراج سیاہ را سہ روز گرسنہ دارد وبعدہ
سہ نیم درم زیبق در حلق او بیند ازند تا فرو برد وسہ روز دیگر گرسنہ دارد روز چہارم

برنج در شیر کرده بخوردن دهند هر گاه پیخال خواهد کرد کرمکه بیرون خواهد آمد جهت دراج
خواهد مرد حب سیماب که حکیم معتمد الملوک اعتماد کلی براین داشت صص افیون کافور شنگرف
جوز بوا عاقرقرحا نبات سفید از هر یک یکتوله زعفران جندبیدستر هر یک شش ماشه
بیربهوتی ده عدد همه را خوب سحق کرده حبها بقدر کنار دشتی ساخته نگهدارند وقت
حاجت یک حب خورند لیکن بشرطیکه معده خالی باشد و اگر خواهند که انزال شود آب سرد بنوشند
حب سیماب که در امساک باه و برانگیختن شهوتها عجیب و غریب است و اگر یک هفته ازین حب
بناشتا بخورند و بالای آن شوربای گوشت گوسفند هم روغن کرده لیکن کاو کرم تناول
کنند هشت روز مجامعت نکنند از قوت باه چیزی مشاهده نمایند که ندیده باشند
از طب فرشته که بدستور الاطبا موسوم است منقول شده صص سیماب خالص کبریت
کانی سرخ قرنفل هر یک پنج ٹانک اول سیماب و کبریت را خوب سحق نمایند و در باقی
ادویه که کوفته بیخته باشند داخل کرده با زرده تخم مرغ صلایه بلیغ کنند و بمقدار
فلفل حبها سازند و یک یک بخورد حب سیماب که بصاحب باد فرنگ نافع است صص
سیماب سه ماشه تنخواه هشت ماشه اول تنخواه را با قند سیاه بسایند که نرم شود بعد
ازان سیماب انداخته بسایند تا حل شود و اندک آرد گندم انداخته حب سازند هفت عدد
گولی نمایند هر صباح یک حب با آب سرد بخورند و غذا کهچری نان بی نمک و تیل به بدن
سر مالند که بسیار مفید است و اگر دهن بجوشد شوربای گوشت نمک دار بدهند و بیخ
جهر بیری جوشانده در آب مضمضه کنند و اگر شدت بسیار باشد فصد چهار بند نمایند
و بر زخمهای سم سیماب از بابت مراهم کرده استعمال نمایند حبی که جهت تقویت باه و
امساک مجرب است بگیرند گنجشک نر و شکم او را چاک کرده پاک کنند و تا توله هندی
کنند و بدوزند و بر روغن کنجد یا روغن گاو بپزند تا خوب پخته شود و سه بار بهمین طور کنند

بعد از ان بگیرند از ان یاقوته یک جزو و مغز تخم کنجشک دو جزو و ثعلب مصری و زعفران از هر یک
نیم جزو همه را اصلایه کرده با شکر مقوم لسبرشند و حب سازند بقدر نخود یا کوچک حب
فادزهر حکیم یا هر حکیم عماد الدین محمود که در رساله خود میگوید که چون حکماء سابق در خواص
فادزهر اشاره کامل نفرموده اند و هر کس از خود اجتهادی کرده بسیار شده است که از خوردن
فادزهر بطرق مختلف از ان ناسی گوناگون کشیده اند بنابرین ترکیب خاطر خواه فقیر شد
و هر کرا دادم نفع تمام او را حاصل شده است صفت فادزهر آن سوده شش قیراط
مروارید ناسفته یاقوت رمانی لعل جگرلشب از هر یک نیم قیراط وزن جواهر زیاده است
اگر هر یک سه قیراط نمایند بهتر است هر یک را جدا جدا بر روی سنگ سماق سایند
بطریقی که اشاره بدان شد موسیای کانی عنبر اشهب زعفران ورق طلا از هر یک
دو قیراط مشک خالص یک قیراط مجموع را با شیره نبات بدستور معاجین آمیخته حب
بندند و سه بخش کنند سه روز پی در پی هر روز یک بخش را فرو برند و شربت نبات
کم و گلاب شیر گرم از عقب آن بنوشند و چند قدم حرکت کنند و شربتی دیگر از نبات و
گلاب بیاشامند و با سایش باشند و تا اشتهای صادق ظاهر شود بعد از ان طعام
لطیف خوشبو تناول کنند حب فادزهر موافق نسخه حکیم هادی صفت فادزهر
حیوانی مجرب یک دانگ مشک ختائی عنبر اشهب موسیائی دارانی از هر یک پنج دانگ
مروارید ناسفته کهربا لسبد محرق از هر یک نیم مثقال یاقوت رمانی دو دانگ طباشیر
سفید یک مثقال زعفران صمغ عربی از هر یک دو دانگ موسیائی و عنبر بروغن بلسان
گداخته جواهر را اصلایه کرده با این سرشته حبها سازند هر حب بقدر نخودی کم هفت
حصه سوده بگلاب عرق گاوزبان از هر یک دو مثقال فرو برند طریق دیگر
که در سال دویم و سیوم استعمال کنند صفت فادزهر معدنی از سوده یکدرم فیروزه نیشاپوری

فیروزه نیشاپوری یاقوت رمانی لعل بدخشانی مروارید ناسفته از هر یک نیم درم مشک چینی ورق
طلا ورق نقره زعفران جدوار از سوده سومیاکانی از هر یک دو دانگ اجزا را جدا جدا چنانچه رسم
است بر روی سنگ سماق بسایند و با شیره نبات بقوام آورده خمیر نمایند و حبها ساخته بقدر یک
مقدار نخودی و مجموعه را سه بخش کنند و در سه روز هر روز یک بخش را بخورند با شربت نبات و
گلاب و در بعضی نسخه ها این را نه شربت مقرر کرده اند و سه روز خوردن آن تعیین ساخته دیدم
بر همین طریق مذکور بکنند تا مقصود حاصل شود و در حاشیه نوشته بود که نه روز غلط است
بلکه سه روز حب **فادزهر** معدنی در تقویت قلب و دفع سموم و ازاله ضرر هوا سمی و اصلاح
اخلاط فاسده بی نظیر است صن **فادزهر** معدنی خطائی یاقوت رمانی مروارید کهربا صمغی
گل ارمنی مغسول در روغن عقربی حب بلسان شقاقل مصری بهمنین حب الغار طباشیر سفید دارچینی از
هر یکی یک مثقال زعفران نیم مثقال عنبر اشهب مشک خالص ورق طلا ورق نقره از هر یک یک دانگ
و نیم جواهر را بگلاب سوده ورق طلا تا آب صمغ عربی محلول حل نموده مشک و زعفران را بگلاب سوده
و عنبر را بروغن بلسان نیم مثقال حل کرده باقی دواها را کوفته بیخته با هم سرشته حبها سازند
هر حبی بقدر قیراطی هر روز یک عدد از این حبها بگلاب دو مثقال تناول نمایند حب المسک
به نسخه دیگر نزدیک باعتدال مخترع و مجرب یوسف طبیب رحمة الله علیه صن مشک اذفر نیم مثقال
مصطکی رومی پنج مثقال نبات مصری هفت مثقال همه را جدا جدا کوفته بیخته بهم آمیزند و در
گلاب که کتیرا یا صمغ عربی بقدر نیم مثقال شب گذاشته صباح صاف کرده باشند بسرشند و حبها
کرده در سایه خشک کنند حب المسک بنسخه دیگر صن مشک دو دانگ پوست ترنج برگ
فرنجمشک قرنفل جوزبوا نارمشک هیل دانه زنجبیل کبابه بسباسه صندل هر یک دو درم کوفته بیخته
بسیب یا رب به سرشته حب سازند حب که مانع آبستنی شود و نگذارد که منی قابل انعقاد
شود صن افیون تخم کرفس بادیانه فودنج جبلی مصطکی اشنج هر یک جزوی سنبل الطیب

دارچینی سلیخه حب البلسان بهل قسط از هر یک نصف جزو حب سازند هر گاه اراده صحبت نمایند قبل از آن
بخوردن زن دو هند حبی که سیلان لعاب باهی را که از برد معده و رطوبت آن باشد نفع دهد ص
انیسون نانخواه هر یکی دانگی بلیله هندی ثلث مثقال فیقرا یک مثقال حبها سازند این یک شربت است
هر هفته یک بار بخورند حب جهت استرخای زبان زیر زبان داشتن نفع می بخشد ص علک البطم
دو درم علیقیت یکدرم کوفته باهم سرشته حب سازند حب جهت بحة الصوت که از یبوست و تابش کسی
و رنج کشیدن بهم رسیده باشد در دهان دارند ص کثیرا نشاسته صمغ عربی رب السوس مغز تخم
کدو مغز بادام شیرین مغز تخم خیارین مساوی حب سازند و اگر خواهند نبات یا فانید هم داخل
کنند حب هندی که بجهة معده بسیار نافع است ص مصطکی عابه چینی ناگرموتهه جایفل اگر غرشته
لونگ جاوتری برابر کوفته و بیخته با قدری شکر آمیخته با آب حبها سازند خشک کنند و در
دهان گیرند و آب او بتدریج بلع کنند و نزدیک اهل هند تناول الشبیر در این امر نفع بسیار دارد
حبی که جهت مالیخولیا در اثنای خوردن ماء الجبن گاه گاهی بکار آید منقول از منهاج ص افتیمون
دو دانگ سائیده ایارج فیقرا یکدرم اطریفل صغیر دو درم درهم سرشته بخورانند بعد از آن ماء الجبن
و اگر احتمال باشد یک دانگ شحم حنظل اضافه نمایند حبی که داء الثعلب را که از صفرا و بلغم باشد سود
دارد ص شحم حنظل سقمونیا نمک هندی افسنتین هر یک دو دانگ انزروت بسفایج فستقی هر یک
سه مثقال افتیمون چهار مثقال صبر سقوطری ده مثقال تربد موصوف دوازده مثقال با آب
خالص حب سازند شربتی دو درم حبی که در شری که سبب آن دم صفراوی باشد بعد از
طلا کردن با آب غوره یا سرکه و گلاب و آب کرفس و روغن گل و خوردن آب غوره و فصد و
حجامت و تلیین طبع با آب تمر هندی و شیرخشت استعمال شود ص کثیرا دانگی ایارج فیقرا
یکدام پوست هلیله زرد دو درم با آب کرفس حبها سازند حب هندی بجهت برص معمول
و مجرب و اگر بی این مرض کسی بخورد گاه گاه کلب شود ص بابچی ... و مقشر پوست بیخ کیومری

که آن عبارت از انجیر دشتی است پوست بیخ نیم برگ نیم هر یک پاو سیر همه را کوفته با پنج
کهیر هشت پهر تر دارند بعد از آن جوشانیده هر گاه نصف آب بماند خمیر کرده حبها سازند
هر روز تا یک یا دو دانگ بدهند و غذا نان بی نمک و بعد چندی خشکه برنج ساتهی با روغن
گاو و طریق مربا بچی آنست که بابچی را در روغن ماده گاو سرخ که هنوز زائیده نباشد
تر کنند هر گاه خشک شود دیگر اندازند بعد از بست ویک روز برآورده پوست را دور کنند
و در سایه خشک کنند حب جهت خنازیر و سلعه و جمیع اقسام غدد گلو معمول و مجرب
ص فلفل الایچی خورد و نخودانه سونتهه مرچ پیپل هر یک پاو گرم پنجماشه کوفته بیخته نگهدارند
نسوت سفید خراشیده دانتون مغز املتاس هر یک دوازده نیم درم همه را جو کوب
کرده در پنج سیر آب شب تر کرده صبح بجوشانند چون سیوم حصه بماند بدست مالیده آب
غلیظ آن برارند و بست و پنج دام پخته کوکل کوفته در آن حل کرده باز بر آتش گذارند و
بجوشانند چون غلیظ مثل معجون شود داروئیکه اول کوفته نگهداشته اند داخل کرده
حبها سازند هر روز نیم دام خام یا نیم دام پخته بخورند حب قاطع خون بواسیر منقول
از کناش رازی ص هلیله سیاه بروغن برشته املهٔ مقشر پوست هلیله زرد هر یک
یک توله گل سرخ نسوت طباشیر سفید گزمازج صدف سوخته کشنیز خشک هر یک نیم توله
کهربا بسد مروارید هر یک یکتوله ریوند چینی نیم توله مقل ازرق محلول بگلاب حب بندند و
هر روز پنجماشه با عرق بارتنگ و عرق بید نوشند و آخر روز دو توله گلقند یا یکماشه
و یکماشه طباشیر تناول نمایند اگر ضعف معده باشد نوشدارو بخورند حب چای خطائی
که بطریق قهوه میخورند تقویت باه و معده و دماغ مینماید و ریاح بلغمی از بدن میرانند و نزله
بارده را قطع میکند و کرده و پشت را قوت میدهد ص چای خطائی یا دیان خطائی نعناع خشک کرده
از هر یک یک توله پوست ترنج شش ماشه شب در آب تر کنند صبح سه چهار جوش داده صاف

نبات سفید داخل کرده قوام نمایند و عنبر اشهب یکماشه حل کرده بعد از آن که قریب بسرد شدن
رسد قرنفل دارچینی یکماشه دانه فاقلین مصطکی هر یک یکماشه همه را سوده داخل کرده
حبها بطور نوشیرین بسته نگهدارند در آب یا گلاب انداخته بطور قهوه پخته قبل از طعام
و بعد از طعام بخورند حب سرخ باده مجرب است ص دهاها صندل سرخ بهم رسد ندی نیل کنتهه
هر یک یکماشه برگ بکاین برگ نیم برگ حنا هر یک دو ماشه تخم کشنیز نیمکوفته سه ماشه
هوبیر گل کهنال هر یک یکماشه ادویه را کوفته در آب برگ حنا و تخم کشنیز که شب در آب خیسانیده
باشند آب صاف آنرا گرفته در آن حب بندند بقدر نخود کلان خشک کم نمک از گوشت و شیرینی
و ترشی اجتناب ورزند صبح که جهت بول الدم و سیلان منی و سلسل البول را نافع است
ص طباشیر کتیرا سفید زرشک بهدانه تخم کشنیز خشک تخم حماض گل ارمنی صندل سفید
گلنار صمغ عربی هر یک دو توله خارخسک سنگهاره تخم خرفه قلعی کشته تخم خیار هر یک
شش توله کهربا اسبغول را با عرق بیدمشک لعاب بر آورده بدستور حب نمایند شربتی
یک مثقال حب کندک جهت بهم رسانیدن اشتها قوی التاثیر است ص کندک مغسول
یک توله فلفل گرد چهار توله کوفته بیخته بآب لیمو بمقدار کنار کوچک حب سازند و بخورند
و اگر قدری نمک سنگ اضافه نمایند بهتر شود حب سوزاک بانواع حرقة البول و قرحه مجاری
بول نافع و دافع ص کهیان بید فلفل دار فلفل الایچی هلیله زرد بلیله آمله هر یک پنج درم
سلاجیت سه درم همه را کوفته بیخته بآب ثمر بکاین یا شیره برگ بکاین سحق بلیغ نمایند
و برابر یکدرم هر روز بخورند و هرگاه از احلیل مجرون پرده عنکبوت چیزی آمدن گیرد ترک کنند
الا هم ضرر است حب دیگر ست کلو بهنگری هر یک دو توله شوره قلمی الایچی هر یک یک توله
کتهه سفید نیم توله در قند سیاه بقدر نخود حبها بندند و از سه حب شروع کنند تا هفت حب
رسانند هفت روز میخورده باشند حب دیگر مرداسنگ پوست هلیله زرد فلفل هر یک

آہک آب نادیدہ کات سفید ہر یک یکتولہ نیلہ تھوتھہ نیم تولہ بآب حب سازند بوقت حاجت بروغن
زرد سائیدہ بکار برند حب آتشک ہلیلہ کلان ہلیلہ خورد نیلہ تھوتھہ لیموں حب دیگر برائے
آتشک مجرب انفع است صں سیماب بلادر ناخواہ اجمود کوفتہ بیختہ بست و ہشت عدد حب بسازند
بوقت صبح یک حب و دیگر بوقت شام استعمال نمایند مجرب کہ بعد از خوردن حب بگیرند شنگرف
اجواین خراسانی انگشت سوختہ از ین ادویہ مجرب بگیرند نافع است حب دیگر کہ از برائے
آتشک مجرب انفع است صں رسکپور الایچی سفید قرنفل عاقرقرحا کوفتہ بیختہ بآب تنہا
برابر دانہ فلفل بستہ بدہند حب آتشک ہلیلہ سیاہ پنج دام نیلہ تھوتھہ دو نیم دام فلفل
سیاہ دو نیم دام کوفتہ بیختہ بآب لیموں کاغذی یک صد و یک عدد کہرل کنند بمقدار کنار
حب بستہ نگہدارند حب سم الفار جہت آتشک دوازدہ روز اگر ضعف غالب بود متواتر
نتوان خورد درمیان فاصلہ دہند لیکن پرہیز از دست ندہند و از غذا متولد بلغم یا دانگیر
احتراز ورزند و نان گندم و روغن گاو بسیار حق است و اگر برگوشت رغبت باشد گوشت
لوہ و دراج و کلنگ بخورند و تقلیل غذا بہتر و این دوا مخفی دارند خاصہ از مریض عوام الناس
• از ترشی اجتناب کلی دارند کہ درمیان سم الفار و حموضات ضدیت است بالخاصیت
صں سم الفار الایچی کلان کافور کہری ہمہ مساوی الوزن کوفتہ بیختہ بآب خالص یا بکلاب
سحق بلیغ نمایند و بمقدار جوار یا ماش حب سازند و نگہدارند حب آتشک مجرب ہر رنگی
چہار دام عالمگیری مردار سنگ در تولہ سنگ جراحت دو فلوس عالمگیری کہنہ کہ مردمان
ہیخورند یک فلوس عالمگیری توتیای بریان شش ماشہ خرمہرہ زرد بریان دو عدد ادویہ را
در یک صد و یک عدد لیموں کہرل کردہ مقدار کنار جنگلی حب بابندند و یک حب ہر روز بدہند
اول باید کہ جلاب باین حب بدہند اینکہ جراحت مردارسنگ یکدہ نیم ماشہ جمال گوٹہ سر اندرون پوست
دور کردہ باشند پنجعدد قند سیاہ کہنہ دو تولہ چہار حب سازند یک حب دور کنند بتجربہ

و از سه حب یک تا سه گرم هر روز بلا فاصله بخورند و بعد هفته دو روز این حب را شروع کنند
حب آتشک مجرب است سمندر سهیل سم الفار سهاگه هفته پاشیده هر چهار برابر با لیمو حب
بسته بقدر دانه مونگ روز اول صبح یک حب آخر روز دو حب تا هفت روز باین نحو اول روز
بخورند و هر روز یک حب اضافه نمایند غذا با شیر یا خشکه بخورند و از برای گرمی غذای دیگر مناسب
است اگر خواهند بخورند حب آتشک دانه الایچی کلان سفید کافور چینی هر یک سه ماشه سم الفار
یک ماشه در آب برگ تنبول یکصد عدد سحق نموده حبها بندند بقدر دانه مونگهه یا ماش
و هر روز صبح و شام یک حب با آلایش گلوری تنبول بخورند و پرهیز بدستور است که سابق گذشت
حب عنبر که عقم بعقیم دور کند اگر چه هشتاد ساله باشد بفضل الهی از این دوا حامله شود
حص مشک خالص قرنفل سرخ افیون زعفران جوز بویه هر یک یکماشه جزو اعظم تخم بهنگ دو ماشه
فوفل گجراتی سه چهار عدد قند سیاه کهنه یکدرم همه ادویه را کوفته بیخته بقدر کنار حب
بندند بعد از ایام حیض روز اول شروع کنند تا سه روز انشاء الله بار دار گردد

فصل سیوم در حبوبات افیونیه جدواریه و غیر جدواریه

حب جدوار مجرب من مولفات حکیم
علوی خان مرحوم حب بدل افیون است و نیز مقوی باه چنانکه شخصی که برای او تالیف شده بود بعد
استعمال این حب نکاح جدید کرد حص افیون کاذروی خالص صاف نموده با عنبر آن زعفران
و همسنگ آن جدوار در میان نارجیل سر آنرا سوراخ کرده بیفکنند و سوراخ را محکم نموده نارجیل
را بخمیر گرفته در سه من شیر بز یا شیر گاو بجوشانند تا تمام شیر جذب شود و نزدیک سوختن برسد لیکن
روغن گاو بران ریزند آنقدر که از روی نارجیل پر گردد و بر آتش ملایم آنرا در روغن بریان
کنند بعد یکه خمیر که بالای نارجیل است سوخته شود و لیکن از روغن بر آورده خمیر از آن جدا
ساخته و پوست سیاه که بر لب نارجیل است جدا کرده نارجیل را با افیونی که در میان است
بسایند تا چون مرهم شود و لیکن برابر هشت مثقال از آن بسایند بهمن سرخ بهمن سفید بادرنجبویه از

از هر یک یکمثقال مغز بادام شیرین مغز چلغوزه تخم خرفه مقشر از هر یک یکمثقال و نیم طباشیر سفید
صمغ عربی کتیرا بزرالبنج بیخ لفاح جوزبوا از هر یک چهار دانگ زعفران مشک نبات سفید
از هر یک دو مثقال کوفته بیخته بروغن بلسان چرب نموده مجموع را بگلاب سرشته در هاون
سنگی بدسته بکوبند تا نیکو مخلوط شود حبها سازند بقدر نخودی بورق طلا و نقره پیچیده در
سایه خشک کرده بکار آرند یک حب تا دو حب استعمال نمایند حب جدوار که مفرح است
باه و امساک تمام دارد و نزله مزمنه را مفید است صص جدوار بسفایجی مایه شتر اعرابی
مصطکی رومی بهمن سفید بهمن سرخ طباشیر بسباسه بزرالبنج بیخ لفاح از هر واحد چهار دانگ
شقاقل مصری دارچینی از هر یک یکمثقال و نیم زعفران صمغ عربی از هر یک پنج دانگ نبات
سفید افیون کافور [illegible] از هر یک سه مثقال و دو دانگ ورق طلا بست و پنج عدد بمقدار نخود
حبها سازند شربتی دو حب دیگر نافع نزله و زکام و سرفه و جهت زحیر و اسهال و تسکین
آلام مشکور صص فلفل سفید یکماشه دارچینی دارفلفل دو ماشه قرنفل سه ماشه جدوار جوزبوا
زعفران کبابه مصطکی خصیة الثعلب هر یک پنج ماشه افیون خالص دوازده ماشه کوفته بیخته بآب صمغ
عربی سرشته حبها سازند بمقدار نخود و در سایه خشک کنند و از یک حب تا چهار حب وقت خواب
استعمال نمایند دیگر قلیل الاجزا کثیر المنفعت جهت تقویت معده و دل و دماغ و باه بی نظیر
است صص جدوار عنبر اشهب زعفران برابر بمقدار فلفل حب بندند و از دو حب تا پنج حب
بخورند حب جدوار مجرب خاکسار مقوی باه مشتهی ممسک مقوی باه صص مشک خطائی دو دانگ
عنبر اشهب [illegible] هر یک ... جدوار بسفایجی زعفران کشمیری دارچینی قلمی صورتی جوزبوا مصطکی رومی
صمغ عربی ابریشم مقرض بهمن سفید بهمن سرخ هندی رب السوس هر یک یک درم مایه شتر اعرابی یکنیم درم
خصیة الثعلب مغز بادام تخم کاهو مقشر بنفشه خولنجان هر یک دو درم افیون مصری مقطر و مصفا
چهارم ادویه دواها کوفته بیخته بروغن بادام چرب کرده بآب کوکنار حبها بورق نقره پیچیده

برابر دانه مونگ به بندد و بعد پیچ با بر نخود سازند حب افیون ممسک بهبهی مقوی که شاه
جهان نوش میفرمود وصفش افیون مصری مصطگی رومی یکدرم و یکتوله و چهار و نیم ماشه عنبر
اشهب سه درم و یکتوله و چهار و نیم ماشه پوست ترنج سه درم و یکتوله و شش ماشه دارچینی
یکدرم و یکتوله و چهار و نیم ماشه حب بندند بعد از ان افیون را تیار کرده عنبر را داخل نموده چندان
بسایند که همه یکسان شود حب افیون اعظم شاهی صفت گل گاوزبان بادرنجبویه
ابریشم خام مقرض هر یک دو توله زعفران ده توله ریوند چینی پنج توله افیون مصری پانزده
توله مجموع را جدا جدا با گلاب خیسانیده بعد از دو روز صاف نموده همه را ممزوج کرده در سنگی
از گرد و غبار ایمن باشد هوا داده باشند تا بقوام آید بعد از ان ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب
هر یک یک توله سائیده داخل نموده چندان بمالند و لت کنند که بقوام خمیر حب آید بعد از ان
بقدر فلفل حبها سازند حب افیون حیله گذاشتن بیار و چای [illegible] یک حصه کونپل درخت
ارند دو حصه هر دو را سائیده حبوب سازند بمقدار موازنه که افیون میخورده باشد دیگر
پنج کنیر سفید بطریق صندل سائیده سه درم با بچی سرکه ده شش درم اسپند سوختنی
دوازده درم برگ کنار لبت و چهار درم حلبه چهل و هشت درم بقدر یکدرم حب بندند و اگر
کسی یکدرم میخورده باشد سه درم از ان میخورده باشد صاف کردن افیون که در خوردن
کم مضرت و بی بدل میشود افیون اول که زرد باب گرم حل شود یک سیر و شیر باده گاو
چهار سیر شیر را گرم کرده افیون دران حل کنند بعده از پارچه صاف نمایند چون بقوام
رسد روغن گاو یا روغن بادام پاو سیر داخل قوام نمایند تا همه روغن جذب شود بعده زعفران
یکدرم عود قماری دو دام سائیده داخل ساخته خوب بپزند بمقدار نخود حبها بندند و
بدارند و اگر بجای عود و عنبر اشهب آمیزند بهتر است باید که صد مرتبه آنرا در آب یا در عرق صلایه کنند
دوازده روز تمام می شود و پس قرصی ساخته در ظرف گلی سرپوش پوشیده رو بگستنید زیر ریز

زیر زمین دفن کرده روز یکشنبه آینده برآورده یکبار برند نفع بلا مضرت بخشد من مجالی شا
اکبریه و مجربات حب افیون ممسک مقوی باه است از مجربات اعتماد الدوله مرحوم ص
مصطکی زعفران سه دام جند بیدستر نیم دام فلفل گرد یکدام عود یکدام پوست اترج دو
دام دارچینی یکدام افیون صاف کرده هم سنگ ادویه اجزا کوفته بیخته با گلاب حبها بندند
طریق صاف نمودن افیون آنست افیون را نیم کوب نموده در آب گرم یا گلاب تر کرده یک
شب نگهدارند صبح در پاتیله کرده بر آتش گذارند و بدست بمالند چون خوب حل شود
بگذارند که چندین جوش خورد و بعد از آن آهسته آهسته در قاشق از آن در صافی میگرفته
باشند تا تمامی افیون در صافی آید بعد از آن آهسته آهسته صافی را بگردانند و درد را آهسته
یکجا میکرده باشند هر چه خلاصه است جدا شده و درد بماند درد را باز آب یار کرده بجوشانند
تا وقتیکه غلیظ شود و پس نگهدارند و اندک روغن بادام بر ظرف بمالند که نچسبد حب
خوش کیفیت که در امساک نظیر ندارد ص جوز بوا خولنجان ثعلب هر یک دو درم بسباسه
جدوار افیون دارچینی زعفران هر یک درم [illegible] برابر کوفته بیخته حب سازند
بقدر مستعد اد بخورند حب جدوار جهت تقویت معده و دل و دماغ و باه مفید است
ص جدوار [illegible] عنبر اشهب زعفران همه مساوی الوزن کوفته و بیخته بگلاب سرشته
حبها بقدر فلفل سازند و از دو حب تا پنج حب جهت شربت است حب برای قوت
باه و امساک و از تعب جماع ماندگی نشود مجرب است اگر مردم در تجربه درآورند ص اسپند
و نیم درم پوست خشخاش دو درم کنجد سیاه دو درم قند سیاه کهنه بقدر حاجت ادویه کوفته
بیخته در قند سیاه آمیخته باز بکوبند تا همراه قند مخلوط شود و بهفت حصه نمایند هر حصه را
بندقه ساخته نگاه دارند وقت حاجت یک حبه فرو برند باب سیوم در نسخه های حبوب
که برای نزلات نافع ص تخم خربزه مقشر تخم خشخاش تخم کشنیز خشک مقشر مغز بادام

شیرین بمقشر هر یک پنج مثقال همه را در عرق بیدمشک عرق گاوزبان شیره کشیده نشاسته
صمغ عربی کتیرا ناشسته تخم ریحان هر یک چهار دانگ تخم خرفه کوفته یکمثقال شربت دیاقوزا
شربت نیلوفر هر یک پنج مثقال نبات سفید هفت مثقال و نیم داخل کرده بپزند که بقوام
حریره آید دو حصه کنند هر روز یک حصه بخورند حسو لوز جهت زکام و نزله حار بسیار
مفید است صفت نشاسته مغز بادام آرد باقلا جو مقشر کوفته با آب بیخته قدری کتیرا صمغ
عربی و فانید سنجری روغن بادام شیرین داخل کرده گرم بخورند حسو لوز که سرفه را سودمند
و بدن را فربه کند و باد بر انگیزد صفت نخالتکند مسه درم مغز تخم کدو مغز شیرین تخم خشخاش
هر یک سه درم در آب بجوشانند و صاف نموده باقی دواها بعرق بیدمشک سی درم سوده داخل
کرده در آتش ملایم بپزند چون حریره گردد نبات بقدر حاجت اندازند پس از آتش فرود آورده
شیر گرم تحسی نمایند حسو که زیاده شیر کنند و مجرب است صفت آرد میده آرد نخود آرد باقلا
از هر واحد یک تولیه لوز مقشر نیم توله را زیاده تخم شبت تخم جرجیر ربع توله با شکر پخته تحسی کنند
حریره جهت اسهال دموی صمغ عربی یکمثقال بزرقطونا بزر لسان الحمل هر یک دو
مثقال نشاسته سه مثقال مرتب سازند و با شراب صندل بدهند دیگر جهت نحیفی سرخون
و باخون و ابواسیر معمول و مجرب صفت صمغ عربی سه ماشه نشاسته روغن بادام هر یک
نیم توله با شکر بدوره داده یک توله با قدری نبات حریره کرده بدهند و اگر تشنگی بسیار باشد
بغیر نبات بعمل آرند حسو که در دبول بکار آید و رطوبت افزاید صفت مغز بادام شیرین
مقشر پنجه درم ماش مقشر تخم خشخاش سفید هر یک هفت درم باقلا ده درم کشک جو با
کرده نیم کوفته بیست درم جمله را در یک و نیم من آب که و نیک بپزند و صاف کنند و بیست
درم آب انار شیرین و چهار درم روغن بادام بر جمله زده از این کشکاب افکنند و مقدار
ده درم مغز نان نخی و در وی مالیده بخورند و دو ساعت صبر کنند پس به سنتو مقرر در آب زن

نسخهٔ خوناب

نشینند باب چهارم در اقسام حلویات حلوا نافع برای جمیع اصناف مالیخولیا و یبوست بدن و
مدقوق و مسلول را تسمین کند صفت شکر سفید مسکه تازه یا روغن بادام شیرین تخم خشخاش سفید
تخم خرفه مقشر مغز تخم کدو و شیرین نشاسته از مجموع حلوا سازند و اگر مانع نبود و خواهند که
خوشبو شود قدری مشک و عنبر و زعفران اندازند حلوا ارجند رقوت جماع دهد و منی
بیفزاید و بدن را فربه سازد صفت گندم تراشیده یکمن بپزند و در هاون چوبین نرم کنند
پس مغز بادام مغز گردکان مغز نارجیل مغز فندق مغز پنبه دانه مغز حب الزلم مغز حب قلقل
کنجد مقشر خشخاش سفید هر یک یک استار کبابه زنجبیل دارفلفل دارچینی ثعلب مصری جوز بوا
بسباسه زرنباد هر یک سه درم مجموعه را نرم کوبیده با نیم من عسل و نیم من قند و ربع من
روغن گاو و پنجاه عدد زرده تخم مرغ بآتش ملایم بپزند تا بعد ما پخته شود و اگر خواهند شیرین
زیاده شود مختار اند و یکی مخترع صاحب قادری که در تقویت و تولید منی و تسمین بدن
عدیل ندارد و جهت درد کمر و ضعف گرده و مثانه مجرب است صفت زردک سرخ رنگین پنج سیر
از پوست و استخوان پاک کنند و یکمن از روغن نیم من از خرمای فربه مغز خسته دور کرده اندک شیر
گاو بپزند تا مهرا شود پس آورده در هاون چوبین بکوبند تا چون مرهم گردد بعده آرد نخود بریان
و سپیده گندم هر یک پانزده درم در قدری روغن گاو بریان سازند و قند یکمن و عسل نیم من
در آب حل کنند و صاف ساخته بر آن ریزند و بپزند تا بقوام آید پس زردک و خرمای مدقوق مخلوط کرده
و سه جوش داده فرود آرند و زرده بیضه مرغ جوش داده در آب بیست عدد و شیر گرم کرده اندازند
جمله را نیک امتزاج کنند بعد از آن مغز فندق مغز بادام مغز پسته مغز جوز مغز چلغوزه مغز نارجیل
هر یک ده درم خصیة الثعلب کشنیز خرما خشک عربی دارچینی زنجبیل خولنجان هر یک سه درم
زعفران مشک هر یک یک درم باریک ساخته بیامیزند و هر صباح ده درم بخورند حلوا
خرما خرمای منقی از خسته دو سیر با دو سیر آب بجوشانند تا حل شود پس بدست بمالند و بیالایند

و با نیم سیر قند و مثل آن عسل و یکدرم زعفران بجوشانند و کاک خورد کرده آنچه بهر قدر باید بپزند
و با یک سیر روغن کنجد بریان سازند و جوز و بادام و پسته مقشر داخل سازند حلوای چلغوزه
مقوی و منعظ است مغز تخم خربزه تخم جرجیر هر یک جزوی مغز چلغوزه دو جزو کوفته بیخته
به روغن گاو بریان کنند بنحوی که سرخ شود پس اندکی دارفلفل و زنجبیل نیز افکنند و عسل بقوام
آرند و بعضی اوقات شقاقل نیز اندازند حلوای که کسی از اطبا بجهت نشاط آورد
و منع سرعت انزال کند بگیرند پوست خشخاش با تخم بکوبند و یک شب در آب بخیسانند پس
بفشارند و ثفل از او دور کنند و دو سیر گندم در آن آب بجوشانند آنقدر که تمام آب جذب کند
پس در سایه خشک کرده آرد کنند و آن آرد را در روغن بریان کرده دو سیر قند سفید و یک سیر
عسل مصفی با آب مخلوط کرده بجوشانند و کف از گرفته داخل نمایند و با آتش ملایم بپزند تا شروع
به بستن روغن نماید از آتش بگیرند مغز بادام شیرین ده درم زنجبیل دو درم زعفران
نیم درم نرم کوبیده داخل نمایند و بطریق حلوا ازو بپزند و هر کس بقدر برداشت طبیعت بخورد
حلوا لبعضی متأخرین این حلوا را در امراض کلی بجهت تسمین و تغذیه کرده و سایر بدن و تقویت
باه بسیار ستوده اند گفته که دیده ام و شنیده اند دیگران احسن از آن در منفعت بجهت این امر
حص تودری سرخ تودری سفید تخم خشخاش حب الصنوبر بوزیدان جوز حب فلفل زعفران مغز بادام
مقشر مغز فندق جوز هندی دقیق الارز شهد مصفی چهار رطل فانید یک رطل شکر سفید یک رطل
روغن کنجد ده استار روغن گاو ده استار آرد باقلا ده استار آرد حمص ده استار یدق الفانید
و یلقی علیه العسل و هر دو را بر آتش بقوام آورده ادویه دیگر سحق کرده بیامیزند مگر زعفران که آنرا
بگلاب سوده باشند داخل نمایند و اگر خواهند آردها را به روغن گاو بریان نموده با شهد
و شکر بطریق حلوا پخته سازند و مغزیات را اصلاً بیساخته اضافه کنند پس زعفران و مشک و دیگر
افاویه مطلوبه بیفزایند و بقدر پنج درم همراه شیر یا بدون شیر بخورند حلوای مقوی باه و ممسک

و یا کاو میش هفت سیر و شکر سفید دوازده سیر وزن اکبری یکجا کرده جلاب سازند و بقوام آرند
پس روغن گاو یا روغن گاو میش نیم سیر گرم کنند و سمنی سپاری سمنی جمله دارو یکجا کرده بریان کنند
و در جلاب مذکور اندازند و بقوام حلوا سازند و بعضی میگویند که سمنی مذکور را در روغن گاو بریان
کنند پس شکر تری اخلاط کرده فرود آرند و سرد کنند و هشت پل شهد خالص بیامیزند و کفچه زنند
و در آوند چرب نگهدارند و هر روز دو نیم دام یا زیاده و کم بخورانند و بالای آن شیر ماده گاو
یا روغن ماده گاو و یا شوربای گرم شفتی یا گوشت چندانقدر که مناسب دانند بدهند و غذا ارقوی
و سبک بدهند دیگر مسمی حلوای توجر سکنده معروف بدهوند فی همالست مقوی باه و
پشت و گرده و دماغ و روشنای چشم و دل و اعضا رئیسه است و جهت سیلان منی و سلس البول
نافع است و رنگ رو تازه و سرخ کند و مردم را قوی و فربه گرداند و موی را روشن سیاه گرداند و
و برای زنان نیز مفید است صفت زعفران جوز بوا جوتری هر یک یکدام پخته دارچینی الایچی
خورد قرنفل هر یک دو دام پخته سونته پیپل دراز هر یک دو نیم دام پوست بیخ اونتگن کتاره
تالمکهانه موصلی سیاه جیتهه کوند ذاک مغز تخم انکن هر یک نیم پا مغز ناجیل مغز چلغوزه
مغز اخروت مغز پسته مغز بادام هر یک پاو سیر آرد سوجی آرد سنگهاره آرد ماش مقشر کوند
سول آرد مغز تخم کونچ نشاسته گندم شهد هر یک نیم سیر روغن گاو یک سیر شیر ماده گاو مصری
پنج سیر ورق طلا ورق نقره هر قدر که باشد همه ادویه کوفته بیخته با شیر و شکر و روغن یکجا نموده
مانند حلوا بپزند پس فرود آورده و سرد ساخته در ظرف پاکیزه باحتیاط نگهدارند و هر صبح و شام
بقدر طاقت و توانایی بخورند و بالای آن اگر قدری شیر نیمگرم نموده بخورند بهتر باشد و دیگر
انبه پاک نام دارو و قوت باه زیاده کند و هر زنی که فرزندانش نمیرند از خوردن این دوا اگر
مدت چهار ماه یا شش ماه بخورد فرزندانش دراز عمر خوش رنگ خوش چهره بر آیند و زنی را که
بعد از زاییدن گرنگ در شکم مانده باشد بر طرف شود و زنی که بار نمیگیرد از ملازمت این دوا تا و

تا دو مثقال حل بماند و فرزند در آن عمر بر آید حافظه را قوت زیاده کند و بواسیر اندام خوش کند و سده
کشاده فتح کند و بدن فربه نماید و در جمیع آتش و حک و وسواس و کاس که بهی و وک نشستن و زکام و تلی جگر
و بند روک و کمزوری بادو و در جمیع علل اہل تپ و گرمی را نافع و دافع ص شیره انبه شیرین و پخته چهار
سیر شکر سفید شانزده سیر روغن گاو دوازده و نیم سیر سنبهی یکنیم سیر فلفل گرد فلفل دراز هر یک
پاو سیر گرفته اول شیره انبه و شکر تری یکجا کرده بمقدار پنج سیر آب انداخته جلاب کنند و شهد کار و بعد
دوازده سیر اندازند و بآتش نرم بپزند بعده سحق سنبهی فلفلین بوزن مذکور و سحق بدبباری کنند
ستشند رم و سحق نسوت دوازده درم و ستا و ربست و دو درم در روغن گاو بپزند و بعده
جلاب مذکور که در شیره و شیره انبه پخته اند سرد سازند بعده سحق ناگرموتهه دو درم سحیق بپزند الا تجی
خورد و ناگیسر هر یک سه درم پلپل مول جته هر یک چهار درم کشنیز دارچینی تالیس پتر هفت درم
زیره سیاه هشت درم و چوب چینی نه درم باید انداخت و شهد یک و نیم سیر انداخته بهم شند و تا
بقوام آورده نگهدارند و بقدر شانزده مثقال نهار بخورند باب پنجم در بیان حمولات
حمولی که جهت زحیر مجرب است ص زرده تخم مرغ به روغن گل آمیخته مرداسنگ مغسول
صمغ عربی سفیده از ریز باریک ساخته در آن آمیزند و لته بدان آلوده بردارند حمولی که در
دو و صفار که در امعاء مستقیم متولد شود بکار آید خصوصا صبیان را لته در زهره گاو یا اقاقیا
سیاه یا قطران آلوده بردارند و از همه بهتر جدوار خطایی است که بشیر که سحق کنند و پنبه بدان آلوده
بردارند دیگر که تسکین وجع بواسیر کند دو درم رحم و وجع آنرا نفع دهد ص بیه بطابا بونه
افیون بالسویه دو دو درم موم و دو درم قیروطی ساخته بصوفه حمول کنند دیگر از مجربات جهت
تسکین وجع بواسیر بی نظیر است ص مغز دانه آلو کلی مغز دانه آلو سیاه مغز دانه آلو کرد
مغز دانه شفتالو هر یک سه عدد در کوزه نو بریان کرده با مقل یک مثقال سحق کنند و بر پنبه
گذاشته بردارند حرف الخا مشتمل بر سه باب باب اول در بیان نسخها و ترکیب خمیرها.

محتوی بر سه فصل فصل اول در اقسام خمیره صندل مروارید فصل دوم در اصناف خمیرهای
ابریشم فصل سیوم در اقسام خمیرهای خشخاش وغیره باب دوم در تراکیب خضاب باب سیوم
در مرکباتی که بلفظ غیر مصدر شده **فصل اول** از باب اول در بیان خمیره صندل و مروارید
خمیره صندل خفقان حار و سوزش سینه را که بیقرار نماید دفع کند صـ صندل سفید
طباشیر سفید نشاسته تخم خرفه مقشر هر یک دو مثقال کافور یک قیراط نبات سفید بیست و
چهار مثقال شربت فواکه شیرین دوازده مثقال بطریق شربت دهند خمیره صندل جامع
تهوع دقی صفراوی و اسهال مراری و حمیات صفراوی و سوء مزاج حار قلب و خفقان را نافع
است صـ کشنیز خشک مقشر پنج درم صندل سفید سوده سی درم در سرکه انگوری ده درم آب
غوره یکصد درم گلاب بید مشک از هر یک نیم من آب باران یک من شب باشد روز بجوشانند
پس بجوشانند تا بنصف رسد بدست بمالند و از پارچه کتان باریک بگذرانند پس با یک من قند
سفید بقوام آرند پس بگیرند ورق نقره ورق طلا هر یک نیم درم کافور قیصوری نیم مثقال
مروارید ناسفته اشهب عنبر هر دو صلایه کرده زعفران هر یک یک درم طباشیر سفید صندل
سفید سوده هر یک ده درم کوفته و بیخته همه با آن بسرشند شربتی پنج درم خمیره مروارید جهت
تقویت معده و دل و دفع خفقان و وسواس مغز تخم خیارین شش درم مروارید ناسفته دو
درم و نیم مغز تخم کدو سه درم صندل سفید بگلاب سوده تخم خرفه مقشر گل بنفشه گل گاوزبان طباشیر
سفید از هر یک دو درم زعفران یک درم مشک خالص عنبر اشهب هر یک نیم درم ادویه را کوفته
بیخته شربت انار شیرین ترشک ساده هر واحد بیست درم قند سفید پنجاه درم عرق بید مشک
گلاب عرق بهار هر یک ده درم بطریق معلوم مرتب سازند اگر گرمی در مزاج غالب باشد قدری
کافور اضافه نمایند خمیره مروارید مروارید ناسفته آبدار اشهب عنبر هر یک نه ماشه
زهر مهره خطائی چهار ماشه قند سفید پاؤ و انار شربت شیرین نیم پاؤ و عرق بید مشک گلاب

گلاب نیم آثار عرق صندل عرق گاؤزبان ہر یک پاؤ آثار ورق طلا سہ ماشہ ورق نقرہ یک تولہ
خمیرہ مروارید خفقان و ضعف قلب را بنہایت نافع و اعضاء رئیسہ را قوت دہد و منافع بسیار
است ص مروارید ناسفتہ ہشت ماشہ یاقوت رمانی بسد احمر سوختہ مغسول ہر یک چہار ماشہ
ورق طلا ورق نقرہ ہر یک سہ درم لعل بدخشی عقیق یمنی یشب سبز بسافج ہندی زرنباد درونج
عقربی تخم خرفہ مقشر ابریشم مقرض ہر یک سہ ماشہ انیسون افریطی شش ماشہ لاجورد مغسول
کافور قیصوری عنبر اشہب از ہر یک یک ماشہ طباشیر سفید صندل سفید از ہر یک پنج ماشہ کہربا
شمعی زرشک بیدانہ تخم کشنیز خشک مقشر صندل سرخ غنچہ گل سرخ پوست اترج گل ارمنی گل مختوم
عود ہندی گل گاؤزبان ہر یک دو ماشہ مشک خالص پنج ماشہ نبات سفید گلاب ہر یک پاؤ آثار
رب سیب شیرین آب انار شیرین از ہر یک یک تولہ آب بہ شیرین سہ تولہ بدستور مقرر خمیرہ
ساختہ بعد چہل روز استعمال نمایند قدر شربت یکمثقال خمیرہ مروارید مقوی معدہ و دل
و مفرح دل و رافع انواع خفقان و خوف و فزع سوداوی اکثر امراض قلبی جہت اسہال
مراری دموی ضعف جگر و گردہ و حصاة و حرقہ بول مفید ص نبات سفید پاؤ سیر را در عرق
بید مشک و گلاب بقدر کفایت بقوام آرند و مروارید چون غبار صلایہ کردہ یک تولہ در آن حل کنند
و خمیرہ سازند و گاہی جہت نرم داشتن قوام دو سہ درم از نبات کم کردہ عسل سفید تولا بیستی
داخل کردہ میشود و گاہی جہت رعایت حال آنہا نبات را در عرق بارتنگ قوام گرفتہ طباشیر
سفید مروارید ہم اضافہ کردہ می شود و در امراض جگر صندل ہم افزودہ میکرد و خمیرہ
مروارید ص طباشیر سفید مروارید سفید صندل سفید ابریشم مقرض بہمن سفید از ہر یک [illegible] مثقال
پنجمثقال عنبر اشہب ورق طلا ورق نقرہ از ہر یک یکمثقال و یک دانگ نیم مشک خالص نیم
و سہ قیراط شکر سفید گلاب عرق بید مشک از ہر یک دو صد مثقال عسل مصفی بیست و پنجمثقال
بدستور خمیرہ سازند خمیرہ صندل ص صندل مروارید صندل سفید بگلاب سودہ طباشیر

سفید هر یک یکتوله گل گاوزبان تخم کشنیز مقشر دو دو توله زرشک بیدانه سه توله تخم خرفه مقشر
چهار توله دانه هیل شش ماشه ورق نقره شش ماشه ورق طلا دو ماشه عنبر اشهب دو ماشه اول
مروارید را بگلاب صلایه کرده دواها را دیگر کوفته بیخته با نبات سفید پانزده توله عرق
صندل عرق گاوزبان عرق نیلوفر هر یک پانزده توله بقوام آرند و عنبر و اوراق را بعد فرود
آورده دل آهسته آهسته حل نمایند خمیره صندل مقوی قلب و دماغ و نافع است برای خفقان حار
ص صندل سفید بگلاب سوده بیست مثقال قند سفید یکصد و شصت مثقال عنبر اشهب نیم مثقال
مشک خالص یکدانگ و نیم ورق طلا و ورق نقره هر یک نیم مثقال گلاب یکصد و شصت مثقال
عرق بیدمشک هشتاد مثقال قند را بگلاب و عرق بیدمشک حل کرده بقوام آورده
باقی دواها انداخته بقوام خمیره آرند فصل دوم از باب اول در اصناف خمیرهای ابریشمی
خمیره ابریشم جهت توحش سوداوی و اقسام مالیخولیا بارد و بواسیر ریحی اسود و مقوی
دل و دماغ ص عود و مصطکی مشک خالص هر واحد نیم مثقال یاقوت کهربا مرجان یشب هر یک
یک مثقال مروارید ناسفته عنبر اشهب هر یک دو مثقال بادرنجبویه برگ فرنجمشک هر یک بیست
مثقال ابریشم زرد خام نو دو صد مثقال نبات یکسیر ابریشم را در آب طلا تاب یا آهن
تاب تبر کرده بجوشانند تا ربع باند خوب مالیده صاف کرده بگیرند بادرنجبویه فرنجمشک را علیحده
در یک کاسه آب بجوشانند تا نصف باند صاف کرده با آب مذکور ضم کنند و نبات داخل کرده
بقوام آورده بتبرید بندارند عنبر با مزعفر و دواهای دیگر بدستور معمول حل کنند خمیره
ابریشم در تقویت دماغ و قلب و کبد و دفع خفقان و مالیخولیا و تفریح بی عدیل است ص گاوزبان
کیلانی سه درم گل گاوزبان کشنیز خشک مقشر ابریشم مقرض بهمن سفید تخم بالنگو صندل سفید
تخم فرنجمشک هر یک واحد یکتوله عنبر اشهب نیم درم سوای عنبر در دو آثار آب تر کنند صباح
بجوشانند هر گاه سیوم حصه باند صاف نموده با نبات سفید یک آثار عسل یا و آثار بقوام آورند

آورند و دور آخر عنبر داخل نمایند ورق طلا ورق نقره شش ماشه خوب حل نمایند و از عده تا نه ماشه
قدر خوراک دارد و مروارید ناسفته و یاقوت و زمرد و زهر مهره و لیشب کافی اضافه نموده
بعمل آید بسیار نفع ساخته خمیره ابریشم حکیم مسیح الزمان جهت بندگان حضرت اعلی تیار
داده بود صندل کهربا صندل سفید عود و عنبر مصطکی نیم مثقال زرنجشک ابریشم مقرض مروارید
هر یک یک مثقال گل گاوزبان دو مثقال این همه یکجا بند و بیز ند ابریشم خام ده توله عسل مثقال
نبات هفتاد مثقال گلاب دو سیر ابریشم را در گلاب یک شبانه روز تر کرده بجوشانند تا
نصف باقی ماند صاف کرده بآن نیم کنند عسل و نبات داخل کرده بقوام آرند اول عنبر را
حل کرده خوب لت کنند بعد از ان دوا های دیگر کوفته داشته بیامیزند خمیره ابریشم دو درم
دارچینی زرانباد صندل عود برگ بادرنجبویه گل گاوزبان بادرنج برگ زرنجشک پوست بیرون
پسته قشر اترج سنبل هندی هیل دانه مصطکی هر یک نیم توله یاقوت لولو لیشب کهربا بسد
هر یک چهار ماشه گلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان بادرنجبویه هر یک نیم سیر عنبر مشک
ورق نقره هر یک دو ماشه عسل سفید پاو سیر شربت فواکه پاو سیر نبات سفید نیم آثار بقدر
معمول خمیره سازند خمیره ابریشم خام هشت مثقال در گلاب نیم سیر عرق نیلوفر نیم سیر عرق
هیل پاو سیر یک شبانه روز خیسانیده بجوشانند هر گاه نصف باند صاف نموده قند
سفید دو صد درهم شربت سیب شربت انار شیرین هر یک پنجاه درهم داخل کرده بقوام
آرند پس مروارید ناسفته کهربا زهر مهره مرجان لعل بدخشی هر یک یک مثقال بگلاب بید مشک
صلایه نموده داخل کنند بعد مغز تخم کدو تخم هندوانه تخم کاهو مقشر تخم خیار بادرنگ مغز
تخم خیار مغز بادام شیرین تخم خشخاش سفید بگلاب سوده هر یک دو مثقال بهمنین بوزیدان
هر یک یک مثقال شقاقل مصری دو مثقال سورنجان مصری دو مثقال گل سرخ یک مثقال
گل گاوزبان گیلانی دو مثقال مغز حبة الخضرا مغز حب الزلم هر یک یک مثقال دماغ گنجشک نر

دو مثقال عنبر اشهب یکدرم مشک خالص نیمدرم ورق طلا یکدرم ورق نقره یک مثقال اضافه
کنند و بدستور مقرر مرتب سازند و در مزاج گرم کافور قیصوری نیمدرم زیاده کرده میشود
خمیره ابریشم حافظ صحت محرور بعد از امراض حاره جهت تقویت بکار آید ص ابریشم خام
پنجمثقال گاوزبان ساذج برگ فرنجمشک پوست بیرون پسته قشر اترج سنبل هندی
هیل دانه مصطکی هریک نیم توله یاقوت لولو یشب کهربا البسد هریک چهار ماشه گلاب عرق
بیدمشک عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه هریک نیم سیر مشک ورق نقره هریک دو ماشه
عسل سفید پاؤ سیر شربت فواکه پاؤ سیر نبات سفید نیم آثار بدستور معمول خمیره سازند خمیره
ابریشم منقول از ریاض عالمگیری ص ورق نقره مصطکی کهربا مرجان یک مثقال ابریشم مقرض
گل گاوزبان طباشیر گل سرخ جوز هندی صندل سفید مروارید مشک خالص هریک دو مثقال
ورق طلا سه مثقال عنبر اشهب چهار مثقال ابریشم خام پنجاه مثقال عسل مصفی یک رطل
عرق بیدمشک نبات هریک دو رطل ابریشم را در عرق ها سه شبانروز خیسانیده جواهر را در
گلاب صلایه کرده دواها دیگر کوفته بیخته بدستور معمول مرتب سازند خمیره ابریشم که منع
بخارات نماید و تقویت دل و معده کند منقول از علاج الامراض ص طباشیر سفید بهمنین کشنیز
خشک پوست بیرون پسته لولو ناسفته کهربا شمعی گل نیلوفر گل گاوزبان گیلانی ابریشم
مقرض هریک دو درم یاقوت رمانی چهار دانگ عصاره زرشک پنجدرم عنبر اشهب دو دانگ
آب سیب شیرین آب انار شیرین از هریک سی مثقال گلاب عرق بیدمشک عرق گاوزبان
از هریک پنجاه درم قند سفید دو من بدستور متعارف مرتب سازند خمیره ابریشم
از حکیم ارشد جهت اقسام امراض سوداوی تقویت اعضای رئیسه بیعدیل است و در طعم
بسیار لذیذ ص عود غرقی چهار ماشه ابریشم مقرض خام که از کوه باشد چهل و دو توله صندل
سفید سائیده نیم توله سنبل الطیب پوست بیرون پسته پنج مصطکی قرنفل دانه هیل ساذج

سافج هندی از هر یک پنج ماشه ادویه را در پارچه کتان یا ابریشم در عرق گاوزبان و بید مشک گلاب
آب سیب آب انار شیرین آب به شیرین هر یک دوازده دام آب باران دو آثار بجوشانند تا فرود
آب باران بر دو دوزن آب سیوده باز بمانند بعد از ان بعسل سفید پاو آثار نبات سفید و قند سفید
هر یک نیم پاو بقوام آرند و در آخر قوام عنبر اشهب شش ماشه حل کرده بعد از ان که قوام سرد شود
ورق طلا ورق نقره هر یک شش ماشه حک کرده مروارید ناسفته یک توله یاقوت رمانی نیم ماشه
کهربا شمعی مرجان هر یک شش ماشه تباشیر سفید نه ماشه مشک خالص چهار ماشه داخل کرده
خوب مخلوط نمایند و در ظرف چینی نگهدارند شربتی سه ماشه تا شش ماشه **فصل سیوم**
در اقسام خمیره های خشخاش وغیره **خمیره خشخاش** برای نزله و زکام که بلغمی باشند نافع
است و تقویت معده کند و قبض نمیکند صفت تخم خشخاش پوست خشخاش مغز بادام شیرین
هر یک بست توله قرنفل یک توله سنبل هندی دارچینی مصطگی جوز بوا هر یک نیم توله زعفران
دو ماشه پوست خشخاش و تخم خشخاش و مغز بادام را نرم سائیده و به آب پوست خشخاش
شیره برآورده و باقی ادویه را جوکوب نموده با پوست خشخاش بجوشانند و صاف نموده
با نبات بقوام آورند و زعفران را بگلاب سائیده در آخر داخل نمایند بهتر خواهد بود و فی الحال
یک پاو خمیره خشخاش ساده داخل کرده شد بعد تیاری خمیره خشخاش زر دکوکناری که
جهت زکام و نزله و صداع شقیقه بخاری منع صعود بخارات و نزول نوازل دماغی و تقویت
دل بغایت مجرب و منقول و معمول است و بنابر خوش ذائقی و خوش رنگی لذیذ و مطبوع مینماید بارها
برای جناب اقدس حضرت قدر قدرت رفیع اعلی محمد شاه عالم بادشاه غازی اید الله بالنصر
التفتیح فی المدرک و المقاری تیار نموده استعمال شده و بغایت نفع آورده مجرب و مصنع خفیف
است صفت پوست خشخاش ده مثقال را در آب باران سه رطل شب نیم کوب نموده نگهدارند
صبح جوشانده بمالند و بیفشرند و با نبات سفید یک رطل خوب بقوام آرند بعد قوام تخم مغز کدو شیرین

مغز بادام مقشر شیرین تخم کشنیز مغز تخم تربوز باریک ساخته تخم خشخاش هر یک قدر دو توله بسی چوبه
کتیرا نیم نیم توله صمغ عربی نیم توله علیحده خوب سائیده درآن مخلوط کرده زعفران هفت ماشه مشک
خالص یکماشه و نیم مشک را بعرق کیوره یا بعرق بیدمشک در سنگ سماق حل کرده بیامیزند و
ورق نقره یک توله انداخته بهتر بچوب کشتی درهم نمایند و نگهدارند و بقدر یکتوله با عرق گاوزبان
یا قهوه گاوزبان و نبات سفید و دانه الاچی سفید بوده باشند نافع باد بریالعباد خمیره خشخاش
زرد که همیشه معمول است و در ترطیب و تقویت دماغ اثر بین میدارد و خواب خوش می آرد
صص زعفران سه نیم ماشه کوکنار خشخاش مغز بادام مقشر هر یک دو نیم دام شاهجهانی کلان
نیم پاو نبات سفید یکنیم پاو کوکنار خوب جوکوب نموده در دو سیر آب تر کنند بعده شبانه روز
بجوشانند هرگاه نیم سیر آب بماند صاف نموده تخم خشخاش و مغز بادام را علیحده در قدر آب
شیره بگیرند و به آب کوکنار ضم کرده نبات و گلاب را داخل کرده بقوام آرند در قدری گلاب
قریب انعقاد داخل نمایند و بهتر نند که نیم رنگین بشود خمیره خشخاش ساده کوکنار کلان
با تخم صد عدد نیم کوب سازند یا پوست را جدا نیم کوب کنند و تخم را نرم بسایند بعده با دو نیم من
آب باران بپزند و بپالایند و یکمنیم من قند انداخته قوام دهند و اگر در قوام رقیق دارند بهتر
گفته شود و قوتش تریاقی بنمایند خمیره گاوزبان عنبری صص برگ گاوزبان گیلانی
گل گاوزبان با درنجبویه هر یک بیست و پنج مثقال در گلاب و عرق بیدمشک نود نود مثقال
عرق گاوزبان پنجاه مثقال یک شبانه روز بخیسانند پس بجوشانند هرگاه نصف بماند صاف
نموده قند سفید یکیاثار داخل کرده بقوام آرند پس عنبر اشهب مشک خالص دو دو ماشه حل
نمایند خمیره گاوزبان ساده جهت ازاله توحش سوداوی و تقویت دل و رفع خفقان نافع است
صص آب گاوزبان تازه و قند هر یک یکمن گلاب بست مثقال همه را بجوشانند و کف بر
دارند و بقوام خمیره آرند و اگر خواهند که بقوام نشر ... دارند در اینصورت گلاب را عقب قوام

قوسیبه بر درشتن اندازند و جوش سبک داده فرود آرند و اگر آب گاوزبان اسقط سازند و با
قند بقوام آرند الطف و الذ باشد و گاه گاوزبان تازه بهم رسد خشک را اثر کرده در آب جوشانیده
با قند که سه چند دوا باشد قوام دهند و آنچه از گل او سازند اولی و اقوی بود و بعضی اشتراک بادرنجبویه
را با گاوزبان نا مقرر دانسته اند و حصه گاوزبان یک حصه بادرنجبویه بطریق معمول خیسانیده جوشانیده
با سه چند قند بقوام می رسانند حق اینست که اگر در مزاج گرمی باشد از گاوزبان صرف باید ساخت
خمیره عنبر مقوی قلب است و بیرا انرا سواق صنف شکر سفید یک من صاف نموده در عرق
گاوزبان بقوام آورده عنبر اشهب چهار مثقال با نبات سوده اندک اندک داخل کرده تیار
سازند خمیره عود در زمان معمول متاخرین مقوی معده و اعضاء رئیسه جهت رفع خفقان
و غشیان و بدی هاضمه و بخارات محترقه نافع است صنف عود قماری نیم باشه صندل سفید باشه
گل سرخ دو ماشه سنبل اسارون [illegible] هر یک یک ماشه بادرنجبویه دو ماشه سافوج یک ماشه مشک
و عنبر ورق طلا هر یک نیم ماشه شربت سیب شیرین شربت سیب ترش شربت انار شیرین شربت
انار ترش هر یک شش توله و اگر مزاج صفراوی باشد بجای شش توله آب لیمو داخل نمایند

باب دویم در ترکیب خضاب

خضاب وسمه که موی را سیاه کند و استوار نماید وسمه
چهل درم حنا بیست درم کوفته بیخته به روغن گل خمیر کنند و به آب گرم سرشته شب بمالند صباح
بشویند خضاب مجرب است سهل التیسیر و بی مشقت و تشویش صنف سنگ جراحت چوبه سنگ
مرمر هر یک نیم پاو مرداسنگ دو درم هر سه را یک سر سا کرده بقدر احتیاج در آب حل کرده
بر موی استعمال نمایند و بالای آن برگ پان ببندند در اندک زمانی یک ساعت یا کم از آن رنگ
خوب می کند دیگر ابن سینا گوید که این خضاب موی را سیاه کند چون بر موی بمالند صنف حنا
رومی سوخته شب [illegible] نمک اندرانی [illegible] آهن هر یک جزو وسمه دو جزو [illegible]
بکوبند و [illegible] یک شب [illegible] بر پا کنند [illegible]

که این خضاب را تا آزموده‌ایم بسیار نیکوست ص آهک باز و در برشته نشب کل سرشو کتیرا و فلفل
هر یک نیم جز و برگ حنا و سمه مردار سنگ هر یک یک جز و جمله را کوفته بیخته با آب لیسر شند و بعد
از سه ساعت بمالند خضاب لانظیر له ولم یری مثله لوه چون چهار دام آرد میده هشت
دام هر دو را در آب حل نموده در آفتاب گذارند که تمام روز در آفتاب بماند و شب در طاق
گرم که محفوظ باشد و بر ورود هوا در و اثر نکند نگهدارند هر گاه منتفخ شده بر آید وقت
انتفاخ در سرما دو روز و دو شب و در گرما یک روز و یک شب بعد از آن موها را شسته مثل
وسمه ببندند و پهر بعد از آن با آب گرم بشویند بعد از و هلیله سیاه باریک سوده در آب
تر کنند صبح باز سحق نموده ببندند یک پهر و بالای آن برگ بید انجیر بگذارند خضاب
مسود الشعر و عجیب فی التسوید والتطویل ص آمله خشک چهار دام مازو سبز جوز دو پنجدام
فوفل پوست انار هلیله زنگی بلیله زرد برگ مورد مائین و زرنب هر کدام یک یک دام لوه چون
نیم پاو بزرالبنج چهار دام اول لوه چون را با آب نیله تهوتهه تر سازند و در لوتلی بندند که سریع
السحق خواهد شد لیس آورده بکوبند و ادویه دیگر کوفته بیخته با لوه چون یکجا نموده با آب احجود
و اجوائن خراسانی که طبیخ آنها گرفته باشند هشت پهر کهرل نمایند بعد فاصله یا بی فاصله عدد
اقراص ساخته نگهدارند و در شیر میش نیز کهرل میتوان کرد عند الحاجت با آب بزرالبنج و کرفس
سائیده بر سر یا ریش طلا نمایند ترکیب خضاب سیماب سیماب بست و پنج دام نیل چهار دام
نیله تهوتهه چهار دام سیماب را در انار نیم پخته سوراخ نموده بیندازند و از موم سوراخ انار
بند نمایند که سیماب نیفتد لیکن انار بر درخت باشد بقدر بست روز از درخت فرود آورده با نیل
و نیله تهوتهه در کهرل سحق بلیغ نمایند بعده در روغن سیاه پنج آثار و آب انار چهار آثار مع ادویه
دیگر بیندازند و دو را تو ند انداخته در زمین دفن کنند تا زمانیکه جوش کمال خورد و از زمین بر آورده
عرق مثل گلاب بکشند بعد از آن موی سر و ریش بمالند خضاب نونشا در یکماه سنگ

سنگ راسخ دو ماشه مازو و تازه دو نیم ماشه مازو در القسمی بریان کنند که نه خام ماند و نه سوخته شود
باز همه را علیحده علیحده سائیده وزن کرده یکجا کنند و هر گاه استعمال کنند باینطور بعمل آرند
اول ریش را یا سر را بآب گرم و آرد نخود خوب بشویند که دسومت در آن نماند بعده شستن بپارچه
تو پاک کنند و خشک سازند بعد از آن در ظرف چینی موافق خمیر کردن دوا آب سرد باندازه و با
آن دوای مذکور را انداخته مثل حنا حل کنند و بر مویها و بیخ آن ضماد کنند هر گاه خوب خشک شود
دوا افشانند و به آب گرم بشویند و اگر در جلد سیاهی بماند بعد شستن تیل خوشبو بمالند و بپارچه
پاک کنند و بآب گرم بشویند خضاب بازوی سبز حنا را بریان کنند که نه خام ماند و نه پخته سوخته
گردد برادهٔ مس چهار دام کسیس شش ماشه هلیله سیاه دو دام نیله تهوتهه سه ماشه نوشادر
یکدام هلیله را نیم کوفته شب تر نمایند صبح دواها را باریک کوبیده و بیخته در آب هلیله مذکور
سرشته چهها بندند دیگر بازوی سبز چهار دام برادهٔ مس یکدام هلیله زنگی چهار دام روغن
سیاه سه دام بریان نموده به دستور چهها سازند خضاب بازوی سوراخ دوازده دام
در روغن کنجد بریان کنند تا سرخ شود پس بپارچه بمالند تا روغن جذب شود پس هلیله زنگی
ده دام برادهٔ مس شش دام پهتکری دو دام نوشادر یکدام همه را کوفته بیخته آمله را در
نیم سیر آب شب تر کرده صبح مالیده صاف نموده دواهای مذکور را در این آب کهرل نمایند تا زرد
مس حل شود پس گولیها بسته نگهدارند وقت حاجت آمله بآب سائیده طلا نمایند بالا ریش
برگ بید انجیر نهاده بر بندند مجرب است خضاب عجیب توتیای سبز زاج سفید شوره هر
واحد پاو سیر هر سه را خشک سائیده در قرع و انبیق انداخته بآتش ملایم عرق کشند در هفت
پهر تمام عرق برمی آید بعد از آن سه توله ورق نقره که باریک باشد در این عرق انداخته در شیشه
کرده نگهدارند تا ورقها حل شود و چهار دام از این عرق در شیشه گلاب داخل کرده رنگ دهند و طریق
رنگ دادن اینست که مسواک را تر کرده بر مویهای سفید بمالند هر گاه که خشک شود دیگر بمالند

در دو سه بار بسیار خوب میشود و در بعضی نسخها سنگ کاهی باز و هر یک پاو سیر نیز مرقوم یافته
شاید این اصوب باشد و در بعضی نسخه بجای ورق نقره ورق طلا بنظر آمده **خضاب عجیب**
الاثر است هیراکسیس یک توله هتوهته یک یک ماشه نمک لاهوری شش سرخ هلیله زنگی یکتوله هلیله
را در قدری روغن کنجد در ظرف آهنی برشته نمایند قسمیکه نه خام و نه سوخته گردد و پسته در خاکستر
گرم زیر کنند بعد از چهار ساعت برآورده در ظرف آهنی خوب بسایند و چند قطره آب آمله جوشیده
انداخته بسایند بعد از ان ادویه دیگر انداخته بدستهٔ کوتاسه کهرل خوب حل نمایند پس بر سر موها
بطریق خضاب بسته ورق انغر پیچیده ببندند **خضاب** که مویرا سیاه کند و بهترین نسخها
که احتیاج بستن نیست و در ساعت بخوبی اثر میکند باز و چهار حصه سنگ ابیج دو حصه توتیا در
یک حصه شب یمانی نیم حصه باز و را در خاکستر گرم بریان کنند تا سوخته و سیاه شود پس هر
واحد را جدا جدا بار یک بسایند ورق نموده یکجا کنند و در ظرف آهنی بنهند پس طبیخ آمله آمیخته
بدستهٔ آهنی صلایه کنند تا خوب بائیده شود پس موهارا تا آب آمله بشویند و دوا بمالند و بعد دو
گهری تا آب آمله بشویند پس تا آب گرم بشویند باید که آمله را در آب خوب بجوشانند پس آب وی
داخل دوا سازند و در شستن موی بکار برند **خضاب مرواریدی** که بجهت تسویه بیاض
برص و ذهاب داغهای سفید عجیب و بدیع است و سقوط آن بجهت رطوبت حادث شده در چشم که از سبب
برص انتشار العین بهم رسیده باشد غریب الفعل حتی که ارسطاطالیس در شان این گفته من
وقف علی صناعة حل الصغار و کبار هتی بعدها و جیرا خاتم طلی بالبیاض الذی یکون فی
الابدان مثل البرص اذهبه فی الاول طلیه و اسقاط ینقطع من الرطوبة العین الحادثة من الانتشار
قال بعض العلماء قد یکون بان یسحق و یسب بماء حماض الاترج و یجعل فی اناء و یصب بماء حماض الاترج
و یعلق فی دن فیه خل و یدفن الدن فی زبل رطب اربعة عشر یوما فانه ینحل **باب سیوم**
در تراکیب چند یکه باعث سیه شدن موی سر است صمغ کنار یکجه دو کلاه از ادو

دور کرده لشکافند و با کفتوله تخم مرا زبانه در ظرفی بریان کنند و هر دو را بسایند و لعوبسایند آن
در آب حل کنند و ساعتی بگذارند کرد در آن فرو نشیند و بهمان آب نیم سیر آرد را خمیر کنند
و خمیر را دو پاره چون سفت بسته در ظرفی که آب بیاویزند بنحوی که خمیر در میان آب باشد و بته
نشیند و لعوب یک پهر بر آورده بر تابه نان تنک بپزند و خورشتی مناسب خورند خبر از علوی خان
مرحوم جهت کباد لعوب قصد و تنقیه سفید ص آرد جو آرد باقلا سبوس کندم از هر واحد در
لشیر کار و لعاب بهدانه و لعاب کل خطمی سفید و آب عنب الثعلب سبز و آب پوست خشخاش و
آب بابونه و روغن کل خمیر کرده نانی بحجم دو انکشت ساخته بر تابه نیم پخته کرم کرم بر موضع
درد کباد نهند جهت کرد بوچ معده و قولنج ریحی مجرب است ص کهرج باو بزنکه سوخته
سونف تخم سوده هرنکه نمک سینده کوفته بیخته بار و داشت که در آب برک سود خمیر کرده با
آمیخته نان بقدر حجم دو انکشت پخته سازند اما از یک طرف خام کذارند و طرف خام را بر روغن
شست چرب ساخته کرم کرم بر شکم خسپند نهند بر شکم خسپند که سوال شکم را دور کند ص آرد ماش
که هندی آرد کویند یکی ثار سنبل یکی با دو نمک طعام یک با وانکوزه یکدام از جمله خمیر کرده
با آب دو نان سازند و یکی از آن بر تابه نهند چون یک روی آن پخته شود فرود آمدند و از
جانب خام بر شکم بندند و نان دیکی بر تابه کذارند و چون نان اول سرد شود جدا کرده نان
دویمی بر بندند همچنان میکنند تاکه درد فرو شود حرف الدال مشتمل چهار باب باب اول
در اقسام دوا المسک حار و بارد و معتدل و غیره باب دویم در بیان نسخهای دیاقوذا
باب سیوم در ذکر نسخه های دواء الکرکم و دبید الورد و دهن مشتمل بر دو فصل باب چهارم
در مرکباتی که بلفظ دوا نکارش یافته مشتمل بر چند فصل فصل اول در ذکر ادویه که تعلق بامراض
دماغی دارد فصل دویم در تفصیل ادویه که علاقه بامراض چشم و بینی و حلق و کام و دهان
دارد فصل سیوم در اقسام ادویه که بجگر و مری و معده و قلب مفید است فصل چهارم

حرف الدال

در تقویت دل و به ریاح امراض ارواح و سقوط وغیره مناسب است فصل پنجم در دواها که بسموم مشروبه
و ماکوله و ملسوعه سر البطه دارد باب اول در اقسام دوا المسک دوا المسک حلو حار
که در صداع ریحی نافع است و بکار آید صرع و فالج و لقوه و ضیق النفس و ضعف معده و دل و خفقان و توحش
که به ریاح سودا دارد و بادهای نان آلبیتن دفع کند و رنگ رو را نیکو گرداند صفت مشک یک دانگ
و نیم زنجبیل دار فلفل هر یک دو دانگ مروارید کهربا بسد ابریشم مقرض هر یک نیم درم بهمن
سرخ بهمن سفید بادرنج هندی سنبل الطیب قاقله قرنفل جند بیدستر دوالم هر یک چهار دانگ
زرنباد درونج هر یک یکدرم کوفته بیخته بعسل آتش ندیده سرشته نگهدارند و بعد از شش ماه
بعمل آرند شربتی یکدرم تا دو درم دوا المسک حلو موافق نسخه ابن الیاس نسبت مروارید
کبار ناسفته کهربای شمعی ابریشم خام مقرض از هر یک دو درم مشک تبتی خالص یکمثقال و
نیم تخم فرنجمشک تمام زرنجوش مصطکی رومی جوز بوا فلفل دارفلفل دارچینی خیربوا سارنج
هندی لیست زرنباد درونج بهمن سفید تخم بادرنجبویه هر یک یک درم و نیم ادویه را کوفته بیخته
بعسل سرشته شربتی یکمثقال دوا المسک حلو مشک خالص سه ماشه جند بیدستر
یکدرم بهمنین سنبل الطیب قاقله قرنفل سارنج هندی هر یک دو درم مروارید ناسفته
بسد ابریشم مقرض زرنباد و هر یک نبات سفید سه چند ادویه صرع و فالج و لقوه و خفقان بارد
و ضیق النفس و جمیع امراض بارده را مفید است ایضاً جهت صرع و فالج و لقوه و خفقان بارد
و اورام حلق و رطوبت معده و بادها صفت جند بیدستر یک و نیم درم سنبل مشک سارنج
هندی از هر یک دو درم نانخواه زعفران تخم کرفس هر یک چهار درم ریوند چینی شش درم
افسنتین رومی صبر سقوطری هر یک بیست درم عسل خام سه چند شربت از قوی تا یکمثقال
دوا المسک بارد عنبری تالیف میر محمد بادشاه علویخان صفت مروارید ناسفته کهربای
شمعی از هر یک یکمثقال ابریشم خام مقرض طباشیر سفید صندل سفید صندل سرخ غنچه گل سرخ

غنچه گل سرخ شبرمه الاقماع کشنیز خشک مقشر تخم کدو شیرین گل گاوزبان گیلانی از هر یک دو
مثقال تخم خرفه مقشر چهار مثقال مشک خالص عنبر اشهب از هر یک نیم مثقال رب سیب شیرین
بست و پنج مثقال قند سفید پنجاه مثقال به دستور معجون سازند شربتی یک مثقال دوار المسک
بارد گل سرخ پنج درم کسبد سه درم مروارید سه درم کهربا دو درم کشنیز خشک پنج درم ابریشم خام
مقرض چهار درم مشک یک توله و سه و نیم ماشه نبات سفید چهل توله آب سیب ترش هشتاد
توله موافق معمول بسته شد شربتی شش ماشه دوار المسک بارد که بسیته معمول الفواید
عجیب مشمول ص مشک عنبر گل گاوزبان از هر یک درمی ابریشم مقرض ورق نقره هر یک دو درم
طباشیر سفید گل سرخ تخم کشنیز صندل سفید هر یک چهار درم شربت سیب لاهیجانی نیم من نبات و
گلاب هر یک یک من معجون سازند و سفیدی بیضه شش عدد وقت حل کردن کم کم انداخته سفید
کنند دوار المسک بارد مقوی اعضای رئیسه موافق محرور المزاج و جهت خفقان حار و
ناقهین نافع است ص ابریشم مقرض نیم توله گل گاوزبان تخم کشنیز هر یک یک توله طباشیر
نیم توله مروارید کهربا مرجان هر یک چهار ماشه ورق نقره بیست عدد مشک دو ماشه زرد چوب
بهدانه نیم توله شربت سیب شیرین هر سه برابر ادویه به دستور پخته شد دوار المسک
معتدل دارچینی نیم ماشه ورق نقره یک ماشه مروارید ناسفته زیره یاقوت رمانی بسد کهربا
شمعی عنبر اشهب مشک ورق طلا هر یک یک ماشه و نیم زعفران الایچی خورد هر یک دو ماشه ابریشم
محرق سه ماشه صندل سفید سائیده گل سرخ گاوزبان گیلانی گل گاوزبان بسباسه چهار ماشه
کشنیز مقشر طباشیر سفید هر یک شش ماشه و ربع ماشه خرفه مقشر نه ماشه رب سیب شیرین
رب انار رب به شیرین هر یک چهار درم عالمگیری گلاب عرق بید مشک یک و نیم پاو عسل یک چند نبات
دو چند ادویه معجون سازند دیگر کافور نیم دانگ عنبر اشهب پنج درم مشک خالص پنج درم ورق طلا
زعفران هر یک یک درم دارچینی یک مثقال تخم کاهو یک درم و نیم بسد احمر ابریشم محرق

هر یک دو درم مروارید ناسفته گل گاوزبان گیلانی بسباسه تخم خرفه صندل سفید هر یک نیم درم
ورق گل سرخ گاوزبان هر یک سه درم کهربا طباشیر سفید تخم کشنیز هر یک سه درم و نیم آمله
منقی زرشک با گلاب خیره گرفته هر یک شش درم عسل برابر اجزا نبات سفید دو برابر عرق
بید مشک گلاب عرق گاوزبان هر یک هفتاد و پنج مثقال **دواء المسک** خالص عنبری
جهت خفقان ضعف دل و تقویت معده و جگر و دفع توحش بهم رسانیدن اشتها مجرب
ص مروارید ناسفته کهربا شمعی ورق گل سرخ صندل سفید بگلاب سوده طباشیر ابریشم مقرض
تخم کشنیز خشک گل گاوزبان تخم خرفه منقی هر یک سه مثقال مشک خالص عنبر اشهب از هر یک
دو دام شربت ریباس قند سفید هر یک دو وزن ادویه بقوام آرند اگر حرارت زیاده احساس
نمایند دو دانگ کافور قیصوری اضافه کنند **باب دویم** در بیان نسخهای یاقوتها مجرب از
برای امراض صدریه و سعال ص خشخاش سفید صحیح پرده با تخم سی عدد گل بنفشه گل
نیلوفر گاوزبان از هر یک سه مثقال اصل السوس مقشر پنج مثقال عناب سپستان هر یک ده
دانه ادویه را جوشانیده صاف نموده نبات سفید بیست و پنج درم داخل کرده بقوام آرند
یک وقیه **ویاقوذا** جهت نزله حاره و سرفه که با تپ لازم و نفث الدم و اسهال باشد
نافع است ص پوست خشخاش سفید با تخم و پوست خشخاش سیاه با تخم هر یک پانزده
عدد و هر دو را نیم کوفته بعده نشاسته تخم خطمی سفید رب السوس نیم کوفته هر یک پنج مثقال سپستان
نهری پنج عدد که اطراف از آن جدا کرده تخم از آن شگافته اول مرتبه از آنجا که ستر چرب کیر و نمک
شسته بعده با بست باشند همه را در یکمن تبریزی آب باران بخیسانند روز دیگر بجوشانند
تا بنصف رسد پس خوب مالیده لعاب اسپغول ده مثقال قند سفید نیم من داخل کرده بقوام
آرند پس اقاقیا عصاره لحیته التیس طباشیر گل ارمنی هر یک یکمثقال زعفران بزر البنج
واحد نیم مثقال کهربا مروارید چهار چهار دانگ داخل کرده مرتب سازند شربت مثقال [illegible]

دیاقوزا منقول از خط حکیم احمد فرموده که این شربت را جهت فرزند خود ساخته بودم مجرب
افتاده و مخترع بنده است ص پوست خشخاش سبز بنفشه گل سرخ اصل السوس هر یکی ده مثقال
عناب بست دانه سپستان سی دانه گل خطمی سفید زوفا خشک هر یک یکمثقال تخم خبازی نیم مثقال
مویز منقی پنج مثقال تخم خشخاش سفید چهار مثقال جوشانیده صاف نموده با قند سفید بقوام
آرند اگر ضرورت باشد شکر تیغال صمغ عربی از هر یک دو درم کوفته بیخته پاشیده بخورند
دیگر خشخاش اصل السوس مقشر از هر یک بست درم خشخاش سیاه تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خبازی
بزر قطونا هر یک پنج درم همه را در پنج رطل آب باران بجوشانند تا بنصف رسد صاف نموده
عیص عنب پخته دو رطل فانید یک رطل داخل کرده بقوام آرند باب سیوم در ذکر نسخهای دوا
الکرکم و دبیدالورد و دهن مشمش در فصل **فصل اول** در ذکر دواء الکرکم و دبیدالورد
دواء الکرکم صغیر یار در تالیف قدوة الحکما سند السید الماجد علوی خان نافع است
وقتیکه بوده باشد در مزاج مریض گرمی ص زعفران سلیخه سنبل الطیب غنچه گل سرخ
طباشیر سفید زرشک منقی پوست بیخ زرشک قسط مر مکی صافی فقاح اذخر هر یک دو درم
دارچینی یکدرم پوست بیخ کاسنی چهار درم مر را یک شبانه روز در سرکه انگوری بخیسانند
پس خشک کرده باقی ادویه را کوفته بیخته بعسل مصفی بسرشته شربتی یکمثقال باشد دواء الکرکم
صغیر یار جهت ضعف جگر و طحال و معده و صلابت آنها و از مثل استسقا و جمیع امراض
مزمنه و تحسین لون ص سنبل الطیب مر سلیخه قسط فقاح اذخر دارچینی هر یک یک جزو در
بعضی نسخها مر فقاح اذخر دارچینی هر یک یکدرم و باقی اجزا دو درم مرقوم است کوفته بیخته
مر را یک شبانه روز در شراب تر کنند و با دیگر دواها بعسل منزوع الرغوة بسرشتند شربتی
یک مثقال تا دو درم دبید الورد و معنی آن اینست که مثل همه اجزا اوروی ورد است جهت
انواع استسقا و ضعف جگر و معده و تفتیح سده جگر و تحلیل سایر اورام و دبیلات و صلابت

نافع و بعد آن بارد و تشنج صعود و اکثره و دوی حق نمتین سود دهند و طبا اجازت هست در دو درجه اولی
تخم خشخاش از دو مثقال تا چهار مثقال حب نیل الطیب مصطکی زعفران طباشیر دار چینی
اذخر اسارون قسط اشیرین عصاره غافت تخم کشوث فو کل سنبل تخم کاسنی ریوند طویل تخم
کرفس حب بلسان تخم فقل دار فلفل هر یک یک جزء گل سرخ افتیمون الاقراع برابر همه اجزا
عسل سه چند همه معجون سازند فصل دوم در دهن‌ها دهن جهت گرانی گوش افسنتین
رومی در آب تازه ترب بجوشانند تا نصف بماند صاف کنند و در روغن گل و روغن بادام تلخ تا یکیه
نیم توله داخل کرده باز بجوشانند تا روغن بماند پس موم سیاهی کافی یک سرخ حل کرده نگهدارند
و در گوش چکانند دهن باسلیقون جهت جراحات با اندک زمانی بلکه در یک روز با صلاح
آرد ملائیم تراشیده برگ پنج انجبار پوست درخت مغیلان از هر یک پنج مثقال در سه رطل
آب بجوشانند تا ثلث بماند پس بمالند و بپالایند پس بگیرند یک رطل روغن کنجد تازه مطبوخ را
داخل کرده چندان بجوشانند که آب برود و روغن بماند پس بگیرند موم سیاهی از ابی و فقر
الیهود و مصطکی سرمی از هر یک چهار دانگ در آن روغن گداخته پس بگیرند سیده لک کی
کمانند اسفاناخ هندی کوبیده کوفته بیخته داخل کرده و سفید در روغن کنجد بریان
صلایه کرده که چون سرد شود در آن داخل کرده و سنگین برست بمالند تا یکجا
شود در شیشه کرده تا ثلث آب بماند بمالند و بپالایند پس یک رطل روغن کنجد تازه
هندی زراج سفید سنگ سرمه کاغذ مصری سوخته سنگ جراحت کات هندی زنگار
از هر یک یک مثقال یک هفته در آفتاب بگذارند هر روز دو مرتبه بر هم زنند پس در شیشه
نگهدارند و بکار برند دهن الراهب که آن را روغن ثوم گویند بعضی گفته اند که این ترکیب
از راهبان صالح است و دوا میکرد بیماران زمین کبیر را و این مجرب است در اکثر امراض بارد
و منزل الحقد عصبیست روح قدیم و جدید و بواسیر و تقطیر بول با اراده را

سفید و سدابی کشاید و رنگ را سرخ میگرداند و کسی که در زمستان استعمال نماید محتاج با آتش و
پوستین پوشیدن نمیگردد ص ثوم مقشر یک جزو فرفیون عاقرقرحا هریک ثلث جزو فلفل
سداب هریک ربع جزو همه را نیمکوفته و با وزن جمله کل زیت گرفته بجوشانند تا ثلث بماند [illegible]
بکالند و بپالایند و در شیشه نگهدارند باب چهارم در مرکبات که بلفظ دوا الکا رش
یافته محتوی بر چندین فصل فصل اول در ذکر ادویه که تعلق با مراض دماغی دارد دوا
که نافع بفالج ولقوه ص دوا المسک معتدل یا حلوا اول خورده بالایش بادیان خطایی عود خام
مصطکی خولنجان قرنفل انیسون هریک دو ماشه الایچی خرد دارچینی هر واحد چهار ماشه چای
خطایی هشت ماشه در آب جوشانیده صاف نموده نبات سفید دو وقیه داخل کرده بنوشند
دیگر جهت فالج معجون سورنجان اول خورده بالایش بادیان هندبا دیان سورنجان مصری بوزیدان
هریک یک مثقال جوشانیده صاف نموده شربت عسل داخل کرده تناول نمایند ایضاً برای لقوه و
فالج تریاق فاروق دو دانگ یا مثرودیطوس یا تریاق اربعه اول تناول کرده از عقب آن قرنفل دارچینی
عود هندی عود صلیب انیسون هریک یک مثقال در گلاب جوشانیده شیره کشنیز خشک شیره بالنگو شربت
اسطوخودوس داخل کرده بنوشند دوا اکسیر نسیانرا نافع است ص روغن مالکنگنی سه برگ پان بکالند
و یک حبه سیماب بران نهاده بمالند فی الفور مضمحل خواهد شد آن سه برگ را با بیره پان چنانچه متعارف
است بخورند و بدار و مست نماید مجرب است و اگر کفایت نکند مسهل قوی بدهند دیگر جهت فراموشی
نافع است ص هلیله بلیله کوشه شیرین تج ملتهی سندهی زیره سیاه نمکسنگ اجمود هریک
درمی باریک سائیده هر روز یکدام با شهد و روغن گاو بخورند دیگر دربیماب فلونیا اول خورده
و از عقب آن دارچینی بادیان خطایی عود هندی عود صلیب اسطوخودوس هریک یک مثقال در گلاب
جوشانیده صاف نموده شیره کشنیز خشک بقدر پنج مثقال شیره زنجبیل مربی سه مثقال ضم ساخته
بنوشند دیگر جهت فالج تریاق فاروق برابر نخود خورانیده بالای آن عود بلسان عود صلیب دو

دو ماشه در عرق گاوزبان تر نمایند بیخ چوبه عود چینی هر یک چهار توله جوشانیده صاف نموده کافند
عسلی حلکرده بنوشند غذا شوربای کبوتر بچه و گوشت دراج بخورند دیگر در آخر لقوه نفع می بخشند
از خرسیلیخه اسارون عود بلسان حب بلسان دارچینی اسطوخودوس سنبل الطیب برابر درد قرنفل گرفته
بیخته نگهدارند و هر روز ازین یک مثقال گرفته در گلقند سرشته وقت خواب بخورند دیگر زنجبیل حج
برابر کوفته و بیخته با شهد آمیخته لقدر کردگان هر روز دو دفعه خوردن ابتدای لقوه فایده می کنند
و مداومت بر ماءالعسل در استعمال این دوا لازم است دیگر جهت صرع صبیان و خفقان بارد و اورام
حلق و رطوبت معده و باد و خشاص حبه سید شبرم بلیلم درم سنبل مشک ساذج هندی هر یک دو
درم نانخواه زعفران تخم کرفس هر یک چهار درم ریوند چینی شش درم افسنتین رومی صبر سقوطری
هر یک هشت درم عسل خام سه چند دوا اینکه بالخاصیت مفید است بصرع حص استخوان انسان
بیصر دع مردان و تخمین جعده از ان سیکند و خو رانیدن بدالبحر در روزی دو بار هم ازین قبیل
و تعلیق الماس هم همین اثر دارد و تعلیق فاوانیا جهت منع صرع در اوایل از مجربات است و تعلیق
حلتیت هم مفید و پوشیدن انگشتری از سم خر که در ساعت نیک ز دره باشند و داشتن یک قراطیس
جلد از جبهه حمار امان است از صرع تا یکسال دوا اینکه بانسرا نفع بسیار میکند حص کافور قیصوری
نیم دانگ طباشیر سفید مغز تخم کدو مغز تخم هندوانه گل ارمنی صندل سفید تخم کشنیز خشک سود
هر یک یک ماشه حب ساخته فرو برند بعده لعاب بزرقطونا شیره تخم کاهو شیره تخم خیارین شیر بادرنگ
جو مقشر در دو مثقال شیره بر آورده سکنجبین ساده پنج مثقال داخل کرده بنوشند فصل در تفصیل
ادویه که علاقه بامراض چشم و بینی و گوش و حلق و کام و دهان دارد دوا اینکه نزله را نافع است
حص جگر گوسفند آدمی با شهد آمیخته هر روز بلیسند اگر ضعیف و تنگ بود بر طرف گردد و اگر سبل و
کهنه باشد از افزودن باز ماند و ناخنه سبل را بغیر از قطع علاج نیست دوا اینکه سبل و ناخنه و دهند
و جاله را نافع است حص نبات سفید ام سه سه دانه الایچی خورد سنگ بصری منو تخم سرس پھٹکری که

که در اینها سوراخ نموده اینجا نصب میکنند هر یک یکدام کوڑی زرد هشت عدد مثل هر سه باریک کهرل
کرده در چشم کشند دوا اینکه پهلی چشم آدمی اسپغول قطع کند سونٹهه شب نکسنک جمله برابر
کوفته بیخته هر روز دو سه نوبت در چشم کشند دوا اینکه قبل انفجار بعد آن مستعمل میشود ص
اظفار الطیب صبر مر مساوی سائیده استعمال نمایند دیگر برای نزول مجرب است شیره برگ
تمر هندی بوزن ... و فلوس در جام برنج یا دسته جو بسایم که فلوس در آن رسیده باشد حل شود
چندانکه غلیظ شود بعد از آن در شیر زن که فرزند نرینه داشته باشد حل یا مسکه حل نمایند و
بکار برند دوا اینکه بیاض چشم را نافع است اگر نو پیدا شود اول تنقیه کنند بعد از آن در سر بخار
گرم دارند یا بحمام در آیند و یکی را امر فرمایند که اورک خاویده چشم را بزبان بلیسد و اگر کهنه و سطبر
باشد و چشم را بپوشد ... دانه را بکوبند و مغز آن بگیرند و روغن از آن کشند و یکدرم از این روغن
باده دانگ کف دریا کوفته بیخته بهم آمیخته در چشم کشند مداومت نمایند مجرب است دوا
که زوال یعنی شعر زاید را نافع است موی را بکشند و فی الحال کحله یا روغن اشتر بر آن مالیده تکرار
کنند و خون غوک هم همین حکم دارد در تنقیه بدفعات باید کرد تا عود نکند دوا جهت بیاض
و دفع گل چشم اگر از چیچک بهم رسیده باشد بر طرف شود ص کاسه چینی خورٹی سبز یکدام سفیدی بیضه
مرغ پوست بیضه مرغ مروارید ناسفته مامیران چینی هر یک چهار و نیم ماشه زرد چوبه دو و نیم
ماشه اول کاسه را در سه روز در کهرل با آب لیمو بسایند بعد ادویه دیگر انداخته یک روز خشک در کهرل
حل نمایند و نگهدارند و در هر روز دو دفع در چشم کشند وقت خواب شب برگ سرس جوشانیده
بجوشانند انشاء الله تعالی گل چشم بر طرف شود دوا اینکه سده را نافع بابت شاه صاحب ص
هلدی دار هلدی بهتنگری سوت هلیله زرد هلیله سیاه هر یک شش ماشه افیون سه ماشه
زعفران دو ماشه کوفته بیخته چهار لبسه بر دور چشم طلا سازند دوا اینکه انواع ضعف بصر و
سرخی چشم و دمعه را سود دارد و بیاض و ظفره را دور کند ص شکر سفید شوره قلمی هر یک

هر یک چهار درم قرنفل پیپل هر یک دو عدد جست شسته یکدام مشک یک ماشه برگ نیم برگ یکجا این همه یکجا
با و دام فلفل یکسی دو درم در گلاب چلیسا بینده صاف نمایند و سایر اجزا کوفته بیخته در تهال بر یکجا
دو شبانه روز بسایند و حب را در ظرف آهن بر روی آتش بگذارند تا آب بشود و هلیله کلان بقدر یک درم
پوست و تخم جدا کرده اندکی داخل نمایند و بمیل آهن بر بندند تا گشته شود دوائیکه اگر بدین
چشم طلا کنند نفع سفرت جدری کند ص زعفران نیم دانگ حضض شیاف مامیثا صبر اقاقیا
هر یکی یک درم کوفته شیاف سازند و به آب کشنیز بسایند طلا نمایند دوائیکه در زبان که بر چشم
آبله بر رگ بر آید ص سرمه اصفهانی کافور با آب کشنیز تر حل نموده هر ساعت بچکانند و اگر سرمه
یکجا بجوده سود دارد و در فاده چشم بنهند و تخته از سرب باندازه چشم بالای چشم دارند دوا
که جهت ڈهلکه و سوده مجرب و معمول بجکه و تکد قدیم و اکثر امراض چشم نفع عظیم معروف به کزه
ص سنگ بصری یک توله مرچ سیاه عدد ده هر دو را سائیده بجریده بخته در تهالی روغن انداخته
چند روز خوب بسایند تا مثل غبار شود و پس نگهدارند دوائیکه شب تیرگی و کوری شب نافع
سونته مرچ و پیپل تخم کرنجوه بلدی زرد هر یک یک ماشه پوست بیخ ارند سنگ بصری لورقا کوفته
بیخته با شیر گوسفند بسایند و در چشم کشند دوا دماغ خفاش با عسل تجدید بصر کنند و نیز جدا
نزول نافع است [illegible] در انیز نافع است دیگر انتشار آب را لنو تنقیه خلط موجب سفید [illegible] ص
استخوان خرما سوخته سه درم سنبل رومی دو درم نرم بسایند و بکشند دوائیکه تنقیه
اشعار از قبل کند اول آب به ریحان شسته پس شب بیانی سحق کرده بر اجفان بمالند دوای
مخصوص مجرب صبر سوخته یک جزو نوشادر نیم جزو کوفته بیخته با عسل سرشته استعمال نمایند
دوای جهت دمعه سنگ بصری هلیله زرد هر یک دو درم صبر سقوطری فلفل گرد هر یک
نیم درم کوفته بیخته در چشم کشند دوای ملایم جهت ظفره قلقدیس نوشادر از هر یک
درمی صمغ عربی نیم درم کوفته بیخته با شراب کهنه سرشته بطور شیاف ساخته بکار برند دوا

بمالند دوائی جهت ثقل واسترخاء زبان نوشادر را با مقل بمالند تا لعاب بسیار ازوی جاری
شود دوا اگر این مرض شدید باشد که مانع کلام شود فرفیون حل کنند بمالند شفا تام و ترید ورم جاری زبان نفع می بخشد
دوائیکه صفدع لسان را سودمند است نوشادر و مازو باریک ساخته بمالند و برابر این مداومت نمایند
تا خالی شود دوا اگر کفایت نکند دواهای حار در اکلة الفم ولثه و امثله مستعمل است بکار برده سرکه با
نمک و نخود ده در دهان دارند و اگر غلبه خون باشد و آنجا دوائی کفایت نکند تا بعین قطع کنند و در حین
قطع احتیاط کنند که رگهای زیر زبان بریده نشود دوائی مجرب قویست جهت صفدع زلوح
محرق سورنجان هر دو با بیاض بیض جمع کرده زیر زبان نگهدارند دوائی جهت صفدع
صمغ نیم درم زوفا خشک یکدرم صدف محرق ده درم همه را سحق کرده باهم مثل شکر طبرزد دو
دار که حل آمیخته بر موضع صفدع بمالند تا منسلخ شود و پس از ان مضمضه بسرکه در القدری آب کنند
و قسما کنند چه شاییده باشند بکنند بعد ازان ذرورات مدمله بکار برند دوائیکه جهت قلاع
احمر التهابی ست گل سرخ سماق طباشیر نشاسته تخم خرفه عدس مقشر صندل سفید تخم کشنیز
هر واحد جزوی قلیلی کافور آمیخته در دهن دارند پس بکلاب سرکه ممزوج دهن بشویند و بکلاب
مرفق مضمضه کنند دوائیکه سیلان لعاب دهان خواه از گرمی بود خواه از سردی بسیار نافع است
عص ملح جوس یکدرم تا ب کاسنی هر روز بخورند دوائیکه لثات مسترخیه اطفال را سود دارد مازو
بسرکه سائیده بانگشت سبابه گرفته یا پشت کفچه خورد انداخته ملاذه را بان بر دارند و اگر این
دوا بر تارک دارد و اگر گل سرخ شسته و بسرکه سرشته بر آن نهند همین کار کنند دوائیکه لثات
مسترخیه را که با حرارت نباشد سود دهد نوشادر و مازو کوفته ملاذه بان بر دارند دوائیکه
ملاذه افتاده را بر داشتن تا ان دیر اعمول افتاده گل دیگدان که آتش رسیده سرخ شده باشد
بستانند و یک فلفل سائیده آمیخته ملاذه بان بر دارند دوا که حلق را از آفت جدری نگهدارد
سماق گل سرخ عدس مقشر لسان الحمل در کلاب جوشانیده غرغره کنند یا رب توت غرغره کنند و با

و آب سرد نیز مفید است **فصل سیوم** در اقسام ادویه که بعد از زمرکه معده و احشا و جگر و قلب مفید
است دوا انکه باستسقا نافع بول انسان و بول جمل خصوصا شیر شتر و همچنین دوازده عدد بلیله کلان که اطراف
و سر اینها دور کرده باشند با یک درم سورنجان سیاه سائیده خوردن جهت استسقا مجرب نوشته اند
و ایضا خوردن نیل که و سقمونیا با فلوس خیار شنبر جهت استسقا از یک قیراط و بجهت غیر اطفال
تا سه درم دوای استسقا را که از خوردن شیر شتر اسهال زیاده شود و لیکن آرد خبث
الحدید بر کرفته پخته [illegible] درم قرط [illegible] تخم کرفس [illegible] درم همه را در شیر کشند دو
ساعت بگذارند پس صاف کرده بخورند دوای شیر که در پستان بسته شده باشد نرم کنند
تخم را از آب رازیانه بنوشند دوا انکه شیر زنان زیاده کند تخم هلیون در آب بجوشانند
و آب صاف آنرا با شیر [illegible] بنوشند یا هلیون کوفته با شکر آمیخته سفوف سازند قدر شربت آن
دو درم است ایضا یعنی [illegible] شیر را در آب بجوشانند و آنرا بخورانند زیاده میکند شیر را ایضا
ورق شقایق یعنی لاله با قضبان و همراه گیاه صعتر طبخ داده خوردن شیر را درار لبن کند دوا
از [illegible] بستانی را بسیار که در روغن پخته بخورند بسیار نفع میرساند دوای
که شیر مرضع بیفزاید تخم ریحان تخم [illegible] در ریح تودری کلکون شیر دار [illegible] تخم [illegible] را اجزاء مغز
تخم کدو و تخم [illegible] دانه مغز تخم خربزه همه را با شکر یک یک توله کوفته پخته هر روز [illegible] بخورند
شیر بالا آن بنوشند دوا انکه شیر لبن کند نخود سیاه کابلی در شیر گاو تر کنند پس آنرا بنوشانند
دوا انکه بخفقان [illegible] بارد نافع است عنبر مشک زهر مهره سائیده و عطر و صندل هر یک یک ماشه
مرجان حل کرده ورق طلا هر یک دو [illegible] ماشه روغن بادام [illegible] پخته شهد خالص هشت درم
پخته همه را یکجا کرده یک روز و شب علی الاتصال بسایند و از یک ماشه شروع نمایند هر روز یکیک
بیفزایند تا هفت ماشه برسانند دوا انکه بجهت خارجی الطریق طلا و ضمادا از خارج نفع مثل
[illegible] لبن [illegible] و غلبه کثیر [illegible] بتخفیف و تقلیل نفع بین نماید سوم زرد [illegible]

خیری یا روغن زیت بطریق مسوم روغن ساخته استعمال آرند دیگر پودینه تازه یا خشک با محیطین گاو
بپزند چندانکه غلیظ و قوام شود ضماد نمایند ضماد پودینه و آرد جو نفع بسیار میکنند دوائی دیگر
جهت امیکار استعمال آرند موم سفید شسته لعاب تخم خطمی لعاب حلبه حب سفرجل لعاب بزرقطونا
با روغن گل یا روغن بنفشه و آب عنب الثعلب بقدر قوت باهم مخلوط نموده نفع عظیم مینماید دوا
بجهت اقسام خفقان و ضعف قلب نافع گشنیز تازه سبز کلان چهل عدد بغیر غسل شب در گلاب
صرف نامخلوط باید ساخت تنک در پیاله خورد عقیق تر کنند صباح گشنیز را بسوزن بنهایت نرمی
یک یک بر دارند تا گلاب بگذر نشود و گلاب آهسته همچنین با هستگی تمام بردارند تا در دیان
گشنیز را بخورند و گلاب را بنوشند تا یک هفته استعمال آرند دوائی دوام استشمام نسرین مقوی
قلب است دیگر جهت خفقان لاجورد مغسول دو سرخ ابریشم مقرض چهار سرخ عنبر و مروارید سوده سه
سرخ کهربا صلایه کرده دو سرخ آمله مربی یکعدد با شیره بخورند بالای آن عرق بید مشک گلاب
و عرق گاوزبان عرق نیلوفر تخم خرفه کشنیز شربت سیب شیرین بنوشند دوا جهت استسقاء
زقی که مستحکم و مایوس العلاج شده باشد حکیم علی گیلانی در شرح قانون برای استسقاء زقی مجرب
مجرب لذا اهل هند نوشته بشرح بسیار ستوده چون سهل المأخذ و کثیر المنفعت بود درینجا
نوشته که بکار رفته و محتاجین که درین مرض جمعی محتاج و مایوس العلاج میشوند استعمال آرند بیخ درخت
کریل خشک بگیرند و سفوف سازند بقدر سه ماشه نیم ماشه از بین تا یک هفته دو هفته بخورانند و پرهیز از
مشویات و مقلیات واجب دانند که این دوا برای استفراغ مائیه داده میشود چیزی که بسته کند
عاقل و قابض باشد مانع عمل آن میگردد دوا اگر بیخ سیر همیر کرد کوفته در آب محلول ساخته شیره
اش بگیرند و بقدر دو دام تا سه دام بدهند و در صورت صعوبت مرض تا نیم رطل باهم بخورانند
و ضماد هم باین اصول بر شکم مثل حنا ضماد نافع است و در اخراج مائیه کثیر نوشته که بعد
مرض ضماد تا شش ساعت بلکه زیاده مصابرت باید کرد و اگر مریض اضطراب نماید که یک دو

یک دو شخص دیگر وی را ضبط نمایند تا اضطراب ننماید و عمل این دوا باطل نگردد و این در اغلب بیوا المنفعت است

دوا اخراج سوداء استسقا از قی من شرح حکیم گیلانی دوای خفقان صاحب خلاصة التجارب در تجربات

خود نوشته چقندر را در خاکستر گرم بخته پوست باز کرده همچنان گرم گرم را ورق تر تراشیده و بیاض

سفید سوده بر تمام آن ورقها پاشیده گذارند آبی از آن بغایت شیرین ترشح خواهد آمد بیاشامند و چند روز مداومت

نمایند بسیار نافع است دوای جهت اورام بدن سفیدست پوست درخت سرس جوشانیده بخورد دهند

در اکبرنامه مسطورست که در قلعه ...... بسبب خوردن غلات کهنه ورم در مردم شروع شده بود و از غرائب

اتفاقات آنکه هر کس این دوا استعمال می کرد صحت می یافت و کار بجایی رسیده بود که یکتوله پوست درخت

مذکور برابر طلا بخرید دوای جهت اطفال که جهت حبس اسهال ایشان معمول و مجرب است ص

بیل گری خس سوتهه دهنه مساوی کوفته بیخته آب شسته برنج بدهند دیگر جهت ذبه و نفخ شکم و قبض

و صرع و اکثر امراض ایشان مجرب است ص سونت دو ازده ماشه پودینه خشک چهار ماشه بیخ خراسانی

چهار ماشه کوفته بیخته نگهدارند و حسب سن و سال استعمال نمایند دیگر که بسرفه بلغمی و ضیق النفس اطفال

فایده مند است ص مویز منقی دو درم عسل خالص سه درم فلفل سه ماشه بهارنگی کاکرا سنگی موتهه

هر یک شش ماشه انیس یک خراسانی چهار چهار ماشه کوفته بیخته با شیره آمیخته نگهدارند وقت حاجت

حسب حال و سن اطفال همراه شیر گاو یا شیر مادر حل کرده بدهند دیگر سرفه حار انسان را نافع است ص

مغز بهدانه مغز تخم کدو مغز بادام شیرین اصل السوس کوفته بیخته صمغ عربی کتیرا سائیده آمیخته نگاه دارند

دوائیکه جهت تهوع وقتی که بهیچ دوائی التیام نمی پذیرفت بسیار مجرب است و الد بزرگوار از حکیم اسرار رسید

ص دانه هیل قرنفل مغز خسته کشته مغز خسته آمله دار فلفل صندل سفید تخم کشنیز خشک طباشیر

سفید پوست درخت بلیل که درخت عظیم در هند است پهول اسرنگ که هم دوائیست بیخ سرخ لونی بها گنجی

تا قیصر هر یک یک درم مشک خالص دو درم انار دانه چهار درم و بعضی اوقات حسب حاجت کم و زیاد

کرده میشود و بعضی اوقات رعایت گرمی کرده مشک مطروح کرده میشود کوفته بیخته کا ...... سه درم ......

شربت انار و گاهی به سبب و گاهی به سبب دیگر مناسب حال داده میشود و قدر خوراک از دو ماشه تا شش ماشه
دوائیکه جهت قی و غثیان و تهوع و کرم شکم و بهم رسانیدن اشتها از مجربات است طالسفر علف هندی
فلفل سیاه کبابه قند سفید هر یک نیم درم فلفل دراز زیره سیاه صعتر سنبل الطیب سماق دارچینی هر یک یک
درم سعد بلیل تخم کشنیز بیل اهل هند زنجبیل هر یک یکدرم و نیم انار دانه نه درم نبات چهار درم کوفته
و بیخته تا دو درم تنها یا با چیزی مناسب بدهند دوای که قی صفراوی را نافع است طباشیر گل سرخ
غوره خشک هر یک نیم جزو زرشک بیدانه انار دانه ترش سماق پوست بیرون پسته هر یک جزو و نیم
کوفته بیخته از دو درم تا سه مثقال با سیب یا آب انار یا شربت به و مانند آن بدهند دوای زیره کرمانی
یکدرم انار دانه ترش مویز دانه از هر یک پنج مثقال کوفته بیخته بقدر یکمثقال بخورند دوائیکه قی
بلغمی و سوداوی باز دارد زرشک بیدانه سه مثقال گل سرخ چهار مثقال نعنا پوست بیرون پسته
مصطکی عود قرنفل سنبل الطیب فرنجمشک زیره کرمانی هر یک ده درم کوفته بیخته دو مثقال
با آب سکنجبین سفرجلی و امثال آن بدهند دوائیکه التهاب معده و صفرا را و تشنگی و قی صفراوی و اسهال
را بی عدیل است خمیر آرد جو گذارند تا ترش شود و در دوغ کرده بعد از یکشب از یک وقیه تا یک
رطل از آن بنوشند دوائیکه تهوع را نافع است پر طاوس بسوزند و خاکستر وی با شهد آمیخته سه دو
انگشت بلیسند دوائیکه قی الدم را باز دارد آب برگ حشیشة السعال که آنرا بهندی بالسه گویند
با شهد آمیخته بخورند دوای سنگ که قی لسان العصافیر اصل السوس صندل سفید هر یک دو درم کوفته
بیخته در سه درم با شهد سرشته بخورند دوائیکه قی مفرط بعد شرب شراب پیدا آید منع کند
آب نعناع برگ ریحان نبات بنوشند جهت حبس قی که به هیچ دوا نه ایستد سماق را با زیره نیکو بکوبند با آب
بخورند و اگر آب با اطراف انگور بخورند بی عدیل است دوای جهت قی اطفال و دست آنها مجرب است
کهیل یا حب الآس پیپلی اصل السوس برابر کوفته بیخته با عسل سرشته قدری بر پستان مرضعه طلا کنند
و اگر طفل کلان باشد یکماشه یا زیاده بلیسانند دوای جهت فواق ریحی مجرب است حب السلاطین

را مثل تنباکو بکشند دیگر ملس در شیر زن حل کرده در بینی چکانند دوای عجیب جهت فواق
عود قماری را سوخته و سائیده در عسل سفید حل کرده بلیسند سه لقمه تا چهار لقمه دوای که قی
و غثیان نافع است کبوتر کوهی قسم خورد که کرم خورده نباشد بسایند و بقدر دانه مونگ حبها سازند
و دو سه حب بدهند دوای که در حبس اسهال صفراوی و غیره که درمانده کرده باشند اطبا را
نافع است و فورا حبس میشود برگ درخت کوکنار که هم مانند غبار سحق کرده در آب شبینه حل کرده
صاف ساخته بنوشند در دو سه روز اثرش مشاهده میشود و از اسرار مجربه است دوای
در یک روز اسهال کودکان که در وقت دندان بیرون آوردن بهم رسانند باز میدارد ص
پنیر مایه خرگوش یا پنیر مایه بز یا پنیر مایه آهو هر کدام باشد نیم حبه و دانه مویز سائیده استخوان
سوخته شاه بلوط کشنیز بریان سماق منقی خرنوب تخم کرفس زیره کرمانی به بریان قطیر خشک
نانخواه هر یک جزوی کوفته بیخته هر ساعت قدری بخورانند در شش ساعت هشت درم بدهند
دوای مجرب برای درد شکم ص حب القرع برنگ کابلی مقشر خرادانه بیرون کرده مغز
کردکان هر یک ده درم کوفته بیخته در هم سرشته وقت خواب بخورند دوای [illegible] بکار بندند
دانگی قنبیل [illegible] حب النیل هر یک نیم درم ترید سفید برنگ کابلی مقشر هر یک درمی ترنجبین
ترکی دو درم کوفته بیخته با شیر و شکر آمیزند و بیاشامند دوای که حیات را بیرون آرد
برنگ مقشر بالیله زرد هر یک نیم درم و نیم ترید سفید ده درم قند سفید مجموع همه شربتی شش درم
با آب گرم دوای مجربه جهت مطلق دیدان کلهای اهل هند ص موی منقی الجد دهم دارند
که از مویز برآید برنگ کابلی دیدان را بکشند شخصی کلان سال را البته منقی و خورد انیج یا ده بید
که بخورد بهتر اینست که منقی را بلع کنند تا درست بمعده رود و کرم احساس طعم و بوی آن
نکند و بشوق طبعی منقی را باعتبار شیرینی بخورند دوای نافع با اسهال صفراوی تخم مرغ
در سرکه پخته تا نیم بریختن سواد و قالب طبیع یا سماق و انار دو دانه مویز و انگور ابتدا آن جهت اسهال

مراریثی نافع ربا مصطکی بمانند آن جهت درد شکم سفید دوای مجرب برای زحیر اطفال است یکدرم
پوست لسان العصافیر در آب جوشانده صاف کرده بکار برند ایضاً تخم ترب کوفته با شهد آمیخته
بلیسند در یک مرتبه یا دو مرتبه انشاء الله تعالی رفع میشود و حاجت بسوم نیفتد دوائیکه جهت
اسهال و پیچ و زحیر و محض معده ضعیف نافع و مجرب در آمده ص بادیان بریان مشک نیم توله تنباکو
مدبر دو توله کوفته بیخته سه نیم ماشه با آب سرد بدهند و طریق مدبر نمودن تنباکو انیست که تنباکو قسم اول
بگیرند و پاک نموده بر اغن ماداام در روغن بنفشه یا روغن گاو چرب نمایند پس بیارند علف سبز که
بهندی دوب گویند و شیره آن بستانند و قدری از شیره نانخواه بریان ضم کنند و این هر دو شیره
در ظرف نهاده و بدست بمالند و بر مثقال آب نادیده از آتش نرم برشته نمایند و فرود آرند و بعد
شدن با شیره های مسطور بریان کنند همین قسم هفت کرت بریان نمایند پس بکار برند دوای
دیگر نافع صمغ عربی ربع ماشه زنجبیل بریان نیم ماشه بهیل تخم گشنیز بریان یک ماشه مصطکی انار
دانه کوکنار برشته یک نیم ماشه بهک مه بر چهار ماشه کوفته بیخته با آب بشتبینه هر صبح بخورند یک ماشه
عبارت از چهار نیم ماشه است دوای که در زلق الامعاء و اسهال کودکان که در وقت دندان
بر آوردن پیدا میشود بکار آید ص تخم خشخاش سفید کند حب الآس هریک نیم درم کوفته بیخته با زرده
بیضه یا شربت شهد دهند دوای قاتل خراطین دیدان حب القرع من مجربات حکیم کمال الدین
شیرازی سیر حسن قنبیل دارچینی دار فلفل زنجبیل فلفل سعد کوفی تنبک کابلی تربد سفید مقشر هموزن
یک مثقال مجموعه را کوفته بکاشند آ... آمیخته فرو برند بقدر یکتوله دیگر بجهت خراطین پوست
بیخ آزاددرخت مقداری در آب جوشانیده تا از هشت سیر یک سیر باز آید اول شیر با قند
خورده این دارو نوشیده بخسپند دوای دافع کرم خورد که در هندی چنچنه گویند شیره برگ
بهنگره سیاه شیره برگ دهتوره سیاه شیره برگ تنبول همه بیامیزند و هر روز دو بار از سر
انگشت در مقعد بکار دارند یا فتیله از جامه کرده با این دارو آلوده کرده بکار دیگر نهند در سه روز

در سه روز کرم‌ها همه بیرون آیند دوای جید بید یک درم اجوائن خراسانی با پشمینه نرم کرده با یک درم
شیر قند بخورند کرم‌های شکم دفع شود دیگر کدو دانه اول الوقت شب با دو شیشه کشنیز با قدری
قند یکجا کرده بخورد و بامدادان بقدر سه چهار درم قنبیل یکدرم صابون یک حب کرده سه عدد از آنها
کرم فرو برند و عقب آن سه آب گرم بنوشند جمله کدو دانه با طلاق برآید مجرب است دیگر
سم ستور بسوزند و خاکستر آن با شهد بخورند حب القرع برآید دیگر جهت کرم شکم در سه مرتبه
را با روانه نیم کوفته هر بامداد بمقدار جوزی بخورد صاحب خلاصة التجارب بسیار مجرب نوشته
دوای بجهت دبه اطفال صبر سقوطری مغز حبال (?) کوفته هر یک یکتوله زرد فالهی (?) بیست توله آهن
با بول گاو تازه زائیده سائیده حبها بمقدار تخم خشخاش با تن بندند سوا فوق بعمر سن بیندند در شیر
مرضعه حل کرده دوای جهت اسهال اطفال معمول و مجرب حصص گل دیا ده بیل کری اندرجو بلخ
مساوی کوفته بیخته بقدر سن و سال مزاج طفل بعسل آمیخته بلیسانند و اگر بجای (?) آمله
باشد بغایت نفع و تب هم میکند دیگر قبض سده که در شکم طفل باشد دفع کند بادیان پشک موش
هر دو برابر باریک سائیده تا آب نیم گرم زیر ناف طلا کنند و بالای برگ تربه یا تنبول بیندند دو
دقیقه در و صدره بار دهافر (?) النفع است و عدیل آن هیچ ندارد حب وابنقسی با عرق گاوزبان و عرق
بادیان و گلاب با عرق بهار سائیده بخورانند دوای ضرب و اسهال کهنه بطرقه (?) سنگ
بصری زرد لیشب (?) بیابان دوده و جاوتری برابر باریک کرده از نیم ماشه شروع کنند و بقدر رم
تا چهار ماشه رسانند و بعضی مردن چوب تری بنصف سنگ بصری کنند و بعضی با تنک هر دو آمیخته
یکهفته و سه روز در میان کم بقدر بیند و اگر حاجت باقیمانند باز دهند و طریق بریان کردن چنانست
که بر آتش سرخ کنند و اندر گلاب سرد نمایند بست وکیل و بعضی در خیرات و بعضی آب لیمو و آب انار
و آب سیر (?) ده دو بار لطف (?) نمایند و آخر بار در گلاب سرد کنند

فصل چهارم

در ادویه که با مراض مقعده و کلیه و مثانه و چشم وغیره مناسبت دارد دوا اینکه سنگ گرده و مثانه

برای درد سنگ سرباهی حجر الیهود حب القلت تخم ترب خار خسک هر یک دو ماشه کوفته بیخته با عنب الثعلب
سبز سرشته حبها ساخته اول بخورانند بالای آن شیره خسک دانه شیره مغز خسته آلو هر یک یک توله
شیره تخم خربوزه ده توله در عرق خار خسک ده توله شربت کثوث دو توله حل کرده بنوشند دوای
حکیم علی سرهندی در شرح اسباب علامات که تصنیف نموده در مبحث ذیابیطس نوشته که استاد من
ظفر یافته بود و اسمر دد در این مرض که آنرا بالکل زایل میکند حب طوطه که پنبه دانه را می گویند صاحب
دار الشکوه [illegible] سپید فلفل سر شیف ریش طوطه پنبه را [illegible] در آب تر نمایند و کسب کنند و بمغز
و شکر ملیده در مویاب جلا نمایند و در دیگ پاکیزه این آب با شکر بپزند با آتش ملایم و هر صبح وقت
نهار از وی استعمال نمایند و بعد سه ساعت پرهیز نمایند گفته که من این بارها دادم و خطا
نکرده مجرب است دوای که سنگ حصاة و سنگ مثانه و محتبس بول غلیظ را حب قلت حب صنوبر
پوست بیخ کبر هر یک ربع جزو تخم کرفس نصف جزو تخم خربزه یک جزو شربتی دو مثقال دوای
سنگ حصاة هرگاه مزاج حار باشد بکار برند خاکستر بیت سنطی خاکستر پوست تخم مرغ که از بچه
در آمده باشد حجر الیهود سیاه ماهی شربتی یک ملعقه با سکنجبین یا شراب کهنه دوای جو اکهار سیاه
هر یک دو دانگ در روغن بجوشانند سنگ مثانه را با دکوله زایل ببود دیگر جو اکهار با شکر تری بخورانند
هر نوع سنگ را دفع کند دوای برای سوزش بول و برصد خون بر آمدن از قضیب سفید ست شوره
قلمی جو اکهار ورق چنا کشنیز خشک تخم خیار فاقله کبار ریوند چینی هر یک نیم درم قند سفید دو برابر
مجموع سفوف ساخته هر روز یک حصه بخورند دیگر که برای حبس بول مجرب است شکر سفید نصف
اوقیه بروغن گاو تازه یک اوقیه بهم آمیخته بیمار را چند روز بخورانند که عجیب اثر نماید دیگر [illegible]
عروق با [illegible] تازه یا خشک سحق نموده با شهد خالص مخلوط ساخته تعلق نمایند و تضمید عانه
بورق نیل نیز نافع است دوای که برای حبس البول [illegible] سفید بلشوره یک مثقال تا دو مثقال با شکر برابر
آمیخته سفوف سازند و همین قسم شوره تنها در آب حل ساخته بدفعات دادن از مجربات شمرد

شمرده اند و استعمال شوره تا سه تولچه العمل آید و مفید افتاد دوائیکه برای بول فی الفراش مجرب
اسرار است حنجره مرغ جوان سوخته بقدر یکدانگ تا دو دانگ در آب نیم گرم آمیخته وقت خواب بنوشند
و جلد سیخ در آب کبر بیتی در آب شستی نیز نافع است دوای جهت عسر بول بلکه دکرم شب تا بیاید که در
عربی صاحب کسیند سر او را دور کرده خشک ساخته با دوازده مثقال نقیع حلبت چون یک روز می نوشند
جهت حساسی بول و اخراج سنگ کرده مفید دوائیکه سوزش بول نفع تمام دارد درخت آموز
که در هندی کیله گویند قدری از درمیان شق کنند و در آنجا ظرفی وصل نمایند و آبش بگیرند و حسب
حاجت بدهند دوای بخاصیت بول بگشاید زعفران سوده یک شاخ بجری قضیب بنهند و
سر پش مرده بجری نهادن نیز نفع دارد و اگر مثانه گوسفند یا گیس دنبه بسوزند و لیسایند و یا
شراب شیرین بدهند سود دارد دو درم سرطان نهری بریان کرده کوفته با عسل یا شکر بدهند
و اگر کبوتر بچه را بشکافند و خون آن زهار چکانند و آنرا بکرجی بشکافند و بر زهار بنهند قوت
مثانه را بحرکت آرد و شیاف نمک طبرزد بول بیارد دوای چرکه گوش کاو بیش ساقت
بمالند فورا بول بیارد کافور یا حجر الحبل نهادن صنوبر تر بور سائیده بر ناف مالیدن شوره
قلمی سائیده بر عانه و زهار و قدری به بران پاشیدن حزانی جهت سیلان بودن بول
می آرد دو ورق طلا یک دانگ خوردن همین عملدار دوای برای بول فی الفراش نافع است
و مجرب تخم خشخاش سفید مم با یکدانه با زور بسیار کوفته بدهند دیگر پوست بالای سنگدانه مرغ شسته
و بریان کرده اگر بکسی دهند بول در فراش نکنند دیگر در شراب هم همین ادا رند و مثنی نماید مجرب است
بلوط با وزن آن کندر با روغن زیتون سرشته مداومت نمایند دوای مجرب جهت بول در فراش
کرده ارنب خشک کرده تخم شبت هلیله کابلی زعفران تخم کرفس از هر احد نصف درم کوفته بیخته
دو سیم درهم با یکپاو قیه آب بطریق جنین دماغ ارنب بری شراب نافع است و بهتر از همه قرص از
خمیر کرده باشد در آن اندکی بیخال کبوتر و حمام آب بسرد دوای بخاصیت بطور انزال

واز جماع توبه حاصل نشود استخوان دم سگ دقیقی که نر باده جفت شود و سیر گردد دم سگ نر قطع کرده
بگیرند و چهل روز در زیر زمین دفن کنند تا پوسیده شود و عقدهای استخوان بماند این عقدها را بخشکانند بسته
در خرقه مجامع بندند و تماشا ببینند دوای مانع حمل است سداب خشک نطرون از هر واحد یک جزو
کوفته بیخته با آب سداب سبز سرشته عورت حمول نماید منع حمل کند و هم اسقاط می گرداند شیر را
دوای که مرد استعمال کند خیار العصاره سداب و گشنیز سبز سحق بلیغ نموده بر ذکر طلا کنند
و بعد مجامعت نمایند دوای قوی تر ابهل یک مثقال سداب خشک نیم مثقال محموده و نطرون یک مثقال
کوفته بیخته با آب سداب تر یا آب که در آن آهن تافته سرد کرده باشند سرشته حمول سازند و هم
بطریق طلا بر ذکر مالیده مجامعت کند و این نسخه در اخراج جنین نیز قوی است و سیخ سر ذکر به
روغن قطران بلکه بهر دهنی که حاضر باشد در منع حبل دخل کلی دارد و از انجمله عجایب در نفع تو
عرق بغل و قدری از چرک گوش آن طلا علی الذکر عند الجماع فانه یمنع الحبل و هو عجیب مجرب باب دوای
ممسک پوست بیخ کسوندی خشک ساخته باریک و با شهد خالص غلوله بندند و مقدار دو درم
وقت نماز عصر و یکیا نصف شیر باده گاو بالای آن بنوشند چون وقت شب در آید نیم غلوله
از ان بدر دهن گیرد و مجامعت مشغول شود ایضا بسم خجر و قدری از تخم آن سم را براده ساخته
تخم را که اخته از تخم بذات براده مذکور بالسقیه هند تا متفق میسم شود و طلا بر ذکر نمایند و بجماع
مشغول شوند ایضا محموده افیون با آب سداب تر لیبا بهر و بر ذکر طلا نماید ایضا سقمونیا
انجیر از خورانیدن زن در ایام مرگ مادر آزموده است بول فیله است در آبی که در آن حدید تطفیر
نموده باشند و همچنین الطعام [illegible] قیل منه شی من العسل [illegible] الیلم و کذا کتانه سوده یا ریگ
نموده و [illegible] اثر اعورت بجمل اند دیگر مرجان ربع درم قبل نموده در شراب خالص
آمیخته [illegible] زن هند حامل نشود هرگز دریا و خوردن کف دهن شتر مستی در عدم حبل
تا هفت سال مجرب یافته اند دوای که مانع و منع است تخم چند قوقی سرگین فیل خردل تخم

صعتر کوفته بیخته بسیار با پیه مخلوط ساخته بصوفه زن بردارد قضیب را با سفیداج آلوده کردن
منع حمل میکند دوای سرگین فیل نخود و بر داشتن دود آن کردن همین کار کند و فلفل بعد
جماع اگر زن بردارد نگذارد منی را که منعقد شود و خون نفاس که از اول فرزند باشد در تمام بکند
زن بمالند در تمام عمر خود آبستن نشود مجربست و حنظل یا حنا با بیرند خضاب بدان کند حیض
باز دارد و منع حمل کند و سرگین موش با شهد تیز مانع حمل است دیگر بول اشتر و آبی که آهن تافته
در آن سرد کرده باشد اگر زن بنوشد هرگز آبستن نشود دوائی که ادرار حیض کند و درد رحم و درد
پشت که پیش از حیض پدید آید دفع کند ص تخم کرفس یکمثقال بادیان کوفته انیسون تخم شبت
دو ماسه هر یک دو مثقال تخم خیارین کوفته چهار مثقال حلبه هفت مثقال بجوشانند و شصت
مثقال قند بقوام آرند هفت روز بنمایند دوائی که در رحم بنشاند از خره که جوشانند و آب
بجوشانند و صعتر نوشیدن همین عمل دارد و شربت خوردن بابلیلج وی درد که پیش از حیض تولد
تولد کند ساکن گرداند و سلیخه جوشانیدن مطبوخ وی حقنه کردن درد که از حرارت بود زایل گرداند
شیر باده خر اگر بر رحم حقنه کنند درد شدید بنشاند سفر سرطان با آب را از یا نه نیز بجوشانند و حیا لاتید
و بیانشاسند و درد رحم که بوقت مباشرت پدید آید ساکن سازد و سوئی سر آدمی که دود او دادن رحم
در و بنشاند خبازی بجوشانند و با آب وی حقنه رحم نمایند و روغن نسرین حمول کنند و بمالند همان
عمل کند دیگر بجوشانند بیخ السوس نگاهدارد درد رحم که بعد از جماع پدید آید دفع کند باز و باریک بسایند و پنبه
بدان آلوده گلوله ساخته بفم رحم نهند پیش از وطی این عمل کنند دوائی معین حبل بول فیل آشامید
و لشتاره علاج جربایی عجیب الفعل است وزن نشاره تا دو درم توین مخلوط ده اندر با نبات صاف کنند
و جهت فساد و شهوت زنان حامله سفید ست دانه قاقله ده درم با کشنیز چندان قند با نبات بسایند
آمیخته سه ماشه بخورانند دوائی که عقیمه کند بذر بایه کوزن بعد از طهر سه روز زن بخورد گیرد عقیمه
عقیمه گردد دوای تسهیل ولادت شاخ گوزن چون بوقت نهادن بسوزن بسند بی درد

و تعب بر آید دوای که برای سیلان رحم نافع است فشو کند جفت بلوط زیره سیاه بارگز عذبه
خاکستر جو مازو کبیر سنبل الطیب هر یک را با مجموع حمول کنند نافع است دوای که جهت سیلان رطوبت
از رحم سفید است جوز بوا قرنفل هر یک سه عدد دارچینی دو مثقال بکوبند و با آب مورد تازه و گلاب
[illegible] چند لایه کرده بیکرم بر کمر بمالند دوای که سیلان رطوبت رحم را خواه در حال جماع خواه در اوقات
دیگر زایل شود بر طرف شود سنگ [illegible] اسپغول [illegible] سیاه گل [illegible] دارچینی زنجبیل
هر واحد یک توله همه را نرم ساییده یکجا کرده نگهدارند و پیش از جماع بدو ساعت بقدر دو ماشه
بطرف اندرون بمالند دوای درد رحم را که در ایام حیض معتاد شده باشد دفع کند ریوند
خطائی کوفته برابر ریحان نبات ساییده آمیخته نیم توله از شروع حیض دو روز پیشتر شروع بخوردن
کنند و تا سه روز بخورند دیگر که همین عمل کنند نمک باریک ساییده بران آمیخته بر دارند دیگر درد رحم
را که شدید باشد و بعد از نفاس پیدا آید و بدوای دیگر نفع نیابد فوراً ساکن سازد کوکنار بقدر
در آب تر کنند چون قوت او در آب آید اندکی از آن [illegible] بیرون دیا گرم کرده بنوشانند و اگر خواهند
قدری شکر داخل کنند دوای جا و عسر ولادت را نافع است و اسقاط مشیمه مر وقنه جاوشیر
بالسویه شربتی دو درم با آب گرفتن آب رازیانه مطبوخ دوای که بخاصیت تسهیل ولادت کند
مقناطیس در دست چپ گرفتن و خاکستر سم خر طلا کردن و لیسه بر ران بستن و تعلیق [illegible] بر ران و سم
خر دود کردن نافع است دیگر مجرب است پوست خیارشنبر چهار مثقال باریک ساییده در آب بجوشانند
و صاف نموده آب آن با شربت مدر بنوشانند ردر جوشانده از خشک [illegible] سپستان بیخ خطمی و تخم
حلیون ابهل [illegible] کل بابونه بالشکر یا عسل حل کرده بدهند دوای که بخاصیت مشیمه
بیرون آرد زعفران ده درم ساییده بسرشند و مهره بسازند و بر ران بندند دوای جهت
جریان طمث کل [illegible] شکر طبرزد هر یک شش ماشه باهم ممزوج کرده بخورانند دوای قطع خون
بواسیر کند مجرب است گردکان با پوست سوخته یکمثقال با آب مورد دو مثقال بدهند و اگر پوست گردکان

کردکانی را در روغن بتوان بگوشانند تا مهرا شود جهت بواسیر و امراض مقعد بغایت موثر است
دوا اینکه خون بواسیر را مجرب است بند کند کهربا گل مختوم دوای که بهندی [illegible] گویند هر یک نیم مثقال
باریک لبایند سفوف سازند یک شربت است سه روز متوالی بدهند دوای جهت بواسیر خونی
یا دمی [illegible] بواسیر مجرب است پوست کنار از دو ماشه در جغرات آمیخته بخورند و غذا برنج و جغرات
باشد دوا جهت بواسیر مجرب بالون روغن گاو و شکر تری هر یک [illegible] باشد هر سه را مخلوط کرده
باشند بخورند تا سه روز همین قسم تا سه ماه متواتر عمل نمایند از ماه یک روز کم زیاده نشود دوای
در حبس خون بواسیر نظیر ندارد [illegible] قدر سه چهار ماشه در جغرات [illegible] آمیخته بخورانند و جاییکه [illegible]
یافته نشود پوست درخت کرکه قایم مقام ولیکن انفع از آنست بدستور استعمال کنند دوای که حبس
خون بواسیر حیض کند و شکل [illegible] دارد و برای [illegible] آب باهر نوع که باشد علتهای دیگر از فرج زنان دور
نماید مجرب است و از مسوده منقول از بیاض [illegible] مغفور جامن [illegible] ابنه یا تنها [illegible] اسوت
موچرس [illegible] سوتهه مغز بیل [illegible] کاپهل فلفل گرد [illegible] سنارکی صندل سرخ مازو کرنانی [illegible]
ملتهی پوست درخت شاخ سوتهه برابر سوده با شهد آمیخته ده درم با آب [illegible] بخورد
عجیب است این نسخه بدون [illegible] العمل می آید در اصل [illegible] هم واقع است [illegible] بعد [illegible] نماید دوای
که در حبس خون بواسیر مجرب است [illegible] نظیر گل [illegible] که دوای هندی [illegible] باریک بکوبند و بقدر
سه چهار ماشه اندر روغن و شکر هر یک [illegible] بقدر یک دو توله باشد [illegible] بقدر دو توله بخورند چند
روز بکنند نفع بین ظاهر خواهد شد دوای که بجرب مقعد و [illegible] خارش نافع است [illegible] سوخته
خاکستر آن با روغن بدستور بخوردن بدهد و قدری بر مقعد دو آن بپاشند به شود ایضا باید که
اول مقعد را به روغن کتان چرب کنند بعد از آن سپیده از زر مازو برابر کوفته بیخته بر مقعد بپاشند
و مقعد را درون برده ساعتی غلطیده مانند و چند روز مداومت نماید و از [illegible] دوا آب زن نماید پوست
انار مازو پوست [illegible] برگ [illegible] در آب [illegible] بجوشانند و در آن [illegible] صاحب [illegible] در [illegible] بنشانند

فصل پنجم در بیان ادویه که بامراض عامه مثل حصبه و چیچک و جذام و آتشک و حمیات وغیره
تعلق دارد دوا هر کسیکه فرزند او بعلت سرخ باده مبتلا شده باشد باید که با دویه را قبل
از چار پانچ روز برای او رعایت نمایند عناب هفت دانه صندل لین یک ماشه شاهتره هفت
ماشه برگ حنا شش ماشه پوست درخت کچنال چهار ماشه برم ڈنڈی شیل کنٹهی از هر یک سه ماشه
منڈی چار ماشه چهار ماشه سپستان پنج ماشه شکر سفید دو توله ایضا مغز فلوس خیارشنبر گل سرخ
عناب سپستان چاکسو تخم کشنیز صندل سرخ چکه دانه هلیله زرد هلیله سیاه سونف جوشانده
بعمل آرند ایضا که شربتی نافع است بزر الحلبه یعنی خرب کلان تخم اسپغول هر یک سه درم با گلاب
بجوشند ایضا که شراب بلغمی انافع است کباب چینی مگیدرم شکر سه درم سائیده چند کرت
بخورند دوای سهل مجرب که باده آتشک و جرب مفاصل امراض جلد مزمنه دفع کند
آزموده است پهلی مغیلان پوست کچنال پوست نیم از بیخ بهتر است بیخ حنظل و کثائی خورد
با بیخ و برگ هر یک بوزن نیم پاؤ اگر ادویه خشک باشند کوفته با قند سیاه نیم پاؤ در سه آثار آب
شب تر نمایند و اگر ادویه تر باشند همان وقت در آب چندان جوش دهند که سه پاؤ آب بماند بعدها
در شیشه نگهدارند هفت روز بخورند مجرب آزموده است نسخه آتشک لیمو که سیرآب و کلان باشند
یکی کافی است و اگر کوچک باشند دو لیمون گرفته از کارد نصف نماید و تخم از ان دور سازد
بعد از ان نگاه مریض مخفی هفت هشت قطره شیر تهور پهلی دار در هر دو پاره لیمو چکانند و
آتشکی در حلق فرو چکانند نوعیکه شیر مذکور بدندان نرسد بالای آن هفت بادام بخورانند من
بعد رطوبت از دهن خواهد برآمد یا دستی اجابت خواهد شد از تکرار عمل هفت روز بیماری بالکل
دفع شود بالای آن دو پیازه مرغ با نان بخورد دوا اگر گهیت و وجع مفاصل باشد بجای شیر تهور
پهلی دار خار دار در لیمو بچکانند و بدستور در عمل آرند دیگر گل صد برگ زرد پاؤ سیر در آب
بیخ سونیه یعنی کیلیه تر کرده شب رانگهدارند صبح عرق بکشند و یکدام صبح و یکدام شام بخورند دیگر

دیگر قرص کافور بہ شربتی کہ حرارت والتہاب داشتہ باشد بسیار مفید است دوای خارش نسخہ علوی خان
صاحب کہ معمول الشیان بودہ برای قوبا و جرب فایدہ بسیار میکند توتیای کرمانی تخم پنواڑ ہر یک یک تولہ
مغز تخم خربوزہ مغز تخم خیارین کاکنج ہر یک دو تولہ در سرکہ و روغن گل چہار چہار دام کہرل کنند
تا مثل مرہم شود پس بمالند و غسل فرمایند ایضاً عجیب الاثر است و مغنی از سایر تدابیر در جرب رطب
و یابس شاہد نفع آن خلق کثیر کنند گوگرد مردار سنگ سہاگہ کمیلہ کتھ سفید پھٹکری حب
الصدف منسوباً ہر یک نیم تولہ بسیار باشد اول ادویہ باریک سایند و در روغن سرسون یا گوڑ حل کنند
و بمالند بعد دو ساعت از آب سرد غسل نمایند ایضاً موافق نسخہ معمول ابنہ ہلدی گندک
آملہ سار کمیلہ بابچی نیبق قلفل کرد ہر یک نیم تولہ توتیا سبز نیم ماشہ روغن جنبیلی نیم پاو ادویہ
کوفتہ بیختہ با ریق کہرل نمایند تا رنگ دوا با آسمان گون شود و بعد ازان روغن جنبیلی انداختہ بمقدار
بلیغ نمایند تا مانند مرہم شود ایضاً کبریت سیماب بزر البنج شنگرف ہر واحد یکماشہ کوفتہ بیختہ
چہار حصہ سازد و ہر روز یک حصہ در روغن گاو کہ یک صد و یکبار شستہ باشند آمیختہ بمالند دوای
نافع برای خارش بدن خصوصاً قضیب انار ترش یکعدد در سرکہ انگوری در ظرف مسی بجوشانند تا مہر
شود پس در او انداختہ کبریت زرد پوست بلیلہ زرد توتیای کرمانی مغز تخم خربزہ بوداده مغز
تخم خیارین مغز تخم کدو بوداده پوست تخم کدو و شکوفہ [illegible] ہر واحد یک مثقال
کوفتہ بیختہ در سرکہ سایند تا مانند مرہم شود و بر بدن بمالند دوای خارش کہ پارہ و غیرہ دار
سیماب دود و [illegible] آملہ سار نیلہ تھوتھہ ہر یک یکدام در روغن زرد گاو [illegible]
ادویہ کوفتہ بیختہ در کوزہ سکالین [illegible] باشند حل کردہ نگہدارند
و بمالند دیگر روغن گاو دو تولہ [illegible] در آب بشویند [illegible] سیاہ مردار سنگ نیلہ تھوتھہ
سیماب ہر یک [illegible] کوفتہ بیختہ بروغن مذکور آمیختہ بمالند و بعد ازان بگل ملتانی غسل
نمایند دوای خارش [illegible] النفع [illegible] تخم حنظل یکدرم صندل سرخ دو درم [illegible] درم

کوفته بیخته با روغن گل و سرکه طلا کنند دوای خارش سوم کافوری از روغن گل یا چنبیلی مردار سنگ
گلاب خالص اول سوم را بر آتش بنهند تا آنکه سوم مثل روغن شود و بعد از آن مردار سنگ را سوده
کرده داخل نمایند بهر کاه هر چهار چیز یکسان شود و گلاب داخل کرده باز دست زنند مثل سوم
روغن گردد و در ظرف نگهدارند و در همین نسخه کاهی کافور سفید اضافه نمایند فایده بسیار میکند
وقت حاجت بکار برند ایضا جهت خارش بدن روغن کنجی چهار دام رال سفید دو درم
نیله تهوتهه سوده باشد اول روغن در ظرف مسی آهنی سوخته فرود آرند و رال ساییده در روغن حل نمایند
در آب بست بار شسته بعده نیله تهوتهه بریان کرده ساییده داخل نمایند دوای خارش سفیده
کاشغری شش ماشه شنگرف هفت ماشه مردار سنگ هر یکی چهار چهار ماشه چوک دو ماشه کافور
یکماشه همه ادویه خوب ساییده در روغن چنبیلی حل کرده مالش نمایند و معجون شاهتره میخورده باشند
غذا کم نمک باشد ایضا برای جرب مجرب است سفیده شش ماشه مردار سنگ سه ماشه گندهک
سه ماشه کافور یک نیم ماشه روغن چنبیلی چهار دام سرشته خوب بهم سحق نمایند و بمالند ایضا جهت
خارش تخم خشخاش یکدام در آب لیمون کاغذی سکهرل خوب حل کرده مثل مرهم ساخته جای
خارش بمالند ایضا افیون یکدام سهاگه دو دام نصف بریان و نصف خام هر سه را
با یکدیگر خوب حل کرده مثل حنا در شیشی جمع سازند عند الحاجت بکار آید یک حصه را آب حل کرده
بر موضع خارش خوب بمالند و بمالیدن دو سه روز فایده خواهد شد دوای مجرب جهت دفع خارش
از حکیم علی خان شنگرف شش ماشه چوب کوب نموده آتش در یک ظرف گرفته نگهدارند چنانکه آبله و غیره
بوده باشد شنگرف را سوزانند و بالای آنجا دو سه سر گرفته دود آنرا بخوبی بجای آبله و غیره
رسانیده سه چهار روز همین قسم مستوار بکنند مجرب است دوای کلف تخم ترب سپید و در آرد
باقلا گل معصفر هر یک سه ماشه ادویه خوب ساییده سرمه سا نموده در آب لیمو حل کرده وقت
شب در استعمال آرند دیگر برای بهق سهاگه خام یک درم در آب لیمو کاغذی حل کرده بمالند

بمالند و در آفتاب نشینند دوای جذام مجرب لجهة تنقیه اوست نماید فایده کلی بخشند
شنائیده و برهم [illegible] کهید پوست هلیله زرد هر یکی دو توله شب در آب تر کرده صبح بمالیده صاف نموده
بنوشند ایضا جهت جذام هلیله کابلی چهل عدد و افتیمون هفت درم کوفته و بیخته به
کشمش یا مویز و شکر طبرزد سرشته بخورند هر روز بقدر چهار مثقال ایضا در وقت
استحکام جذام بکار آید هلیله سیاه هلیله زرد و افتیمون هر یک پنج درم کوفته بیخته با عسل
پانزده درم یکجا کرده هر روز یک توله بخورند و این قرصها را طلا کنند شیطرج هندی زرنیخ
سرخ هر یک یک نیم درم سیر [illegible] نور سبز دماسن استخوان ماهی مهو خربق سیاه اطریلال
هر یک دو درم عنصل سه درم کوفته بیخته بسرکه انگوری قرصها سازند و هر روز بسرکه سائیده
طلا نمایند دوای جهت برص بهق پوست هلیله کابلی آمله بسفایج و احد یک وقیه تربد
سه وقیه قند سفید یک رطل سرشته از سه درم تا پنج درم هر روز بخورند دوای برای
برص لجهة تنقیه مجرب است اجمود اول روز چهار ماشه شروع کنند روز دوم شش ماشه روز
سیوم هشت ماشه زیاده از هشت ماشه نخورند تا پنجاه روز و غذای آن نخود یا نخود برشته
بی نمک دوای جهت آتشک که در چلم حقه می کشند یکبار صبح و یکی میانه روز و یکی شام
سه روز همین سان بعمل آرند اگرچه این بعمل نیامده اما در بیاض مجرب دیده شد قرنفل لاچی خرد
دارچینی عود چینی بانز و جوز بوا و صندل سیاه و عاقرقرحا هر یک سه تانک کوفته در چلم انداخته بکشند
دوای که در حصبه جدری ما هر کار و طبیع خشک شده باشد بکار آید هلیله زرد بسفایج بگیرند و صاف
کنند و قدری شکر طبرزد داخل کرده بنوشند دوای که خواص غریبه اوست در هر سال که مقدار
قلیل از و بطفل بدهند در آن سال دانه جدری بر او برنیاید و اگر برآید زیاده از چند عدد نباشد شیر
مادیان سپید که هندی لبن ابلق گویند حسب سن سال در موسم خروج جدری بطفل بدهند
که از آن سال ایمن مانند دوای جهت جدری اطفال کلوی [illegible] انار دانه در آب جوشانیده

صاف نموده بنوشند دیگر جهت چیچک عدسی و خارش و جوشش بدن طفل گلوی با نسبه کوند بیول
سوخته پوست گز یا پوست کهیر پوست نیم دار چلد عسل بلیسانند دوائی که در بر آمدن جدری زمانیکه
بر آب گردد و علامت ردی بود باشد بکار آید بابونه اکلیل الملک بنفشه خطمی سبوس گندم مجموع
یا هر واحد در آب جوشانیده علی الرسم بخور کنند دوائی که جهت خشک کردن جدری زمانیکه دیر
خشک شود بکار آید بعد از آنکه پخته و بزرگ سر آن بسوزن بشکنند تا هستگی بجزوه بچیند برگ گل یا
برگ سوسن یا صندل یا چوب گز یا چوب انار ترش در زیر دامن دود کنند و آتش در زمستان از
چوب کنیر و چوب زر باشد و در تابستان چوب بید دوائیکه حفظ بینی از آبله جدری نماید شیاف
ماميثا صندل سرخ عود علی الرسم وقت حاجت بسرکه و گلاب ساییده در بینی بچکانند و اگر سرکه و گلاب
سعوط کنند نافع است و اگر با روغن گل یا روغن سعود یا قدری کافور بچکانند و طلا کنند سود دارد
دیگر که بر جراحت آبله باشد گل سرخ کندر انزروت دم الاخوین ساییده بران موضع پاشند
فایده در منافع گلو بدانند خاصه که تر بود بر درخت نیم و پخته چیست تبها هر قسم که باشد حتی بدق
هم نیز مفید است و تجربه معمول و با سهال و کمی اسهال الوان را و سرفه را نیز سودمند است و ست او
للطافت سریع الاثر است و الحق مشتمل بود و مطبوخ نباشد سرد و تر است و گلو هر چند که تلخ است
لیکن نزد بعضی میل بحرارت دارد و جزو ملا فیون حفص بنفع او در امراض مختلفه مشهور شده
و جهت تپ دق کثیر النفع است خواه تنها دهند خواه چیزی دیگر در آمیخته و در تبهای گرم نقوع
کرده دهند و در تبهای سرد با زعفران و یا تخم جوشانیده و ترکیب حسب حاجت گاه با شهد میکنند
و گاه با شیر و نبات و گاه با چیز دیگر و امثال آن و اصل در جمیع گلو را دانند و طریق استخراج ست او
که گلوی سبز بگیرند و بشویند و بکوبند و آب خاصه که از باران باشد قدری بپاشند و بفشرند
تا آب غلیظ بر آید پس آن آب را در ظرف سفال یا چینی لعابی نموده بران ظرف پارچه بسته تا
از گرد و غبار محفوظ باشد در آفتاب بگذارند که خشک شود و اگر شیره افشرده را بجوشانند که

که غلیظ شود نیز روا است و این است مطبوخ در حمیات بارده اولی است و افتابی در جاده و اگر خواهد

که ست در غایت لطافت حاصل شود گلو را بعد شستن دو پاره کنند و پرکالها بسازند و بقدر دو سه

انگشت مضموم یک شب در آب باران تر کنند و صباح بمالند و چون اجزای او در آب جدا شود قطعهای

گلو را از آب بیرون آورند و آب را بگذارند تا که اجزای گلو که ست عبارت از وست ته نشین گردد

پس آب صافی بیرون اندازند و ست را خشک نموده بکار آرند دوای که نشان آبله از وی

برود بیخ نی خشک هشت درم استخوان سوخته یا بوسیده پشنگ کهنه سفال او تخم خربوزه نشاسته

نخود هر یک دو درم حب اللبان قیطا زراوند طویل هر یک پنج درم کوفته بیخته با آب خربزه یا آب باقلا سرشته

شب طلا کنند و روغن بنفشه بنهند و با آب ... بشویند دوای قوی تر اسفیداج مرداسنگ

مغسول دندان فیل سوخته کرده هر یکی سه درم بیخ نی خشک آرد نخود استخوان بوسیده آرد برنج

تخم خربزه حب اللبان مقشر قیطا حلو هر یک چهار درم کوفته بیخته بلعاب تخم کتان سرشته شب طلا کنند

علی الصباح با آب گرم بنفشه و بابونه در هم پخته باشند بشویند دوای هندی که تپهای موسمی صفراوی

و بلغمی بسیط و مرکب را نافع است گلو طباشیر سفید دانه الاچی خورد هر یک نیم توله نبات یکتوله و نیم

نشر بتگا چهار ماشه تا نیم توله دیگر معمول جهت مذکور تخم گاوزبان لب داده کوفته بیخته با قند

سائیده و مساوی الوزن آمیخته سه وقت بقدر حاجت بدهند و بعضی اوقات طباشیر و ست گلو افزوده

میشود و فایده دیده دوای تپ لرزه را نافع است برگ حنا کوکنار هر دو برابر کوفته بیخته

چهار قدر که در دو انگشت بیاید بخورند دوای جهت تپ لرزه معمول مرچ پیپل کلونجی جراته

کیر و هر یک نیم جزو ... کوفته و بیخته یکماشه بطریق سفوف با آب سرد بخورند دوای

معمول و مجرب ریوند چینی یکماشه دهتوره یکماشه ... سه ماشه کوفته با آب ادرک یک پهر حل

کنند و حبها برابر ماش بندند یک حب یا دو حب بدهند دوای که برای تپ ربع نافع است

و مجرب برگ دهتوره برگ پان کنکر نی قلفل کرد هر یک دو نیم عدد یا ریک ساخته قدر فلفل حب سازند

یکی صبح و یکی شام با آب گرم بدهند دوای که تپ چهارم را سود دهد دوا است که عبارت از حجیری خشک
کرده یا بای ... آستا ... با نجا بر دو بدیک نخود افیون یک سرخ برگ نیم دو نیم عدد باهم آمیخته
در قند سیاه سرشته سه حب سازند پیش از آمدن تپ با لیسه گهری یک حب بلع کنند و چون تپ
شروع کند یک حب دیگر بدهند و اغلب است که حب سیوم حاجت نه افتد و اگر مریض قوی باشد از
این جمله دو حب بدهند و افیون را دو سرخ یا زیاده اندازند و هم برگ نیم که بگیرند در طول باشد نه
در عرض دوای در تسمین بدن از اسرار صحیح است کتیرا مغز بادام نشاسته شکر سفید همه برابر
قدر لایق تناول نمایند و مداومت فرمایند دوای بدن را لاغر کند ناخواه تخم سداب زیره کرمانی
هریک چهار درم چوب لک یا لک مغسول دو درم مرزنجوش بوره ارمنی هریک یک درم کوفته بیخته
هر روز یک مثقال بدهند دوای هزال بدن هر روز سه ربع از اسفند رومی در آب و سکنجبین حل کرده
تا سه هفته بخورند بدن را لاغر کند دوای که بدن را لاغر کند لک مغسول یک درم با سرکه چند
روز ناشتا بکنند دیگر زیره سیاه را اگر چهل روز ناشتا مداومت کنند بدن را لاغر کند و آب مقطر
از نکو قوی التهزیل و عجیب الفعل است دوای در تپهای منع عرق کنند برگ مورد و کلنار کهنه یا
سائیده بر بدن پاشند دوای که در افراط عرق بکار آید لعاب بنگو لعاب بهدانه صمغ عربی زعفران
حل نموده بمالند دوای که حبس عرق کند شب پانی در آب حل کرده دلک نمایند همچنین بورق
سوسن آس و طرفا و آب معصور آن دوای که عرق آرد آب کرفس و گلاب قدری سرکه و روغن گل
هم آمیخته بر تن بمالند همچنین روغن بابونه تنها یا با بوره ارمنی آمیخته بمالیدن و معرقات داخلی سکنجبین
ساده یا بزوری نوشیدن با آب کاسنی امثال آن و شربت گل بنفشه و نخود آب با قلیه زردک
هم معرق است دوای که عرق مدنی اسفید است در اول ظهور نقاط نیم درم صبر بخورند و از
درم یک درم و روز سیوم یک نیم درم و موضع نقاط را نیز به صبر طلا کنند و هرگاه رشته ظاهر شود
بر چوب پیچیده به بوزن یک درم ... بندند و با آهستگی ... دارند و از شکسته شدن آن پرهیز نمایند دوائیکه

در روغن کنجد بسوزند و بچوب بمالند و قدری هم تا به بریان نموده و خاکستر سر مرده باریک ساخته
در و آمیزند و طلا نمایند مجرب است دیگر درین باب چوژه گندم بمالند گرما گرم و طریق چوژه کشیدن
اینست که گندم را شسته شب در هوا دارند و صباح آن گندم را بر سنگ صاف نهند و قطعه آهن
را بهار سرخ کرده بر و گذارند و بخش کنند آنچه سیاه سیاه گردد گرد آید همچنان گرما گرم بمالند دیگر
اگر بهیچ وجه به نشود دنبالیا آدمی تازه بربندند و تا سه روز بسته دارند همچنان سه مرتبه کنند
البته نفع شود اگر چه دیرینه بود اگر صبح و شام بسته باشند تازه تازه بهتر باشد دوای گرنه
کهچل جانوریست که در میان چارپایها می‌باشد دو سه عدد بگیرند و در محل مرض بمالند و چند گاه
استعمال نمایند نفع بین میبخشد دوای عجیب مجرب اگر در می بخته نشود چون خاک و غیره
و مریض بگذارد که آنرا با همین جا کند یا جای از آن قبیل باشد که شیر رسد اندک دارو بر و
گذارند تا خشک شود و بعد از آن پارچه درشت مالیده بر و بستی بندند که در یک یا نیم پهر شگافته
خواهد شد لیکن همانقدر جاها را که میخواهند در و بگذارند تا آسیب بجای دیگر نرسد به همین قسم
بر بواسیر که مقصود بر آمده باشد بیافته درشت اندک خراشیده بمالند چون خشک شود و بر دارند
به همین دستور در یک روز سه چهار مرتبه بگذارند و بر دارند بمالند و احتیاط کنند که بغیر موضع
داء بواسیر بجای دیگر نرسد اگر به داغ سفید برص که برابر یکروپیه باشد بگر طلا نمایند الیس ساخته بر
کنند و بر تولول بلسته درشت خراشیده بمالند طریق آن چونکی آب نارسیده بوزن یک تولا
هم وزن چونه ساجی گر خواهند که تیز تر سازند پوست درخت پیپل را آورده بسوزند و نیم سوخته
از خاکستر او اضافه نمایند و با آب خمیر نموده بکار برند دوای که متعلق بمرض چهاجن است
و آن مرضی است که در کف دست و پا یکی از ین مرض پیدا آید و پوست از وی جدا شود بگیرند شیر
بز یا شیر گاو نیم آثار و سه جوش دهند پس موافق نیم دام سرکه انگوری در وی بیزند تمام شیر پاره
خواهد شد بپارچه پاک کرده آب صافی وی بستانند و در شیشه بدارند و بدفعات همین آب

ایضاً بیخ و برگ شاخ جرجیر یا سبز کهیره نجاید مریع النفع است و گر دم کوفته بر نیش ضماد کنند
مفید لدغ عقرب است دوا آنکه سرکه بدن حیوان سمی را ریح وار بعین که بپارسی هزار پایه و بهندی
کنکجوره یعنی دخال الاذن گویند مستعمل است حیوان مسطور را فی الفور کوبیده بر آنجا بمالند سوزش
سمیت آنرا بالکل زایل میکند و تحقیق است که ذراریح را الیدین نمک و روغن کاو و بهیستو نافع است
دوا می کردن لدغ افعی را اسود و دیگر پوست درخت سرس یعنی پوست بیخ او و تخم و گل هر چهار چیز را یک
درم کوفته و بیخته با یک قاشق بول یا ده کاو در روزی سه دفعه تر کرده بخورد زهر مار در حال دفع کند
و اگر در سالی یک هفته بخورد هیچ زهر کار نکند و اگر بگزد همان جانور بمیرد و درخت کهنه که پوست
او سیاه شده باشد در خواص قوی تر و بعضی گویند چون آفتاب بجوزا آید سه روز هر روز دو درم
کوفته و بیخته از پوست وی شسته بیخ سیاهی بخورد تا سال تمام از زهر گزندگان ایمن باشد و اگر
گزد آن حیوان بمیرد این بالخواص است ایضاً اگر کسی را مار گزیده باشد حب السلاطین را که دند گویند
از پوست سخت بیرون کرده و پوست نازک که بمغز او متصل است جدا کنند و مغز را دو پاره است
از هم جدا کنند و پرده که در میان هر دو نصف است دور کنند و هر قسمی را جداگانه صلایه کرده
با آب در هر یک چشم بکشند آب بسیار از چشم بلدیغ روان شود و از هلاک ایمن شود و مجرب بوده است
نقل است که مار گزیده هفت روز زنده بماند اگرچه حس حرکت او بود و در ظاهر مرده نهاده
باشند کچله را با آب لیمون سائیده در حلق مار گزیده بریزند و بلده بر سر و در بدن بمالند در ساعت
صحت یابد و اگر دفن کرده باشند بر آورده این عمل بکنند از بعضی مروی است که اگر مار گزیده را
پنج مثقال جمال گوته بدهند فی الحال صحت یابد جمال گوته بقدر زهر مار بدهند و اگر مار سیاه باشد تا هشت
هشت تا نه بدهند مجرب است دوا می جذب سم مار گزیده نماید هر گاه کسی را مار بگزد زود مرغ
را گرفته پرهای آنرا کنده دبر آنرا که مقعد او باشد از هر طرف پر کنند و موضع لدغ را چند کلک زنند
که خون بیرون شود و کلکها بر عضو لدغ بنشیند زده مقعد مرغ را بر موضع لدغ بچسپانند که باذن الله

سبحانه سم را جذب میکند و مرغ حی میرد و ملذوع را شفا می یابد دوای گزیدن سگ دیوانه
جالینوس گفته ندیده ام کسی را که این دوا خورد و نفع از گزیدن سگ دیوانه ندید سرطان نهری محرق
ده جزو کنند یک جزو هر روز دو درم صباح دو درم عشا با آب سرد بخورد ایضا کچلیا در شیر تازه
جوشانیده پوست کنند مقدار دو سرخ بخورند به شود ایضا خاکستر با سرکه بهم آمیخته ضماد
کنند اگر ایضا بعد حجامت دسایل کردن فوراً فرخ دل کوفته ضماد کنند و سرگین شتر کوفته بمالند
ایضا پیاز با سرو نمک کوفته ضماد نافع است دوای برای گزندگی سگ دیوانه نافع و مجرب است
گرفتگی از زیر برگ توری بافته بسوزند و کابی به بیمار می باشد سه عدد از بن بقند سیاه آمیخته
حب بسته بخورانند تا سه روز کرده باشند و اگر توری تلخ باشد نفعش زیاده است دوای که
جهت گزندگی زنبور بکشد و مورچه هم نافع است گل ارمنی با سرکه بهم طلا کنند ایضا
کچلیا و برگ خرفه و برگ بکو با سرکه بمالند دوای نافع بکبکی اورا سوی شیر خورانیده باشند
تخم کسوندی یا کلهای حی آس سوده بغلوله کنند و فرو برند بعد از ساعتی سقی بر آرد اگر
سوی در میان غلوله بیاید صحت شود ایضا دل باز را بسوی آبسته فرو برند بعد از ساعتی بر آرند
سوی ها همراه ایشان بر آید دوای که بخاصیت برای وبا نافع است از جمله صبر سقوطری است شربا و ضمادا
علی الموضع بخورا و در کتب قدما مذکور است که اگر دو جزو صبر و یک جزو مرمکی و یک جزو زعفران کوفته
هر روز بقدر دو انگ دو قیراط تا [illegible] بمشروب سوده تا سه وزن در ایام وبا بخورند
نفع بین بینماید و شیخ جمله اجزا را برابر گرفتن فرموده اند و برای طلا هم تا یکدرم روا داشته اند
و از جمله مسهلات والدیا جیه بخور اسعه استعمال نفیست است و نیز شربت گل ارمنی خالص کثیرالنفع است
بالخاصیت و الکیفیت. طریق تحرز از وبا چنین فرموده اند که پیش از فساد هوا همین که احساس
آثار تغیر وبا دریافته شود مبادرت کنند و از بدن رطوبات فضلیه تنقیه با سهال سازند و غذا را بالتمام
تخفیف دارند و از قسم حموضات تا آنکه عفونت لعمل آرند و تقلیل یا کوله سر دارند و صبر تشنگی بکنند

کویند و از برای سعفه که آنرا کچلی کویند و از برای اقسام قروح کلیه و مثانه و مجاری که مزمن کردیده
باشد و از برای سرعت انزال و ضعف باه با عسل تناول فرمایند شربتی از یک سرخ تا دو سرخ سیماب
کل ارمنی زاج سفید و در نسخه دیگر بجای زاج اسفیداج سفید خضر سبزی که آنرا انیله تهوته کویند و حل است
و نسخه اول اشهر است نمک سنگ یکید سه تانک مجموعه را با آب صلایه کرده اقراص سازند و خشک کنند بعد
و بعد از خشک شدن در کاسه سفالی لعاب دار که ته آن تنک کرده باشند بگذارند و کاسه دیگر مثقل
آن که بجا کستر و شیشه جوز ناتل که بهندی نوره کویند اندوده باشند بر بالای آن گذارند و هر دو را
بطین حکمت مطین کرده شبانروز و زیر بین اطراف آن با پاچک دشتی چند آتش دهند بعد از آنکه
سرد شود برآورده آنچه بر طرف و اطراف آن چیده باشند برآورده در شیشه بگیرند بهین است و از برای
قوت باه شبانروز آتش دهند از قرابادین علوی خان نقل کرفته شد. روغن جهت لقوه
فالج و کزاز و عرق النساء و دوالی و نقرس و تحلیل ریاح و اشتهای طعام والتشنج نافع و قطور او جهت
کرانی سمع و صمم و سده صماخ در یک روز مو شد و فرزجه او جهت امراض رحم سفید حلبه شونیز برابر
کوفته بر آتش ملایم گذاشته بریان کنند و تسقیه از زیت همین دهند تا سه برابر آنها زیت جذب شود
پس بفشرند یا عمل دیگر روغن کشند. روغنی که از برای فالج مجرب است زرنیخ زرد و زرنیخ سرخ
که سنبل کویند هر یک یکدرم سم الفار با دو درم کبریت چهار چیه نیمدرم زهر مهره سنگ هیا نیم درم در شیره
برگ حنظلی سحق بلیغ نموده که قرص بسته شود و در سایه خشک نمایند بعد از آن با دو آثار کنجد خالص
آورده در ظرف آهنی با قرص کوبیده شاند تا نصفی روغن بماند بعد از آن بکار برند و اکر برای
سستی قضیب خواهند اول ته بین نمایند بعد از آن کف پای بچه و بر آلت ... نافع است
روغن نافع کزاز بهمد و سیه کرده خرسیه شیر سیه کفتار سیه و کوهی همه را ... قدری روغن بست
داخل کرده بمالند. روغن جو اصل معمول مجرب جهت فالج و لقوه و وجع مفاصل و جمیع امراض بارد
دماغی جو اصل یک عدد و سنبل الطیب ... سورنجان ... بوزیدان خولنجان زرانباد جوزبوا

مرو خاونتر بارو سعوطاً مغز فندق مغز پسته مغز بادام شیرین کنجد مقشر مغز چلغوزه مغز تخم کدو
شیرین مغز جوز برابر بالسویه کوبیده گرم کرده بدستور بیفشارند تا روغن جدا شود و در نسخه
عیسی عوض مغز جوز مغز بادام تلخ مرقوم است روغن هندی منقول از سکندری جهت درد
کلیتکان دلوداربه نمک چیدن گچ هر یک یکدام گل محکینه ملتهی گل نیلوفر قمری هر یکی دو درم
بهنگره سه درم آمله چهار درم روغن کنجد یک اثیم یا شیر گاو یک سیر آب دریای شیرین بقدر
حاجت ادویه جو کوب ساخته در شیر و آب و روغن بخیسانند و بعد ازان هشت پهر بآتش نرم بجوشانند و چون
آب بسوزد و روغن بماند بسر بمالند روغن دیگر که بامر الله سبحانه نافع یبوست دماغ کند در
ترطیب دماغ بی نظیر است لعاب بزرقطونا بهدانه گل خطمی سفید سرطان نهری جو مقشر آب
سیب شیرین ها همه را با روغن مغز بادام و روغن کدو شیرین و روغن بنفشه و پیه بزغاله باندازه
بجوشانند که آبها برود و روغن بماند مغز قلم گوساله بهر و شیر بز داخل کرده در هاون دسته
بمالند تا یکسان شود بانوخ و کفه ست و پاوباف بمالند روغن خل که جهت وجع سخت
باوکه از صعود ابخره حار سودی بهم رسد بعد فصد و تنقیه و تلطیفه میعد و با ادویه و اغذیه بارده
خوردن خشخاش رطب که آب حیات است در این مرطوبی نوشته روغن گل ده درم سرکه یک رطل
هر دو را بجوشانند که سرکه جذب شده روغن بماند این روغن را در شیشه کرده شیشی را در یخ بپروده
چند قطره ازین روغن صبح در گوش بچکانند روغن جهت درد گوش که از برودت بود معمول
چند بید ستر حب الغار هر واحد دانگی مرکی انکی نیم تخم شبت افسنتین هر واحد دو مثقال روغن
بادام تلخ سه مثقال تخم تره تیزکوفته افسنتین در آب بجوشانند و صاف نموده روغن بادام
تلخ داخل کرده باز بر آتش ملایم بپزند که جذب شود و اجزای دیگر سائیده داخل کرده نگهدارند
روغن لاله که صداع سرد را گرم کند و اگر بپیه لیا و یا پیه مرغ آمیزند درم را تیز نافع است
برگ لاله از نبات آن جدا کنند و در شیشه نهند و روغن زیت بران ریزند و یکماه در آفتاب دارند

اقل آن ده روز است و بعضی زنان الله دو اوقیه و نیم وزن زیت یک رطل تعیین کرده‌اند روغن مصطکی
معده و مسترخیه را قوت دهد و صلابت اورام را نافع تلیین صلابت کند صنعت مصطکی رومی ده درم
اندر هم پنجاه درم روغن زیت یا روغن گل پاکیزه انداخته در شیشه کنند و اندر دیگ پر آب با دیزان
کنند و آتش دهند تا آب دیگ بجوش آید و مصطکی بگدازد روغن زعفران که مسمی است به روغن
خلوق زعفران دو توله زیت معصوره چهار ده توله و دو ماشه زعفران نرم سائیده نصف زیت
مذکور را بر آن بریزند و در شیشه کنند و تا پنج روز متصل او را حرکت دهند بعده صاف کنند و این
روغن را جدا نگهدارند بعد از آن نصف روغن دیگر که مانده است آنرا بر این ثفل زعفران انداخته
تا سیزده روز بدین دستور حرکت دهند بعد از آن صاف نموده هر دو روغن را ممزوج نموده مرکی
هشت ماشه نرم سائیده داخل روغن مذکور ساخته در کهرل حل نمایند و طریق روغن قصب زیت
چنان است بگیرند روغن زیت چهار ده توله و دو ماشه مرکی یک ماشه قصب الذریره هشت
ماشه قردمانا چهار ده و نیم توله قصب الذریره و مرکی را نرم سائیده بشراب انگوری خمیر کرده بعد
از آن با زیت طبخ دهند و به آتش ملایم بقدری که سر نسوزد بعد از آن صاف نموده قردمانا را
نرم کوبیده در آب باران نرم کنند بعد از آن زیت مذکور را بر آن بریزند و دو شبانه روز [بگذارند]
بعد از آن بیفشارند روغن واقع در دهشت و کرم تخم حنظل مخلات سورنجان زیره [کرمانی]
فرفیون ایرسا جند بیدستر هر کدام یک مثقال جدوار دو مثقال همه کوب کرده در سه رطل آب
و یک نیم رطل روغن زیتون و اگر نباشد روغن خروع بجوشانند آنقدر که آب فانی شود و صاف نموده
نیمگرم بر پشت و کمر و عانه بمالند روغن عقرب که در چکانیدن احلیل و مالیدن [بر مثانه]
و بر داشتن سنگ مثانه سنگ را پاره پاره گرداند و میریزاند زیرا که جنطیانا سعد است
بیخ کبر سیک وقیه در یک رطل بغدادی روغن بادام تلخ کنند و در شیشه کرده یک هفته
در آفتاب بنهند عقرب زنده همان نوع که صید کرده باشند در آن اندازند و دو هفته دیگر در [آفتاب]

در آفتاب نهند بعده صاف کرده بکار برند ٭ روغن بواسیر پنجاه عدد خراطین را در روغن کنجد
بریان کنند و از روغن بیرون آورده با ده درم بادنجان بسایند و روغن را با موم قیروطی ساخته
اجزا سائیده بیامیزند و بر محل بواسیر بمالند و بجهت قطع خون با کندر از و استعمال کنند ٭ روغن
برای دفع بواسیر خونی و بادی روغن کوهان شتر روغن زرنیخ هیچ کرده آشیانه تیر اگر تازه بهم رسد
والا شیره تخم او نیز خوب است طریق روغن زرنیخ آنست که کیچوان زنده در ماوری ده خوب بنرم بکوبند
و در دیگی کرده بجوشانند مانند پر طاوس روی آب برقی پیدا خواهد شد آنها را با پر جمع نمایند
هر چند بنشیند جوشانند بهتر بر آید مقدار پوست پسته که پر شود در سه مرتبه بخورند و بمالند از بیاض
حکیم ارشد ٭ روغن که بمالیدن مقعد دفع امراض آن کنند منقول از بعضی مجربین معتمد علیهم روغن
شفتالو بواسیر در چراغ او انداخته پنج فتیله روشن کنند و در جای محفوظ از هوا نهند هر گاه بقدر
چهار دام بماند با کلها فتیله آمیخته بکار برند و در محل مرض بمالند ٭ روغن کندک منافع آن حرارت
بواسیر اندرون بیرون دو سه دفع بمالند سر آینه گوشت زیاده دور کند و عروق فاسده را دور ساخته
تخفیف دهد اگر دو سه قطره از این بر سیماب مصفی انداخته بمالند چندانکه سیماب حل شود پس آنرا
با برگ تنبول خاییده بخورند فواید بسیار دارد و بهتر از روغن سپند درست و اگر بر خارش عانه
بمالند به شود مولف شخصی را دید که در بارل کف دست و پا لیش ترقیدن گرفت و خشکی بسیار رو
علت کرد لهذا از مرور ایام کف دست و پا سفید گشت یعنی به برص گردید لیکن تولیه سیماب آبا کلیه
رو خوردنیکند که معجون سیاه ساخته است یک یک دو نخود روز دو دانه گندم یک یک با روغن خورد و سپید می
گردید سپید بود خوب شد و شفا یافت روز بر روز سیماب میافزود و بهوبیکه در ست بست و یک روز
نیم تولیه سیماب خورده شد ان بهرودهن میدهم که بروز دهم یا دوازدهم چون تشنگی او بهم رسانید
و بیخود ناله ها ورم کرد دو ششم با مطرف ضعف بر او غالب آید زیاده از دو روز دارو نخورد و بر طرف
گردید اما از این مرض صعب که بهم رسانیده بود نجات یافت ٭ صفت روغن کندک بباید روغن کندک زرد

روغن سورنجان جهت مفاصل مفید قصب الذریره پنج مثقال سورنجان مصری دو مثقال
هر دو را نیمکوب ساخته یک شبانروز در آب بجوشانند تا مهرا شود و بپالایند و آب کرفس تازه دو مثقال
روغن بید سی مثقال اضافه کرده بجوشانند تا روغن بماند روغن ذریره و برای اکثر نفعها خصوصاً
نفع بواسیر یا السیدن نفع دهد ذریره سیاه سه درم در نیم دام آب خیسانیده صباح بجوشانند و
دو نیم دام روغن کنجد با آتش ملایم بجوشانند تا روغن بماند روغن که مفاصل و عرق النسا را مفید
بود سورنجان مصری پنج مثقال نیمکوب نموده در نیم من روغن گل یا روغن کنجد با آب بجوشانند تا روغن
بماند روغن مفاصل تحلیل اکثر اورام خفیه کند خصوص از مفاصل مار سیاه یا افعی سر و دم
او را بافکنند و شکم پاک کنند و پاره پاره کرده اندر روغن شبت اندازند و در آفتاب تابستان
تا چهل روز بپرورند و بکار برند روغن تمباکو جهت درد مفاصل و امراض بلغمی تمباکو
مقرض سی و دو درم در یک رطل آب شب تر کرده صباح روغن کنجد نیم رطل در پاتیله کرده تمباکو
معه آب در آن انداخته از آتش ملایم جوش دهند تا که آب جذب شود و تمباکو سوخته شود صاف
نموده بمالند روغن نشاط در مجربات جهت تقویت انعاظ و تصلب و تلذذ و فربهی
و سختی و سفتی قضیب و هیجان شهوت و حرارت غریزی معین عطر گلاب چهار ماشه عطر ارگجه
سه ماشه عطر ناگیسر دو ماشه روغن بلسان دو ماشه روغن نرگس روغن یاسمین روغن
هر واحد دو ماشه عنبر محلول دو ماشه مشک ترکی یک ماشه شیر ... سه عدد دو ماشه زهره
خشک یک ماشه زهره گنجشک دو عدد زرده تخم مرغ یک عدد و عسل سفید دو ماشه ...
یک ماشه زهره ماکیان یک عدد فرفیون نیم ماشه محموده نیم ماشه خایه خروس یک ماشه عاقرقرحا
یک ماشه مشک تازه سه ماشه زعفران یک ماشه سعد یک ماشه خولنجان قرنفل یک ماشه روغن چینی زرد
دو ماشه در سحق و صلایه کمال مبالغه نموده در شیشه نگهدارند وقت حاجت بر حشفه و در اسافل
و بر خصیتین و حاجره و کمر بمالند عجایب مشاهده نمایند فصل دوم از باب اول در بیان

روغن کس روغن نارجیل و پیه شیر هر واحد هشت درم بیفزایند و بآتش نرم جوش دهند تا آب
برود و روغن بماند بعد از ان بیخ نرگس و بیخ عاقرقرحا و موبیزج یک یک درم بگیرند هر سه را نیکو کوب
نموده در مراره گاو یکشب تر نمایند و جوش دهند و صاف نمایند و دهن مذکور میان ریزند و جوش
دهند حتی که آب برود و روغن بماند بعد از ان بیخ نرگس و دارچینی و عاقرقرحا یک یک درم بگیرند و در
مراره مکرر کرده عمل اول بکنند بعد از ان فرفیون و قسط تلخ و عاقرقرحا از هر واحد یک یک درم فلفل و حب الغار
و پیاز نرگس خشک از هر واحد دو درم بگیرند و بدستور عمل کنند بعده باز فرفیون و عاقرقرحا دو درم
دارفلفل از هر واحد یک نیم درم تخم جرجیر شونیز درم گرفته بدستور عمل کنند و بعده جوز بوا [illegible] مشک
خالص نیم درم قند دو درم جندبیدستر هشت درم بگیرند باریک ساخته نگهدارند و موم سفید یک درم
گداخته اول هر بالا روغن مذکور بریزند و بر آتش نرم بگذارند و خوب حل نمایند که در هم شود و لیس ادویه
مسحوق بران پاشیده خوب حل نمایند که مثل قیر و طلی شود و حشفه [illegible] گرم نموده بمالند و بالای آن برگ
پان بپیچند عجیب و غریب است و بنده اینرا در اعضاء مفلوجه و تشنجیه بادیه و اوجاع مفاصل [illegible] هم
استعمال فرموده بسی فایده دیده از جمله اسرار است دیگر بجهت محلوق و عنین نفع تمام دارد زرلو در خصیه
بچسپانند تا از خون پر شود انگاه در سایه خشک کرده پیسانده [illegible] یکدام بیخ کنیر
سفید یکدام همه را کوب ساخته در [illegible] بالیده در شیشه آتشی انداخته بچکانند تا زمانی که روغن
سرخ برآید بگیرد وقتیکه [illegible] بگیرند [illegible] علی الدوام بمالند روغن
جهت قوت باه مفید است جهت فساد اعصاب که بسبب ضعف باه شده باشد [illegible] مغز
کهونچی سفید مغز حب الکوشه [illegible] هر واحد دو دام [illegible] دو دام [illegible] شیر
بز گرم انداخته لیسانند تا دو سیر شیر جذب شود لیس گولیها بسته در آفتاب گذارند تا رطوبت
برآید و خشک شود در شیشه آتشی کرده روغن بکشند مجرب است روغن جهت قوت باه بیخ کنیر
سفید بیخ کنیر سرخ هر یک پنجاه درم دارچینی کهونگچی [illegible] سفید هر یک پنجدرم [illegible] افیون [illegible]

دوازده درم موصلی سیاه لبت و پنجدرم غوک آبی یک عدد خشک کرده همه را کوفته بیخته در سفیدی
وزردی بیضه لکلک کلان سرشته در شیشه داخل کرده مثل جوکیشند لیپ کرده بالائیش پا
بندد روغن محلوق و عنین را فاید بسیار رساند غوک جنگلی یکعدد انگوزه دو دام خراطین خشک
بیربهوٹی دو دام باریک کوفته بار روغن کنجد تر کرده در شیشه کرده روغن کشند و قدریک سرخ
هر روز مالیده باشند و در هفته بار میکنند روغن عاقرقرحا که برای استرخاء آلات باه و تقویت
مثانه و عانه و کمر کامفید است عاقرقرحا یک اوقیه بگیرند و نیمکوب نمایند و در یک سطل آب بپزند تا
بقدر دو اوقیه بماند بگیرند روغن زیت خالص را بر آن اضافه نمایند و بپزند حتی که آب برود روغن ماند
بعمل آرند از این نسخه در اعضای مسترخیه بعلت فالج و لقوه نیز نافع است روغن که برای محلوق
و عنین و درازی و سطبری قضیب عجیب است شیلاجیت سر ... مازو استخوان ماهی سوخته لاک سرخ شنگرف
از هر یک یک توله خراطین هفت توله افیون دو توله عود سک زهر سیمیه دو توله همه را سائیده در سیر پیاز
نموده نگهدارند مالکنگنی دهتوره هفت هفت توله تخم تربه تخم گندنا از هر یک چهار توله قرنفل جنگلی
هفت توله مرچ جنگلی بخیولا همه را بطریق چوده روغن کشند دارو های مذکوره آمیخته استعمال
نمایند حکیم جعفر اکبر آبادی علاج محلوق از همین نسخه میکردند نفع آن بحالیه نوبت مشاهده کرده شد
روغن منقول از بیاض معقولی صاحب ... قوی مجرب بی نظیر است کهونچی سفید کجله عاقرقرحا
بیخ کنیر سفید زهر سیمیه تلیه مغز جمال گوته از هر یک دو دام اولها سوای جمال گوته و زهر همه اجزا را سفوف
کنند و هر دو اجزا را در شیر بز یک آثار پوٹلی در پارچه بسته دو سه جوش خوب بدهند و برآورند و اگر خو
خواهند پوٹلی مذکور در شیر گاو میش دو سه جوش داده برآرند و بعد از آن همه دوا را جمع نموده
کهرل کنند در شیر بز نیم آثار تا که خشک شود بعد از آن مثل حبوب ساخته خشک کنند و در شیشه
که گل حکمت نموده باشند انداخته با آتش با جگه دستی روغن بکشند مجرب است روغن که
بجهت قوت باه و شهوت و امساک از یادگار شاه اسماعیل سر باز سیاه سر غوک صحرا سر مرغ سفید باج

معه تاج هر یک یک عدد خرچنگ چهار عدد زالو تازه که خون نخورده باشد نخود عدد وشترخار شده چهار عدد
مصطکی پنج کیر سفید مهره صلی سیاه تخم دهاتوره آتش کاکای سنتی اوشتر کتاره هر یک یکدام روغن
کنجد دو سیر ماهی خنس حیوانی بیکار و بره ریزه ریزه کرده ادویه جوکوب نموده مخلوط ساخته شیشه
را بر سر شیشه دیگر وصل نموده که دود آن به در نرود و مثل چوه روغن بکشند چون سرد شود نگهدارند
بعد از سه روز بمالند و برگ پان ببندند زیاده از سه گهری نگذارند که بسیار تند است برابر بچی بوقت
حاجت بمالند اگر غلیظ شود قدری روغن گاو داخل نمایند روغن که چون بر قضیب طلا کنند سطبر و قوی
گرداند سرگین کبوتر سه ماشه و زرده مرغ دو عدد و غوک خشکی یک عدد و شپره یک عدد و زاغ سیاه یک عدد زلو پنج عدد
بیر بهوتی خراطین کل دو ماشه زعفران جو برابر هر یک یک تولچه روغن کنجد نیم آثار بایکدیگر صلایه کرده در شیشه
نموده روغن بکشند و بر قضیب طلا کنند روغن مالکنکنی را خوب نرم کوفته در دیگچه پاس کرده سر
او را بند کرده در ظرف مسی گذاشته در زیر آن آتش تا دو ساعت افروزند و بر بالای دیگچه سنگ گران نهند
که روغن جاری خواهد شد استعمال نمایند عجیب است در هر جا که خواهند بکار برند **فصل سیوم** در
نسخهای روغن که به امراض جلدیه چون خارش و قوبا و زخم و ناصور و غیره علاقه دارد روغن مسمی
تالیف حکیم علاء الدین محمد مغز حب السمنه و پسته و بنیدانه و بادام شیرین هر یک سه درم پنج
بنفشه دو درم مغز انگلک هندوانه و فندق هر یک چهار درم مغز چلغوزه چهار درم مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو هفت درم موم کافوری نیم درم ... ده درم روغن دنبه پانزده درم علی الرسم مرتب
سازند بعد از آنکه بحمام رفته باشند بگدیده ... بمالند وقتیکه هنوز حرارت حمام باقی باشد بمالند
روغن که مشیر در عرق نماید و غشی که در زمانه گرما از افراط تحلیل پیدا شود دور سازد و تقویت بدن
النوانش نظیر ندارد قطعات یه قطوات سیب گل سرخ هر یک نیم رطل در پنج رطل آب جوش داده صاف سازند
تا نصف ربع آن باقی ماند صاف کرده باز بصفاء آن گل سرخ روغن کنجد انداخته جوش دهند تا آنکه آب
خشک شود و روغن بماند لیکن بکار برند روغن که در سایر تپها و زمانیکه عرق بسیار شود و جهت حبس عرق

بکار آید برگ مورد خشک گلنار کلس بیخ معصفر آبی که تازه پاک کرده باشند در آن آب بپزند و بمقدار
آب ربع روغن داخل کنند و بمقدار بجوشانند که روغن بماند و اگر قدری مازو نیمکوفته داخل کنند خوبتر شود
روغن مقوی شعر برگ حنا برگ مورد ورق النیل وسمه سیاوشان صندل سفید سنبل الطیب بسفائج هندی
اشنه چوب چینی پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک دو مثقال
سعد کوفی حب الآس قرنفل عود هندی خام عود صلیب از هر یک یک مثقال جوز بوا بسباسه از هر یک نیم مثقال
اجزا را نیمکوفته یکشب در گلاب و آب چقندر و آب سفاناخ و آب آمله تازه از هر یک بیست مثقال بخیسانند
و اگر آمله تازه نباشد پنج مثقال آمله خشک را در آبهای مذکور بخیسانند پس بالا بیفزایند پس ادویه نیمکوفته در آن
یکشب بخیسانند و بوزن آن سه کرت آب حدادان داخل کرده بجوشانند تا آتش نرم تا بنصف برسد خوب مالیده
صاف نموده روغن کلس بیخ روغن مورد روغن زیت از هر یک بیست مثقال روغن صنوبر پانزده مثقال
روغن یاسمین ده مثقال داخل کرده در قدر بصفا عقد آب بجوشانند تا آب برود و روغن بماند بعده عنبر اشهب
لادن زفت رومی عطر صندل عطر بان عطر عود از هر یک داخل کرده در شیشه نگهدارند روغن لاله
موی را سیاه کند برگ لاله لسان خشک کرده کوفته بپزند دو اوقیه از وی با رطلی روغن کنجد تازه
بیامیزند و در شیشه کنند و اندک زاج سفید با وی بیامیزند و بیست روز در آفتاب نهند و بمالیدن مید
و نگهدارند روغن مجرب حکیم علی که در حفظ شعر از سقوط و درازی و سیاه و انبوه کردن بی نظیر است
پر سیاوشان کرده سماق زرورد گلنار مصطکی از هر یک یک جزو ماذو لادن پوست انار فوفل پوست هلیله از هر یک
دو جزو پوست هلیله کابلی مازو وسمه از هر یک سه جزو آمله منقی بیخ و برگ مورد دوازده جزو ادویه نیمکوفته
نموده یکشبانه روز در آب گذارند و با آتش نرم بپزند تا قوت دوا در آب آید و بدست خوب بمالند
و صاف کنند اما کو یک جرم ادویه همراه آب باشد پس روغن کنجد خالص پنجاه جزو و روغن گل پنجاه
جزو اضافه نموده با آتش نرم بجوشانند و برهم میزده باشند در آخر جرم ادویه سیاه شود اول جرم را
بیرون آرند و سرد کرده در ظرفی کنند و بعد از آن روغن را خشک کرده بران ریزند و همچنان نگهدارند

جدوار بنفشه سنگرف کات سفید جوز بوا مرداسنگ فتیل ال تخم تنبل بلبار زرنیخ مسحوق سوسیا هر یک
ربع سیر اسپغول نیم سیر اشق سه ربع سیر دارچینی چوب کز دیودار بیخ سهک قند چوب بلیله زرد سنقی هر شش
آبنوس هر یک یک سیر پوست درخت مغیلان که حنا فوفل جکه خانه عنکبوت چوب چینی هر یک دو سیر
دود هر چوره هر یک سه سیر زرد چوبه شش سیر آب برگ نیم تازه آب برگ پان نیم من روغن کنجد یک نیم من
پوست مغیلان اسپغول فوفل هلیله زرد بلیله آمله چوب چینی مجموعه را صلایه کرده با چهار من آب صاف
پخته تا یک من آب بماند صاف نموده نگهدارند و کات و رال در آخر بیندازند تا یک کف کنند و از سر کار
رو ملاحظه باید نمود و لیکن احتیاط در ریختن شود که باطل خواهد شد دیگر فتیل الاجزا که صاحب تحفه
تجربه نموده گفته که در التیام زخمهای تازه بهتر از نسخه اول است بیخ سهک دیودار هر یک جوبه پوست درخت
مغیلان سه چوبه بالسویه چهار صد مثقال کوفته با روغن چراغ که از پنبه دانه و تخم کتان میگیرند سه صد
مثقال با آتش نرم بجوشانند بعد یک کف بکنند تا آب بسوزد پس صاف نموده استعمال نمایند روغن دیودار
نسخه حکیم علی در معالجات جراحات بمنزله خرق عادت است خصوص در جراحت تازه اگر بسوختن
زخم ریختن از سر دستی باین روغن بستن اثر نمیکند دار چرک و صدید و تغیر لون زود مندمل گردد
اگر درزی دو بار پنبه بدین تر کرده بر نهند گوشت بر آید زرد چوبه دیودار اصل السوس هر یک یکی کوفته
سوخته با یک وقیه دو ده سقف که در آن نخود بریان میکنند آمیخته با آب کهرل کنند تا مضمحل شود پس در
دیگ با سه رطل و ثلث رطل آب صاف که سیصد و ده مثقال باشد با آتش ملایم بجوشانند تا ثلث آب
بماند ثفل را بکف بر دارند و دیگ را فقط بر آتش باشند و ثفل را در پارچه بسته و بعد دیگ
بیفشارند و هر گاه مائیت باقی نماند دو کف روغن کنجد بیست وقیه که دو صد مثقال میشود در
کرده با آتش ملایم تر از آتش اول بجوشانند که آب تمام جذب شود نگهدارند قوت این روغن دیگ
سال باقی میماند و جهت درد مفاصل و درد پای مزمن اگر پانزده مثقال موم و پنج مثقال
اضافه نمایند بهتر باشد و برای تعفن قروح جدری قدری کافور در روغن حل کرده استعمال

بهتر باشد روغن که جمیع اقسام جراحتها و زخمها را باصلاح آرد و گوشت فاسد را دور
نماید و گوشت تازه برویاند صفت اصل السوس مقشر تربد دیودار دارهلد زرد هر یک دو دو
سقف هر یک چهار درم برگ حنا تازه برگ نیم تازه هر یک هشتاد درم ادویه را در پنج اثار
آب تر کنند و برگها را قرص بسته در دو رطل روغن کنجد بریان نمایند و ادویها را نیز در
روغن انداخته بریان کرده بآتش ملایم بجوشانند تا آب همه خشک شده روغن بماند
صاف کرده بکار برند روغن ناصور که مزمن آنرا فی الفور دور سازد خاکستر سیم کاو
باده خاکستر چرم که در زیر کفش کهنه باشد و آنرا بهندی تلوه گویند سوخته هر دو خاکستر
مساوی هر قدر که باشد و یک عدد کلیسک بهندی چهیکلی گویند و آن جانوریست
از قبیل گرگٹ این همه را در روغن سرشف یعنی سرسون سوزند چندانکه چهیکلی تمام
سوخته شود و پس بچوبی همه آنرا بسایند تا یکسان شود و پس چند قطره در ناصور چکانند
هر جا که باشد و این نسخه بهتر از روغن دیودار و روغن شیخ صنعان در سرعت بیشتر
و کثرت منافع محسوس شده مجربست روغنی که زخم قعر دار یعنی زخم اسپ را شتر دفع
کند بلادر هفت دانه را در نیم پاو روغن کنجد بریان کنند که بسوزد و بلادر را دور کرده
دو درم سنگ جراحت بسایند ممزوج کرده نگهدارند و قدر حاجت با پر مرغ
قدری بچسپانند در دو سه روز نیکو شود روغن جهت چهاجن که در دست و
پا بهم رسد تنکار چهکنی دو توله سفید و چهار توله بنگ علی هشت توله روغن کنجد نیم سیر
نخستین روغن را بجوش آرند چون کف بنشیند سفید در اندازند و بعد از یک ساعت
دیگر بنگ انداخته فرو دارند و نگهدارند و بوقت خواب که دست و پا نرسد هر جا که
باشد باین روغن چرب نمایند و بر آتش کف مریض را گرم سازند تا دو سه گهری بگیر
آتش مهیا کرده باشند روغن برای جمیع خارش مفلس سفید و ریح صفقر

در مجری بول چکانند زورق مجرب برای استرسال بول و استفراغ مثانه که بموجب تقطیر و حرقت
بول را آزموده باشند سوسیای کافی فتیل روغن زنبق اگر نباشد روغن گل هم کفایت میکند
سوسیای را در روغن انداخته در احلیل چکانند و مرهم این بر مثانه و حوالی قضیب و خصیه نیز نافع
است زورق که حرقه بول از منی سیلان و حرکت مثانه را مفید لی بدل است شب یمانی
نوتیای هندی هر دو را برابر سحق کرده در ستلی آب حل کرده چهار ساعت مخصوص نمایند روزی
دو سه بار بعضی برقه سر دهند که بمثانه رسد و قتیکه آب خواهد بر آمد بالای آن لالایش خارج خواهد
شد و بامر الله بالکل این مرض زایل خواهد شد زورق که سوزش بول را مفید است لعاب
بزر قطونا لعاب بهدانه صمغ عربی اسفیداج مغسول بیضه شیر دختر با هم ممزوج نموده استعمال نمایند
زورق که در احلیل چکانیدن حرقه و سوزش بول را نافع است سفیداب کندر انزروت
نشاسته صمغ عربی دم الاخوین مساوی کوفته بیخته شیاف سازند زورقی که بجهت قرحه
سوزاک قدیم و جدید از جمله معمولات مجربه بنده مخلص است و بکرات بتجدید بتجربه رسیده
شیاف بعضی ساده یا افیونی بروغن یا بیوا ریتکرار بعضی برقه سر دهند زورقی که بجهت
سوزاک مجرب کتیرا سنگ جراحت افیون کیره و پهتکری رسوت مرکوت اسپغول را در آب
حل کرده در پارچه کنده بینند و در لعاب اسپغول انداخته دوا ها کوفته بیخته مخلوط نموده بکار
نمایند رسوت را همراه از پارچه گذرانده باب حل کرده باشند صاف نموده داخل کنند که سوزش نکند
زورقی که بجهت سوزش بول و قرحه مثانه معمول کرده ام صمغ عربی کتیرا نشاسته قلعی
نقره هر یکی دو ماشه سفیداب [illegible] تخم خیارین هر یک دو ماشه شیر خشت [illegible] با ریاسه
شیاف [illegible] بسته نگهدارند وقت حاجت بشیر دختر سائیده بچکانند زورقی که برای زخم
مثانه تازه را زود بامر الله اصلاح کند شیاف باسلیقا سوسیائی قسم اول چیزی از [illegible]
یا سرخ [illegible] سائیده در روغن بنفشه یا بادام [illegible] کرده همین قدر بشیر دختر یا [illegible]

کشنیز رقه سرد دهند که بر زخم بر بندد مجرب است زرورقی که جهت سوزاک قدیم و جدید مجرب است
تر پهلیله سه درم بادیان طباشیر تخم کشنیز خشخاش یک درم نیلوفر بیخ بنفشه یک یک درم بالا سر دارچینی
چهار ماشه سفیدآب قلعی چهار ماشه همه را جو کوب نموده شب در آب تر کنند صبح صاف
نموده در سه بار سرد دهند ادویه که نیلوفر بنفشه را سوخته ساییده و باریک نموده در آب
مخلوط نمایند بعد از آن ادویه دیگر اندازند زرورقی که جهت سوزاک قدیم و جدید
و جریان ریم نافع و عجیب است و تجربه عدیل نفعش مشاهده شده کمات هندی سه جزو
توتیای هندی یک جزو دهن دو را سحق بلیغ نمایند که باریک شود در آب حنا یا در آب حبول مخلوط
ساخته بخیسانند که اثرش در شراب سرایت کند بعد از آن کشنیز رقه دو سه قدر سرد دهند
انقدر که بر درسه درم حاجت نیفتد زرورقی برای التیام قرحه و مثانه و مجاری بول
منقول از بیاض علویخان صاحب طین مختوم طین قیمولیا شاخ گوزن سوخته از هر یک یک
شادنج شب یمانی از هر یک سه جزو افیون خالص سریشم ماهی ماشه سفیدآب قلعی سه ماشه
انزروت سفید تخم یا ماشه مرصاف کنند از هر یک دو ماشه یک ماشه اجزا از هم حل کرده
در شیر خر لعاب اسپغول یا بلبیلی دیگر حل کرده کشنیز رقه سرد داده میشود رکابی در این قرص
زر اوند مدحرج یک ماشه اضافه نموده می آید و بنده آن نسخه در این نسخه مومیایی کانی
اصیل اقبه یک ماشه اینجه که استعمال نموده عجایبات نوشته در اصلاح قروح خبیثه مساعده
دیده و خلقی از آن شکر گردیده زرورقی مجرب جهت سوزاک قدیم و جدید شب یا
سفید بریان سه ماشه نیله توتیا بریان کبر و کوفته و بیخته دو نوع حب سازند یک پوری
در نیم سیر آب انداخته میان سب بخیسانند شب در شبنم گذارند و صباح یک یکبار بنه
دیگر سنگ کرده و مثانه که در اصل بند شده باشند برار ره روغن عقرب روغن تر بید
هر یک ده درم روغن عقرب سه درم حب البلسان مغز تخم کدو و خربزه حب کاکنج هر یک

پنج درم قسط دو درم تربد جبسلتانره پانزده درم پرسیاوشان دو درم بکوبند و شانند و
صاف نموده با روغن بادام جوش دهند تا روغن بماند حجر الیهود و در آن بیاشنده در احلیل چکانند
ز ورق جهت حبس بول احصات که بسبب بر احصة حصاة شده باشد فی الفور نفع میکند
سیاه برا و بر هر رقه با حلیج پیوسته کنند عنکبوت سیاه در میان پانزده روز سنگ را
با سوخته بول جاری میشود مجرب و عجیب **باب دوم** در زرعونی که نچست کرده را
محکم کند و رگ مثانه بیرون آرد روشنی بفزاید نسخه بگیرند جواهر قنفذ دار فلفل زنجبیل
قرفه دارچینی قرنفل خولنجان هر یک یک جزو توردی سرخ و سفید بهمن سرخ و سفید لسان
العصافیر قسط حلو سعد لوز بدان هر یک سه جزو کوفته بیخته بعسل مصفی بیامیزند حرف
السین المهمله مشتمل بر چهار باب باب اول در سکنجبینات بزوری و ریوندی و افتیمونی
و غیر ذلک باب دوم در سفوفات حاره و بارده باب سیوم در سعوطات باب چهارم
در سفوفات مشتمل بر پنج فصل فصل اول در سفوفات مقویه اعضاء شریفه فصل دویم
در سفوفات مستعمله هر نوع مرض فصل سیوم در سفوفات قابضات اقسام مختلفه در حبس
و اسهال مالبه نزف خون با نوسیل و سعال فصل چهارم در سفوفات که بامراض کرده
و مثانه و غیره اعضا تناسل مناسبت دارد فصل پنجم در سفوفات امراض جلدیه خون
[illegible] جذام و حرب و بهق و برص **باب اول** در سکنجبینات **سکنجبین بزوری** معتدل
تنهایی [illegible] سده جگر و سپرز نافع و ادرار بول میکند تخم کاسنی تخم رازیانه تخم
کرفس [illegible] یک یک سه درم تخم خیارین تخم خربزه هر یک پنجدرم پوست بیخ کاسنی پوست بیخ
رازیانه هر یک هفت درم همه را [illegible] کرده در سرکه هشت درم در آب سه رطل یک شبانه
روز تر کنند بعد بجوشانند تا [illegible] بپالایند و صاف نموده با یک من قند سفید بقوام آرند سکنجبین
ریوندی مفتح سده های کبد و مسهل حرارت معده و قند نافع است از برای کرب معده و [illegible]

هیراکسیس کهته پاپڑیا هر یک یکدام در آب لیموی خوب کهرل نمایند پارچه تر کرده خشک
سازند و عند الحاجت قدری از آن پارچه بر دندان مالیده بالای آن برگ پان بخایند
فی الفور رنگ آرد و اگر بطور سنون بمالند کار کند سنون یار و جهت امراض
حاده معمول و مجرب جهت روییدن گوشت لثه و تعفن آن و حرکت دندان تحریر شده
طباشیر سه درم گل سرخ سه درم صاف چینی کاکنج گزمازج مامیران از هر یک یکدرم
مروارید گل ارمنی برشته دم الاخوین از هر یک دو درم مرجان سوخته صندل
سرخ هر یک یکدرم سنونی که دندانها را سخت کند و بوی دهان را خوش کرداند
قصبای سوخته زبد البحر گزمازج نمک سوخته یک مثقال سنگ سفال چینی کلنار عاقرقرحا
سازج هندی حنا ماسد عود سوخته گل سرخ سماق مساوی الوزن گرفته بسازند سنون
که قطع خون کند سک گزمازج هر یک سه درم عصاره لحیة التیس گل مختوم اهلیلج هر یک
یکدام دارچینی نیم درم دیگر سیلان خون از لثه دندان باز دارد کات هندی فوفل
کلنار گل سرخ دم الاخوین سماق مساوی کوفته بیخته بپاشند و صباح با آب
و گلاب مضمضه نمایند دیگر که جهت دفع درد دندان و استحکام اصول و دفع اکثر
امراض همیشه معمول است توتیا سبز یعنی نیله تهوتهه بریان تخم گشنیز بریان
زیره سفید زنجبیل قسط شیرین فلفل کات هندی نمک هندی نمک سیاه یعنی کالا نمک
سونچر زراج زرد یعنی کسیس مصطگی رومی همه را برابر گرفته سنون بسازند دیگر که بوی
دهان خوش کند و دندان را سفید گرداند زبد البحر نمک بریان هر یک دو درم زراوند طویل
سک حبالاس هر یک سه درم عود سوخته سفال چینی گزمازج کلنار عاقرقرحا فلفل
سازج هندی گل سرخ سعد سماق هر یک نیم درم کوفته بیخته بر دندان بمالند دیگر که
نافع است جهت تغیر دندان که زردی بر آن نشسته باشد زبد البحر نمک مرما و صدف سوخته

بجرق رما دبیج نی بلخ اندرانی زراوند مدحرج برابر دیگر که زردی و سیاهی دندان
بزداید گزمازج زبدالبحر دارفلفل قاقله هر یک دو درم جو سوخته هفت درم نمک سنگی یا لشا
ده درم سنون نیکو بسیار مفید است و بجای مسی استعمال آرند نمک سانبهر هیرا کسیس
کل دهاوه سپاری چهالیه سوخته نیله تهوتهه بریان که در ظرف گلی بریان کرده باشند
پهتکری مجیٹهه سنگ جراحت ماجهل بریان یک یک سیاه شود همه را سوده مسی نموده
استعمال آرند دیگر مجرب است جهت درد دندان جریان خون و استحکام اصول اکثر
امراض دندان نیله تهوتهه سوخته پهتکری سوخته نمک لاهوری کهته پاپڑیا بازو سوخته
دانه الاچی کلان همه را سوده مسی کوفته بیخته استعمال نمایند اگر دندان متحرک باشند هیرا
کسیس هم بیفزایند دیگر که دندان را استحکم و خون آمدن را منع کند مصطکی کهته
سنگ جراحت دانه هیل مسی دو دو ماشه سائیده بمالند دیگر که گوشت بن دندان را
محکم گرداند و درد دندان را دور سازد مرجان سوخته نیم توله طباشیر سفید کاٹ هندی
کشنیز خشک استخوان شتر هندی فوفل سماق از هر یک یک توله کهیر یا نیم توله کوفته بیخته
بمالند دیگر که درد دندان دور کند و گوشت زاید لثه بر باید و اصول آن محکم کند
نیله تهوتهه کهته هر یک یکدام نمک لاهوری دو درم زیره سفید بریان یکدرم گشنیز
خشک نیم قشر پسته دو درم زنجبیل نیم درم فرنج نیم درم مصطکی کسیس سوخته
کباب چینی بجر دهتی هر یک نیم درم جمله ادویه را کوفته بیخته باریک بسایند مصطکی
کاٹ سفید کسیس را علاحده علاحده بسایند نیله تهوتهه را بر آتش بریان نمایند
بعد از آن جمله را یکجا کرده استعمال نمایند و تا چهار گهڑی از آب احتراز کنند بی‌نظیر
است باب سیوم در سعوطات سعوط مجرب در وسر و شقیقه مفید مشک خطائی
خالص نیم ماشه با روغن پسته حل کرده چند قطره در بینی چکانند سعوط دیگر جهت درد

دهن و سیاهی چند بید بستر مشک قرنفل بالسویه کوفته بیخته بقدر یک حبه با روغن زیت
یا روغن زنبق یا مثل آن تسعیط نمایند سعوط قوی تر جهت بواسیر شب یا کافی مس سوخته
توبال کلقند قلقطار بیخ سوسن سفید زراج سیاه نطرون یا جز اساوی کوفته بیخته با آب
ترب یا شیره انگوری مثل آن تسعیط نمایند و اگر فتیله با آب یا آب ترب یا سرکه انگوری
یا آب لیمو بخیسانند تر کنند و این داروها بدان بکشند و در بینی نهند هم مفید است باب

چهارم در سفوفات مشتمل بر پنج فصل فصل اول در سفوفات مقوی اعضای رئیسه

و شفا نفقه سفوف عنبر معمول مجرب اکثر امراض بارده دل و غشی و خفقان بارد بی بدل
است و فی الفور تقویت عجیب می کنند عنبر اشهب مشک عطر گلاب هر یک یک ماشه قرنفه
ساذج هندی عود غرقی دانه هیل خورد مصطکی اسارون پوست هلیله کابلی تر تفل ابریشم
انار دانه جوز بوا قاقله کبار هر یک یک ماشه و نیم نبات هشت درم عالم گیری همه را
جدا جدا کوفته بیخته یکجا کرده عطر مالیده نگهدارند وقت حاجت دو سه ماشه بدهند
سفوف لولو نافع برای ضعف قلب و خفقان سوداوی و مالیخولیا مروارید ناسفته
کهربا شمعی ابریشم مقرض بجار نیمی مشوی هر یک یک درم و نیم پوست هلیله کابلی هلیله
سیاه آمله مقشر پوست هلیله تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه لسان الثور اسطوخودوس افتیمون
اغر... گل ارمنی عود هندی سعد کوفی تر تفل کشنیز خشک هر یک یک درم تخم خرفه مقشر
تخم کدو شیرین هر یک چهار درم کوفته بیخته سفوف سازند شربتی یک مثقال با عرق
بادرنجبویه و شربت سیب شیرین دیگر گاوزبان دانه هیل هر یک سه جزو آمله
مربی نیم جزو دارچینی کشنیز خشک مقشر هر یک یک جزو کوفته بیخته با شکر تری وزن جمله
ادویه آمیخته بکار برند دیگر جهت خفقان حار تخم کاسنی تخم کاهو مقشر تخم خرفه
طباشیر صندل سفید گل سرخ کشنیز خشک گاوزبان ابریشم کهربا مروارید ناسفته

ومنی افزاید تخم شلغم تخم رطبه تخم ترب کنند تا تخم پیازه آرد جو تخم رازیانه تخم
جرجیر جمله برابر و در بعضی نسخه بجای آرد جو آرد نخود است کوفته بیخته صبح وشام
باشیر بخورند بعد ازان نخود در شیر تر کرده بخورند و شیر بنوشند سفوف مقوی باه
بیخ خراسانی بهمن سفید دکهنی ستاور بیخ بند تال مکهانه گوکهرو اسگند ناگوری
سپستان پوده سینبهل گوند ڈهاک گوند حکن سنبل سملی موجرس تخم اتنگن
تخم کونچ موصلی سیاه گوند ناگوری سروالی حسن یوسف سمند سوکهه کوفته
بیخته سفوف سازند سفوف که صاحب تحفه مجربات بسیار نوشته و گفته که جهت درد
پشت و درور بول و منی و تقویت اعضای تناسلیه و سستی آلات بول و تناسل مجرب
است و ترجمه اش منقول ص فوفل هفت مثقال و نیم را صلایه کرده در سفال
پاک اندک پوده نه و دارچینی هفت مثقال و نیم بسفور کوفته و بیخته اضافه نماید
و بر روی آتش نرم گذاشته با چهار بیضه زرده تخم مرغ بقدری که معجون شود
آمیخته مغز پسته دو مثقال و نیم نبات سفید دو مثقال و نیم را کوفته بدان سا
کرده مجموعه آن را دریک روز تناول نماید سفوف که جهت خفقان و تفتیح مراقی و
طرد ریاح و بهم ساییدن استخوانها و دفع پشت خشکم مجرب است ورق طلا ورق نقره عنبر
اشهب هر یک یک مثقال و هشت جو مروارید ناسفته تیغ سبز زاهر مهره صندل
سفید ابریشم مقرض طباشیر سفید پوست بیرون پسته دانه هیل کشنیز خشک بادیان
بادیان بیان آمله منقی هر سیاه در روغن گاو برشته زرشک منقی سماق منقی
انار دانه دارچینی مصطکی یکدیگر یکیم مثقال سفوف سازند دو و نیم ماشه بخورانند
سفوف که منع غثیان و قی صفراوی کند عود غرقی یکدرم پوست بیرون پسته بوده
خشک دو درم گل سرخ طباشیر سفید نیم درم زرشک بیدانه سماق منقی انار دانه ترش

دو درم تا با آب سرد سفوف جهت مفاصل و نقرس و عرق النسا نافع زعفران نیم درم
سقمونیا یک درم پوست هلیله زرد و مغز بادام مقشر از هر یک سه درم سنا مکی هفت
درم سورنجان مصری ده درم قند سفید سی درم و اگر ماده بلغمی باشد شربت سفوف
پنج مثقال اضافه نمایند و سقمونیا نیم درم کنند شربتی پنج مثقال با آب سرد سفوف
جهت عرق النسا از مجربات قدما زعفران نیم درم شیطرج دو درم سورنجان
پنج درم سنا مکی شش درم شربتی سه درم با سه درم شکر سفوف نقرس سیما
جهت نقرس و مفاصل نادر مجرب با تخم خرزه اهلی [illegible] یک سداب تخم کرفس رازیانه دو
از هر یک دو جزو فوه بادام تلخ سنبل قسط شیرین زراوند مدحرج از هر یک یک جزو
شربتی یک درم در ابتدای زمستان یا وسط بهار [illegible] از یک هفته سفوف که در بیماری
نقرس سودمند عظیم است زعفران نیم درم تخم رازیانه مغز بادام مقشر از هر یک سه
درم سورنجان پنج درم سنا مکی ده درم نبات سفید مثل همه شربت یک مثقال
سفوفی که در یرقان اسود و تپ [illegible] یا مار الحیات که از نگبین ساخته باشند
بکار آید سنا مکی هندی یک درم [illegible] افتیمون یک درم هلیله کابلی
دو درم هلیله زرد [illegible] یک شربت [illegible] کم و زیاده بر رای طبیب است
سفوف مشتهیه جهت [illegible] پوست هلیله زرد و صندل
سرخ سنا مکی از هر یک یک تولیه کوفته بیخته سفوف سازند [illegible]
تا آب نیم گرم بخورند سفوف که در جمیع اقسام و انواع استسقا جهت اخراج
مائیت مجرب است ریوند خطائی تربد سفید از هر یک شش ماشه پوست هلیله زرد
سه ماشه غاریقون دو ماشه زنجبیل دو ماشه شکر سفید برابر آمیخته سفوف
سازند و شربت [illegible] ماشه تا شش ماشه بخورند سفوف استسقا [illegible] تا اسهال نافع

نفع کند و معمول و مجرب باخراج اخلاط ثلاثه کند و دفع درد شکم و قولنج نماید و کرم بکشد سنا
مکی زنجبیل پوست هلیله زرد نمک سیاه مساوی کوفته بیخته از سه ماشه تا یک توله
با آب گرم و به اطفال موافق سن ایشان بدهند سفوف سورنجان بارد و دیگر نافع
است و درد مفاصل حار لیکن فصد و تنقیه بکار آید مجرب است سورنجان سهمی
لبوب زیدان پوست هلیله زرد تخم هندبا پاک مقشر بادام مغز تخم خیار بالنگ مقشر تخم کشنیز
مقشر تخم خشخاش کوفته بیخته شکر تری سفید مثل همه آمیخته سفوف سازند هر روز
شش ماشه با عرق خار سیده توله بخورند فصل سیوم در سفوفات قابضه
اقسام خلفه و زحیر و اسهال و حابسه نزف خون و قالو بسیل سعال سفوف هلیله
و الجی شکم ببندد و در وجع معده را نافع بود و در زحیر بعد از تنقیه سود مند باشد
هلیله سیاه در روغن زرد بریان پیسته صمغ عربی بریان زیره سیاه بریان مر
انیسون هر یکی یک جزو اسپغول بریان حب الرشاد هر یک دو جزو کوفته بیخته
اسپغول و حب الرشاد را درست آمیخته نگهدارند هر روز چهار درم بخورند سفوف
ریحان تیج در زحیر و اسهال سود مند است تخم ریحان صمغ عربی را هر
سه برابر بریان کرده بکوبند و با هر چه بیز کرده از دو درم تا سه درم بخورند سفوف
سه تخم زحیر و در اسهال صفراوی مفید و مجرب است معمول تخم کنوچه مرز قطونا
تخم بارتنگ صمغ عربی همه مساوی بریان نمایند و صمغ را سوده با تخمهای دیگر
بیامیزند و هر روز سه درم با روغن بادام چرب نموده با آب سرد بخورند سفوف
نشاسته جهت اسهال صفراوی و بجهت خون با سور طلمت منکور و پیشینه معمول راوند
خطائی یک درم لسبد کهربا و ربع سوخته هر یک دو درم دم الاخوین نشاسته صمغ عدس مقشر
عصاره لحیة التیس صمغ عربی بریان هر یک سه درم همه را کوفته بیخته و تخم بارتنگ

بریان سنجد ادام آمیخته لعجل آرند و قدر خوراک از یکدرم تا دو درم دیگر در باب
اسهال قوی بیشتر دم الاخوین صمغ عربی اقاقیا طباشیر گلنار لسان الحمل کهربا تخم حماض
هریک جزوی کوفته بیخته شادنج عدسی مقشر جزو همه را با تخم مرو و تخم بارتنگ
و تخم اسپرزه و تخم ریحان هریک جزوی درست آمیخته سفوف سازند سفوف
مقلیا تا بعضی در زحیر و اسهال کثیر کنند ضعف معده و امعا پیر را نافع است و مجرب
تخم تره تیزک بیست درم زیره کرمانی مربی پنج مثقال بریان کنند تا هلیله سیاه در روغن
بریان کرده هریک ده مثقال مجموع را بغیر از تخم تره تیزک کوفته بیخته سفوف
شربتی دو درم با آب سرد سفوف نشا جهت اسهال مراری معمول و مجرب است نشاسته
صمغ عربی تخم کشوث بریان تخم خرفه هریک نخود ماشه گل ارمنی هفت ماشه اسبغول
بریان دوازده ماشه تخم ریحان بریان تخم بارتنگ بریان هریک پانزده ماشه
بدستور سفوف سازند و بدهند یا با ادام حب ساخته بدهند سفوف سودمندی جهت
زحیر مجرب است تخم تره تیزک بریان اسبغول بریان هریک دو درم زیره کرمانی
تخم کنند تا تخم شبت تخم ختمی انیسون تخم کرفس بزرالبنج هریک دو درم و نیم
افیون سه درم و دانگی کوفته بیخته سفوف سازند بجوانان دو ماشه بلکه کمتر
دهند سفوف جهت زحیر از طب ائمه علیهم السلام منقول بزرقطونا بریان گل ارمنی
بریان صمغ عربی بریان سفوف سازند سفوف صمغ عربی جهت اسهال مراری و دموی
و مغص هم بهترین ادویه است صمغ عربی را هر روز سه مثقال سائیده بخورند تا سه روز
یا زیاده و اگر با اسهال سحج باشد اسفیداج کوکنار کرمثل غبار سائیده
باشد از یک مثقال تا دو مثقال از مجربات است و اگر با صمغ ممزوج نمایند
بدستور سفوف طباشیر در اسهال اطفال مجرب است و غیر اطفال را نیز نافع طباشیر

طباشیر انار دانه بسیار نرم بوداده صلایه کرده صمغ عربی کثیرا مصطکی
تخم مورد گل سرخ گل ارمنی بالسویه سفوف سازند با طفال نیم مثقال
صباح و نیم مثقال شب با شربت سیب ترش بدهند سفوف طین آنرا
سفوف نشاستهٔ نیز گویند اسهال صفراوی و دموی را نافع است اسپغول تخم
تخم ریحان تخم حماض بریان گل ارمنی صمغ عربی طباشیر هریکی
جزو بگیرند و غیر از سه تخم دراول دیگر اجزا نرم بکوبند و مجموع یکجا کرده
سه درم از ان بروغن گل یا بادام چرب کرده بگلاب تر کرده بخورند
اگر خواهند زرد حلب کتیرا ربع درم یا سمن درم حسب مزاج
در شربت اندازند سفوف قسب جهت اسهال فایده عظیم دارد.
صمغ عربی بریان یکدانگ مصطکی رومی انار دانه بریان کشنیز خشک
بریان از هریک چهار دانگ ورق قسب بریان زنجبیل نیم برشته دار
فلفل از هریک نیم مثقال پوست خشخاش بوداده یک مثقال یکجا کوفته و بیخته هر روز یکدرم با آب سرد بخورند سفوف گل جهت سرایت
خون بواسیر از صیرفه بغایت نافع و مجرب است مصطکی تخم خشخاش
هریک یک مثقال طباشیر کلو تخم ماکل درخت شاخی هریک دو مثقال گل
صمغ عربی بریان سماق بیدانه هریک سه مثقال گل ارمنی انار دانه بریان
دانه انگور سرکه پرورده بریان هریک نیم مثقال سفوف سازند شربتی
دو مثقال با ربوب مناسب سفوف خون بواسیر باز دارد و تخم کنند یا ناگوار
هریک دو درم تخم گشنیز خشک چهار درم رسیم آهن با سرکه نیم درم کوفته بیخته
شربتی یکدرم با آب سرد سفوفیکه جهت خون بواسیر مجرب و مفید

الفصل سفوف جوز محرق زرد و تخم مرغ سوخته هر یک جزوی کندر لبو داده سه
جزو کوفته بیخته دو مثقال با شربت سیب یا ریباس سفوف فستیا جهت
اسهال صفراوی شربت است هلیله سیاه بروغن گاو بریشته یکباشه کوفته بیخته شکر
تری سه باشه گلنار بریشته هر سه جزو باهم آمیخته با آب سرد بخورند این یک
شربت است کامل سفوف قابض الطبع لسیف حکیم گیلانی تخم خرفه بریان طباشیر
گل قبرسی گلنار تخم حماض هر یک چهار درم ورق گل سرخ نشاسته درم
الاخوین حب الآس بنیاد نج مغسول هر یک دو درم کندر افیون مصری یک
یکدرم کوفته بیخته نگهدارند شربتی از نیم باشه تا یکباشه با سفوف [illegible]
استعمال نمایند سفوف حابس البطن جهت اسهال کبدی از مجربات حکیم کمال الدین
شیرازی تخم حماض صمغ عربی نشاسته زرشک هر یک ثلث واده لک مغسول
الصبا [illegible] صندل سفید هر یک سه درم زعفران یکدرم کوفته بیخته با شیر
تخم کاسنی بسرشته که در کلا [illegible] بیشتر برآورده باشند غذا زرشک با [illegible]
سفوف لولو مروارید چهار باشه [illegible] سه باشه سوخته کهربا دو باشه صلایه
کرده گلنار فارسی طباشیر سفید خرنوب شامی گل قبرسی گل ارمنی تخم مورد
پوست کنار [illegible] کشنیز خشک بریشته هر یک سه باشه اقاقیا دو باشه گل مختوم
سه مصطکی رومی هر یک یکباشه انار دانه بریشته [illegible] باشه با زرشک بریشته بزر
قطونا بریشته سه باشه سوای بزر قطونا و زرشک اجزا کوفته بیخته با [illegible]
ممزوج کرده نگهدارند دو درم با بزر قطونا و بدرقه مناسب بیاشامند
سفوف لولو که [illegible] گیلان جهت اسهال دموی بود [illegible] ساخته بود
جهت حرارت کبد دموی [illegible] خفقان و [illegible] مراق [illegible]

واده مروارید ناسفته یشب سبز بسد خطائی هر یک یکمثقال ورق طلا
عنبر اشهب هر یک یکدانگ و نیم ورق نقره یکمثقال و یکدانگ و نیم صندل سفید
ابریشم مقرض کهربا شمعی سفید پوست بیرون پسته دانه هیل بریان کشنیز خشک
بریان بادیان بریان آمله منقی هلیله سیاه در روغن گاو بریان کرده
هر یک یکمثقال و نیم زرشک منقی سماق انار دانه دارچینی هر یک یکمثقال
مصطکی رومی یکمثقال کوفته بیخته سفوف سازند سفوف که علویخان جهت
شاهزاده بلنداختر تالیف نموده بود مروارید ناسفته کهربا شمعی
طباشیر سفید پوست هلیله زرد ابریشم مقرض صندل سفید تخم خرفه کشنیز
از هر یک یک توله ورق طلا بیست عدد ورق نقره یک توله بدستور سفوف مرتب
سازند سفوف که اسهال دموی و بلغمی را نافع است و ضعف معده حادث که
آنرا دافع است زیره سفید بریان کشنیز خشک بریان سونف بیلگری
هر یک یکدرم کوفته بیخته سفوف سازند شش ماشه صبح و شش ماشه شام
تناول نمایند سفوف بادیان که حبس اسهال بلغمی کند و تقویت معده و طرد
ریاح نماید همیشه مجرب و معمول است بادیان را در روغن گاو بریان کرده تا
سرخ شود و پس صاف کرده بکوبند و با همچند شکر تری آمیخته هفت ماشه
با آب سرد بخورند سفوف بزر در جهت زحیر بزرقطونا تخم سرد تخم ریحان هر سه را
بریان نمایند و درست دارند و تخم تره تیزک و تخم کتان هر دو بریان نموده
و نیم کوفته گل ارمنی صمغ عربی بریان نشاسته بریان گلنار که با همه کوفته
بیخته همه را برابر گرفته با بزر و غیره ساخته نگهدارند و از یکماشه تا دو درم
حسب حاجت بکار برند سفوف که نافع در زحیر مدمی نفع مشهور شده

هلیله با دنبان همه دورا در روغن بادام یا روغن گاو بریان نموده بکوبند و
شکر طبرزد ممزوج ساخته سفوف نمایند و برای همه دندان زنجبیل بریان عوض
شکر و طباشیر داخل نموده میشود و بعض اوقات هلیله را به بیل گری بدل
نموده میشود و شکر را کفچه مقدار کرده میشود خوراک دو درم سفوفی که با اطفال
بلغمی نافع است و مجربات تا نخواره کنند گلنار هریک جزوی دانه سونف مقشر دو
جزو کوفته بیخته با سه مثل مسک استعمال نمایند سفوف که اسهال الاطفال را
که در وقت برآمدن دندان عارض میشود نافع و حابس است خشخاش حب
الاس کندر سعد از هر کدام نیم درم کوفته بیخته با شیر مرضعه بدهند سفوفی که
که در دور شیر خوردنی را قطع و حبس کند اسهال سداب خشک هر یک نیم درم
تخم بادروج حب القعد هر یک ده درم شکر بیخته سه درم سفوف جهت صبر
فدران بواسیر مجرب است رسوت نکر گوفی یکدام انگشت دلودار رکلی کهنه
نیم دام همه دورا با روغن بادام چرب نموده دو سه ماشه با آب وقت ناهار
بخورند قدری پوست فیل را سوخته خوب سائیده نگهدارند در بعد فراغت
غایت بمقعد بمالند و از قدری پوست ماسوخته خوب نگهدارند و دوا دیگر بند
سفوف جهت اسهال کبدی زعفران یکماشه ریوند خطائی یکماشه صمغ عربی
لودار نشاسته صندل سفید شیرخوره دو دو ماشه لک مغسول تخم خرفه
زرشک مقشر هر یک سه ماشه گل سرخ شش ماشه کوفته بیخته سفوف
سازند یک مثقال با دوغ ترشی بخورند اسهال آرند دیگر مغسول تخم زعفران
یکدانگ ریوند چینی یکنیم دانگ لک مغسول گل سرخ زرشک مقشر هر یک
نیم ماشه کوفته بیخته سفوف سازند شربتی دو درم با شیره کاسنی و رب حصرم

آتش دهند تا خاک شود بعده برآورده دوا را مسطور را باز در آب ترب دو پاس کهرل
نموده باز در ظرف گلی داشته یک کهرولی گل حکمت گرفته خشک کنند و با پاچک دشتی
ته و بالا گذارد و آتش دهد باز آن دوا را برآورده بار سیوم در آب سحق نموده
در ظرف گلی کرده گل حکمت نموده پاچک دشتی زیر و بالا گذاشته آتش دهد و در مثل
چونه خواهد برآمد آن را باز در آب مثل خیارین و شربت بزوری سیل نمایند را اگر با شربت
نخود خام شب در آب خیسانیده باشند بیاشامند سایر اوجاع گرده و سنگ گرده و
و سنگ مثانه را مفید است شربت از نیم ماشه تا یک نیم ماشه نشاسته کتیرا
حب القلقل هر یک یک درم تخم خرفه دو درم تخم کدو سه درم تخم خرفه تخم خیارین تا
پنج درم شکر سفید همچند همه سفوف سازند شربتی سه درم با آب نخود سیاه که همین
عمل دارد و سیسالیوس شش درم تخم قلت پانزده درم قند سفید هشتاد و هشت
درم کوفته بیخته شربتی دو درم با آب نخود سیاه سفوف جهت تفتیت و اخراج
حصات مجرب است خاکستر بچگر [illegible] خاکستر پوست بیضه مرغ که چوزه برآورده
باشند حجر الیهود سائیده مثل غبار ساخته با خاکستر آمیخته قدر یک ملعقه بشیر یا
خشک یا آب خشک تازه بخورند سفوف که سنگ گرده و مثانه را فرود آرد و خرقه
راسود دارد و سنگی که در مجاری بول بود پاره پاره کند ریوند چینی سائیده
چهار دانگ تخم کاسنی یک درم بادیان تخم قلت حجر الیهود هر یک یک درم و نیم کتیرا و
نشاسته صمغ عربی رب السوس هر یک دو درم تخم خرفه خطمی تخم خیار شیر
هر یک سه درم تخم خیار تخم خربزه تخم کدو پاک کرده هر یک پنج درم شربتی
سه درم تا ده درم شربت خطمی ده درم با آب خیارین سفوف که سنگ
گرده و مثانه اطفال پاک کند تخم قلت مغز تخم خربزه صمغ عربی صمغ الدبا لسویه

بالسوس کوفته بیخته شربتی یک درم سفوف جهت قرحه کلیه و مثانه و احلیل
اطفال را نافع کند مغز تخم خربزه مغز تخم خیار مغز تخم کدو با انگ خشخاش سیاه صمغ
بادام کتیرا سفید نشاسته تخم خرفه تخم خبازی تخم خطمی لک مغسول زراوند
خطائی هر یک نیم باشد گل ارمنی ده ماشه مغز چلغوزه کاکنج تخم کتان ماء واحد
سه ماشه رب السوس بزرقطونا هر یک بست ماشه ادویه غیر از اسبغول کوفته
باهم آمیخته با شیر خر یا شراب بزوری خورند سفوف بابت علو بیکان از برای حصاة
کلیه و مثانه و اخراج مواد و غلیظ بول و تنقیه کلیه و مثانه شود و اخراج کرده حجر الیهود
صمغ آلو خار خسک حب کاکنج تخم بلیون تخم رازیانه مغز تخم آلو از هر یک یکدانگ
مغز تخم خربزه تخم ترب جلب ثلث هر یک دو دانگ رماد عقرب آبگینه سوخته هر یک
یک قیراط صمغ عربی یک دانگ نبات سفید یک مثقال کوفته بیخته سفوف سازند حجر
یک شربت است کامل و بعد از آن عرق بادیان عرق خار خسک شراب بزوری ترب از هر
ده درم بنوشند سفوف منقی قروح آلات بول از ماده و حصاة و ریم نافع صدورا
حدیثه و قدیمه را نهایتگیه در ایام حیض معتاد به بود باشد فایده بسیار میکند شوره قلمی
ریوند خطائی هفت مثقال باشد زیره سفید سه نیم باشد حوالکه یا سه مثقال باشد شکر سفید
برابر خورد اگر بهفت باشد و این سفوف مشهور است سفوف برای جلبا بیکس لنگست سفید و حجر
است کلو کلا است برگ جامن قلعی کشته خاکستر مرجان صدف دریائی مرو داحلیل السوس
منقشر صمغ عربی کتیرا بن سلوچینی گل کوز ربان مروارید ناسفته گل سرخ گشنیز نشاسته
تخم خرفه صندل سفید کافور ریاحی گلنار فارسی گل ارمنی تخم خشخاش سفید مغز
چلغوزه موصلی سیاه تخم سر والی همه اجزا مساوی کوفته بیخته سفوف سازند و با سه
پیپته یه قسمی از کل سه آب چنانکه بقدر شش ماشه بخورند وگاه در ایام معتاد و

بارر و باشد فایده بسیار میکند شوره قلمی ریوند خطائی هفت هفت ماشه رب الکها
نشاسته زیره سفید شکر سفید برابر خوراک هفت ماشه و این سفوف مشهور بانوری
چهار است سفوف جهت حرقت بول و عسر آن و قرحه کلیه و مثانه بزر البنج سفید دو درم
کثیرا رب السوس نشاسته هر یک سه درم تخم خیار مقشر مغز تخم کدو تخم خرفه
خشخاش سفید هر یک ده درم مغز تخم خربزه سی درم شکر برابر همه شربتی سه
درم صبح و شام با شربت بنفشه و جلاب سفوف که ادرار و اکثار بول نماید و ماده
حصات پاک کند دو قو ربع جزو تخم خربزه تخم کرفس هر یک دو جزو شکر سفید بالضعف
جمیع سفوف سازند شربتی دو مثقال سفوف که بول را براند و قرحه را نافع
معمول و مجرب ریوند خطائی نیم مثقال تخم خربزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدوی شیرین
خرفه مقشر تخم خشخاش صمغ عربی کتیرا نشاسته گل ارمنی هر یک یک مثقال کوفته
بیخته هر روز دو درم در شربت بنفشه حل کرده بلیسند سفوف که ریم کلیه
پاک کند نشاسته گل ارمنی هر یک دو درم مغز تخم بادرنگ تخم کتان هر یک
سه درم تخم خشخاش چهار درم شربتی دو درم سفوف جهت قرحه بول فرمن
که باشد مجرب است گل ارمنی کشنیز خشک صمغ عربی تخم حماض بو داده تخم کنجد
هر یک دو درم بلیله بو داده پانزده درم شربتی دو مثقال با آب سرد و از گرم
اجتناب نماید سفوف جهت سوزاک قدیم و جریان ریم مجرب معمول است جهت
گلوی تازه الایچی کلان کتهه سفید سپید لوده لتوا کهیر جنس همه برابر کوفته بیخته با آب
کیله باید سفوف جهت ادرار بول مجرب است شوره قلمی مقشر دال هر یک نیم درم پخته
سحق کرده با آب ناشتا باید سفوف جهت قرحه سوزاک نسخه عبد اللطیف جراح
سنگجهت پیچ مینڈھا ناکهیانه گوکهرو تخم خرفه مقشر کتیرا ریوند چینی صمغ عربی الوزن کوفته

کوفته بیخته در شیر و آب آمیخته بخورند سفوف خاکستر عقرب با آب برگ ترب ازجهت بول
حصاتی نفع بسیار مینماید طریق سوختن عقرب آنست عقرب زنده در پوست تخم مرغ
اندازند که بیرون از و بر آمده باشد سر او را به پوست پوشیده بر بالای او پاره خمیر و
گل حکمت گیرند باز در خمیر گرفته زیر آتش سرگین کنند تا سوخته شود برابر برنج با آب برگ
ترب پیاله آب خوردنی بدهند از سنگ مثانه هم نفع جلد بخشد سفوف نشادر که
به بول الدم مجرب است نشادر پنج مثقال دم الاخوین سه کهربا گلنار شبه یمانی تخم خرفه گلنار
گل قبرسی بالسویه کوفته بیخته شربتی دو درم با آب سماق سفوف تا سلسل البول جهت کثرت
سلس البول بلا حرقة و جهت کسی که در خواب بول کند نافع است گلنار کندر از هر یک پنجدرم
کشنیز خشک بریان صمغ عربی گل ارمنی هر یک ده درم بلوط پنجاه درم کوفته بیخته شربتی
سه درم با آب خالص سفوف ترکیب قوام الدین طبیب سعد یک درم کندر گلنار گلسرخ
گل ارمنی هر یک دو درم حب الآس خولنجان هر یک چهار درم صمغ عربی پنجدرم کوفته
بیخته شربتی سه درم بلوط پنجدرم شربتی دو درم سفوف مرتضعف در [illegible] سعد
کندر هر یک چهار دانگ هلیله کابلی آمله هر سه را به روغن گاو بریان کرده هر یک یک درم
بلوط در سرکه انگوری خیسانیده بو داده دو درم سفوف سازند شربتی سه درم سفوف
که باذن الله تعالی اگر جریان منی ده ساله باشد نفع کند پنج موصلی سیاه و سفید تالمکهانا
سمندر سوکه سنبالا چهال سینبهل چهال مولسری گوند سینبهل تخم اتنگن نسوره
برهم ڈنڈی سپیلی پنج اسپغول هر یک یک دام [illegible] هر دو [illegible] دام
کوفته بیخته با هم چند شکر تری آمیخته هر صبح کف دست لبریز بخورند و از ترشی پرهیز
نمایند سفوف جهت بند کشاد چهال ڈهاک چهال مولسری گوند سینبهل موسلی
سینبهل مچرس گوند ببول گوند ڈهاک گوند کمرکس [illegible] بریان [illegible] کوفته بیخته قدر

خوراک کلان آن پاؤ کم دو دام سفوف جهت جریان منی مجرب کوندلمبا شیر صندل
سفید کهربا سوده کتیرا النشاسته مصطگی تخم خشخاش سفید گل ارمنی ثعلب مصری
اپودینه خشک خرفه مقشر موچرس دانه الایچی خورد و کلان سنگهاڑه خشک کوفته
بیخته سفوف سازند یا هم وزن نبات آمیزند و هفت ماشه بخورند سفوف امساک البول
کو سیلان قوی را منع کند بیج بند کچرانی ستاور تالمکهانه شقاقل مصری ثعلب
مصری موچرس سروالی گل مندهی سنگهاڑه کمرکس صمغ ببول سنبل گل ببول
گل دهاوه هر یک شش ماشه خسته تمر هندی دال ماش مونگ گل واحد چهار دام شکر
آمیخته کوفته بیخته سفوف سازند و یکدام با شیر گاو صباح و شام تا بست و یک ایام
مداومت نماید سفوف جهت تغلیظ و توفیر منی تجربه نموده شده اسگند یک توله
بیج بند اریبی آکهه یک توله کوفته بیخته و پارچه بیز نموده با شکر سفید دو توله بقدر یک
کفدست با شیر یا آب بخورند سفوف که بجریان منی و سرعت انزال مجرب است
تالمکهانه موصلی سفید موصلی سیاه تخم کونچ تخم اتنگن موچرس پوست بیخ انگور
اونٹ کٹاره بیج بند بیج بلا بهیلی بیج سانبهی کمرکس تخم کاهو مقشر اندرجو کنده
سمندر سوکه ستاور هر یک شش ماشه آرد سنگهاڑه نه ماشه سروالی یک توله قند
برابر همه شش ماشه با آب سرد یا شیر پاکاو سفوف سمی سفوف از یخ جریان
منی را دافع و در رقت امساک نافع پوست ببول صمغ ببول کونپل ببول هر یک یک توله همه
کوفته بیخته با شکر آمیخته هر روز یک کفدست بخورند سفوف قلعی کشته برای ...
قدر ... سنگهاڑه ... خورد و کوندها کسرخ ... خشک
دانه الایچی کلان قلعی کشته کوفته بیخته نگهدارند و نبات شش ماشه یا نه ماشه با
دوازده دام شیر گاو فرو برند ایضا جهت تغلیظ مجرب است منقول از بیاض

بیاض اکمل خانصاحب گوند طباشیر کتیرا نشاسته خصیة الثعلب دارچینی الایچی مغز بادام
نارجیل ملک السلم مغز چلغوزه مصطگی نبات برابر اجزا سفوف سازند و کاهی از همین
اجزا معجون سازند و قند سفید سه چند اندازند سفوف که متعارف است قلعی کشته
همیشه معمول و مجربست جریان منی و سوزاک قدیم و جدید فایده بسیار می بخشد
گلوست سلاجیت الایچی خورد و کلان سپید بلیلهی تالکهانه قلعی کشته بن سلوچن هر
یکدرام مصری برابر کوفته هر روز نه ماشه تا یکتوله بخورند سفوف بریان منی والد
مرحوم والسفوف مبارک موسوم بیخ بند سیاه تخم هیل سه درام گوکهرو تال کهانه
اندرجو شیرین هر یک شش درام سوزه بست و چهار درام کوفته بیخته با هم چند شکر
تری آمیخته هر روز یک توله با آب سرد بدهند سفوف خیارین ساده جهت سوزاک و حرارت
مثانه سفید تخم خرفه تخم خیارین هر یک یک توله طباشیر کتیرا هر یک شش ماشه با
کوفته با آب سرد بخورند سفوف صندل اکثر امراض احشا و بطن را نافع قبض بگشاید
و ادرار بول نماید و اقسام قروح کلیه و مثانه و مجاری بول را نافع باشد صندل سفید
صندل زرد که آنرا در هندی صندل سرخ گویند نبات سفید تخم گل سرخ هر یک چهار
درم و نیم ریوند خطائی نشاسته رب السوس هر یک دو درم و نیم شاخ گوزن سوخته
صمغ عربی هر یک دو درم و نیم مغز تخم خیار بالنگ هر یک یک مثقال و ثلث کتیرا مغز تخم
کدو هر یکی یکدرم و نیم کافور قیصوری کهربا از هر یک ربع ربع درم کوفته بیخته در
شیشه نگهدارند و هر روز از دو درم تا چهار درم بخورند سفوف مبهی جهت امسا
و تقویت باه بیخ نلهیر سیته پوست بیخ کهرنی سیه چوب بیخ چهار چهار درم شکر سفید
برابر سفوف سازند و بشیر بدهند سفوف بجهت سرعت انزال مجربست تخم سرس
بیخ بند سرخ تخم الاس مساوی سه درام کوفته بیخته با نبات هم وزن بیامیزند

آنار شیرین ماده گاو هفت باشد و یا نه باشد تا یکتوله بخورند عجایب تماشا نمایند سفوفیکه
جهت سوزاک سرعله تخم تاج خروس هر یک شش درم کوفته شکر تری آمیخته سفوف ساخته
چهار ده خوراک کنند یکی صبح دیگری شام با آب سرد بخورند سفوفیکه برای سیلان
رطوبات از رحم عدیل ندارد و منی زنانرا که روان باشد بند نماید دانه تمر هندی را
یکشبانه روز در آب تر نمایند یا زیادتر احتیاج کرده در همان آب تر نمایند تا از پوست جدا
شود و پس بکوبند و ربع وزن آن مغز تخم کاهو و هم وزن صندل سفید و برابر اجزا
نبات آمیخته سفوف سازند سفوف مجرب جهت کثرت رطوبات که از ارحام جاری
باشند نافع و از برای جریان رطوبات از فرج مجرب است کل اشنه کل فوفل کل بسته اگر
یافته نشود پوست بیرون پسته عوض نمایند صمغ ڈهاک از هر یک سه ماشه شکر سفید
یک توله کوفته بیخته سفوف سازند هر روز بشیر گاو یا آب سرد بخورند سفوف جهت
سیلان رطوبات رحم بیعدیل است تخم بنبه کل بسته گوکهرو گوند ڈهاک هر یک
یک درم شکر تری برابر کوفته بیخته سفوف سازند هر روز بشیر گاو یا آب سرد
بخورند سفوف جهت سیلان رطوبات رحم بیعدیل است گوند ڈهاک کل بسته گوکهرو
تخم بنبه هر یک یک درم شکر تری کهنه برابر کوفته بیخته سفوف سازند و بقدر کفه
بخورند و گاهی جهت امساک دوا آرد و موتک برتان اضافه کرده میشود سفوف
برای جذام بسیار نافع پوست بیخ انگیر دشتی مرچ سیاه هر دو دوا برابر کوفته بیخته
سفوف سازند و بخورند و در همون روز تا بی که دران بیخ چتر بیری جوشیده
باشند غسل نمایند و از غذای سفید پرهیزند سفوف برای جذام مستحکم
مجرب پوست بلیله زرد بلیله آمله مقشر پوست آمله هر واحد دو درم کل سرخ
سنا مکی ریوند چینی اصل السوس مقشر الاچی بزرگ الاچی خورد گشنیز خشک کل سرخ

سفوف برص از مجربات است سندهی یاو سپید سنده مکوکهه نیم یاو هر دو را کوفته بیخته
سفوف ساخته هر روز شش ماشه یا نه ماشه با روغن زرد بخورانند و از شیر و شیرینی به
پرهیزند و در اثنای خوردن این سفوف بلین که رسیها طلا میکرده باشند که عمل شیه هر دو را
کوفته بیخته با آب بیهو خمیر کرده گولیها ساخته نگهدارند و وقت حاجت با آب بیهو سائیده طلا
کنند سفوف برص تخم شقائق یکدرم کوفته با آب سرد چند روز بخورند با مرحق سبحانه تعالی
شفا یابد از برص سفوف سنج باده که بسمی بیدواری اطفال شده لبسیح باده معمول و مجرب
است نرکچور زیره سیاه سندهی لکرکبنم انیسون نیل کنٹهی دار چینی ملاه حرهی دوا اول یک
جزو و نیم جزو همین یا دو جزو سفیده جزو دوا اول باشد کوفته بیخته نگهدارند و وقت حاجت
اطفل از یکماشه تا نه ماشه شب در آب ترنموده صبح صاف کرده حسب قوت و سن طفل بدهند قدا
ماشه خوراک طفل کلان جوقوی المزاج است اگر این عارضه بدن طفل ورم کرده باشد و جاها سرخ
شده باشد نقل این دوا با آب برگ حنا سائیده ضماد نمایند سفوف عشبه برای آتشک و جذام
قروح خبیثه موثر است عشبه مغربی چهار تولہ پوست هلیله زرد صندل سرخ سنا مکی یک
یک تولہ کوفته بیخته سفوف سازند و از دو درم تا نه ماشه با آب نیمگرم یا عرق مناسب
بخورند سفوف جهت آتشک مجرب است تخم عباسی که گل سرخ سرخ در شته باشد هر قدر
که خواهند بریان کنند تا پوست بالائینش سیاه شود دور شود لیس مغز آنرا کوفته بیخته سفوف
سازند و هر روز یکدرم با آب سرد بخورند

حرف الشین مشتمل چهار باب باب اول

در نسخهای شربت مشتمل بر چهار فصل فصل اول در شربتهای که اکثر فواید آن به
مرضهای دماغیه متعلق است فصل دویم در شربتهای که بمرضهای قلبیه مستعمل است
فصل سیوم در اشربه که با مراض دیگر اعضا تعلق دارد فصل چهارم در شربتهای امراض
ظاهر جلدیه چون آتشک و جذام و قروح و جروح وغیره باب دویم در [illegible]

در شیافات مستعمله دو فصل فصل اول در شیافات محلوله فصل دویم در شیافات مطلیه
باب سیوم در ذکر نسخهای که بلفظ شراب آورده باشند باب چهارم در شمومات
فصل اول از باب اول در اشربه امراض دماغیه شربت تحستی تالیف نجیب الدین سمرقندی
عجیب الفعل جهت حرارت صداع دموی صفراوی گل سرخ پنجدرم زرشک بیدانه سماق منقی
از هر واحد بیست درم آلوی سیاه بزرگ فربه بیست دانه عناب ولایتی چهلدانه شب
بخیسانند صبح بدستور معهود بجوشانند و صاف کرده ربع رطل گلاب و یک رطل قند سفید در [حل]
کرده بقوام آرند با شیره بعضی تخم و ربار حسب حاجت بنوشانند شربت تمر هندی بهر
افتیمون تربد سفید مجوف هر یک یک اوقیه فانیذ نصف رطل تمر هندی کیالیه و تخم عناب
ولایتی هر یک یک رطل اجاص دو رطل شکر سفید بکمین طریق معمول بقوام شربت آرند شربت
حماض جهت دفع خمار و صداع خماری بی نظیر است آب انار ترش آب انار شیرین آب سیب
شیرین آب لیمو هر یک نیم رطل آلوی سیاه تمر هندی منقی هر یک یک رطل عناب پنجاه دانه
در شش رطل آب جوشانیده به دو رطل رسانند مالیده با هم برآمیزند بکمین قند اضافه
کرده بقوام آرند شربت عناب معمول است که جهت سینه دموی بعد فصد و تنقیه و برای
جمیع امراض دماغی دموی انفع است عناب جرجانی تازه یک رطل عدس مقشر صد درم
کشنیز سبز ده درم پوست بیخ کاسنی یک اوقیه در سرکه تر نمایند و بعد سه روز یک جوش قوی
داده صاف کرده بگذارند تا مروق شود لیکن دوباره صاف کرده بقوام شربت معتدل
بسازند هر روز یک قدح معتدله ازین شربت بنوشند و اگر ده درم ازان شربت
بالقوع اسبغول لیس کرده بخورند بهتر باشد شربت مسهل که جهت امراض سوداوی
علل بارده دماغی و صدری بغایت نافع است و بهترین مسهلات جهت لطیفی طبیعت
پاکیزه ترنج بسفایج سنبل الطیب و مثقال مصطکی رومی اسطوخودوس تخم کشوث هر واحد سه مثقال

قوت دهد و خفقان و غشی و توحش سوداوی زایل کند و فرح تمام آورد و شکم به بندد و ابریشم خام پنجاه
درم یک شبانه روز در آبی که طلا و نقره مکرر گرم کرده باشند در وی سرد نموده باشند
بجوشانند و صاف کنند گاوزبان و فرنجمشک گل سرخ سنبل هر یک دو درم علیحده در گلاب
خیسانیده صاف کرده مضاف سازند و نبات سفید بقدر حاجت آمیخته بقوام آرند و مشک دانگی
عنبر اشهب درمی مروارید ناسفته کهربا یشب هر یک بگلاب صلایه کرده و دو درم صندل سفید سه درم
باریک سائیده منضم سازند و بهم آمیزند شربتی دو مثقال با عرق بید مشک و عرق گاوزبان و گلاب
و اگر حرارت در مزاج غالب باشد فرنجمشک اشنه سنبل مطبوخ سازند شربت ابریشم
ساده نافع از برای جمیع علل سوداوی و بلغمی و امراضی که بمشارکت قلب باشد ابریشم خام
ثلث رطل در شش رطل گلاب دو شبانه روز بخیسانند تا بنصف رسد بپالایند و ابریشم را
نیکو بمالند و دور کنند و باز بمقدار ثلث رطل ابریشم خام داخل کنند و باز بجوشانند تا سه رطل
گلاب باقی ماند بمالند و ابریشم را دور کرده سه رطل نبات سفید داخل کرده بقوام آرند و در آخر
دو مثقال عنبر و نیم مثقال مشک سوده داخل نمایند و بر هم زنند تا نیکو مخلوط گردد و در شیشه
یا در ظرف نگاه دارند شربتی یکیا وقیه با عرق گاوزبان و تخم فرنجمشک یکمثقال بریان یا سائیده
بنوشند شربت ابریشم زمانیکه خون بواسیر سیلان بافراط کند و سوداوی لغیش
کرد و باین صفت ابریشم خام چند خالص را در دیگ لطیف کنند و اگر از نقره باشد بهتر است
و سر دیگ را محکم بندند تا بخار بر نیاید و گاهی در اول طبیخ یا در اثنای آن یا در اواخر از
چیزهای مقوی قلب چون گاوزبان و فرنجمشک و امثال آن با او جمع میکنند و بعد از
طبیخ ابریشم صاف کرده شربت سیب با شکر سفید خالص یا شربت به و امثال آن اضافه کنند
و باز بر آتش ملایم نهند و چند جوش سبک بدهند و از آتش فرود گیرند پس مروارید و بسد سائیده
و گلاب و عرق بید مشک و سایر لعابات و قوابض مناسب حال اضافه کرده شربت سازند شربت

کاوزبان عنبری برای تقویت اعضای رئیسه مجرب است برگ گاوزبان گیلانی ده توله گل گاوزبان
پنج توله بادرنجبویه دو و نیم توله گل گاوزبان تخم گاوزبان صندل سفید بگلاب سوده تخم فرنجمشک هر
یکونیم توله تخم کشنیز مقشر دو توله تخم بادرنجبویه یکونیم توله زرشک بیدانه دو توله شب در گلاب
و عرق بیدمشک تر کرده صبح بجوشانند هرگاه نصفی بماند صاف کرده قند سفید یک آثار داخل کرده
بقوام آرند پس ورق نقره یکتوله و ورق طلا نیم توله عنبر اشهب نیم توله مشک خالص دو ماشه
داخل کرده فرود آرند شربت گاوزبان ساده جهت مرض سودا و تقویت قلب گل سرخ
پنج درم گل نیلوفر بادرنجبویه فرنجمشک هلیله هندی افتیمون بسفایج فستقی تخم فرنجمشک
اسطوخودوس دو درم بنفشه تازه پانزده درم گاوزبان گیلانی سی درم شکر طبرزد
یکمن گلاب سه من بقوام شربت آرند شربت اسپغول بخفقان صفراوی و تپ صفراوی
و سرفه گرم و خشک و خشونت قصبه ریه و امثال آن نافع است بزرقطونا یک اوقیه را
با یک رطل آب بپزند و لعاب آن بگیرند و با یک رطل و نیم شکر ابلوج فایق بر آتش نرم گذاشته
بقوام آرند و استعمال کنند و لعاب بزرقطونا بقدر حاجت خصوصا که با بیدمشک و گلاب
و آب لعاب گرفته باشند شربت صالحین مخترع و معمول والد ماجد کمترین باذن
دوار خفقان بارد و حار و استیصال باد بکار کنند و بخارات هر قسم را خواه از معده خواه
از رحم تسکین نماید و دل غمگین را و خاطر حزین را بگشاید ازاله توحش و جنون و رنگ بشره
گلگون کند و معده را دباغت دهد و جمیع قوای طبعی را معاونت نماید و اشتهای رفته را بیارد
کریل گلی است در هندوستان مشهور در اکثر بلاد هند صد عدد درین گلها که بالیده و بکمال
سرخی رسیده باشد سبزی آنرا دور کرده در آب لیموی کاغذی پاو سیر بالیده در جای
چینی شب نگهدارند صبح با شربت نبات که یک سیر نبات را با دو سیر آب باران شربت
کرده باشند یکجا کرده در شیشه ضخیم نصف شیشه یا ثلث شیشه خالی باشد اندر خته

سر شیشه را محکم بسته شیشه را در ظرف پر آب در گوشه نگهدارند بعد سه روز چهار روز که جوش
خورده برآورده صاف کرده نگهدارند و از ده درم تا شش درم العمل آرند و در بعضی نسخه‌ها
که گذشته و اسکار مطلوب باشد پنج تفاح سه چهار باشد همراه گلها و شربت در شیشه اضافه کرده
میشود و جهت افرحه جاره که تقویت منظور باشد بجای آب باران آب بید فرموده‌اند
و برای تقویت دل همراه آب باران گلاب بید هند و مشک افزودن بر آن شربت
صندل دل را قوت دهد و خفقان گرم و معده و جگر گرم را نافع باشد و تشنگی بنشاند و شکم
به بندد صندل سفید سائیده بیست مثقال و گلاب یک شبانروز بخیسانند روز دیگر اندک جوش
دهند و شیره‌اش بگیرند و با یک من قند شربت بپزند همچنین است در شفائی و در قرابادین
همچنین نسخه صندل را سوهان کرده بالغه نیکو بساخته در یک رطل گلاب تر نمایند دو
شبانروز پس گلاب مذکور صاف کرده بستانند و صندل مذکور را در آب خالص شیرین بجوشانند
تا قوت صندل کما حقه برآید و آب آنقدر مناسب باشد پس این آب را اضافه کرده با گلاب مصفی
آمیزند و قند سفید دو رطل یا کم بحسب موافقت ذائقه حل کرده بقوام آرند و بهترین صندل
سفید آنست که مایل بزردی بود و تر هین نماید شربت صندل ترش جهت تسکین سوزش
دل و تپ محرقه نافع صندل سوهان کرده پنجاه درم یک شبانه روز در آب غوره و سرکه هر یک
پنج درم پنج استار و قدری آب بخیسانند پس بجوشانند تا بنیمه آید صاف کرده با یک من شکر
بقوام آرند شربت صندل ترش نسخه دیگر که بضعف قلب حار بکار آید گشنیز خشک
کوفته بیخته پنج درم آب غوره پانزده درم سرکه قدری صندل سفید سائیده سی درم [illegible]
یک من نبات در آن حل کنند و پنج درم زعفران در خرقه بسته در افکنند و بپزند و کف
برآورند و خرقه زعفران را مالیده بیرون آورند پس نیم مثقال کافور و طباشیر و صندل سفید
سائیده هر یک دو درم در وقتیکه نیم گرم باشد داخل کنند شربتی پنج درم با شیره تخم خرفه

شربت دیگر که تقویت دل کند و التهاب سودا وی دور گرداند اصل السوس ده درم ارزق با درنجبویه
بزر فرنجمشک هر یک بیست درم لسان الثور سی درم همه را در دو چند آب سیب شیرین شش
چند گلاب بجوشانند تا از مجموع سه حصه گلاب بماند مجموع سه چند صاف کرده شکر انداخته
بقوام شربت آرند و حاجت است در نسخه سازند بقیاس سکنجبین اقلیمونی شربت فواکه جهت
فساد خون و تب محرقه و بای گرمی کرده و قی صفراوی و اسهال دموی نافع است عناب
ولایتی بیست دانه سماق انار دانه ترش تخم کشنیز خشک پنج درم همه را کوفته بیخته در عرق صندل
عرق کاسنی هر یک نیم رطل شب خیسانیده صبح بجوشانند هر گاه بنصف باز صاف نموده آب انار
ترش آب به شیرین آب امرود آب هندوانه آب نیشکر آب سیب هر یک دو درم عرق بید مشک
گلاب هر یک بیست درهم قند سفید دو چند شربت حامض اترج یکچند داخل کرده بقوام
آرند و اگر آب چهار درم آب تمر هندی هم درین شربت اضافه نمایند قوی گردد شربتی
که سرفه قبض نماید و صفرا ببرد و حرارت را ساکن کند گل گاوزبان گل بنفشه شاهتره
هر یکی ده مثقال تمر هندی چهل مثقال زرشک بیدانه چهل مثقال آلو بخارا و آلو سیاه
هر یک صد عدد همه را در دو رطل آب بجوشانند تا بنصف رسد بپالایند و شیرخشت
یکصد مثقال ترنجبین اسنافی یکصد و پنجاه مثقال داخل کرده بقوام آرند مجموع
ده شربت است در هفته یک روز یک شربت بعمل آرند شربت ملین جهت کسی که یبوست
در امعا داشته باشد و بدان طبیعت بفراغت نماید چون برین دوا مداومت نماید یبوست
دفع شود و سرفه و سینه نفع نماید بهدانه دو درم گاوزبان پنج درم گل بنفشه گل سرخ
هر یک هفت درم اسپغول پنج درم عناب ولایتی بیست دانه سپستان شصت دانه
ادویه را مطبوخ ساخته و بعد تصفیه با سه آمیخته با یک رطل قند سفید یا ترنجبین
بقوام آرند و هر صباح با روغن بادام آمیخته حسب حاجت بدهند شربت

شربت بادرنجبویه بستانند گاوزبان خشک سی درم بالنگو تازه یکمن اگر تازه
نباشد خشک سی مثقال بگیرند و بجوشانند و بپالایند و با یکمن قند یا عسل کف گرفته
شربت سازند **فصل سیوم** در بیان شربتها که با مراض اعضای سینه تعلق دارد شربت
نزله جهت نزله حار و رفع قبض بجهت پلید انجیر زرد سی دانه عناب ولایتی بست دانه
سپستان پنجاه دانه پرسیاوشان سه درم حب الآس کثیرا هر یک پنج درم تخم خطمی بست
درم اصل السوس تخم خشخاش سفید هر یک ده درم جو مقشر پانزده درم بنفشه مربی شده درم
ترنجبین یک و نیم پاو شربت سازند شربت فریاد رس برای قسار و نوازل حار و
سرفه رطبه و یابسه مفید گاوزبان گیلانی صندل سفید پرسیاوشان خشک عود صلیب
تخم خشخاش سفید هر یک دو توله اصل السوس مکوک مرضوض تخم خطمی سفید گل سرخ فاسی
یک یک توله مویز طایفی کلان بست و پنج دانه گوکنار بست و پنج عدد قند سفید یک آثار در دو
آثار آب تر نمایند صبح بجوشانند تا نصف بماند با قند سفید بقوام شربت آرند شربت
شفا ذات الجنب و جساب صفراوی و دموی را نافع و در درد سینه و ذات الریه را فایده
دهد گل نیلوفر سپستان عناب ولایتی بساری در آب جوشانید و صاف کنند و با شکر
بقوام آرند شربت و فیه شربت اعجاز از مصنفات شاه ارزانی جهت سکانی
جهت سرفه خشک و تر و برای تپ دق مفید کتیرا صمغ عربی هر یک سه درم بهیدانه
پنج درم گل نیلوفر بنفشه تخم خطمی اصل السوس مقشر از هر یک هفت درم عناب ولایتی بست
دانه سپستان کلان شصت دانه برگ اروسه یک رطل قند سفید دو رطل بغیر از صمغ
عربی و کتیرا همه را بجوشانند بطریق معلوم با قند بقوام آرند بعد از آن صمغ عربی و کتیرا
را کوفته بیخته داخل نمایند و اروسه بعبارت ارباب هند یک نوع درخت کثیر الوجود است
شربت خشخاش جهت سعال خشک و سیل و منع نفث و نوازل و سرفه که بسبب بیدار

حار در سده قاشق و بغیر هم عرق کاسنی و سه نیم قاشق عرق بادیان حل کرده بدهند شربت
دینار نسخه معمول سده بگشاید و سوء القنیه و استسقا و حرارت و انتشار را نافع آید تخم کشوث
سه درم در کتان بسته گل نیلوفر گاوزبان ده درم تخم کاسنی نیم کوفته ده درم گل سرخ
بست درم پوست بیخ کاسنی چهل درم شب در آب تر کرده صبح بجوشانند تا سه یک بماند و صاف
کرده با یک من قند سفید بقوام آرند و ریوند خطائی ده مثقال بعد فرود آوردن حل نمایند
و یک قاشق با شربت نیلوفری بار دیا عرق های مناسبه استعمال نمایند شربت دینار
قریب الاعتدال کثیر المنافع است جهت سده جگر و ماساریقا و چشم ها سفید با شیره
تخم خیارین خاصه که با سکنجبین یا شکر تریجبین صاف شود و در رافع یرقان و حرارت جگر
معده و مدر بول و ملین طبع و دافع قصبه و جدری و حصبات و سوء صفراوی باشد شربت
عناب ریوند چهار مثقال تخم کشوث پنج درم گل سرخ پاک کرده پانزده درم تخم کاسنی
نیم کوفته بست مثقال پوست کاسنی سی درم ریوند اینگونه کرده در خریطه بسته همراه
دیگر ادویه در آب خیسانیده صبح بجوشانند تا آتش نرم و صاف کرده با قند سفید یک رطل
بقوام آرند و اگر یک مثقال ریوند دیگر از بالا نیز سحق نرم کرده داخل نمایند قوی الفعل
باشد شربتی از ده درم تا ده مثقال شربت ریوند سده بگشاید و یرقان و حرارت
کبد را نافع باشد و ادرار بول کند و طبع را نرم دارد تخم کشوث پوست بیخ رازیانه پوست
بیخ کاسنی بیخ کرفس هر یک پنج درم تخم خیارین تخم خربزه تخم رازیانه تخم کاسنی هر یک
پانزده درم مجموعه نیم کوفته بجوشانند و بپالایند و با یک من قند سفید بقوام آرند در
آخر ده درم ریوند خطائی کوفته بیخته داخل نمایند و خوب مخلوط سازند شربت
انجبار که اسهال دموی را نافع و حابس طبیعت و جریان خون از هر عضوی که موضعی رقیق
باشد و مقوی قوت ماسکه بلیغ در جوب انجبار پوست بیخ آن زردرو قیه تا بدرهم

دقیقه نیم کوب کرده یک شبانه روز در آب گرم بخیسانند بعد از آن بآتش نرم نرم بجوشانند
و بمالند و صاف کنند و با یک رطل شکر بقوام آرند شربتی [illegible] نافع تپ نیم وقیه انار دانه بشکنند و
میخوش بسازند شربت حالبس [illegible] بیخ الجبار یک توله کوفته بیخته با دو توله صندل
سفید دوازده توله قند سفید شربت سازند و نیم مثقال صمغ عربی کوفته بیخته داخل سازند
جدا نگاه دارند در روزی دو نوبت این شربت بنوشند هر مرتبه دو مثقال با نیم مثقال صمغ
عربی مذکور شربت بزوری ادرار بول و حیض کند و حصات بریزاند و دفع یرقان و تفتیح سده
جگر و سپرز و تپهای کهن دور کند پوست بیخ کاسنی گل غافث تخم خطمی اصل السوس سنبل الطیب
بنفشه گاوزبان هر یک سه مثقال تخم کاسنی تخم رازیانه تخم خربزه تخم کدو حب قرطم هر یک نیم مثقال
نیم کوفته در پنج رطل آب یک شبانه روز تر نمایند و مویز منقی بست درم آمیخته بجوشانند چون کاه
دو رطل بماند صاف نموده قند سفید یکمن اضافه کرده بقوام آرند ریوند خطائی خرد باریک سائیده
بالای شربت وقتیکه تیار شود و سرد [illegible] بعمل آورده بسیار مفید افتاده شربت کاکنج
جهت قرحه مثانه و سوزاک انیسون تخم کرفس دو درم پرسیاوشان بنفشه گاوزبان یکدرم
خارخسک هفت درم کاکنج ده درم تخم خیارین سی درم قند سفید نیم رطل بطریق معلوم شربت
سازند شربت سفاهقل تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه [illegible] سورنجان هر یک
ده درم پوست بیخ کرفس بست درم پوست بیخ کبر پوست بیخ رازیانه هر یک یکمثقال قند سفید یکمن
شربت سازند یار در تفتیح سده و تقطیع اخلاط غلیظه و تحلیل ریاح سود مند است بیخ کاسنی
نیم کوفته بجوشانند و صاف کنند پس گلقند آفتابی بران اضافه نمایند و بکفگیر بقوام معتدل آرند
و نیز در قوام آب لیموی تازه بقدر وافی بیفزایند شربت هندبا که جهت تفتیح سده و تقویت
جگر و دل و معده نافع است شکر سفید سه رطل در آب حل کرده جوش دهند و کف بردارند پس آب
کاسنی مروق یک رطل بیفزایند بقوام آرند چون قریب بقوام رسد قدری آب لیمو نیز اضافه

کنند شربت سنا تالیف صاحب قرابادین قادری بهترین مسهلات معتدل المزاجان
و در جمیع سنین توان داد و اخراج اخلاط ثلثه میکند و مداومت قلیل الغذا و غیر کریه الطعم است
و با مرض دماغی و غیر آن مفید و با وجود اسهال دل را قوت دهد تخم کاسنی تخم کشوث چهار درم گل سرخ
گل بنفشه گل گاوزبان گل نیلوفر هر یک پنج درم تخم خیارین تخم کدو مقشر شش درم سنای مکی از چوب
و غیره پاک کرده بیست درم آلو بخارا پانزده عدد عناب و املیچ سپستان شصت عدد
ترنجبین خراسانی از خار و غیره پاک کرده یک رطل و نیم بطریق معروف شربت سازند و اگر عوض
آب در گلاب و بید مشک و عرق نیلوفر طبیخ دهند بهتر باشد و اگر قند سفید عوض ترنجبین نمایند
روا است و اگر کسی مبتلا نفث الدم بود یا معتاد به نفث الدم بود ویرا ترنجبین باید داد و
و این بخاصیت مدر دم است و مقدار این بحسب قوت و مناسب مزاج موقوف بر رای طبیب

فصل چهارم در شربتهای امراض ظاهر جلد چون آتشک و جذام و قروح و جروح
و غیره شربت چوب چینی نسخه اطبای فرنگ مستعمل در آتشک و جذام و جمیع امراض بارده
مزمنه سوداویه و بلغمیه بگیرند چوب چینی شصت مثقال نکوفته در ظرف عرق عنبر بیاندازند و
سر آنرا محکم نموده بیست و شش یا سی روز بگذارند و در یکشبانه روز هفتاد مثقال بنوشند
شربت عشبه جهت آتشک و جمیع اقسام بثور و قروح و اصلاح سودا و هاره و اکال
سفید بی بدل است عشبه مغربی چوب چینی هر یک چهار درم آلو بخارا عناب هر واحد دوازده
دانه سنجد تخم کدو مقشر بزره دو درم شیر خشت بیست درم همه را در چهار رطل آب بجوشانند
تا نصف باند شاهتره هفت درم در آن اضافه کرده باز بجوشانند تا چهارم بسوزد و نیم رطل
قند سفید افزوده بقوام آرند و دوازده درم صبح و شام با عرقهای مناسبه
بخورانند و بعد آتش چوب بجای آب عرق چوب چینی اگر باشد بهتر و الا عرقهای مناسب
شربت بادرسات که بزبان اهل فرنگ سرسپریلیم گویند جهت اصلاح قروح و جروح آتشک و

وجرب و دوالی وغیره امراض خونی وسوداوی مجرب ومعمول فرنگیان است براده با وسات سرخ
نیم سیر در آب شیرین شش آثار شبانه‌روز تر نمایند بعده جوشانیده وقتیکه یک نیم آثار آب بماند
فرود آورده صاف نمایند وسه پاو قند سفید آمیخته بقوام آرند و شربت ساده عبارت
از همین است اما اگر خواهند که مواد را باستعمال بکار دارد این قسم شربت سازند هر گاه چاشنی
قریب بقوام آید سورنجان مصری سه توله وزن باشد از تخم مکی دو توله کوفته بیخته داخل کنند
بعد درست شدن قوام ورق سنای مکی ده توله باریک باخته بیندازند و داخل کرده فرود
آرند و سوده در شیشه نگهدارند و اگر خواهند که خون را صاف نمایند و بخارش وغیره
نفع رسانند چهار توله شاهتره کوبیده همراه او خر بیندازند بعد از آن ورق سنا بیندازند
و قدر خوراک شش توله صبح و شش توله شام و از مرکب ده توله صبح همراه جوشانده یا خیسانده سنا
عذرا و قلیه بدهند شربت عناب برای گرمی خون و احتراق و خفقان نافع است
عناب ولایتی آلو بخارا هر یک هفت دانه تمر هندی چهار توله گل سرخ دو توله گل گاوزبان دو
توله پوست هلیله زرد هر یک دو توله تخم شاهتره چهار توله صندل سفید گل نیلوفر چهار توله
یک توله اصل السوس یک توله در دو آثار قند سفید بقوام آرند شربت شاهتره مدبر طبع را نرم
کند و اخلاط سوداوی محترقه برآرد و جرب و حکه و جذام را نفع دهد و تسکین غلبه مرار کند
بگیرند تخم کشوث زرد و زرشک هر یک پنج درم گل بنفشه هفت درم پرسیاوشان اصل السوس
مقشر بسفایج سپستان سنای مکی گاوزبان هلیله هندی هلیله کابلی مویز منقی هر یک سی درم
افتیمون گل نیلوفر تازه هر یک سی عدد عناب سپستان هر یک پنجاه عدد و آنچه کوفتنی است
نیم کوفته و اندر ده رطل آب شاهتره یک شبانه‌روز تر دارند پس بجوشانند تا که ثلث بماند پس
صاف کرده نگهدارند شربتی از هفت درم تا بیست درم با ماء الجبن یا گاوزبان حل نمایند خنبر و
سقمونیا اضافه سازند بجهت قوت شربت که درجه ... مرکبه شراره شربی [illegible]

علل دموی و حرارت جگر و معده و قطع عطش نافع صندلین هر یک یک قیمه کاهو کسی که آن را کدو بیند
بدال هلیله و بهیدانه کیوژه رب رطل ناب سه را نیکو بکوبند و در یک رطل سرکه انگوری کهنه تر
نمایند تا یک هفته پس بپالایند و سرکه صاف شده را نگهدارند و دو ینقوطه را ترشش طلی
آب بپوشانند تا چهار جوش بیاید بپالایند پس بگیرند سماق آب ترش ترنج چهار و قیمه آب انار
ترش آب غوره آب لیمو آب زرشک عصاره توت شامی آب طبیخ تمر هندی هر واحد شیر طلا قند
سفید [illegible] شش درم در جمله با سرکه مذکور و طبیخ اشیا [illegible] مسطور آمیزند و در دیگ مسی
بقوام آرند [illegible] خوردن صبحی یک مثقال [illegible] ازیانه سنبل الطیب هر یک دو درم طباشیر یک [illegible]
بیخته بسپند باب دویم در شیافات مشتمل بر دو فصل فصل اول در ذکر شیافات
مطلیه شیاف ابیض جهت امراض حاره و تحلیل اورام و درد آن نشاسته یک درم
سفیده ارزیز صمغ عربی کتیرا هر یک سه درم بلعاب اسپغول یا سپیده بیضه مرغ شیاف
سازند شیاف ابیض افیونی نافع رمد سفیداج مغسول پنج درم انزروت سه درم
کتیرا نشاسته هر یک دو درم افیون نصف درم شیر زنان یا سفیده بیضه رقیق شیاف
سازند شیاف احمر لین افیونی درد و کرمی را سخت تسکین دهد و سده و ناحیه و
موسیج را نافع آید صمغ عربی کتیرا اسپیده ارزیز نشاسته شاذنج عدسی مروارید
بسد شنگرف رومی و سیح افیون هر یکی یک درم [illegible] کوفته بیخته عسل [illegible] ملعوم [illegible]
سفرجل شیافها سازند شیاف احمر لین درد و کرمی چشم ناخنه و [illegible] را
نافع است منقول از [illegible] زکریا شاذنه عدسی قلقطار هر یک سه درم [illegible] دو درم زعفران
یک درم در قلقل نیم درم بشراب بسرشند و بکار برند شیاف احمر حاد و سبل و
ظفره و سلاق و بیاض را نافع است شاذنج مغسول شش درم صمغ عربی پنج درم زنگار
دو درم [illegible] سوخته زاج سوخته هر یک دو درم افیون [illegible] هر یک نیم درم زعفران

زعفران دانگی شیاف اخضر درد و گرمی و حکّت را تسکین دهد و سرخی و خارش چشم دور کند
دمعه و ناخنه و موی سرخ را سود مند بود صمغ عربی کثیرا اسفیداج ارزیز نشاسته شادنه عدسی سیسه
مروارید ناسفته شکر فرد رومی و پنج افیون مریکی یکدرم کوفته بیخته و صلایه کرده بلعاب حب
سفرجل شیاف سازند شیاف حب و بیاض سبل را سود دارد اقاقیا اقلیمیا انزروت صمغ عربی را
در آب سداب حل کرده دیگر ادویه کوفته بیخته بدان بسرشند و شیاف سازند شیاف اسود
که بهم باکتحال چشم بکار می آید الا آنکه بکار آید باکتحال ظفره و بیاض البقیه باده رمد کهنه جرب نافع
را بطلان سیلان دمعه و انصباب مواد را بچشم نافع آید معمول و مجرب است شب یمانی بوزن یکدرم
عالمگیری که چهار ده ماشه باشد حضض هندی نیمدرم عالمگیری افیون مصری سه ماشه
سفیده کاشغری توتیا سبز یعنی نیله تهوتهه خام پوست عاقرقرحا هر یک یکماشه بآب صلایه
کرده شیافها سازند وقت حاجت بآب شبنم ساییده باستعمال آرند شیاف بجهت بهولی
جاله و ناخنه مجرب است نمک لاهوری یکدرم قرنفل کلان دار چینی سیاه پنج پنج عدد کهونگی
سفید پنج عدد افیون یکسرخ خر مهره زرد سرمه چینی سفید یکماشه کافور بهیمسینی چهار
سرخ اول کهونگیها پوست سوخته مثل انگشت نمایند بعده ادویه مثل غبار ساخته علیحده علیحده
ساییده در ظرف آهنی دسته از چوب نیم که در و فلوس نشانیده باشند بآب لیمو کهرل کنند
پس شیافها ساخته نگهدارند و به آب لیمون یا آب ساده سوده بالای چشم و اندرون استعمال
نمایند شیاف یاسمین نافع باکثر امراض عین خواه در طبقات و خواه رطوبات باشد خواه
حادث غنچه گل یاسمین یعنی چنبیلی سرمه سنگ بصری توتیا باروفی زعفران شوره قلمی مغز
تخم سرس ساوی کوفته بیخته در سنگ سماق با شیره لیمو تا یک هفته سحق کرده شیافها
ساخته نگهدارند بآب سپند هر سنگی که ساییده شود با میل چسپیده در چشم کشند
و اگر در چشم سبل ده باشد یا موی مژه ریخته باشد بآب برهن ساییده صبح از خواب

بر خاست تا بکشند شیاف که جهت رمد مجرب است و عجیب النفع دم الاخوین صبر اقاقیا شیاف
ماسیثا زعفران افیون صمغ عربی کوفته بیخته با آب هندبا ترشیافها سازند شیاف که
بر مد حار و موحار و اکثر امراض چشم را نافع است شب یمانی را در ظرف آهنی انداخته
بر آتش گذارند که بریان و بالیده و منفتح شود و بعض در همان حالت بر سر آتش آب انار ترش
در همان ظرف اینقدر اندازند که شب یمانی را بپوشد پس با آتش ملایم بجوشانند که خود بخود
آب خشک شود و هرگاه آب بجذب آید و قابل جنب بستن شود زود تر بر آورده در ظرف چینی نگهدارند
و شیافها سازند و وقت حاجت با آب سائیده در چشم کشند شیاف غریب جهت ناصور و مرض
مجرب به حصول صحت کنند رمه هر یک درمی انزروت دم الاخوین گلنار سرمه شب یمانی هر یک نیم درم
زنگار ربع درم شیاف سازند و وقت حاجت ناصور را خوب بفشارند آنرا بنوعی که در رکها
نماند با آب سائیده و فتیله نمایند شیاف قائم مقام شیاف مراره جهت ماده نزول الماء مجرب است
زهره بز کوهی در ظرف مسی خشک کرده سکبینج دو درم فرفیون نوشادر هر یک درمی تخم حنظل
نیم درم با آب سداب یا آب رازیانه شیاف سازند شیاف کند نافع بقروح عین و انبات
لحم و انضاج قروح و بثور هم کنند کندر ده درم اشق انزروت هر یک پنج درم زعفران دو درم
بلعاب حلبه شیاف سازند و تقطیر در عین کنند و اگر مطلوب انضاج قروح و بثور باشد بر فاده
بندند شیاف مجرب جهت نزول الماء سعد کوفی فلفل سیاه دار فلفل هر یک پنج ماشه زعفران
سه ماشه پوست هلیله زرد ده ماشه هلیله سیاه سه ماشه دهنه فرنگ مسی دو ماشه ماقشیثا چهار
ماشه تخم سرس پنج ماشه تخم کهرنی چهار ماشه سنگ بصری پنج ماشه ناخن فیل پنج ماشه سفیدی
بیخال کبوتر چهار ماشه قرنفل یک ماشه کوفته بیخته باریک ساخته در ظرف آهنی همراه شلخ
کوزن با بیمو سه روز سحق نموده شیاف ساخته نگهدارند شیاف جهت کری گوش که از
اخلاط غلیظه بود دافع ثقل سمع حدث و علیق و وجع بلغمی و طنین و دوی ایرجی فرفیون

فرفیون و انگلی قسطار یکدرم جند بیدستر زراوند مدحرج عصارهٔ افسنتین هر یک نیم درم شحم حنظل
یکدرم بوره سه درم کوفته بیخته بمرارهٔ گاو سرشته شیاف سازند وقت حاجت اول انکباب
بر طبیخ قیصوم و شیح و مرزنجوش زبان صالح کرده پس قدری ازین شیاف بروغن تلخ
بادام تلخ کرده بچکانند دیگر که قرح حدید بگوش افتد رسانند انزروت یکدرم مرکندر
زفرون زعفران هر واحد نیم درم بادام تلخ یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند و وقت
حاجت بروغن گل و شحم بط حل کرده قطنه تر کرده در گوش چکانند و اگر عروق صدغین برشته باشند
بغیر قطنه بچکانند و پنبه گوش را بند کنند فصل دویم در شیافات محموله قبل و دبر شیاف
ترنجبین طبیخ بگشاید و محرور را نافع است و استعمال نمایند عقب مسهل که در مسهل تقصیری
باشد بوره ارمنی خطمی صابون نمک طعام هر یک دو درم ترنجبین یکدرم کوفته بیخته بشکر
سرخ سرشند و شیاف سازند شیاف خیارشنبر قولنج بگشاید و طبیخ ملایم کند و در
تبها بکار آید بغایت سریع الاثر است نمک هندی یکدرم بنفشه دو درم خطمی سه درم شیا
ملی عسل خیارشنبر شکر سرخ هر یک ده درم دیگر رفع قبض و دفع سده اطفال مجرب
نبات تربد سفید بشکل موش هر یک یکمثقال کوفته بیخته بعسل خیارشنبر سرشته شیاف‌ها
ساخته وقت برداشتن بروغن زیت چرب کرده بردارند شیاف سورنجان در امراض بواسیر
ریحی که وجع مفاصل هم با آن ملحق باشند بسیار نافع است سورنجان نصف مثقال در امر
بواسیر ریحی که وجع مفاصل هم با آن ملحق باشد بسیار نافع است سورنجان نصف مثقال کوفته
بیخته بروغن دنبه یا گاو سرشته دوباره از پنبه گرفته شبها متوالی در مقعد بگذارند و در دو شب
اصلاح میکند احتیاج بسهولی نمی افتد و راقم بنده در این دو سه جزو دیگر اضافه نموده
و زیاده مفید یافته مقل ورق حنظل مغز تخم ستبنا لو آب کنند تا دیگر معمول کثیر المنافع زحل الفصار
ملح عجین شکر احمر بالسویه بر آتش نیم منعقد سازند و مانند خستهٔ خرما قلمها ساخته

بروغن بنفشه برشته حب کرده بر دارند دیگر جهت قولنج و خشکی بوره ارمنی یکدرم شحم حنظل
یک مثقال زهره گاو دو درم عسل معقود لسرشته بروغن بادام حب کرده بردارند
دیگر اسهال بلغم کند سقمونیا دو دانگ زنجبیل مقل شحم حنظل جند بیدستر هر یک یکدرم
حبة السودا دو درم صابون بوره ارمنی هر یک سه درم از همه چهار شیافه سازند و اگر
قوی تر خواهند قدری شبرم نیز داخل کنند شیاف قولنج بگشاید سقمونیا دو درم و نیم شحم
حنظل مقل سکبینج هر یک پنجدرم شکر سرخ نه درم بوره ارمنی دو درم کوفته بیخته
شیاف سازند شیاف جهت قولنج ریحی برگ سداب تر زیره نانخواه بوره
ارمنی مساوی کوفته بیخته بعسل بسرشند و خرقه نرم تا بان آلوده کنند و رشته در میان
خرقه بندند و به اندرون رسانند و رشته بیرون بگذارند تا یکساعت پس بیرون
نمایند و چند مرتبه باین دستور عمل نمایند دیگر قولنج بگشاید شحم حنظل سقمونیا
زهره گاو هر یک یکدرم بوره ارمنی خطمی هر یک سه درم شکر سرخ مقل هر یک
ده درم کوفته بیخته شیاف سازند شیافیکه جهت کرم کوچک که در امعاء سفلی
اطفال باشند سود دارد شحم حنظل قنطوریون نمک هندی مغز استخوان زرد آلو
مساوی کوفته بیخته شیاف سازند شیاف که شکم به بندد اقاقیا گلنار
صمغ عربی کزمازج بلوط زیره بریان برنج بریان کوفته بیخته بآب مورد شیاف
سازند شیاف که استسقاء طبلی را نافع است باد و ریاحی را دفع کند
سداب جرمل رازیانه تخم کرفس تربد سفید بوره ارمنی هر یکی سه درم شکر سرخ
پنجدرم بآب سداب شیاف سازند شیاف در زحیر شدن تخم خطمی بورق شحم حنظل شکر سرخ
کوفته شیاف ساخته بکار برند شیاف جهت نفث قیناکنند دم الاخوین اقاقیا افیون صاف عصارهٔ
لحیة التیس هر یک جزو مساوی کوفته با آب بارنگ سبز خمیر کرده بر شیاف سرشته سازند خشک ساخته
بکار برند شیاف ذیلی طبع بگشاید اشق سوس شکر سرخ سنا مکی بنفشه جمله برابر نرم کرده شیاف سازند

بطریق معمول در ظرف زجاج تقطیر نمایند که شراب حاد می چکد و بآب مرزنجوش بر موضع برص
رسانند چند روز بعجایب تماشا نمایند صبغ عصفر که برص را رنگین کنند شوره مرمکی شب یمانی
قوه کوفته بدرد شراب تر نمایند و چند نوبت بمالند دیگر که همین عمل کند توتیا و سنگ [illegible]
حصه شیطرج یک حصه کوفته بآب بسایند و طلا نمایند دیگر که نشان آبله و جراحت را برنگ
بدن آورد مردار سنگ نشسته بیخ نی کهنه آرد نخود بیخ استخوان [illegible] سائیده مغز تخم خربزه
حب البان قسط کوفته بیخته بلعاب حلبه و تخم کتان شب بمالند و صبح بشویند بآب گرم
بشویند حرف الصاد المهمله مشتمل بر یک باب محتوی بر چند فصل فصل اول در ضمادها
بامراض سر و دماغ متعلق هست فصل دوم در ضماد چشم و کله و بینی و گوش فصل سیوم در
ضمادهای سینه و پهلو و ثدی فصل چهارم در ضمادهای قلب و معده و جگر و طحال و
کلیتین و مثانه و رحم و مقعد و قضیب و انثیین فصل پنجم در ضمادهای مفاصل فصل ششم
در ضمادهای جرب و حکه و قروح خبیثه فصل هفتم در ضمادهای ضربه و سقطه فصل اول
در ضمادهای امراض سر ضماد دیگر در سرسام سوداوی صداع بلغمی بیهوشی شیر خشک
و دماغ فائده تمام میکند گل بنفشه گل نیلوفر مغز تخم کدو مغز بادام شیرین مغز تخم هندوانه از هر یک
یکتوله بشیر دختر یا زن بسایند و ضماد نمایند دیگر جهت سرسام صفراوی و [illegible] در صبیان
و امراض حاده آرد جو ده درم گل بنفشه سبوس گندم از هر یک پنجدرم گل خطمی سفید سه درم
کوفته بیخته بآب برگ بید و روغن گل و سرکه سرشته ضماد نمایند بر موضع یافوخ دیگر جهت
سرسام صفراوی که عارض نفس شود بهر دماغ شود تر اشته کدو مغز تخم خیار ورق عنب الثعلب
صندل سفید خشخاش مکی اطراف بید ورق بذر قطونا باریک بسایند بسرکه [illegible] ضماد نمایند
دیگر جهت سرسام اطفال در وقت اختلاط بنفشه دو مثقال عود هندی عود صلیب اسپغول [illegible]
[illegible] واحد دو دانگ [illegible] کوفته بیخته بشیر دختران [illegible] تخم [illegible] و روغن گل

۱۱۴۳

آرد گندم لثیر خر و قدری زعفران اندازند و در شیر دختران یا شیر خر بپزند و بر غرب ضماد
کنند دیگر بالش ممنوع بستن شیر فایده دارد مجرب است ضماد غرب مجرب و اسپکند و آرد
گندم تخم مرو تخم حلبه کوفته در آب پخته قدری خمیر انداخته حل کنند که همچون مرهم شود و بر
ضماد نمایند ضماد دیگر برای غرب مجرب است زعفران مر مکی صبر سقوطری بالسویه با آب
سائیده ضماد کنند از شفاء الاسقام دیگر غرب منفجر را نفع رساند پرسیاوشان را
مضغ نمایند و اگر با سرگین خر ممزوج کنند بهتر باشد و بر غرب ضماد سازند ضماد جهت
اورام و بثور حاره بینی مغز کدوی شیرین مغز تخم هندوانه دم الاخوین سفیداب قلعی
گل ارمنی کوفته بیخته روغن گل داخل کرده در هاون بمالند تا مثل مرهم شود طلا کنند و اگر
مراد تخفیف بثور باشد تخم ها را بریان کنند و توتیای کرمانی داخل نمایند و اگر تدهین
زیاده مطلوب باشد عوض روغن گل شیر گاو بیشتر شند ضماد که وجع گوش که بسبب یبس
در آفتاب یا بسبب هبوب ریاح سمائم بهم رسیده باشد نفع رساند سرکه تند سه درم یا
ده درم حسب زیادتی و کمی حرارت روغن گل گلاب هر یک ده درم برگ بید برگ سیب
برگ خرفه برگ عنب الثعلب همه را کوفته یا با لعاب مذکور چون علت باختلاط آید دوبه
بار ده کم کنند روغن بابونه گل بابونه دفع بد فو بیفزایند دیگر برای اورام گوش را ابرو
باقلی آب کلم آب بیخ مهک بپزند تا سطبر شود اندک روغن گل اضافه کرده بر آن
موضع بنهند ضماد دیگر در ورم بروی گوش مسعود دهد آرد جو باقلی بابونه بنفشه خطمی
اکلیل الملک به روغن بنفشه و آب گرم ضماد نمایند ضماد دیگر در ورم گوش که از آب
رفتن بهم رسیده باشد پوست خشخاش اکلیل الملک بابونه خطمی تخم کتان آرد جو بشیر
زنان سرشته ضماد نمایند ضماد که نافع باشد در اوجاع اول خصوص وقتیکه از سبب
ورم خارجی باشد دقیق الشعیر بابونه اکلیل الملک بنفشه خطمی تخم کتان آرد جو بروغن

بنفشه و آب فاتر ضماد نمایند ضماد دیگر ورم خارج گوش را زایل کند و تحلیل صلابت آن
نماید و تسکین درد بخشد خشخاش سفید مدقوق را با قدری شحم و شراب جدید بپزند یا با
قیروطی معمول از شحم بط بپزند و بعد سحق ساخته ضماد نمایند ضماد و قلاع اذن مجرب است بنفشه تخم
کدوی سوخته بنفشه سفید یا سوخته دم الاخوین سفید اب قلعی گلنار فارسی سوخته توتیای کرمانی
کوفته بیخته به شیر دختر حل کرده در هاون بمالند تا مثل مرهم شود و استعمال نمایند ضماد که در
خناق و ذبحه و سوی العبد فصد بعد تنقیه بکار آید لسان الحمل کاسنی آرد جو بنفشه خطمی
بابونه بنفشه کوفته بیخته به روغن گل چرب کرده حل نمایند بر قفا و گرداگرد حلقوم
ضماد نمایند دیگر جهت خناق گشنیز تازه را قیمه نمایند لیکن در سرکه بپزند تا مهرا شود بر پارچه
گذاشته بر گلو ببندند و اگر برگ عنب الثعلب هم همین دستور عمل نمایند نیز نافع است دیگر
خناق را مجرب است سنگ مقناطیس با سرکه و نمک و روغن گل سحق کرده بمالند ضماد دیگر
بواسیر را مفید است عدس با پوست اکلیل الملک خطمی اندر آب بپزند و بکوبند و بر سیج بیضها
و بینه یا کلیان ضماد سازند و بعد فصد قیفال و چهار رگ و تنقیه به مطبوخ افتیمون و اگر بواسیر
سیاه باشد بر بواسیر شرطه زنند و زلو چسپانند و بعد شراب سرکه بمالند تا خون بند شود و اگر
بواسیر سرخ باشد از شرطه زدن و زلو چسپانیدن پرهیز نمایند و بعد تنقیه عام این ضماد
بر نهند ضماد دیگر جهت تحلیل ماده بارده و ریحیه موضع پستان از بیرون گذاشتن
نفع میکند خسته زردآلو ملح هر دو را با سرکه خمیر کرده بر نفس ضرع نهند فصل سیوم
در ضمادهای سینه و ثدی و پهلو ضماد جهت درد سینه زنان میده خشک کوفته بیخته
سنبل و خشخاش زرده بیضه مرغ زعفران خطمی روغن گل آمیخته ضماد نمایند ضماد دیگر
در ورم حار ثدی و پستان بکار آید باقلا سکنجبین روغن گل و در یم سرشته ضماد نمایند
دیگر برگ عنب الثعلب کوفته به روغن گل چرب کرده ضماد نمایند دیگر شیر بنجهد را ادرار

ادرار بخشند و تسکین تدهی نماید نخاع یعنی حرام مغز را بپزند در شراب و ضماد نمایند دیگر که
شیر را السبب گرمی خشکی منجمد باشد تحلیل کند ماش که آنرا در هندی مونگ گویند و برنج سرخ
که آنرا بهندی سالی نامند بکوبند با آب سائیده اندکی گرم کرده ضماد نمایند ضماد دیگر شیر
پستان زیاده کند تخم بادروج ارد باقلی جو نخاع برنج سه ارا ضماد نمایند دیگر که همین
عمل کند تخم بادروج آرد باقلی دو درم کوفته بیخته با آب بادروج ضماد نمایند ضماد دیگر زنانیکه در
پستان شیر بسته شده متعفن شده باشد بکار آید چقندر بپزند تا مهرا شود و آنرا با مغز نان و آرد
باقلی بکوبند و روغن گل بجه داخل کنند و ضماد نمایند ضماد دیگر ورم پستان را سود دهد اگر
سکنجبین و آب بپزند و بر نهند و اگر ورم صلب باشد لیمو عواری با آب عنب الثعلب و روغن گل
آمیزند و ضماد نمایند ورم بار زندی زیره کوفته بنهند ضماد دیگر مفارقت ندی
کنند و بزرگ شود رفع خشنی سخت و سستی خواستن نه نهند زیره بسایند و به آب بیشند
و ضماد نمایند خرقه لیمو که ترکرده بران گذارند و سینه بند محکم بربندند و تا سه روز
نگشایند پس بگشایند ضماد دیگر تسکین وجع ذات الجنب کند آرد جو اکلیل الملک [؟]
خشخاش کوفته بیخته با آب ضماد نمایند تسکین الم ذات الجنب نماید بنفشه بابونه
گندم آرد گندم تخم کتان همه را در آب بپزند تا مهرا شود پس بعصارند آنرا با
با روغن بنفشه آمیخته بر آتش گذارند تا غلیظ شود پس ضماد نمایند و در بعضی نسخ خطمی آرد
حلبه آرد جو هم افزوده اند ضماد نفث الدم اقاقیا لحیة التیس کندر مازو [؟]
گلنار صافی زعفران صمغ عربی گل ارمنی افیون کوفته بیخته حب با آب بارتنگ
ساخته نگهدارند وقت حاجت با آب بارتنگ سائیده بر سینه ضماد نمایند فصل چهارم
در ضمادهای قلب و معده و جگر و طحال و کلیتین و مثانه و رحم و مقعده و اورام قضیب و
انثیین ضماد و قیروطی حرارت کبد و قلب و معده را تسکین دهد موم سفید [؟]

روغن بنفشه روغن گل هر یک دو وقیه موم با در روغنها بگدازند تا سرد شود لیس در
هاون انداخته بکلابه با آب برگ خرفه و آب بستان افروز و آب گشنیز تر و آب کاسنی سبز
و سرکه انگوری کم کم انداخته تسقیه دهند و بر خرقه کتان مالیده بگذارند ضماد دیگر
دفع ریاح و درد معده کند و درد دور کردن غثیان و تهوع مجرب است مغز نان خمیری
خشکار نعناع سبز هر یک دو توله مصطکی ساییده زعفران یک ماشه زعفران و مصطکی
را ساییده باشند تا مثل مرهم شود لیس بر پارچه کنده نشسته بر معده و فم معده بگذارند
ضماد دیگر اورام حاره معده و کبد و اوجاع آن را نافع است مرمکی زعفران شیاف
مامیثا گل بنفشه هر یک درمی اکلیل الملک بابونه تخم خطمی آرد جو تخم عنب الثعلب هر یک
ده درم کوفته بیخته با آب عنب الثعلب یا آب گشنیز سبز یا آب خالص سرشته ضماد نمایند
ضماد دیگر دبیله معده را بسبز د افسنتین یک جزو بابونه حلبه هر یک دو جزو کوفته با پیه
تازه سرشته گرم کرده ضماد نمایند ضماد جهت ورم صلب معده سعد اذخر قصب الذریره
هر یک ده درم سنبل الطیب هر یک سه درم گل سرخ پنج درم بابونه خطمی آرد جو هر یک هفت
درم بنفشه آرد حلبه هر یک ده درم همه را با لعاب تخم کتان بسرشند و ضماد نمایند در خلوی
معده از طعام ضماد که جهت آماس معده و جگر و سپرز بارد و تحلیل صلابات و ورم
شقیقه مزمن مجرب است زوفا رطب را با پیه اردک و پیه مرغ هر یک ده درم حل کرده
نیم گرم ضماد نمایند ضماد که انضاج اورام صلبه نماید خطمی اکلیل الملک پرسیاوشان
مرداسنگ هر یک نیم وقیه صمغ عربی ازان حلبه تخم کتان حب مقل میویزج ساییده سرگین
کبوتر سرگین خروس اشق کل هر ده درم مرکب صابون عراقی و اگر انجا تفتیح باشد صبر
سقوطری نیز داخل کنند از هر یک یک جزو کوفته بیخته بشیره سفید یا آب سرشته
بر موضع ورم ضماد نمایند ضماد دیگر درد معده و کبد و درد آماسها را سود دهد و نافع

ضماد کنند و بر بیخ ران نهند ضماد زنجی که نقل کرده آنرا ابوطاهر که استعمال میکرد
در جمیع اقسام صلابات تراشه چهار گل نهند و ورق حنای سبز و ورق کاسنی سبز و سقا
کزبره سبز همه را چهار درهم و [illegible] بکوبند و آب آنرا بر دارند و روغن بنفشه و روغن
خالص یار روغن حنا یا از گل گرفته باشند کم کم انداخته بدسته اسرب بسایند که یکی کون
نشود و قدری اسرب علیحده گرفته با آن ضم نمایند و خوب با هم مخلوط کرده که یکذات شود
پس با آن طلا نمایند و خرقه دیگر با بقیه دوا آلوده بر موضع نهند و هر گاه خشک شود دیگر
بار ثانیا و ثالثا خرقه تر شوده بر نهند این ترکیب تحلیل صلابات و جساوت علی الایام
اثری بین دارد و معطوفا باید دانست ضماد در این باب مجرب است عدس در گلاب سرشته
ضماد نمایند ضماد برای حرقه معده و جگر که مرض نزاق بهم رسیده نفعدارد و ورد و کرم معده
دور سازد پوست بیرون پسته سه ماشه زرد و سه ماشه عود هندی سه ماشه صندل
سفید سه ماشه کندر مصطگی طباشیر یک یک ماشه کوفته بیخته بگلاب و روغن گل بقدر ضرورت
سرشته بر معده ضماد نمایند و اگر حرارت بسیار باشد قدری کافور و آب به و آب سیب
شیرین اضافه کنند این نسخه بسیار نافع است ضماد ورم کلیه و رحم را ببرد و اشتعال مقل
علک البطم تخم شبت هر یک سه درم بابونه پنجدرم تخم خطمی آرد باقلا تخم کتان حلبه هر یک
پنجدرم موم [illegible] اردبیشتی و درم صمغ [illegible] با آب [illegible] حل کرده و دیگر ادویه کوفته بیخته سرشته
ضماد نمایند ضماد برای انضاج ورم کلیه شبت بابونه هر یک چهار درم پوست [illegible] حلبه
هر یک پنجدرم تخم خطمی تخم خرفه هر یک دو درم [illegible] را زیانه سرشته ضماد نمایند
ضماد بعد از نضج بکار آید آرد جو خطمی اکلیل الملک حلبه بنفشه شبت با طبیخ انجیر
سرشته و با روغن بنفشه با ورم ضماد نمایند ضماد جهت انفجار اورام سفید است
آرد کرسنه سرگین کبوتر گرد [illegible] ضماد سابق اضافه نمایند ضماد ورم کلیه را [illegible] شود

وزنان از جهت رحم وشکم حمول سازند مقل مصطکی اشق میعه سایله هر یک هشت درم
روغن زعفران دوازده درم موم سه استار زوفای خشک سی درم پیه بط دوازده استار
روغن نار دین بقدر کفایت ضماد دیگر جهت کرم معده نافع است برگ شفتالو نمک شونیز
بابونه با زهره گاو و سرکه بسرشند وضماد نمایند ضماد کرم بکشد تریاق فاروق در طبیخ
درمنه ترکی وقسط تلخ و شکل طرخشقوق حل کرده بر شکم بمالند واگر گلقند اضافه نمایند قوی تر
باشد وبدل تریاق اگر گلقند باشد رواست ضماد دیگر اسهال قوی نماید سهاکنبیله بهو مته
مغز حب الملوک گوئه هر یک یک درم سهاگه در شیر تهور بسایند پس گرد ناف ضماد نمایند ضماد
جاورس در قطع اسهال مجرب است جاورس سه درم آرد جو نیم درم گل سرخ سوده کنند
کعک هر یک دو درم با آب به یا طبیخ او بسرشند وضماد نمایند ضماد جهت اسهال حار و
ذربا التقویت معده وامعا وجگر نافع کافور نیم درم اقاقیا مازو حضض سماق جاورس بود درم
زعفران صندل مصطکی هر یک دو درم گل سرخ شکوفه انگور اگر بهم نرسد شاخ انگور بدل کنند
ضماد واگر مغز بید انجیر را در شیر گاو بسیار سحق کرده ببندند درد قولنج را فرونشاند ضماد
دقیق للمنصور استسقاء زقی واستسقاء که با آن حرارت باشد مفید آرد جو سعد پشکل گوسفند
کهنه بوره ارمنی گل ارمنی مساوی کوفته بیخته بسرکه سرشته ضماد نمایند ضماد سنبل
سوء مزاج بارد وجگر را مفید بود در علل که قرص راوند مستعمل شود بکار آید سنبل مصطکی
قصب الذریره اذخر زعفران سه حبه برابر مصطکی مر را در شراب حل کرده ودیگر ادویه
کوفته بیخته بدان بسرشند وضماد نمایند واغذیه بارده ترک سازند ضماد فولاد چون
جهت زرد آب مفید لادن یک درم ونیم حماما سنبل الطیب قردمانا فلفل سلیخه کندر ذکر
قسط تلخ عاقرقرحا مصطکی مقل ازرق حب بلسان اشق میعه صبر سیساليوس زرآوند
مدحرج زراوند طویل اکلیل الملک سعد قرنفل بیخ سوسن اسمانجونی روغن بلسان هر یک ده درم

علق را از خون خصیه خر خشک نموده بسیار باریک سائیده در شیر میش نیم پاو و شراب [illegible]
نیم پاو و خوب بخت بهم کهرل نمایند بعد از آن بقدر نیم دام سرگین آنکه را سائیده مخلوط نمایند و
بر پارچه ملک گذاشته بر تمام قضیب از بیخ گرفته تا سر حشفه بچسپانند چهار پهر بسته
دارند بعد چهار پهر وا گذارند باز پنی دوم بگیرند همین قسم چند روز مدام بست کنند
منفعت همین می آورد ضماد که در [illegible] را [illegible] و مهر آرد جو سعد کل ارمنی زیره
مور و لسان گوسفند [illegible] بیخ نفته تا آب بیور [illegible] ضماد نمایند اشهیده
که شیخ الرئیس در قانون در علاج ورم حار خصیه آورده بعد فصد باسلیق و صافن و حجامت
ساق و تنقیه نفع بین میکند در زمان ابتدا خرقه را [illegible] و کلاب بعضی از ادویات [illegible]
بارده تر کرده بر موضع ورم بگذارند و در وقت شدت و ضربان لعاب [illegible] عصاره کاهو
و ورق خشخاش نیز مفید آید چون شروع در ازدیاد کند آب عنب الثعلب سبز و آب کدو
و آب به تازه و آب کاسنی سبز و آرد باقلی و روغن گل و قدری قلیل زعفران ضماد نمایند
و برگ تازه آرد باقلی و بنفشه گرفته پخته ضماد ساختن نفع میکند در زمان انتها
و در وقت تحلیل بسیت به بابونه و اکلیل الملک و زیره کرمانی و زرده بیضه و روغن گل لعاب
تخم کتان و ورق کرنب و حلبه با ماء العسل حلوا ساخته ضماد سازند و اگر ماده میل [illegible]
کنند و ورم صلب شود و از ابتدا نموده باشد منضجات از قسم باقلی بابونه و خطمی تخم کتان
استعمال نمایند و بیخ خطمی و آرد جو تخم کتان و همچنین آرد جو با شهد و کندر و ورق کرنب
با آرد جو [illegible] و روغن گل نیز نافع است و در وقت تحلیل ضماد کردن [illegible]
[illegible] ضمادها دیگر محلل [illegible] ورم حار و بارد و در انتها فایده بسیار میکند
روغن [illegible] کل [illegible] از هر واحد پنج جزو زیره کرمانی سرگین [illegible] از هر واحد
[illegible] جزو زیره را با سرگین بکوبند و [illegible] را در روغن یکجا آمیخته [illegible] اجزا را [illegible]

مخلوط نموده بر خرقه گذاشته بر موضع بگذارند و صوف بدان بندند دیگر که در ورم بارد مفید است
آرد حنطه غیر منخول زیره اکلیل الملک بابونه حلبه مقل شحم روغن خیری یا زردی بیضه مخلوط ساخته
ضماد نمایند بالایش جلغجبین آنکه گرم جوشانند و قند به یا بار الحمض نمایند دیگر بورم صلب مجرب است
سبوس گندم بگیرند و خوب بکوبند تا باریک کوفته شود و در پارچه گذرانیده با شیر یا اصیل
در سکنجبین عسلی سرشته بر موضع ببندند دیگر خاکستر خرما دو جزو خطمی یک جزو کوفته
بیخته با شهد یا سکنجبین آمیخته ضماد نمایند ضماد و سنوبره آرد باقلا آرد انار ترش کوست
بیضه مرغ بالسویه دواها را بیخته و پوست بیضه بسایند با آن سرشته ضماد نمایند ضماد و
سنوبره شیخ گفته که کاهیکه از کثرت لکا یا بسبب فتق سنوبره گخشی حادث شود ولیس امر
کرده میشود لیکن ناخواه دستش آن سفیدی بیضه و جوش داده مالیدن خرقه
کتان گذاشتن بر آن موضع یا ترکرده شود خرقه بآب ترمس و بسته شود بران و قوتیر از
اینها گذاشتن قوابض مثل مروخته جوز السرو و پوست سرو و اقاقیا است ضماد
که رسولی را از بیخ بر کند بسیار مجرب است چونه سفید در پنجال گنجشک همه برابر کوفته لعاب بون قدر کفا
صلایه کرده بر بیخ رسولی بمالند و بالایش چهار داغ کنند هرگاه اواده دفع شود موضع
را بروغن گاو تر کنند و بالای آن برگ چنبل خورد که نرم باشد ببندند ازین ترکیب
منافع مشاهده شده بالقطع و دیگر استعمال احتیاج نیفتاده ضماد دیگر انقباضی چهار رگ
و ورم پستان مجرب است هم بشکافد و هم شکافته مندمل سازد نخود نیم کوفته خیره
بابونه بلدی ... هر یک یک جزو گوگل دو جزو قند سیاه دو چند همه اجزا ادویه را کوفته
بیخته بیامیزند و خوب مخروج نموده گرم گرم ببندند ضماد و هم مجرب است گنج را ازیا
بیخته با گشنیز بسیار رقیق سرشته با هم مخلوط کرده مکرر ضماد نمایند ضماد دیگر که آماس
سخت را تحلیل دهد در اسرع اوقات اند جو کوفته با آب گشنیز تر خوب بسایند تا لعابها

کاه خشک ساییده آنقدر که غلیظ سازد اضافه کرده نیم گرم استعمال نمایند و آب سرگین با روغن
زیت بنفشه نافع است و نهادن سرگین تازه گرم با سرکه جهت درد زانو و ورم مفید ضماد
درد اعضا که بسبب باد و بلغم بود مجرب و جید که از مجربات است زنجبیل یک درم فلفل دو درم
قاقله و نوشادر هر یک سه درم موم زرد پنج درم سورنجان یازده درم روغن گردکان بیست درم
ضماد وجع رکبه بارد قلی را بجوشانند و بکوبند و بر روغن گرم آمیخته بکار برند ضماد جهت
درد زانو و ورم کشنیز دو جزو و آرد جو یک جزو با سرکه و روغن زیت ضماد نمایند ضماد که نقرس
گرم را نافع است بزرقطونا در سرکه پخته ضماد نمایند دیگر استخوان سوخته سورنجان عدس خشخاش
تخم کاهو مساوی ضماد که بغایت مجرب است مرزنگوش گل خطمی آرد جو سورنجان
بالسویه با زرده تخم مرغ در روغن گل ضماد نمایند و اگر قدری زعفران و افیون اضافه نمایند
قوی‌تر باشد ضماد که مفاصل و نقرس را در آخر مجرب است رفع مواد باقیه نماید صبر زرد
زعفران مرصافی بالسویه با آب کلم و اگر حرارت زیاده بود آب ضماد که در اول عرق النسا
و وجع ورک بکار برند کرنب نبطی پخته کوفته بیخته با زرده تخم مرغ و اندکی زعفران سرشته
بکار برند **فصل هشتم** در ضمادهای جرب و حکه و قروح خبیثه ضماد دیگر جهت خارش
بدن مجرب است مرداسنگ یکتوله سیماب چهار ماشه آب شاهترم چهار توله روغن ماده گاو
گلاب از هر یک چهار توله روغن را در آب شیرین بیست و چهار بار بشویند پس دواها آمیخته مثل
مرهم ساخته نگهدارند وقت حاجت بکار برند ضماد جهت جرب و حکه مجرب است سنا مکی
هلیله زرد مرداسنگ سفید قلعی بالسویه بروغن گل و روغن بنفشه بر نهند ضماد که برای
خارش خشک مجرب است هر گاه مکرر بمالند گل ارمنی یکدام کافور زعفران هر یک دو جزو باشد
روغن بادام دو توله با سرکه و آب گل کافته جوشیده ساییده بمالند ضماد برای خارش
آرد عدس گل منوره با سرکه و روغن گل سرخ ساییده بمالند ضماد خیارزه و ساییده ام

مجربات الاکبریه فصل هفتم در ضمادهای ضربه و سقطه ضماد ضربه و سقطه که بعد از فصد
بکار آید سپیده چوب گل ارمنی زرد چوب دیودار گل خطمی آرد مونگ حنا ریوند خطائی از هر یک
دو دو توله کوفته بیخته با آب و روغن کنجد خالص بپزند هرگاه مانند حلوا شود بدان تکمید
کنند و به بندند ضماد جهت ضربه و سقطه زرد چوب دار هلد سپیده چوب از هر یک یکدام سپیده
کندر سه دام سجی یکپاشه روغن کنجد چهار دام بسنجه یکسیر کرده به بندند و این ضماد در آماس
درد ضربه که کهنه شده باشند بسیار نفع میکند ضماد مخصوص کولی بالون هیچ ترکی دار هلد
فود سیبهی باهنگ سول لشت کوفته بیخته حبها بقدر بندق بسازند و یک صبح و یک حب شام قبل از
طعام بخورند و دو حب را با آب ساییده گرم کرده طلا نمایند ضماد جهت ضربه و سقطه که بر سر
واقع شود و طین ارمنی صبر سقوطری چهار درم ارد مغاث برگ مورد گل سرخ ده ده درم گل بابونه
قصب الذریره از هر یک دو درم کوفته بیخته با آب برگ سدر سرشته ضماد نمایند ضماد جهت
ضربه و سقطه صبر سقوطری مصطگی کندر مرمکی از هر یک یک درم صابون ... یا صابون را در
شراب دو آتشه بپزند تا مانند مرهم شود پس دواها اندر آمیخته ضماد نمایند ضماد مجرب جهت
ضربه و سقطه و تسکین درد و ورم از محمد زکریا رازی اقاقیا مغاث صبر گل ارمنی حساء دیا
کوفته بیخته با آب برگ مورد تازه و مرغ خانگی بیالایند و ضماد نمایند ضماد برای ورم
سفیده بیضه بیست درم لادن ده درم زعفران سه درم گل ارمنی دو دو درم با آب برگ مورد سبز
کوفته بیخته بعسل سرشته ضماد نمایند ضماد دیگر پیکان و سمل را زود بر آرد ماهی چنگیره
پخته بر زخم پیکان بندند تا بآسانی پیکان برون آرد حرف الطا مشتمل بر دو باب باب اول
در طلاها محتوی بر پنج فصل فصل اول در طلیه که با مراض سر و دماغ مفید است فصل دویم در طلیه
امراض چشم و گوش و بینی فصل سیوم در طلیه دیگر اعضا خاصه چون سینه و جگر و طحال و
ثدی و رحم و خصیه و انثیین و قضیب تعلق دارد فصل چهارم در طلیه باه فصل پنجم در

خشک بریان کرده کوبیده با روغن گل سرخ و سرکه سرشته بر سر و پیشانی بمالند طلا
پوست خشخاش شیاف مامیثا هر یک دو درم صندل سرخ هر یک دو مثقال نیلوفر بنفشه
تخم کاهو هر یک سه درم کوفته بیخته با آب برگ کاهو سرشته بر پیشانی و صدغین طلا نمایند
طلا که خواب آرد صندل سرخ یا سفید دو مثقال پوست خشخاش سه درم برگ
نیلوفر تخم کاهو از هر یک پنج درم کوفته بیخته با آب کاهو بر پیشانی و بناگوش طلا نمایند
طلا در منع سیلان نزلات بسیار مجرب مرمکی صبر سقوطری حضض مکی صمغ عربی نشاسته
سماق رامک کثیرا گلنار دم الاخوین فوفل شیاف مامیثا هر یک یک درم افیون پنج درم
زعفران دو دانگ کوفته بیخته با آب برگ مورد و سبز سرشته اقراص سازند و بوقت حاجت
با آب برگ مورد سبز سرشته بر روی کاغذ که سوزن بسیار بران زده باشند بر هر یک از صدغین
قدری از آن دو قطعه بر یافوخ بچسپانند طلا که سام ضربی و سقطی را نافع است بنفشه بابونه
کوفته بیخته و دقیق شعیر و روغن گل و سرکه مخلوط کرده بمالند و اگر حرارت باشد سرکه نه اندازند
طلا که لیثرغس را نافع سوی آدمی بسوزند و باریک بسایند و با سرکه آمیزند و بر پیشانی
طلا نمایند اضلاد غلیظ مرفع نماید طلا جهت لیثرغس جند بیدستر دو درم بورق ارمنی
خردل هر یکی سه درم عاقرقرحا مویزج هر یکی چهار درم باریک سائیده با آب بادام
و آب مرزنجوش و قدری خل خمر یا خل عنصل طلا نمایند طلا بجهت سکته را نافع است
خردل جند بیدستر کوفته بیخته با سرکه کهنه سرشته بر سر محلوق مسکوت طلا کنند طلا که لقوه
را سود دهد زعفران دو دانگ صبر حضض هر یکی یک درم مکلا سبط طلا نمایند طلا
عاقرقرحا مویزج باریک کوفته با سرکه و آب لوبیه حل ساخته بمالند فصل دوم
از باب اول در اطلیه امراض چشم و گوش و بینی مجرب بوده بهتر گی مردار سنگ
زیره سیاه دو دو ماشه پلدی کوکنار دو دو ماشه افیون نیلا تهوتهه هر واحد برابر

تلخہ ماہی و ہو فلفل دراز یکی کردہ با روغن گاؤ ہمچنین گوشت معمولہ طلا منزل المنی مجرب
صاحب کہ بادآور دمیدہ سا یکیزاک متعارف مساوی کوفتہ بیختہ باہم ممزوج کردہ بقدر پنج
درم بمالند طلا در ایلناب مجرب دانہ الایچی خورد ماہا کہ قرنفل عاقرقرحا کافور ہر یک
دو ماشہ شہد خالص بقدر کفایت حب نمایند و با شہد سودہ طلا نمایند طلا مجرب زعفران
چہار سرخ جوز بوا دو سرخ خصیہ ہر سہ سرخ ہمہ را سحق بلیغ نمودہ نگہدارند قبل از دو گھڑی
در روغن چمیلی ساختہ طلا نمایند و بعد از سہ چہار گھڑی سر حشفہ را از آب گرم کردہ قضیب را پاک نمایند
مشغول شوند

فصل چہارم

در اطلیہ باہیہ طلا و باہیہ موسیح عاقرقرحا لونگ ہمہ
ماشہ قرنفل سیر ہوفی دارچینی بسباسہ بیخ ات بغدادی دو دو ماشہ جوز بوا زردی نرگس چہار
چہار ماشہ مشک نافہ عنبر اشہب یکماشہ قسط شیرین دو ماشہ راسن بیل ہمہ ماشہ ماند
مرہم ساختہ طلا نمایند طلا مقوی منفوظ شدید آب پیاز عنصل آب پیاز نرگس ہفت ہفت درم
روغن زیتون بست و ہفت مثقال ہمہ را بجوشانند تا روغن بماند صاف نمودہ زہرہ گنجشک نر
خانگی یکمثقال تخم انجرہ یکمثقال عاقرقرحا یکمثقال عنبر اشہب نیم مثقال ہمہ را در روغن مذکور
حل نمایند و طلا سازند طلا جہت باریکی عقیب کرنجوہ وقت جوز بوا بسباسہ قشنہ ہر یک
چہار ماشہ چرک گوش آدمی یک درم چربی خصیہ خوک نیم پاؤ ہمہ را در شراب دو آتشہ بسایند
چنانچہ یک سیر شراب جذب شود طلا نمایند چون بر قضیب طلا کنند و با عورتی مشغول شود مرد
دیگر بر وی قادر نتواند شد خراطین سیر ہوفی مساوی الوزن با آب سودہ طلا نمایند طلا در
معظم دخنہ ذکر زلو چند در نارجیل کہ آب نہ در آن موجود بود اندازند و در جای محفوظ باشند
اندازند تا تمام خشک شود و زلو تیس پس سیر آن برآرند و باریک ساختہ طلا نمایند طلا در سطبر
کردن قضیب بیخ چیر پاپی و اگر در نارجیل آب نباشد قدری شیر اندازند و بر قضیب بمالند تا سرخ
شود و پس شیر پنبہ کہ گندہ و بوی بد بشدہ باشد بمالند نفع دہد و چند روز بعمل آرند عظیم تمام

آورده‌اند که لامع ایم و بعد از و لک روغن مالیدن تا آنکه منجذب شده باشند تحلیل برد و به آب
گرم تحلیل نمودن و وقت طلا کردن معظم است و هر روز مالیدن بخرقه خشن و آب گرم ریختن و
بعد از آن سوم روغن مالیدن مفید است و مغز خربزه و روغن کنجد جوشانیده طلا کردن طلا منفعة
و ملین ذو عسل زهره خرگوش سفید هر دو مساوی دارچینی کبابه عاقرقرحا سونیج هر یک
نیم درم مشک قدری کوفته بیخته با عسل معجون سازند و وقت حاجت بلعاب بهی تر
کرده طلا کنند طلا مجرب پارچه باقلی سفید را در شیر اکبه هفت بار تسقیه کرده خشک کنند
و در شیر بقر هفت مرتبه و در درخت یاسمن حقیر کرده چهل روز نگهدارند و روغن بادام چرب
کرده بعمل آرند فصل پنجم در اطلیه امراض عامه جلدیه چون سعفه و کلف و بهق و برص
وغیره طلا ارمنی جهت هر قسم سعفه و قروح و بثرات سر خصوص سر اطفال مجرب سرکه وغیره
است کهنه کمیله کبیر و مثله هیته شوره قلمی هر یک یک جزو مرداسنگ فلفل هر یک دو جزو
برگ حنا چهار جزو کوفته بیخته به روغن تلخ داغ کرده بمالند طلا که اطفال را انفع دهد زرد
چوبه حنا زراوند طویل مرداسنگ پوست انار بسرکه و روغن گل طلا نمایند طلا محمد ذکریا
گوید که سعفه را نه از بیخ و اذ آمی پوست سفال تنور سوخته یک جزو نمک نیم جزو نرم بسا بیده
با سرکه سائیده طلا کنند طلا دیگر مرداسنگ توتیا پوست انار ترنج حنا بازور و نامعا
روغن گل هر یک مثقال سرکه کهنه یک ملعقه طلا جهت سعفه رطب که بر روی کودکان
بهم رسد کافور طسوجی گلنار زرد چوبه هر یک درمی گل سرخ هر یک ده درم سفیده آب قلعی
سه درم کوفته بیخته دو درم و نیم موم در ده درم روغن گل بگدازند و ادویه کوفته بیخته
بیامیزند و طلا نمایند طلا بیگه قروح راس اطفال را نافع است و مجرب جند بیدستر صقل مرداسنگ
مغز بادام تلخ اسفیداب قلعی هر واحد سه مثقال کوفته بیخته با قدری سرکه و روغن گل
درهم ساخته استعمال نمایند طلا قروح رطبه که در سر و روی اطفال بهم رسیده باشد خرف لینا

بستانی سوخته نرم کنند و با زیت و آب کنند تا سرشته طلا کنند جهت داء الثعلب مجرب
آمله را با آب بسیار خوب بسایند و طلا نمایند طلا زرنیخ که در درشت آنچه سیاه باشد در روغن کنجد
سوخته و سائیده طلا نمایند عجیب است طلا انشقاق اطراف چینه بر یکدیگر ازند و قدری بازرد
مثل سرمه سائیده با آن ممزوج کنند و انشقاق بر کنند طلا مرداسنج بورم گرم عجیب
نافع است حنا بازو برابر سیر که در آب سرد سائیده ضماد نمایند فی النقرس تسکین می دهد
عجیب است طلا مر قمل کنار ریش هم مفید است موینرج زرنیخ سرخ زراوند طویل هر یک یک جزو
در روغن زیت سرشته بر اعضا طلا کنند و بعد از یک ساعت در حمام عرق کنند و بشویند
طلا نمک به امراض [illegible] نافع است صبر [illegible] اقاقیا مرمکی عصاره لحیۃ التیس شبت
مساوی کوفته بیخته با سرکه کهنه سرشته طلا نمایند و بالای این عصابه بندند و دو ساعت
از عقب بشروع کنند طلا جهت دفع مفاصل و ورم و درد زانو مجرب است گل ارمنی
تخم کاهو هر یک ده درم شیاف مامیثا پوست ریشه سی صندل سفید صندل سرخ
هر یک یک درم اکلیل الملک گل خطمی گل سرخ هر یک پنج درم آرد جو ده درم کوفته بیخته
با گلاب یا آب کشنیز سبز یا آب عنب الثعلب سبز سرشته طلا کنند طلا در تقویت عضو و تسکین وجع
مفاصل عجیب الفعل است استخوان سوخته که سفید شده باشد سفیداج [illegible] هر یک یک
جزو [illegible] دو جزو کافور [illegible] اندکی گلاب سرشته طلا نمایند طلا جهت وجع
مفاصل حار و وجع رکبه مجرب است شیاف مامیثا گل ارمنی صندلین هر یک دو [illegible] اکلیل الملک
بابونه بنفشه هر یک [illegible] ماشه آرد جو تخم کاهو پوست ریشه سی حضض مکی هر یک یک توله کوفته
بیخته با آب کشنیز سبز و آب کاسنی سبز سرشته طلا نمایند طلا جهت نقرس حار مفید
صبر اقاقیا حضض مکی صندل سفید صندل سرخ شیاف مامیثا گل ارمنی هر یک [illegible]
کوفته بیخته با آب عنب الثعلب سبز سرشته طلا نمایند طلا جهت تسکین الم قوی نافع [illegible]

صندل سرخ صندل سفید گل سرخ فوفل شیاف مامیثا پوست بیخ هندی افیون بیخ لفاح مساوی کا
کوفته بیخته با آب گشنیز سبز و مکوی سبز و گلاب و قدری سرکه طلا نمایند طلا صندلین شیاف مامیثا
پوست بیخ هندی حضض گل سفید اب قلعی تخم کاسنی طباشیر سفید هر واحد یکتوله چهار ماشه کوفته
بیخته با آب برگ گشنیز تر بصورت ترو ساخته نگهدارند طلا تسکین وجع بلیغ مغز نان سپید افیون
بالسویه بشیر گاو طلا نمایند وچون نیمگرم شود تبدیل نمایند طلا تسکین وجع نقرس کنند
ولسپایه سفید پوست افیون بازرده بیضه بریان سرشته طلا نمایند طلا نقرس مرکب
سودمند است لعاب تخم خطمی تخم کتان تخم مرو آرد جو سبوس گندم روغن گل زرده بیضه مرغ طلا که
در تحلیل ورم و سوسی ابتدا آن کنند صندل سرخ زعفران بالسویه با آب گشنیز سبز طلا نمایند
طلا با ابتدا اول شیاف مامیثا حضض با آب کاسنی سبز طلا نمایند سبوس گندم گل خطمی بابونه
در گلاب طلا نمایند طلا مفجر ورما میل وجرب جید بل که تفجر سریع التاثیر است و کار بشیر [illegible]
آهک آب ندیده پوست درخت ذات الذنب که بهندی [illegible] گویند سوخته خاکستر کرده هر دو
مساوی با آب ساییده بر دمل بسوزنی که واشد دون خواهند بگذارند طلا که اورام [illegible]
که در ایام برسات بسبب رطوبت ظاهر شود و مده بدیده [illegible] نفع دارد [illegible]
وخاکستر نموده چونه گلی هر دو مساوی باریک ساخته در روغن نیمگرم حل نمایند و بر آن
نهاده استعمال نمایند طلا بثور گاکنج آرد جو مساوی با آب گشنیز تر و سرکه و آب کدو تر
آمیخته بر بدن طلا نمایند طلا که بکند کی بغل مجرب است شب یاتی یک جزو مرداسنگ
چهار جزو نرم ساییده با آب برگ شفتالو مخلوط نموده در بغل مالند طلا مجرب است
سنگ ابرسنگ صلایه نموده بسرکه ساییده مالند و خرما را با آب ساییده مالیدن بغل هم
مفید سریع النفع و همچنین عفونتها که در مابین انگشتهای پا و دست بهم رسد نافع است
طلا تازه سبز صندل سفید آرد جو برابر کوفته بیخته با سرکه و گلاب طلا نمایند طلا که

اول انگار آید چنانکه سنگ آسیا چنانکه آهن سرکه یا گشنیز تر یا عصاره کاهو سائیده طلا
نمایند طلا ثوثول اشنان فارسی زنگار سوخته تخم حنظل بوره نوشادر اشخار زرنیخ نوره با آب
نارسیده هر یک جزو مساوی کوفته با آب صابون سرشته طلا نمایند طلا بخور راسو دود هوا نیز روت
نوشادر زنگار با آب صابون سرشته طلا نمایند طلا جهت قوبا بابچی دو توله تخم پنواڑ سه توله
کوفته بیخته با آب لیمو سرشته بر موضع قوبا طلا نمایند طلا جهت قوبا مجرب و بی نظیر است سهاگه بریان
فلفل سیاه پوست بیخ تھوهر که بوتی هندیست هر چهار برابر در آب لیمون سحق بلیغ نموده بر موضع
قوبا طلا نمایند در سه روز مستاصل میکند مجرب یکمثقال عود هندی طلا تخم پنواڑ سنا مکی آمله
با آتش لطیف صندل سائیده هر یک یکتوله برگ کاهه سه عدد مجموع را در میان دوغ ترش خیسانیده
در آفتاب یکروز بدارند بر موضع داد طلا کرده بگذارند تا خشک شود و برآید باز طلا نمایند
تا سه بار پس بشویند طلا جهت کج و داد معمول و مجرب بابچی [illegible] کوبیده تخم پنواڑ
کوفته بیخته با دوغ ترش سرشته لگا برند طلا مجرب بجهت قوبا سهاگه کف دریا [illegible]
[illegible] هر یک یکماشه با آب لیمو کاغذی سائیده طلا نمایند هر روز سه چهار نوبت طلا
مجرب جهت حکه و جرب و قوبا و اکوته کمیلا مرداسنگ چهار چهار دام [illegible] سرشته
یکدام کوفته بیخته با آب برگ پان کهیرل نمایند تا همچون مرهم شود بمالند بنده در این نسخه برگ
حنا و کهته افزوده بعمل آورد بسیار مفید دیده علی الخصوص که روغن حنا هم با آن ضم نموده
شود طلا حکه برای خارش نافع و مجرب بهشت کل [illegible] کافور دو ماشه زعفران گل [illegible]
سرکه دو دو توله روغن بادام چهار توله بدستور سرشته طلا نمایند طلا برای خارش با تشنج
چهار توله آرد جو دو توله آرد جو از شب با ماست ممزوج کرده صبح در حمام بمالند و بعد از دو گهڑی
طلا نمایند طلا جهت حکه و گرمی خصیه که ماده صفرا و بلغم مالح باشد برگ حنا نشاسته گل خطمی
صبر کوفته بیخته لیمو انگوری سرشته در روغن گل آمیخته تا مثل مرهم ساخته بمالند و بحمام روند

طلا دیگر جرب نشود را نافع است بادام تلخ بوره ارمنی تخم ترب بکوبند و بلعاب حلبه آمیخته لیموی بکمید آزار
گرم یا لیموی خروج از حمام طلا نمایند کان اثر خون کبودی که از خون مرده پدید آید بسبب ضربه و سقطه
رنزار ایل کند نطرون تخم بکوبند و لیموی که چند طلا کنند و مالیدن آن کمو قمع بعلک الانباط و نشستن حنظل و زن
اثر کبودی بکلی ببرد و طلا پوست بار کار بر اطراف ناخن بیرون خیز وسمو و دوبهر مصطکی سه درم
نمک دو درم مصطکی را در روغن بیامیزند و نمک حل کرده طلا نمایند طلا دیگر سوختگی آتش
را نفع دهد پوست ارزن کوفته بیخته در کفچه آهنی اندازند آب بر سر آن نمایند بر آتش نهند
و بجوشانند تا غلیظ شود و سرد شود و در هاون افکنند و زرده بیضه مرغ بگیرد و با وی بیامیزند
و چندان سحق نمایند که مثل مرهم شود و بر سوختگی طلا نمایند طلا دیگر جهت آبله و سپیدیکه
که از سوختگی بهم رسد بگیرند عدس مقشر گل سرخ چندانکه خواهند عدس را پخته با گل سرخ و سرکه
خوب بسایند و طلا نمایند و خرقه کتان را به سرد تر کرده بر یخ سرد ساخته بر آن افکنند و
اگر سفیده مرغ را با روغن طلا کنند نافع باشد طلا برای کلف یخ منقه یعنی سفید نیم باو
حسن یوسف مغز تخم ترب انزروت سفید مغز تخم خربزه کرفس تخم خیار مروارید رشکوک هر یک
سه درم گل خطمی یک باو کف دریا نیم باو فوفل دانه یکدام خیر لوا یکدام طلا برای کلف
ایسا یکجز دخربق سفید دو جزو مرم کوبیده شب بر وی بمالند و صبح بآبی که بابونه و منقه
دران جوش داده باشند بشویند طلا خربق سیاه با بازو یا سرکه بیامیزند و طلا نمایند طلا می
الطلبه کلف ریوند چینی کوفته بیخته با عسل سرشته بر وجه و انا کلف طلا نمایند خون جرگوش
تازه گرم گرم برای کلف از مجربات است فلفل و بوره کوفته باریک بیخته با آب تره تازه
آمیخته طلا نمایند سفیده است خرء العصافیر و دقیق الشعیر بالسویه یدق و یعجن بمار عنب الثعلب
و یجفف فی الظل و یداف وقت الحاجة بالمار و یطلی و صاحبه محمود فی ثآلیل الکلف یدا بسا
بجعل بگیرند سفیده بیضه مرغ و در سرکه بگدازند تا که نرم شود و بعد از آن صبح الفستر بکوبند و ا

و بر نجاست و نجکیث در وقت خواب بریزند طرد عقرب اگر پوست ترب را بر عقرب نهند بمیرد و
آب ترب یا آب برگ آن بر کژدم پاشند بمیرد و باد ریح و آب او همچنین و آب دهان روزه دار که
مزاج او گرم بود کژدم را بکشد فصل دویم در طرد دات کیکان لشته از سبوس و ارضه و سور حکان
و غیره طرد کیک اگر حنظل در آب تر کنند و آب در جامه بر کشند کیکان بمیرند یا بگریزند و طبیخ
علیق همچنین بود و اگر خون بز کنده در زمین کنند کیکان آنجا جمع شوند و اگر سپید چیا پشت بر
چوبی طلا کنند کیکان بر آن چوب جمع شوند و از بوی گوگرد و برگ خر زهره بگریزند و بمیرند
و گیاهی است آنرا کیکوسه از شخشمه بر ریحت گویند اندر حوالی آتش نهند کیکان گرد بگریزند
و بمیرند طرد پشه سه تا بهر دو آتش نهند از دخان آن ارضه بگریزند طرد پشه پوست صنو
تقلقه لیبیغ نیز بیک بسوزد و شلغ گوزن گوگرد و مقل سرگین گاو بسوزند و اگر طبیخ ها از اسپید
یا طبیخ افسنتین یا طبیخ سداب یا طبیخ ترمس در خانه پاشند پشه بگریزد و طرد زنبور زرنیخ در سپید افکنند
و نهند مگسان اندر وی بمیرند و از دود کردن زرنیخ و دود کردن کندر هم بمیرند و اندر
طبیخ خربق سیاه بمیرند طرد موش چکان بر سر سوراخ وی تفا طلیس نهند بگریزند و
قطران همچنین و اگر زهره گاو در خانه او بریزند یا زفت یا انگوزه اندازند بگریزد و اگر موش چهار
دود کنند دیگران بگریزند فصل سیوم در طرد موشان و موشک طرد موشان بیخ سنگ از
خربق موشان را بکشد و بزر البنج و بنج کرنب دریا و موش که حجر الغار گویند و سنگ خبث الحدید و
زعفران همه موشان را بکشد و گویند موش را خصی کنند یا دنبال او ببرند یا پوست
باز کنند و رها کنند موشان بگریزند طرد راسو از بوی سداب بگریزند حرف العین
مشتمل بر دو باب باب اول در عرق ها منتشی گوشتی و غیر گوشتی فصل اول در عرق های غیر منتشر
که با عضوها مانند معده و جگر و مثانه و غیره تعلق دارد فصل دویم در عرقها که با آنها مناسبت
دارد باب دویم در عطاسات مشتمل بر دو فصل فصل اول در ذکر عطاس و امراض دماغ فصل

فصل دویم در عطوساتیکه بامراض چشم و بینی و کام فایده دارد فصل اول از باب اول
در عرقهای گوشتی و غیر گوشتی عرق زردک مقوی باه و دل و دماغ و دافع خفقان
زردک پاک کرده شکر سفید هر یک ده سیر گوشت گنجشک نر سه سیر بهمن سفید عرق بید مشک
هر یک دو سیر صندل سفید پاؤ سیر جوز بوا بسباسه هر یک دو نیم توله عنبر اشهب یکتوله زردک
را ریزه کرده با اجزای دیگر در عرق بید مشک و ده سیر شراب خالص شبانه روز بخیسانند و در
هوای خوش نگهدارند پس در دیگ انداخته بقدری که گداخته گشتند و یک پیاله شیر خوری با نبات و
تخم بالنگو بخورند عرق مقوی باه آب زردک بست من در خم کنند و پنج من قند سیاه اگر کهنه
در اخگر کرده دو سیر پوست مغیلان پنج سیر گل دهانکی افزایند و چون بجوش آید بقطر کشند
عرق چوب چینی از حکیم علی زرنباد رازیانه هر یک نیم پاؤ قسط شیرین شش توله پنج هفت
توله چوب چینی پنج آثار پوست بیخ مغیلان ده آثار سعد هندی دارچینی سنبل الطیب
از هر یک پاؤ سیر اجوائن خصیة الثعلب قرنفل از هر یک هفت توله خروس که پر هیچ یا زرد
داشته باشد یکقطعه همه ادویه را نیمکوب کرده خروس را از [illegible] ذبح کرده
و پاک نموده با ادویه و عسل عسلی ده آثار ممزوج کرده در خم اندازند و آب گرم بالای
آنقدر بریزند که ده انگشت بالای ادویه باشد سر ظرف را واکرده بهم زنند و از دست
بمالند و بعد از آن نبات اعلی پنج سیر جوز بوا بسباسه هر یک پاؤ سیر ورق [illegible] رشته
کرده از دست مالیده یکجا آثار ممزوج سازند و باز سر ظرف را بگل بگیرند و بسرگین اسپ
دفن کنند روز دویم ادویه را با خروس و آب در عرق در اخگر ده تا آتش ملایم کشند و پاره
از مشک و عنبر خشخاش و زعفران بگلاب صلایه کرده در دهن نیچه بپیچند و در ظرف
چینی یا نقره نگهدارند چرا که شیشه خواهد ترقید و بعد از سه روز ناشتا تناول نمایند
قدر شربت سه توله از نمک و ترشی و جماع پرهیز نمایند تا چهل و یک روز بخورند عرق چند ر

تفریح و نشاط آورد و مقوی باه است کندر ستره شیده استخوان دور کرده ده سیر تمر هندی در آب
بجوشانند تا مضمحل شود و لیکن مالند و شش من شیر بز قند سیاه و یکمن و نیم پوست درخت مغیلان
چکیده بیست مثقال پوست بلیله کابلی دو زخم کرده در سرکه انداخته قرص کنند و یکدارند تا بجوشد
پس صندل سفید عود گل سرخ دارچینی گل گاوزبان پوست ترنج هر یک بیست و پنج مثقال
داخل کرده عرق کشند مرتبه دوم در آن عرق سعد کوفی ساقه هندی و چوب چینی هر یک
سی و هفت مثقال زنجبیل کندر هر یک نود و دو مثقال داخل کرده عرق کشند و در سیوم مرتبه
مشک خالص زعفران هر یک یک مثقال عنبر اشهب دو مثقال و نیم پرده بان خمیره بندند
عرق چوب چینی قوت باه بیفزاید و مقوی بدن است و هاضمه قوی کند و حرارت غریزی
برافروزد و در امراض بسیار جهت استعمال نمایند و در امراض بلغمی و امراض مفاصل نافع است
چوب چینی سوهان کرده نیم من شیر بز دارچینی یکمن شیر بز [illegible] باکلاب و عرق بید مشک
عرق کشند و در امراض جهار چوب چینی بر اساس و [illegible] کمتر از آن بکشند و در شفا [illegible] اگر
مزاج گرم باشد وقت اکل از غذای اقدر دو فنجان گرم کرده بعضی اوقات با شیاف
سفید بقدر پنج مثقال شیرین کرده بنوشند عرق مشتهی [illegible] که از کثرت آن [illegible]
بسیار می وانداندک آن منفعت بسیار میشود منقول از بیاض میر امام الدین محمد
الیتان سرخ موصلی سیاه موصلی سفید ستاور مکهانه برگ گاوزبان [illegible] از هر یک
پاو سیر تخم بالنکو صندل سرخ [illegible] از هر یک نیم پاو تخم شلغم پاو سیر حب الصلب چهار توله
تخم کدو پاو سیر سنبل الطیب پاو سیر خارخسک چهار توله پوست املیه زرد و پوست بلیله کا
پوست بلیله هر یک نیم اثار سعد کوفی [illegible] هر یک نیم پاو آمله [illegible] نیم سیر برگ [illegible]
پاو سیر همه را جوکوب نموده با قند سیاه چهار [illegible] آب زردک [illegible] چهار پاره و
آب خالص در ظرف گلی انداخته تا وقتیکه بجوشد و دو و آن [illegible] بسته [illegible]

دو توله بهمنین شقاقل خولنجان دارچینی هر یک پنج توله ثعلب مصری ده توله ابریشم خام پاو سیر
گل گاوزبان نیم سیر گل سرخ یک سیر زردک پنج سیر ادویه نیمکوفته زردک ورق کرده همه را
در خلط نموده عرق کشند در وقت عرق کشیدن یک توله عنبر اشهب در دهان نیچه بندند عرق
بابت مرزا محمد بیگ جهت وجع مفاصل و بادهای مخالف مجرب است هلیله کابلی آمله مقشر
هر یک بست و پنج دام فلفل دراز فلفل سیاه تال مکهانی موصلی سیاه موصلی سفید اسگند
ناگوری تخم ناهل کبابه چینی ستر نک هر یک پاو سیر ادرک سوا پاو قرنفل تخم اللنج لسان
العصافیر هر یک نیم سیر پاو پوست ببول چوب بیری اونت کتارا و هبت کنامی هر یک دو سیر ادویه
مذکوره را در ظرفی گلی ثات کلان ریخته آب بریزند که سه حصه آب در شکم باشد و یک حصه خالی باشد بعد
از آن سر ثات را بگل حکمت گرفته در سرگین اسب مدفون نمایند چهارده روز چهارده در سرگین بماند
آنوقت بیرون آورده عرق بگیرند نیم پاو سیر صبح پاو سیر آخر روز بنوشند و از شیرینی و چیزهای سرد
اجتناب نمایند عرق ماء الحیوة مستخرج از باده حیوة سفید زردک پاک کرده از هر واحد [illegible]
آنار شکر سرخ نیم من شاهجهانی صندل سفید ریزه کرده گل سرخ گاوزبان پاو زنجبیل پاو دیا [illegible]
دارچینی خبث الحدید کهنه پوست انار باید که اول زردک را نیمکوب کرده پاو ورق نموده با
سفید و چهار من شاهجهانی آب بجوشانند که خوب پخته شود بعد ادویه دیگر که [illegible]
تاریخ در خمی کرده تا چهارده روز در هوای سرد در زمین دفن نمایند و بعد از چهارده روز
از خم برآورده گلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان از هر واحد ده سیر و برگ تاریخ اضافه
کرده بدستور گلاب عرق کشند و نیم توله عنبر اسائیده در لته بسته در دهن نیچه بندند فصل
دویم از باب اول در عرقهائیکه غیر مسهل است و مقوی اعضا مانند دماغ و معده و جگر
و مثانه وغیره که تعلق دارد عرق معمول خوشبو جهت فالج و لقوه و جمیع امراض
بارده دماغی دارچینی در چینی که بزبان هندی لکل سیونگی گویند و بفارسی گل سنگی از

گل گاوزبان گیلانی انیسون درونج عقربی پوست بیرون پسته هر یک پنج مثقال آب سیب شیرین
ولایتی تازه نیم سیر آب انار ترش یک سیر عرق بید مشک عرق گاوزبان عرق بادرنجبویه هر یک
دو نیم سیر گلاب قسم اول پنج سیر دواهای کوفتنی کوفته در عرقها شب بخیسانند صبح آب
داخل کرده عنبر و مشک به سر نیچه بسته عرق کشند عرق فواکه معمول اطبای شیراز و
فواید عجیبه دارد خصوصاً کثرت و ذبول احشا آب انار شیرین آب سیب آب بهی آب ناشپاتی
هر یک نیم سیر آب لیموی شیرین سوا سیر آب کاهو سبز یک نیم سیر آب انگور یک سیر آب زردک
سوا سیر آب کدو نیم آثار آب تربوز یک سیر آب نیشکر یک سیر گاوزبان گیلانی گل نیلوفر بادرنجبویه
جو مقشر صندل سفید هر یک پاو سیر بلیله تخم سفید مقشر تودری تخم کشنیز مقشر نیم پاو نیم سیر
برده آثار همه را با شیر در دیگ عرق کنند عرق شیر گل سرخ گل نیلوفر برگ گاوزبان هر یک
چهار توله گل گاوزبان دو توله برگ فرنجمشک چهار توله تخم ریحان چهار توله پوست بیرون
پسته چهار توله پوست ترنج چهار توله صندل سفید چهار توله قاقله صغار دو توله قاقله
کبار چهار توله کشنیز خشک چهار توله بادرنجبویه چهار توله تخم خرفه تخم خیارین تخم تربوز
تخم کدو پوست بلیله چهار توله بلیله سیاه چهار توله تخم کاهو چهار توله آب تربوز آب کدو
عرق کیوره گلاب عرق بید عرق شاهتره نبات شیر طباشیر توله الایچی خورد بدستور عرق
کشند عرق چوب چینی قسم دیگر چوب چینی یکصد و پنجاه مثقال کرده گل گاوزبان صندل
سفید سوده هر یک پنجاه مثقال چوب چینی سی مثقال بهمنین هر یک پانزده مثقال پوست
اترج صندل سرخ سوده هر یک بیست مثقال عود خام سنبل الطیب هر یک ده مثقال
ریحان تازه دسته سیب شیرین از پوست و تخم پاک کرده به شیرین از پوسته تخم پاک کرده
از هر یک دو من عنبر اشهب دو مثقال دواها کوفته در عرق بید مشک و گلاب
صاف کرده عرق کشند و عنبر را به سر نیچه ببندند عرق چوب چینی در امراض سوداویه

فادزهر خشک حصة الثعلب هر یک دو و نیم ده توله جوز بندقی یک سیر یا زردک بندقی چهار سیر یا پنج سیر
قند سفید گوشت گوسفند فربه ده سیر همه را نیکو کوب کرده در آب غلیان نیده بعد از ساعتی عرق کشند
عرق کافور جهت تبهای حاره و دق سودمند است کشنیز خشک گل گاوزبان صندلین تخم
کاسنی تخم خیارین تخم کاهو بنفشه مغز تخم کدو مغز تخم خربزه تخم خرفه بنفشه سفید طباشیر سفید
هر یک ده ماشه گل نیلوفر گل سرخ شاهتره بید مشک تازه باقلا تازه هر یک یک توله کافور قیصوری
نیکو فته هشت ماشه برگ کاهو سبز کسته صد که عبارت از شده صد تا است که از ساق شاخهای آن
او خوشته سیر دیگه و برتازه بنفشه کاسنی تازه و رازیانه تازه سیب شیرین ادرده هر یک نیم
باکلا باعرق بید و عرق کاسنی و عرق بید مشک هر یک روشن آب به مقدار عقر و علی الرسم عرق
کشند عرق هلیله بابت علی نقیخان هلیله کابلی ده آثار را با آب بجوشانند تا همه آشور و آنها
آنرا دور کرده با یک من شکر سرخ در ظرف چینی یا سفالی که موم زده باشند کرده سر آن محکم
روز دیگر لسبر که یک من شاهجهانی که چهل سیر باشد بر آتش گذاشته جریه آنرا بگیرند و بربالا شکر
بریزند و سر آن ببندند روز دیگر پنج سیر نانخواه پاک کرده بربالای آن بریزند روز دیگر دو سیر
برادو آهن داخل نمایند و بعد از دو روز دیگر ده سیر پاست کاوی داخل کرده روز دیگر دو صد عدد
برگ تنبول کوبیده داخل کرده صبر نمایند تا آنوقت که قابل عرق کشیدن شود و به دستور عرق
تخمیناً یازده سیر عرق بکشند و هر پیاله آخر غذا بنوشند **فصل اول** از باب دوم در عطوسات
امراض سرد و دماغ **عطوسی** جهت فالج و غیره فندق هندی که آنرا ریته گویند شیخ الرئیس
از عطوسات مجربه شمرده دیگر که بفالج و لقوه نافع است شونیز نوره چند بید ستر حنظل
فلفل سفید هر یکی درمی کوفته بیخته آب مرزنجوش سداب جمع نمایند خشک کرده وقت حاجت
آب مرزنجوش سائیده سعوط نمایند تا عطسه آرد والله اعلم **حرف العین** المهملة مشتمل بر
باب باب اول در ذکر غالیه ها که با امراض تعلق دارد و بعض از نسخ غالیه ها که به تحریر یافته

باب دوم در غراغر مشتمل بر دو فصل فصل اول در غراغر که با امراض سر و دماغ تعلق دارد فصل
دوم در ذکر غراغر که بحلق و کام و دهن مناسبت دارد باب سیوم در غسولات و این مشتمل است
بر فصل واحد فصل در غسولات که بالیدن آن تمام بدن کثیر آثار جلدیه را نفع میرساند باب
اول در ذکر غالیه غالیه مفصول جهت دماغ عنبر اشهب یک درم عود هندی دو درم صندل
مقاصری سه درم عنبر را بگلاب گرم نموده بگذارند و عود و صندل را باریک کرده در آن
آمیزند و تشمیم نمایند غالیه که اسرار مصونه که یافته شده در ذخایر مجرب و به نفع میکنند فالج
و لقوه و خدر و درد مفاصل و اوجاع ظهر و در امر باه عجیب است کسیکه ادهان بکنند باین دو فالج
میکنند بر چشم سمین لی این نماید و در و میارد و تغیر این و دیگر بر انداز د باه هر دو طرف بر انگیزد
و لذت بحدی رسد که عقل از میان خیزد لادن مقبول کبابه زعفران مرق قرنفل قطر هر یک
هر یک جزو همه را باریک سائیده در پیه شنک سه روز بنهند بعد از آن در روغن بان چهار
روز پخته از آتش فرود آرند و قدری عنبر و مشک و سک و زهره مرغ و کیس سیاه حل کرده
بیامیزند و در ظرف آبگینه کنده نشسته دهن ظرف بسته چهل روز بگذارند باز بعمل آرند باب
دوم در غراغر مشتمل بر دو فصل فصل اول در غراغر که با امراض سر و دماغ تعلق دارد
غرغره مصروع را البته تنقیه بدن نفع بخشند ایارج فیقرا در آبی که صعتر و عاقرقرحا جوشانیده
باشند حل کرده آب کامه اضافه کرده در حمام غرغره کنند غرغره که بصرع و فالج
و لقوه نافع بود و سر و دماغ را از اخلاط غلیظه بلغمیه پاک گرداند ایارج فیقرا حب خردل
زنجبیل عاقرقرحا سونیز خوردنج صعتر اصل السوس مساوی کوفته در سرکه یا سکنجبین ساده
یا عنصلی حل ساخته غرغره کنند دیگر نافع بالقوه مرزنجوش صعتر عاقرقرحا اسطوخودوس
خردل حب همه مساوی کوفته بجز مرزنجوش یک درم از آن گرفته به سکنجبین عنصلی و آب گرم غرغره
نمایند دیگر که فالج و سکته و ثقل زبان را سود دهد مویزج خردل سفید زنجبیل عاقرقرحا فلفل

بوره ارمنی هر یکی سه درم پوست بیخ کبر مرزنجوش خردل سفید هر یکی نیم درم با عسل بسرشند
یا بکار برند غرغره نمایند و اگر نیم درم ایارج فیقرا اضافه نمایند بهتر بود فصل دوم
در ذکر غرغرهاییکه بحلق و کام و دهن مناسبت دارد غرغره را دو عدد ابتدا از خناق دموی
صفراوی بکار آید عناب عدد عنب الثعلب تخم کاهو تخم کاسنی کوکنار تخم کشنیز مقشر در آب
جوشانیده صاف نموده رب التوت داخل کرده غرغره نمایند دیگر رب عناب کلنار گل سرخ
عدس مقشر سماق جوشانیده صاف نموده غرغره نمایند دیگر گل سرخ صندل سفید فوفل
نیمکوفته در آب عنب الثعلب سبز و آب کشنیز سبز جوشانیده شربت توت داخل کرده غرغره نمایند
غرغره خناق و درد گلو پوست خشخاش ده عدد عنب الثعلب یکتوله کلنار فارسی گزمازج
هر یک یکتوله عناب هفت دانه صندل سرخ نیم ماشه [illegible] هفت ماشه کشنیز خشک
یکتوله برگ حنا هفت ماشه در یکنیم آثار آب بجوشانند و در آخر جوش [illegible] عدس مسلم دو
توله اندازند چون یکنیم پاو بماند لعاب اسبغول یکتوله آب کشنیز سبز هفت توله شیره تخم کاهو
یک توله داخل کرده صاف نموده غرغره نمایند دیگر که در ابتدا خناق دموی باید کرد و
در انتهای این مرض روز سیوم بیست یا چهار درم انجیر زرد و مویز تخم حلبه تخم مرو تخم کتان در آب
جوشانیده صاف نموده شیر تازه که آب حیات شیر در آن محلول بود [illegible] بسیار شده غرغره
نمایند غرغره جهت خناق حار تر یکبار ابتدا تخم کاسنی تخم کشنیز مقشر عنب الثعلب
گل بابونه در آب جوشانیده صاف نموده مغز فلوس خیار شنبر داخل کرده صاف ساخته
غرغره نمایند غرغره که در خناق جهت انفجار بکار آید برگ بارتنگ تخم کرفس اکلیل
بیخ خطمی برگ حنا ریزی عنب الثعلب تخم کنوچه گل بنفشه برگ کرنب اکلیل الملک نیمکوفته در
شیر گاو جوشانیده صاف نموده مغز فلوس حل ساخته [illegible] زعفران [illegible] داخل کرده
غرغره نمایند ایضا خمیر نان سه درم [illegible] تخم کنوچه کوفته بیخته با [illegible]

نموده اند که مرهم ساخته غرغره نمایند دیگر مجرب جهت قلاع اکله و اقلاع و خناق غب مغلب
پوست خشخاش کشنیز کلنار فارسی هلیله سیاه حب الآس زر ورد گل تاج خروس کرجا گل بنفشه
از هر واحد شش ماشه عناب دانه گزمازج هر یک چهار ماشه عدس مقشر تخم کاهو یکتوله در آب سماق سرخ
و آب کشنیز سبز و آب عنب الثعلب هر یک پنجتوله آب برگ کاهو سه توله آب حنا اصلی و انار جوشانیده
صاف نموده لعاب اسبغول حقفض مکی گل ارمنی صندل سرخ اقاقیا یک یک ماشه اضافه نموده
غرغره نمایند نافع است غرغره دیگر مجرب برای خناق سوداوی منقول برگ حنا گلنار
فارسی زرد چوبه اقاقیا برگ مورد کشنیز خشک گزمازج عناب واز پوست بیخ کسوذی کوت
بیخ سنبل گل سرخ قبی از هر یک یکتوله یک ستور شب بسازند و غرغره نمایند بعد از ان کهنه
دم الاخوین کهربا کشنیز خشک طباشیر فوفل سوده اقاقیا زرد عصاره لحیة التیس از
هر یک یک ماشه کوفته اضافه نمایند دیگر تخم کتان تخم حلبه هر یک پنج درم عناب سپستان
دیرینه منقی عدس بریان بابونه هر یک ده درم گل سرخ بنفشه هر یک هفت درم مویز منقی
پودینه صعتر هر یک دو درم عنب الثعلب ده درم در آب جوشانیده صاف نموده فلوس
بیست درم داخل کرده صاف ساخته غرغره نمایند دیگر قروح حلق را نافع است زاج سیاه
زاج سفید مازو کاغذ سوخته کف دریا حنا زعفران هر یک مثقال نمک سوخته نوشادر
از هر یک نیم مثقال کوفته بیخته با سرکه غرغره نمایند دیگر علق متعلق حلق را بکشد سنگ
بالکلیه نوشادر را در سرکه حل نمایند و غرغره کنند دیگر در اینباب شیح ارمنی ترمس حنظل
نرگس سرکه انگوری جوشانیده غرغره نمایند غرغره که کام فرود آمده را سودمند بود
انار دانه ترش سماق هر یکی جزو دو در بعض نسخ مازو هم یک جزو بجز و برادر هر سه را
کوفته بیخته در شیر تازه یکشبانروز تر کرده صاف نموده غرغره نمایند غرغره که اماس
صلب را نافع انجبار بیخ سوسن برگ ماهی هندی البسته درم تخم حلبه دو درم انجیر خشک سه عدد

همه در یک نیم من آب جیا لایند و بکار برند باب سیوم در غسولات این باب مشتمل است
بر فصل واحد فصل در غسولاتیکه بالیدن آن تمام بدن اکثر آثار جلدیه را نفع میرسانند
غسول که جهت آثار جلدیه و تجلیه و تصفیه لون مفید است و جهت نهایت مروارید سنگ شسته باشد
سرکه کهنه روغن چنبیلی و روغن گل خوشبو هر یک دو توله بر بدن بمالند غسول دیگر نفیس
در تصفیه رو و رنگ را روشن و جلا دهد و آثار قروح خبیثه و سعفه را فرحه کند برگ
حنا برگ شاهتره آرد جو آرد عدس ریشه خطمی پوست بیخ گل خطمی جو لبنجان پوست ترنج
گل سرخ صابون لاتی هر یک دو توله چوب چینی چهار توله کوفته بیخته در روغن
چینی و روغن حنا و روغن شاهتره تازه سفید تخم مرغ با بیاید علی الرسم بسازند و بدن را
تطلیه نمود بشویند حرف کاف مشتمل دو باب باب اول در فرزجها مشتمل پنج فصل
فصل اول در ذکر فرزجه اورام و قروح و حکه و اختلاج رحم فصل دویم در مسکرات دوا که
بر تعلق تنقیه و لطافت و سیلان رطوبت رحم تعلق دارد فصل سیوم مسقطات و مانعات حمل فصل
چهارم در جالبات حیض و مغیات حمل فصل پنجم در منزلات باب دویم در فتیلها
محتوی بر سه فصل فصل اول در فتیلها که با مراض چشم تعلق دارد فصل دویم در ذکر ادویه
که بگوش مناسبت دارد فصل سیوم در فتیلها که با مراض دیگر اعضا همچون قروح و جروح
سایر بدن و فتیلها که بواسیر و مقعد و خروج مقعد و کرم اطفال و غیره تعلق دارد فصل اول
از باب اول در ذکر فرزجه اورام قروح و حکه و اختلاج رحم فرزجه که صلابت رحم را
ببرد برنگ کابلی مقشر شستن باشه خرباد و توله مغز خسته شفتالو دو توله مغز بادام مقشر
موم زرد از بیرون کرده دو توله ادویه کوفته بیخته با موم بر سنگ صلایه کرده فتیله ساخته
فرزجه سازند فرزجه که درد رحم را دفع کند رواج بکار آید خشخاش سفید کوبیده برابر شیر
بخته با روغن گل و اندکی زعفران و موم فرزجه سازند و بدستور مرهم داخلیون با روغن گل

تخم حماض نکوبیده و باریک ساخته حمول نمایند فرزجه که رطوبت مفرط رحم و فرج را نشف نماید
و از سیلان رطوبت وقت جماع مانع آید مجرب است جوز السرو و سعد و جفت بلوط نیم نیم درم مازو
و تخم حماض هر واحد دو درم لته در طبیخ جفت بلوط و گلنار تر کرده بدان آلوده بردارند فرزجه
که رحم را قوت دهد و سیلان منی و رطوبات را نشف کند سک رامک زعفران هر یک یکدرم قفاح اذخر
سعد و لادن هر واحد نیم درم گزمازج مازو هر یک دو دانگ مشک دو طسوج کوفته بیخته با قند
منعقد و گلاب بسرشند و فتیلها سازند و بقدر مخصوص بردارند فصل سیوم مسقطات
و مانعات حمل فرزجه که اسقاط حمل نماید انفحهٔ ارنب با نمک اندرانی مساوی با آب سداب بگیرند
فرزجه جهت اسقاط حمل صبر بیخ بسکپهره [illegible] تخم کبر [illegible] بیخ دوا
برابر وزن بگیرند کوفته بیخته فتیله ساخته بردارند فرزجه نوشادر سوده ده درم اشق در
آب چلکر ده سه درم با هم سرشته بردارند و بعد گذاشتن فرزجه باید که پایها بلند دارد دیگر
مجرب است خربق سیاه و بیخ حنظل کندش برابر کوفته بیخته با زهره گاو بردارند فرزجه مجرب
صاحب قادری سداب [illegible] رازیانه تخم [illegible] بالسویه بزهره گاو بردارند فرزجه
که منع حمل کند مازو حب الآس مساوی کوفته بیخته با آب گرم سرشته فرزجه سازند و پیش از مجامعت
بگیرند فرزجه تخم انار با شب یمانی قبل از جماع بردارند فرزجه که مانع است [illegible]
و اخراج جنین زنده و مرده نماید مرمکی [illegible] و شیر خربق بالسویه کوفته بزهره گاو سرشته بردارند
فرزجه که مانع آبستن شود شکوفهٔ کرنب کوفته بیخته بعد از طهر بردارند و اگر شاخ و بیخ آنرا
کوفته حمول نمایند همین عمل کند فصل چهارم در جالبات حیض و معینات حمل فرزجه
که اعانت حمل کند [illegible] اگر حاضر نباشد زهره [illegible] بعسل سرشته پشم پاره بعد از حیض
سه شب بردارند بعد از آن مجامعت نماید دیگر مجرب است جند بیدستر یکمثقال شب یمانی زعفران
[illegible] هر یک یکدرم عود نیم درم مشک خالص یکدرم کوفته بیخته بعسل سرشته سه شب

فلفل تا ساییده بران پاشیده در گوش نهند تفریح دهد و نفع کند دیگر جهت درد گوش و ریم آن
نافع است تخم مرو انزروت کوفته بیخته بعسل سرشته فتیله بدان تر کرده در گوش نهند فتیله
ملو با دوده خمیسه که معروف است را بنا با بعسل سرشته غسل یکسنده گوش را از مده و تسکین
دهد درد را و آن اعالی و خمیسه نیست انزروت صبر مر کندر دم الاخوین فتیله که زخم
کهنه را سود دارد عسل یک جزو زهره گاو دو جزو بهم آمیزند و لته که به آن سرشته فتیله ساخته
بدان بیالایند صبح و شام در گوش بدارند فتیله که گوشت زاید گوش را بخورد حجر السرخ
خوب باریک ساییده با پنبه کوفته فتیله ساخته در گوش نهند فصل سیوم در فتیلها که
بامراض دیگر اعضا چون قروح و جروح سایر بدن فتیله که بواسیر و غدد بوا و خروج مقعد
کرم الاطفال تعلق دارد و حرف الکاف محتوی بر چهار باب باب اول در اقراص مشتمل بر سه
فصل فصل اول در اقراص که بحمیات خلطیه عفنیه و دقیه و مرکبه سود دارد و فصل دویم در
قرصها که تعلق با عضاء مخصوصه چون معده و جگر و رحم و غیر آن دارد فصل سیوم در
اقراص اطلیه که از خارج بعمل می آید باب دویم در قطورات مشتمل بر دو فصل فصل اول
در قطورات که بچشم و گوش و اعضاء دیگر و غیره اعضاء تناسل تعلق دارد و فصل دویم
در قطورات اعضاء تناسل باب سیوم در قیروطیها مشتمل بر سه فصل فصل اول در قیروطی
سر و دماغ و اعصاب فصل دویم در قیروطیها که در مرض صدر و حجاب فایده بخشد فصل
سیوم در قیروطیهای بواسیر و مقعد و رحم باب چهارم در نسخهایی که بلفظ قرص نوشته شد
فصل اول در اقراص که بحمیات خلطیه عفنیه و دقیه و مرکبه سود دارد قرص طباشیر ملین
جهت تبهای صفراوی و دموی رفع تشنگی و تسکین غلیان خون نافع است طباشیر سفید گل سرخ
صندل سفید هر یک بیخ خاشه تخم خرفه مقشر کدوی شیرین رب السوس زرشک بیدانه صمغ عربی
کتیرا سفید هر واحد دو درم و دانگ باب ترنجبین قرص سازند و اگر ملین بیشتر خواهند ریوند

با شربت خشخاش و در بعضی جاها با شیر الاغ دهند و در بعضی امراض یعنی سرطان محرق سه درم
بیفزایند و در دق زعفران نیم درم کافور یک درم مضاف سازند قرص مسهل از حکیم
سوسن معلوم که در امراض حاده و تبهای گرم و مرکبه و دفع قولنج ثفلی نافع است و سریع العمل
و بی غائله و بهترین اقسام قرصهای مسهل است گل بنفشه مغز تخم کدو تخم خیارین مغز تخم خیار
مغز تخم تربوز گل نیلوفر تخم کاسنی هر یک نیم مثقال تخم خرفه سه ماشه مصطکی سه ماشه سقمونیا
سه ماشه گل سرخ طباشیر نشاسته سه ماشه کثیرا حب الملوک مقشر مشوی کوفته بیخته بلعاب
اسبغول قرصها بندند خوراک از نیم مثقال تا یک مثقال است قرص سرد قائم مقام
قرص کافور جهت کسانیکه از رایحه کافور متنفر باشند مرضع شده حمیات حاد و عطش شدید
نفع تمام دارد و در وار سفید طباشیر سفید نشاسته کثیرا بزر البنج سفید هر یک دو مثقال
صندلین نیلوفر گشنیز خشک گل سرخ تخم حماض تخم کاسنی تخم خرفه مقشر مغز تخم کدو مغز تخم
تربوز هر یک یک مثقال خشخاش سفید چهار مثقال ادویه نرم کوفته با لعاب اسبغول در آن
ممزوج کرده باشند قرصها با وزنهای اسبغول بندند و بلعاب اسبغول نیز روا است قرص ورد
که تپ مرکب را که صفرا و بلغم غالب باشد سود دارد سنبل سه درم تخم کاسنی مغز تخم خیار
بادرنگ هر یک چهار درم اصل السوس پنج درم گل سرخ ده درم شربت یک مثقال قرص بنفشه
که در تپ غب خالص نیز نافع است و مستعمل و اخراج صفرا و بلغم کند سقمونیا پنج دانگ رب السوس
شکر سرخ هر یک پنج درم تربد مجوف یک درم بنفشه تازه ده درم کوفته بیخته اقراص
بندند و با آب گرم بخورند جمله یک شربت است دیگر بجهت تپ با سرفه و صلابت الطبیعت موصوف
است کثیرا رب السوس هر یک چهار درم مغز تخم خیار مغز تخم کاسنی خشخاش هر یک پنج درم گل بنفشه
دو درم اگر خواهند که مسهل نمایند سقمونیای مشوی چهار درم تربد مجوف هفت درم
بیفزایند قرص خشخاش که صاحب دق و مسهل را نافع است و بارها تجربه رسیده کافور

یکدرم گل سرخ تخم خشخاش سفید تخم حماض طباشیر نشاسته صمغ عربی طین قبرسی از هر یک
سه درم مغز تخم کدوی شیرین مغز تخم بادرنگ تخم خربزه تخم خرفه مقشر مغز بهدانه از هر یک
شش درم تخم ها و مغزها را بریان کرده کوفته بیخته با آب [illegible] قرص ها سازند شربتی یکدرم
قرص بارد تپ را نافع و سرفه را دافع رب السوس نشاسته کتیرا صمغ عربی از هر یک
یکدرم ورق نیلوفر یکمثقال تخم خیارین تخم کدو مقشر هر یک سه درم کوفته بیخته قرص سازند
شربتی دو درم با گلشکر یا شربت بنفشه قرص خشخاش معمول کافور قیصوری یکدرم
غنچه گل سرخ سه درم تخم حماض برشته گل قبرسی برشته هر یک سه درم مغز تخم خربزه برشته
مغز تخم بادرنگ برشته تخم خشخاش سفید برشته مغز تخم کدوی شیرین برشته مغز بهدانه
برشته هر یک شش درم کوفته بیخته با آب برشته قرصها سازند شربتی یک درم با دوغ
یا شیر خر یا شیر دختر قرص طباشیر سرطانی دق و سل و ذبول را نافع باشد طباشیر سفید
غنچه گل سرخ از هر یک پنجدرم ترنجبین ده درم کتیرا اسفید صمغ عربی از هر یک سه درم تخم
کاهو تخم کاسنی از هر یک چهار درم صندل سفید سه درم سرطان سوخته رب السوس
هر یک یکدرم زعفران کافور قیصوری از هر یک نیمدرم کوفته بیخته بلعاب بهدانه سرشته
قرص سازند سنبل الطیب عود لونی کافور داخل میکنند قرص طباشیر کافوری
از برای تپ دق و خفقان و حمیات محرقه وقتیکه اسهال باشد و نافع از برای نفث الدم
و اسهال دموی و کبدی اسهال ذوبانی بکرر تجربه رسیده مروارید ناسفته طباشیر سفید
سرطان سوخته تخم خشخاش سفید تخم کاهو مقشر کتیرا اسفید هر یک سه درم کهربا شمعی
رب السوس غنچه گل سرخ از هر یک دو درم مغز تخم خیارین پنجدرم صمغ عربی لک احمر سوخته
هر یک یکدرم کافور قیصوری نیمدرم زعفران دو دانگ ابریشم مقرض دو دانگ کوفته
بیخته با آب برگ بارتنگ سرشته قرصها سازند قرص کافور جهت سعال حار و سل و دق

و دق و حمیات که با سرفه باشد سودمند است و برای سعال با شربت زوفا یا قوقو یا شربت خشخاش و
لعاب بهدانه بدهند و برای دق و حمیات حاره با آب انار شیرین مغز بهدانه از هر یک پنجدرم
گل سرخ رب السوس طباشیر هر یک سه درم صمغ عربی کتیرا سفید نشاسته از هر یک دو درم
تخم کاهو مقشر یکدرم کافور قیصوری نیم مثقال کوفته بیخته بلعاب اسپغول سرشته اقراص سازند
شربتی دو درم قرص خشخاش جهت قلع سرفه و خشونت سینه زعفران نیم درم رب السوس نشاسته
کتیرا از هر یک دو درم خشخاش سیاه و سفید هر یک سه درم گل سرخ صمغ عربی هر یک چهار درم
طباشیر پنجدرم بآب بقلة الحمقا اقراص سازند شربتی یک مثقال تا دو مثقال با شربت خشخاش دیگر
جهت سعال خشک سینه و نوازل و سرفه که با نفث خون زرد رقیق باشد و برای سل نشاسته
کتیرا صمغ عربی هر یک پانزده درم خشخاش سفید مغز تخم کدوی شیرین مغز تخم خیار تخم کاهو
بزرالبنج هر یک سی درم بلعاب اسپغول قرصها سازند هر قرص سه درم شربت یک قرص با
شربت خشخاش قرص سرطان که بسل و دق و نفث الدم نافع است رب السوس سه درم
طباشیر کتیرا نشاسته مغز بهدانه اسپغول از هر یک پنجدرم گل مختوم گل ارمنی نشاسته گل سرخ هر یک شش
درم سرطان سوخته ده درم با آب بیبرک یا زنجبیل قرصها سازند شربتی دو درم بآب انار شیرین در
جلاب یا طین قبرسی نیم درم افزوده قرص سل مغز تخم خیارین ده درم تخم خرفه اصلی الشعیر
هر یک چهار درم طباشیر سرطان سوخته هر یک دو درم نشاسته کتیرا هر یک یکدرم کوفته بیخته
بلعاب اسپغول سرشته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص کافور در زمانیکه با سل تپ زاید باشد
بکار آید کافور نیم درم تخم کاسنی یکدرم گل سرخ صمغ بادام صندل سفید کتیرا نشاسته رب السوس
طباشیر هر یک سه درم تخم کدوی شیرین مغز تخم خیار مغز تخم بادرنگ مغز بهدانه هر یک پنجدرم
بلعاب اسپغول اقراص سازند قرص سرطان دراینباب طباشیر سفید کتیرا صمغ عربی نشاسته
تخم خشخاش مغز تخم خیارین مغز بهدانه بادام مقشر گاوزبان کهربا هر یک دو درم و ورق

رخون باز دارد و تشنگی بنشاند و تنها صفرا و بیرا باز دارد و زرشک منقی سماق طباشیر هر یک
هفت درم گل ارمنی تخم حماض نشاسته صمغ عربی هر یک ده درم گل سرخ پانزده درم
کوفته بیخته قرصها سازند قرص کهربا که اسهال دموی را و افراط خون بواسیر و بول الدم
را نافع است گلنار اقاقیا هر یک یکدرم و نیم مغز تخم خیار مقشر تخم کدو کثیرا نشاسته
صمغ عربی کهربا هر یک سه درم کوفته بیخته بالعاب اسبغول قرصها سازند شربتی دو درم با
شیر خرفه دیگر خون بواسیر را باز دارد کثیرا نشاسته گل مختوم هر یک نیم درم کهربا صمغ
عربی هر یک یکدرم بلوط دو درم کوفته بیخته آب بارتنگ قرصها سازند قرصی که
و جمیع اقسام اسهال را نافع است مغز خسته انبه کهنه مغز خسته جامن کهنه هلیله زرد و مغز
کشنیز بریان کرده منتش شده باشند همه را برابر گرفته قرصها سازند شربتی یک مثقال با
سه قرص جهت اسهال مجرب است سماق باز و تخم مورد گلنار افیون هر یک چهار ماشه
اقاقیا دو ماشه بقرص یا رجفت بلوط دیگر مجربات حکیم علی گیلانی که در اقسام اسهال و
حبس خون بواسیر و طمث و نفث الدم معمول الشان بود تخم آس نشاسته مقلو اکبار مقلو
پوست خشخاش مقلو هر یک سه مثقال گل ارمنی پنج مثقال بقرص بمقدار الحمص شربتی
قرصی که کثرت طمث باز دارد کهربا دو ماشه زرشک دو ماشه صمغ عربی یک ماشه سماق
حبها ابیه دو ماشه قرص بندند هر قرص بقدر یک ماشه دو سه قرص بخورانند کهربا و تنها خوردن
از دو ماشه بتدریج تا یکدرم بسیار مفید است و غذا نان نخود با مزوره چغندر و مرغ
ذات الجنب که در تسهیل نفث و سرعت انضاج مفید است نشاسته تخم خطمی کثیرا رازیانه هر یک
سه درم بنفشه رب السوس هر یک ده درم بلعاب اسبغول به دانه و تخم کتان قرصها سازند شربتی سه درم
بشربت بنفشه قرص ذات الجنب تخم رازیانه تخم کتان تخم خبازی گل بنفشه کثیرا نشاسته گل
سفید گل خطمی سرخ به دانه کوفته بیخته بلعاب اسپغول و آب بارتنگ کرده شیره بگیرند و حلوی

تخم خطمی تخم خبازی مغز دانه آبی بهیدانه رب السوس نشاسته هر یک یکدرم تخم خرفه تخم کدوی شیرین
مقشر هر یک نیم درم کاکنج کوهی ده درم در بعضی نسخه افیون یکدرم افزوده اند قرص حابس
البول ادرار بول اگر از گرمی بود یا زیادتی و تشنگی نشانند گزمازج لسان ذکر کاکنج هر یک یکدرم
پوست هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو چرب نموده یک مثقال کشنیز خشک بریان یکدرم و نیم
گلنار گل ارمنی گل سرخ عدس مقشر دو درم تخم بالنگو سه درم هر یک سه درم کوفته بیخته اقراص
سازند و با رب بهی استعمال نمایند فصل سیوم در اقراص مطلیه که از خارج بکار آید قرص
صندل منقول از مصباح علاجات نافع از برای صداع حار که از استعمال اغذیه و ادویه حاره حادث
شود حضض گل سرخ گل نیلوفر نشاسته تخم کاهو صندل انزروت اقاقیا مساوی کوفته بیخته با آب کشنیز
سبز قرصها سازند قرص مثلث صداع و شقیقه و سهر را نافع بود و این قرص را مثلث از جهت
آن میسازند که در سائیدن آسان بود با اقراص که مثلث باشند تا بخوردن نیاید و بیان آن وزنها
افیون مصری مصاف لادن کافور زعفران بزر البنج پوست بیخ لفاح هر واحد دو درم و نصف
کندر انزروت رالک و در بعضی نسخها نقشه آمله گل ارمنی هر واحد یکدرم کوفته بیخته بگلاب یا
آب کاهو آمیخته اقراص سه گوشه سازند وقت حاجت با آب کشنیز یا آب برگ کاهو یا سرکه یا کوکنار
و مانند آن سائیده بر پیشانی و صدغین طلا نمایند و در صداع بارد با آب حنا و با آب مرزنجوش طلا
آید و اینقرص سه درم کرم بیر ضماد میتوان کرد قرص مثلث مخترع حکیم علی جهت همه اقسام
درد سر صندل سفید نشاسته حضض صمغ عربی هر یک یک مثقال پوست بیخ ...
تخم کاهو سبز قطونا هر یکی یک توله کافور بزر البنج صمغ درخت سرس هر یکی دو توله افیون
سه توله ادویه را باریک بکوبند و به آب کشنیز و لعاب اسپغول خمیر کرده اقراص سازند و در سرکه یا
روغن گل حل کرده طلا نمایند قرص سوم یارد تخم کاهو تخم خشخاش باقلی تخم خرفه کاکنج هر یک
یکدرم افیون طباشیر کوفته بیخته بلعاب اسپغول سرشته قرصها سازند و این یک نسخه است

کل خطمی سفید کل بنفشه عنب الثعلب پرسیاوشان اصل السوس بهدانه هر یک دو مثقال در آب جوشانیده
صاف نموده پیه گرده بز در مطبوخ مذکور اضافه نمایند و همه در روغن بابونه دو مثقال روغن
بنفشه سه مثقال روغن کدو پانزده مثقال گداخته اضافه نموده چندان بجوشانند که آب تمام
بسوزد پس سفیده آب کاشغری شسته یک مثقال داخل کرده بفشارند که بعضی رطوبات او بچکد
و از برگ چغندر تازه پر کرده در روغن کنجد با آتش ملایم بپزند تا سیاه شود بعده در هاون نرم
بکوبند تا چهار با آتش نرم بجوشانند قدری اضافه نموده موم روغن بسازند بر صدر و جنبین بمالند
قیروطی فاتح سببی بکار آید از موم روغن بنفشه یا روغن کدو و آب برگ خبازی آب برگ خطمی و لعاب
بزرقطونا سفیده بیضه مرتب سازند قیروطی که جهت گدازنده و تمدد اعضای بعد از تنقیه
بعمل می آید و در تحلیل بقیه ماده عصبی عضل و تقویت اعضا اثر بزرگ دارد پیه شیر پیه بز مرخ
هر یک یک وقیه عنبر اشهب موم سیاهی دارای یک مثقال همه را بروغن پرسیاوشان یا روغن بابونه دو
اوقیه گداخته قاعده خیار زبراوند مدحرج اقحوان اصل فاشرا قسط بحری هر یک نیم اوقیه کوفته
بیخته با هم سرشته در هاون چندانکه بکنند تا یکذات شود قیروطی که جهت برده و شعره نافع است
عبا و شیر اشق قنه [illegible] صمغ البطم همه را [illegible] و موم در روغن انداخته مثل مرهم
ساخته بعمل آرند قیروطی جهت بثور الفم موم سفید روغن [illegible] در روغن گل گداخته مرداسنگ
بگلاب و سرکه سوده داخل کرده در هاون بمالند تا یکذات شود

فصل دویم در قیروطی که به سینه و امراض صدر و حجاب غیره فایده مند است

قیروطی جهت ذات الجنب از حکیم هادی گل
عنب الثعلب اصل السوس آرد باقلا گل بابونه کتیرا بهدانه گل خطمی گل نیلوفر هر یک یک مثقال همه را
در آب پخته صاف نمایند آب تراشه کدو آب بالنگ آب خراسته آب برگ کرنب هر یک پنج مثقال اضافه
نموده روغن کدو و بنفشه هر یک دو مثقال پیه گرده بز در قدر [illegible] بپزند تا آبها جذب
شود پس مغز حب قطن مغز تخم خربزه مغز تخم [illegible] مغز تخم خیار بالنگ مغز تخم کدوی شیرین [illegible]

هر یک یکمثقال خوب باریک ساخته سفیداب قلعی را داخل کرده مرهم ساخته ضماد نمایند دیگر برای

نفع ذات الجنب و شوصه گل بنفشه اکلیل الملک گل بابونه در آب پخته صاف نموده لعاب اسپغول

لعاب گل خطمی روغن بادام شیرین موم داخل کرده قیروطی نموده ضماد نمایند دیگر نافع جهت

ذات الجنب گل بنفشه گل بابونه اکلیل الملک تخم خطمی گل خطمی جو مقشر پوست خشخاش همه کوفته

پخته در آب پخته صاف نموده روغن بنفشه موم سفید کتیرا کوفته پخته داخل کرده در [illegible]

قیروطی سازند و کتیرا و سفیداب قلعی بعد تیار شدن داخل نمایند قیروطی برای سوزش سینه

که با تپ باشد یا بغیر تپ موم سفید مغسول روغن گل یکجا گدازند پس آب خیار و آب کدو و آب برگ

خرفه بقدر حاجت در آن ریزند و کف مال نمایند تا نیک مخلوط شود و پس پارچه بدان تر کرده

ثلج سرد نموده بر سینه برگذارند قیروطی جهت ذات الجنب و ذات الصدر مجرب است

موم سفید یکمثقال کتیرا کوفته یک مثقال روغن بنفشه پنجمثقال و اگر روغن بنفشه حاضر نباشد

با روغن کدو قیروطی سازند قیروطی النضاج ماده ذات الجنب کند بنفشه سبوس گندم

آرد جو باقلا بابونه گل خطمی اکلیل الملک کوفته پخته در روغن و موم که از روغن بنفشه و روغن

کدو ساخته باشند آمیخته بر جنب علیل بمالند و اگر ماده قوی باشد و غلیظ بطی النضج [illegible] تخم

کتان حلبه و آب رازیانه اضافه نمایند قیروطی ذات الجنب و ذات الصدر ملتهب با تسکین درد

موم را در روغن بنفشه یکجا گدازند و به آب برگ بید و تراشه کدو تسقیه داده بدفعات متعدد

تا قدری از آبها جذب کرده باشند و پارچه بدان آغشته بر سینه و پهلوها نهاده باشند دیگر جهت

ذات الجنب و ذات الصدر هرگاه در جنب یا در صدر [illegible] و تحلل شده باشد و تپ هم تخفیف

یافته باشد آب تراشه کدو و آب لعاب بطیخ زرقی آب ورق بنفشه هر یک جزوی و آب ورق خباز

پنجم جزو موم سفید روغن بنفشه بقدر حاجت موم در روغن بر آتش گداخته تسقیه از این آبها

دهند و استعمال نمایند قیروطی جهت حرارت قلب و دفع سوء مزاج حار نافع است موم

صافی را در روغن گل انداخته بگدازند و در هاون کرده از آب بقله و آب کدو و آب خیار و آب
گلاب به غایت تسقیه دهند و قدری صندل و قدری کافور و اندکی زعفران قیروطی سازند قیروطی اخضر
سوده زاج خشک را نقع دهد موم سفید در روغن بنفشه و روغن کدو بگدازند و در آب کشنیز و آب کاهو
کف مال نمایند و بر سینه نهند قیروطی برای صلابت معده نافع است گل سرخ دو ثلث درم مصطکی
سنبل قصب الذریره افسنتین عصاره غافث افتیمون ثلث درم موم روغن ناردین بدستور مرتبه
سازند فصل سیوم در قیروطی امراض مقعد و رحم قیروطی مجرب جهت ریاح آن [illegible]
آب کنند بهم سلاله تخم ترب بریان هفت ماشه مقل ازرق سه ماشه گلنار افیون عصاره لحیة التیس
هر یک دو ماشه مجموع کوفته بیخته به روغن گاو و خالص هشت ماشه بیضه مرغ آبی بیضه مرغ [illegible]
هر یک ده ماشه بهم آمیخته انداخته آب کنند با ادویه را انداخته جمله یکجا جوشانیده تا آب کنند تا
برود بعد از آن ادویه کوفته بیخته بر آن ریزند والله اعلم فصل چهارم در قیروطیهای امراض
جلدیه قیروطی برای ترقیدن دست و پای که از سرما بود نافع آید آب کرنب آب چغندر و شلغم
هر یک یک وقیه موم سفید سپید کرده نیم رطل روغن بابونه هر یک یک سیر قیروطی بدستور پخته در دست
و پا چرب نمایند قیروطی که شقاق و درشتی چهره و دست و پا را مفید است کتیرا زوفای تر
هر یک یک درمی موم سفید سه درم روغن بادام ده درم موم گرم کرده بلعاب کتیرا و زوفای تر
حل کرده در هاون حل کنند قیروطی که شقاق ها را اندمال نماید سبوس [illegible] را مقشر استعمال
کنند و از مخترعات مجربات است آب چغندر آب شلغم آب برگ کرنب لعاب گل خطمی آب بنفشه هر یک
دو درم موم سفید دو درم روغن گل ده درم قیروطی سازند قیروطی آتشک را نافع است [illegible]
سه درم روغن گاو پنجدرم پخته کرده بر شش درم سیماب چهار مثقال با قدری حنا و آب برگ حنا
سوخته کف مال کنند آنگاه اجزا خوب بهم مالیده یکسان شود مستعمل کرده هر روز یک حصه
تمام بدن مالند باب چهارم در نسخهها که بلفظ قهوه نوشته شده قهوه مجرب از حکیم

حکیم حیدر علی سنای مکی کوفته دو مثقال در دو شیشه گلاب مثل قهوه خوب جوشانیده بنوشند
که مسهل [illegible] است و طبیعت را بسهولت تلیین میدهد و دست وفع اطلاق میکند و قدر یکمثقال
بخوردن نیز میتوان داد و اگر گلاب نباشد ورق گل انداخته جوشانیده بدهند که گل مسهل هم است

حرف الکاف مشتمل بر پنج باب باب اول در کحل محتوی بر دو فصل فصل اول در کحل مقوی
بصر که تقویت روح و قوت آن و جلای چشم نماید و روشنی چشم بیفزاید فصل دوم در اکحالی
که بامراض چشم مستعمل شده است باب دوم در اقسام کلقند با مشتمل بر فصل واحد در کلقند آفتابی
و ماهتابی و مسهل و غیر مسهل باب سیوم در انواع گلگلاب بارد و حار معتدل محتوی
بر فصل واحد باب چهارم در کمادها و در کمیده مشتمل بر سه فصل فصل اول در امراض سر و [illegible] و دماغ
مستعمل میشود فصل دوم در کمادها که بامراض دیگر اعضا چون ذات الریه قولنج و غیر آن
معمول است و در درد معده بارد و ریحی و شکم فصل سیوم در کمادها که بامراض تناسل فایده
مینماید باب پنجم در کمونیها مشتمل بر دو فصل فصل اول در کمونی مسهل فصل دوم در کمونی
ساده فصل اول از باب اول در اکحال مقوی بصر که تقویت روح باصره نماید و جلای
چشم سازد و روشنی چشم بیفزاید کحل شاه جهان بادشاه معمول از بیاض قبله گاه
غفران پناه که حضرت اعلی خود استعمال میفرمودند کافور یکدانک زعفران سنافیج هندی
مشک خالص هر یک یکمثقال مروارید ناسفته دو مثقال اقلیمیای فضی اقلیمیای ذهبی
واحد شش مثقال مارقشیشای ذهبی توتیای کرمانی هر یک هشت مثقال سرمه اصفهانی
دوازده مثقال باین طریق بسایند که سرمه و مروارید و هر دو اقلیمیا و مارقشیشا هر یک علیحده
علیحده در سنگ سماق بآب باران [illegible] میکنند و دواهای دیگر نیز باریک مثل غبار کرده باهم
آمیخته در ظرف آبگینه نگهدارند کحل الجواهر سرمه اصفهانی مدبر یاقوت سرخ یاقوت زرد
آبنوس سنافیج هندی توتیای کرمانی [illegible] خیسانیده ساییده خشک کرده کف دریا هر یک

دو ماشه مامیران چینی یک ماشه توتیا هندی نیم ماشه دوده روغن گاو هر پنج ماشه دهنه فرنگ اقلیمیا
ذهبی بدستور مقرر تیار سازند کحل جهت تقویت بصر عجیب الاثر است و نافع با مراض چشم سرشته
توله مروارید دو توله سنگ یشب مرجان یکتوله و سه ماشه مامیران چینی نیم توله ورق طلا چهار ماشه
غیر از اوراق همه را باریک ساخته باب هلیله تا چهار روز کهرل نمود روز نهم اوراق را هم بیفزایند
و در گلاب بسایند و در ظرف آبگینه یا چینی یا طلائی بدارند و کهرل از سنگ سماق باشد یا چماق
کحل دیگر روشنائی چشم زیاده کند و جمیع امراض چشم زایل نماید مرچ سیاه ده عدد غنچه چنبیلی [illegible]
عدد گل گوند [illegible] و عدد [illegible] علیحده علیحده بسایند و از آمیزش کرده و از غبار [illegible] حفظ
فرمایند باز یکجا کرده دو میل بوقت صبح در چشم کشند کحل اکبر حافظ صحت عین و ازاله علت
آن کند کحل توتیا مرقشیشا اقلیمیا هر واحد یکدرم در آن حالیکه مغسول باشد بگیرند مروارید و
سانج هندی زعفران سنبل هر واحد یکدرم کافور یکدانگ کهرل کرده شده کحل دیگر که در خانه جواهر خان تیار
میشد بگیرند سرمه هر قدر که خواهند آنرا در انگشت گذاشته مثل [illegible] آتش دهند تا خوب سرخ
شود و پس سرد شود [illegible] انداخت بیزند [illegible] تازه تخم [illegible] دو
انداخته بیزند تا سیر شود [illegible] چهل [illegible] کهرل نمایند و استعمال کنند نسخه کحل مجرب جهت
اسهال از مجربات شیخ الرئیس [illegible] اشیاف ماميثا چهل و هفت درم زعفران بیست و چهار درم
افیون خالص دوازده درم [illegible] [illegible] بزر البنج سفید مجفف شش درم ورق [illegible]
تازه چهل درم صمغ عربی بیست و چهل درم همه اجزا را باریک بکوبند و چند روز باب باران یا آب
اکلیل الملک تازه والا آب مطبوخ منقع اکلیل الملک سحق بلیغ نمایند بطریق حب ساخته نگهدارند
[illegible] باره سنگ [illegible] یا صدف باب سرد یا شیر عورت و یا سفیده بیضه بسایند و بمیل در چشم دو
وقت بکشند مجرب از اسرار است فصل دوم در اکحال که با مراض چشم سود مند است کحل
نزول [illegible] قسم که باشد در ابتدا نزول استعمال نمایند صابون لاهوری قسم اول پنجدرم [illegible]

سفیده ماشه و نیم نیله تهوتهه سوخته باشد و یک سرخ اول صابون را ریزه ریزه کرده در کوزه نو یکجا
نهند تا که گداخته شود بعده رال و نیله تهوتهه را خوب سحق نموده در آن اندازند و از هیچ آهنی
بکوبانند تا که رنگ سرمه پیدا کند فرود آرند وقت حاجت قدری بمقدار کنجد از آب سائیده
در چشم کشند یک روز در میان اده عمل نمایند و از ترشی و بادی و غذای قاره احتراز
نمایند روز یکه در چشم کشند از هوا و آب پرهیز نمایند کحل دیگر که در اوراق مجربات بعضی
اطباء معتمد ستائش نموده شده در ابتدای نزول عجیب الاثر است لیکن بمداومت بعد مدت
اثر میکند نبیه دانه محرق خاکستر صفید گجری از چند مرتبه دانه کحل سازند کحل دیگر از
مجربات والد بزرگوار خاصیت عجیب در منع نزول و تحلیل ماء نزول دارد همیشه معمول و
تحقیق هم درین تصرف باضافه نموده بعضی اجزا مثل ارسید اثمد مارقشیشا مکلس و پوست
هلیله کابلی فلفل مشک ورق نقره بدستور کحل سازند کحل سهل الوجود که جهت نزول
ماء مجرب معمول این خادم فقیر است درخت بادیان که بار آورده باشد و هنوز تخم آن
خوب پخته باشد از بیخ برکنده و از خار و خاشاک پاک ساخته در سایه خشک نمایند هرگاه
خوب خشک شده قابل سائیدن شود با بیخ و بار و برگ و شاخ کوفته بیخته در سنگ سماق بغایت سایند
و هر روز اکتحال فرمایند و اگر تازه نهال بادیان کوفته شیره بگیرند و شیره را در ظرف چینی در
سایه خشک ساخته اکتحال نمایند هم بهتر است و در اختیار استعمال از برگ صرف تازه یا خشک
کوفته ساخته بقدر تحمل تناول نمایند کحلی که استعمال کرده میشود و در ابتدای نزول نافع است از
قدیم از مجربات طبری رحمة الله مارقشیشا ذهبی مکلس که خاکستر شده باشند دخان کوزه
کاسنی اقلیمیا ذهب هر یک جزو ... فلفل نیم جزو همه را سحق کرده تصفیه بخمر عتیق داده باریک
نموده از حریر گذرانیده بعمل آرند کحل با میران چینی یک جزو مروارید دو جزو مرجان
سه جزو سرمه اصفهانی قرنفل کافور قیصوری زعفران قدری باریک سائیده کحل سازند

آب سبز بید با بید و من آن بید بیالایند و خیار شنبر در آن حل نمایند و سه من قند مکرر اندازند و بر آتش
کنند تا آن آمیخته و بجوشانند تا بقوام آید ادویه دیگر کوفته بیخته با آن آمیخته شد بنوشند شربتی
با نخود رم باشیر شتر یا آب عنب الثعلب باب چهارم در کار دواهای در کبر ده سه فصل
فصل اول که با مراض سر و حجب دماغ مستعمل میشود و نافع بصداع حار صفراوی است از
مستفرغات مسکنات و مخدرات کلیه زایل شود و معین میشود که بقیه ماده و از جنس التحلیل
باین استعمال کماد و بالتمام زایل گردد جو گل خطمی یا بونه سبوس گندم صندل سفید گل سرخ نیلوفر و غیره
الاقحوان بنفشه هر یک جزوی کوفته بیخته با سرکه انگوری و گلاب و آب شاه سفرم ورد
سرشته در پارچه کتان بسته با آتش گرم کرده بر سر کماد نمایند و با وجود این کماد اگر زایل
نگردد معلوم میگردد که باقیمانده در فصلی که مستعمل است رفع آن فصد هر دو صافن نمایند
و حجامه هر دو ساق نهند و امر بدلک هر دو قدم نمایند کماد که سر که سکوته را البوته متغیه
بآن گرم باید کرد قرنفل بسباسه جوزبوا افاقیا کوفته بیخته در سرکه کرده گرم نموده
تکمید نمایند کماد که تبرید و ترطیب دماغ کند و سیوابی را ببرد و حرارت و یبوست دماغ
را نافع باشد بنفشه نیلوفر کاسنی سبز کاهو ورق بید تراشه کدو ورق گل سرخ بستان
با زنگ خطمی تخم بادرنگ تخم خشخاش پوست خشخاش فقاح شاه سفرم هر یک قدر معقول همه را
در آب سبز بید و شیر دختران و روغن بنفشه در آن بیزند و تکمید نمایند و اگر خواهند سر
بر بخار آن فرو دارند یا به آب آن نطول نمایند کماد که در سبات سهری بکار آید جو مقشر
بیکوفته ورق نیلوفر هر واحد دو کف حی عالم ورق خبازی ورق بید قطونا مرزنجوش
هر یکی نافع جوشانیده تکمید نمایند و اگر خواهند انکباب کنند کماد نافع برای فالج مرزنجوش
نمام شیح ارمنی نانخواه برگ اترج صعتر بر تحا سف مشک طرامشیع حاشا بودینه جوشانیده
کرده اعضای مسترخیه بخار آن دارند و آب آن گرم کرده بر شانه و بر گردن و اعضای

سفرم

صافن

مذکوره تکمید نمایند بعد از ان بکمید جدید سر و روغن فرفیون یا روغن شونیز و روغن قسط تمریخ کنند

فصل دویم در کمادهای که با امراض دیگر اعضا چون ذات الصدر و درد معده بارد

و ریحی و شکم و قولنج و غیر آن معمول است کماد که نزدیک مشهد(?) اورد وجع ذات الجنب که از ماده

سوداویه باشد بکار آید منقول از حکیم علی هادی شیرازی آرد جو آرد باقلا سبوس گندم

گاورس همه را بلعاب گل خطمی سفید و لعاب تخم قطونا و لعاب بهدانه و شیر تازه و روغن گل

سرشته بمقدار دو انگشت ضخیم نان بسازند بر طابق نیم پخته نمایند و بر موضع

وجع بعد تمریخ بقیروطی که مذکور شد کماد نمایند قیروطی اینست پیه گرده بز موم سفید

در روغن کدو و روغن بنفشه و روغن گل بگدازند و صاف نمایند پس گل بنفشه گل خطمی

تراشه کدو عنب الثعلب اصل السوس مقشر کوفته پرسیاوشان در آب بجوشند صاف نمایند

پس آب اسفاناخ و لعاب بهدانه اضافه کرده در پیه و موم مذاب بدفعات تسقیه کنند

باین قسم که قدری آب با پیه بر آتش بجوشانند که در قعر(?) داخل شود و اورده سرد کرده

باز بر آتش گذارند و تسقیه دهند تا چند کرت تمام آبها در خورد کماد جز ازتقلو(?) یان

مرسوم جهت مرسم بعد فصد و تنقیه معده آرد جو آرد باقلا سبوس گندم از هر واحد ده

بشیر گاو و لعاب بهدانه و لعاب خطمی سفید و آب عنب الثعلب سبز و آب پوست خشخاش و آب

بابونه و روغن گل و روغن کدو خمیر کرده نان بحجم دو انگشت ساخته بر تابه نیم پخته کرده

بر موضع درد کماد نمایند دیگر که در درد معده ریحی را سود دارد نانخواه زیره کرمانی

رازیانه هر یک دو مثقال گل سرخ عفص کوفته بیخته در خریطه کرباس اندازند خسته

نیم گرم بر معده بگذارند کماد که همین عمل دارد نانخواه پنج درم نمک سوده سبوس

گندم هر یک ده درم کوفته بیخته در پارچه بسته تکمید نمایند کماد جهت تسکین درد

معده و دماغ و جگر و کلیه و سپرز و جمیع اعضا نافع است سریع الحمل و قوت بخش را بکشاید

بابونه گل سرخ سنبل حلبه تخم کتان تخم شبت سبوس گندم اکلیل الملک جمله برابر با چهار
بهم سرشته بجوشانند و در مثانه گاو ببندد از ند و تکمید نمایند و اگر از فتق باشد بدین گرده
بر عضو نهند قوی تر باشند گاه در صبح معده و قولنج ریحی مجربست که هیچ باشند بسوزند
سپستان تخم سوده هینگ نمک سفید به کوفته بیخته با روغن که در آب برگ سوده خمیر کرده
باشند آمیخته نان بقدر حجم دو انگشت پخته بسازند اما از یک طرف خام گذارند و شکم
خام را با روغن شبت چرب ساخته گرم گرم ببندند گاه دستول شکم را دور کند آرد
ماش که در هندوی اُڑد گویند یک آثار سنبل یک پاو نمک طعام یکپاو انگوزه یکدام
از جمله خمیر کرده باب دو نان بسازند یکی ازان بر تابه نهند چون یکروی آن پخته شود
فرود آرند و از جانب خام بر شکم ببندند و نان دویمی بر تابه گذارند چون نان اول سرد
شود جدا کرده نان دویمی را بر تابه گذارند و یکی را بربندند همچنین کرده باشند
تا در دفع شود من مجربات اکبری گاه در طب در حیض سنبل دارچینی لیباسه جوزبوا
قسط تلخ اقاقیا نیمکوفته در آب طبیخ نمایند تا خوب جوش خورد و گرم گرم در مثانه ریخته
تکمید بر موضع ناف کنند عجیب است گاه نافع برای اختلاج سبوس گندم نمک طعام چای و شیر
سنبل الطیب زیره سبز در شیشه گرم کرده بر عضو مختلج کماد نمایند فصل سیوم
در کمادها که با مراض ناسل فایده دارد گاه دمجلوق و تعقد که موجب ضعف قوه شده باشد
سرگین تازه اسب نیم پاو نمک چهار ماشه شیر میش نیم پاو در کثوره مسی حل کرده قدری گرم
نموده بطریق کماد بعمل آرند گرم گرم بران موضع ببندند در چند روز نفع کلی نماید گاه
که مجلوق و عنین را الحال صحت آرد دستاره علاج تخم کتان کنجد سیاه مغز بید انجیر جدا کرده
بزر هر سه را کوفته بیخته در پوٹلی بسته زیر جام آتش داشته تا که گرم شود از آن پوٹلی یک
پوٹلی بر قضیب سینک کنند در یک هفته بحال آید دیگر برادهٔ علاج ابنه بلد کلی است

کهنه کلونجی تل مالکنگنی عاقرقرحا کوفته در چهارده پوٹلی بسته در شیر میش که بر آتش
گرم داشته باشند اندازند و همچو گرم سینک نمایند بخوبی که از زیر ناف تا بیخ قضیب
کنند بقدر چهار پنج تولہ شیر جذب در اینکار میشود بعد پوٹلی را واکرده دوا در شیر
حل کرده بر قضیب شب به بندند و صبح واکنند باب پنجم در کمونیها مشتمل بر دو فصل
فصل اول در کمونی مسهل فصل دویم در کمونی ساده فصل اول در کمونی مسهل
کمونی مسهل معمول سنبل الطیب عود بلسان هر یک دو مثقال دارچینی سلیخه
حب البلسان هر یک دو مثقال روغن بادام چهار مثقال بوره ارمنی ده درم فلفل
سی درم برگ سداب زنجبیل هر یک چهل درم زیره سی درم صد درم تربد سفید مسحوق [?]
بوزن ادویه بعسل سه چند ادویه فصل دویم در کمونی ساده مقوی معده و هاضم طعام
و مزیل شهوت گلی و اوجاع احشا که از بلغم و سردی باشند و جشاء حامض حمیات
بارده سوداویه و بلغمیه و مشایخ نافع بوره ارمنی ده درم زیره سی درم برگ سداب خشک
فلفل زنجبیل هر یک پنج استار کوفته بیخته منزوع الرغوه بسرشند شربتی مثقال از
عقد حرف اللام مشتمل بر چهار باب باب اول در لعوبات مشتمل بر دو فصل فصل
اول در لعوبات ذی اسم حار و بارد فصل دویم در لعوبات غیر ذی اسم حار و بارد
باب دویم در لخلخها مشتمل بر دو فصل فصل اول در لخلخه با مراض سر و دماغ استعمال
میشود فصل دویم در لخلخه که برای تقویت قلب و انتعاش روح غریزی بعمل می آید
باب سیوم در لطوفات مشتمل بر دو فصل فصل اول در لطوفات که با مراض باطنیه
بکار آید فصل دویم در امراض ظاهریه تعلق دارد باب چهارم در لعوقات مشتمل بر
فصل واحد فصل اول که بلعوق سینه و صدر و حجاب غیره فایده میکنند فصل اول
از باب اول در لعوبات ذی اسم حار و بارد لعوب ابریشم مخترع بعضی متاخرین.

یکدرم سیر شقاقل مصری یکدرم بیر بستا و سه تا روغن نارجیل یا زرچ سیر بسیل سفید خوشبو بسه
چند الطریق معلوم و متعارف بقوام آرند که این نسخه معتمد علیه است و معمول الیه باب دوم
در لخلخها مشتمل بر دو فصل فصل اول در لخلخه که بامراض دماغ استعمال میشود لخلخه نافع از برای
سرسام حار صفراوی صندل سرخ صندل سفید بگلاب سوده گل ارمنی شیاف مامیثا
حضض مکی بوشنج هندی طباشیر سفید سوده با آب کاسنی سبز آب گشنیز سبز تازه آب سیب
ولایتی آب بشیرین آب ریحان تازه آب برگ مورد گلاب عرق بید مشک آب تربوز آب
سرکه انگوری شیر دختران روغن بنفشه روغن گل روغن نیلوفر با همه جمع شود و لخلخه نمایند
و در انحطاط علت بجای طباشیر فاوانیا کنند و روغن نیلوفر و آب مورد و آب تربوز را فصل
بگذارند لخلخه دیگر برای سرسام صفراوی صندل سرخ و سفید بگلاب سوده آب خیار تازه آب
خیار بالنگ گشنیز سبز کافور قیصوری روغن گل بنفشه بدستور بعمل آرند لخلخه دیگر جهت
صداع حار روغن گل و روغن بنفشه هر واحد دو جزو خل خمر نصف جزو در شیشه حرکت داده
ببویانند و اگر خواهند که زیاده تبرید کنند آب کاهو تر و آب گشنیز تر و آب کدو و قدری کافور
بیفزایند فصل دوم در لخلخه که برای تقویت قلب و انتعاش روح عزیزی بعمل می آرند
لخلخه مقوی قلب مسکن حرارت قلب آب سیب ترش آب به خام آب انار رب عرق کیوره
گلاب صندل در گلاب سوده در شیشه حرکت داده ببویانند دیگر جهت خفقان بارد و
توحش سوداوی صندل سفید مشک خالص یک سرخ عنبر اشهب یک سرخ لادن دو سرخ صندل
در عرق بید مشک و عرق کیوره گهرل سوده در ظرف چینی یعنی صراحی انداخته حرکت داده
ببویند دیگر که جمیع الفواد نافع است لادن مصطکی روغن گل روغن نرگس — سرکه انگوری
آب انار آب سیب همه در شیشه انداخته ببویند باب سیوم در لطوخات مشتمل بر دو فصل
فصل اول در لطوخات که بامراض باطنیه بکار آید لطوخی که تنقیه را نافع بود و مرکم

هر یک درمی بزر البنج کتیرا هر یک دو دانگ افیون نیم دانگ کوفته بیخته بلعاب اسپغول سرشته در کاغذ چسپانیده
بر شقیقه چسپانند دیگر برای شقیقه و درد سر حضض سه درم تخم کاسنی تخم کاهو هر یک دو درم
مر مکی درم افیون نیم درم کوفته بیخته بلعاب اسپغول سرشته بر دو پاره کنند در بناگوش چسپانند
لطوخ خشک زکام مدام و نزله قدیمه علی الدوام را نافع و مجرب است لادن لوبان مصطکی کندر زفت
رومی گل بابونه سنبل الطیب هر یک جزوی موم سفید روغن گل یا نرگس یا خیری هر یک چهار
جزو موم را در روغن بگدازند و دواها کوفته بیخته بسرشند و بر پارچه مالیده بر سر بندند دو سه
روز بسته دارند **فصل دویم** در لطوخات امراض ظاهره لطوخ خشک برای ورم ظاهری
بکار آید نشاسته صندل سفید گل ارمنی اقاقیا بلعاب بهدانه سرشته لطوخ سازند لطوخ قوی
مجرب تخم لوز نشاسته هر دو را در روغن گل سرشته لطوخ سازند لطوخ دیگر صندل اسفیده و زعفران
حضض عصاره حی العالم (؟) نشاسته خشک خوب باریک سائیده در روغن گل آمیخته یا در سرکه
و لعاب اسپغول سرشته بر جای لطوخ نمایند **باب چهارم** در لعوقات مشتمل بر فصل واحد فصل
لعوق سینه و صدر و شکایات غیره فایده کند لعوق بر خشخاش جهت سرفه نزلی بیخ سپستان (؟) اصل
السوس پنج درم تخم خطمی بهدانه هر یک هفت درم در دویست و پنجاه درم آب سیب ترش [illegible]
مساوی بجوشانند تا بنصف رسد با صد و بست درم قند سفید بقوام آرند و مغز بهدانه صمغ عربی
هر یک سه درم کتیرا چهار درم خشخاش سفید خشخاش سیاه هر یک پنج درم صلایه کرده بیامیزند
دیگر جهت سل و اوجاع سینه و نفث الدم سرفه مزمن که از نزلات حاره بود لعوق تخم خطمی کتیرا از
هر یک سه درم اصل السوس ده درم تخم خشخاش دو درم سپستان بست دانه جمله سوای اسپغول و کتیرا
نیم کوفته در پنج رطل آب یک شب تر کرده بجوشانند تا ثلث باقی بماند صاف کرده بقوام آرند و وقت
فرود آوردن دواها از آتش صمغ عربی کتیرا اسفیده هر یک پنج درم باریک ساخته بیامیزند لعوق
[illegible] نفع سرفه بلغمیه سینه و صدر و حلق نازل شود خصوصا یعنی ثمر درخت کولر را [illegible] بجوشانند

بهی آنرا تبدیل ساخته خمیر تازه در میان آن باندازند بگر طبخ نمایند تا مزه و قوت آن در آب ظاهر
شود و لیس با شکر جهت محرورین و با عسل جهت مبلغمین لعوق سازند و بعضی وقت طبخ آن چیزها
از اکثر او مثل آن سایده داخل میکنند و طبخ میدهند تا بقوام عسل رسد قدر خوراک نیم وقیه
لعوق جهت سرفه خشک و نزله که بر سینه و ریه ریزد و برای حرارت تخم خشخاش سه درم
صمغ عربی کتیرا نشاسته هر یک چهار درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و تخم خرفه کاهو مقشر
هر یکی پنج درم مغز بادام شیرین ده درم همه را باریک سازند و ترنجبین پنجاه درم در آب
بطبخ بند نیم حل کنند و صاف کرده بقوام آرند لیس ادویه مسحوقه با آن بسرشند و روغن بادام
بیست درم آمیخته از پنج درم تا یک استار بلیسند و اگر نزله قوی بود خشخاش دو درم
زیاده نمایند لعوق نافع برای سرفه و ضیق نفس و دیگر عوارض ریه اسفید کوکنار عناب و کلا
سپستان مویز منقی اصل السوس مقشر بادیان بنفشه ایرسا انیسون زوفا خشک انجیر زرد
جمله را برابر کوفته بپزند در آب خالص جوشانیده تا که سه بار و آب بماند مالیده صاف کرده
نبات مصری تخم خطمی تخم خبازی تخم کتان در لعاب بیخ آورده بقوام آورده کتیرا
نشاسته رب السوس مصطکی رومی دارچینی سوده اضافه نمایند لعوق بارد جهت ضیق
النفس مجرب افتیمون غاریقون سفید هر یک یک تولہ کوفته بپزند در عسل سفید شش تولہ آمیخته
هر روز نه ماشه با عرق گاوزبان بلیسند لعوق جهت سعال حار بادی نیم بادی نافع
بالبوته تخم خطمی کتیرا صمغ عربی مغز تخم خیار مغز تخم بهیدانه بزرقطونا هر یکی پنج درم تخم خشخاش
سیاه ده درم تخم خشخاش سفید بیخ مهک مقشر هر یک بیست درم همه را سوای بزرقطونا
کوفته نمایند و تخم خشخاش و تخم خیار و بیخ مهک را در دو سیر آب باران یکشبانه روز
ولیس بجوشانند و صاف کرده شیره برآرند و بزرقطونا و خطمی را جدا لعاب بگیرند و کتیرا
و کتیرا صمغ عربی علیحده در آب حل نمایند باز همه یکجا کرده نیم من شکر اضافه نموده بقوام

گلقند آفتابی چهار توله صمغ عربی دو توله کتیرا پنجتوله شکر تیغال چهار توله تخم خشخاش سپید
پنجتوله گوکنار دو توله رب السوس چهار توله بهدانه یکدرم عسل خالص نیم سیر نبات سفید یکنیم
ترنجبین دو توله از چهار توله اسپغول لعاب بر آورده در آن جمیع اجزا جوش داده وقتیکه
از دو سیر آب نصف بماند ترنجبین و نبات و شهد خالص داخل ساخته بقوام آرند لعوق حلبی
تلیین صدر کند مغز تخم کدو دانه مغز بادام شیرین هر یک چهار درم اصل السوس مقشر پنجدرم زرد
چهار بیضه مرغ روغن بادام و عسل لعوق سازند لعوق زبدة الیعنی پرسیاوشان اگر تازه
باشد بهتر و الا خشک که میسر باشد قدر صالح بجوشانند و در حالت غلیان اصل السوس ده درم
عناب پنجاه دانه داخل نمایند لیس بمالند و صاف نمایند فانیذ شیرین نصف رطل عسل یک رطل
شکر سفید یک رطل و ربع آن اضافه کرده بقوام آرند و بعد نزول از آتش رب السوس کتیرا
صمغ عربی نشاسته هر یک سه درم سائیده بیامیزند و اگر سه درم پرسیاوشان دیگر خشک
کوفته بیخته داخل کنند بهتر باشد لعوق سپستان جهت سرفه و ضیق النفس لعاب سفید
بیجبا و بیان سه درم بهدانه پرسیاوشان کتیرا سفید تخم خطمی هر یک پنجدرم خشخاش سفید
هفتدرم سوس منقی اصل السوس مقشر هر یک پانزده درم جو مقشر مغز فلوس سی درم انجیر
زرد ده دانه عناب سپستان پنجاه دانه سپستان از اقماع پاک کرده پنجاه دانه آنچه کوفتنی است
بکوبند و در چهار رطل آب تازه همه را بغیر از کتیرا تر کنند و بعد یکشبانه روز بر آتش نرم
بجوشانند و بمالند و صاف نمایند و قند سفید نیم رطل انداخته غلیظ سازند چه اگر سایل ماند
زود ترش شود و متعفن گردد لعوق سپستان که برای نفث مواد سینه و سرفه و نزله
مجرب منقول از بیاض سپستان پنجاه دانه عناب بست دانه اصل السوس یکتوله تخم خطمی
پرسیاوشان یک توله تخم خبازی چهار ماشه بهدانه سه ماشه پوست خشخاش دو توله در
دو آثار آب بجوشانند و با نبات بقوام آورند و در آخر قوام شیره جو مقشر شیره بادام شیره

شیره تخم خشخاش هر یک یک تولہ افزایند بعد از ان کثیرا صمغ عربی رب السوس هر یک یک ماشه سوده
اضافه سازند و بقدر دو ماشه در دهن گرفته لعاب آن فرو برند روزانه چهار پنج مرتبه وقت خواب
چهار ماشه بخورند لعوق حلبه بحة الصوت و غلیظ صوت را نرم کند و نفث را باسانی برآرد
کثیرا اصل السوس مغز حلغوزه نشاسته صمغ عربی هر یکی دو درم مغز بادام مقشر حلبه هر یکی چهار
درم تخم کتان پنج درم بشهد بسرشند و لعوق سازند لعوق لعابات نافع بحة الصوت که از حرارت
شش باشد تخم خشخاش ده درم آب انار املیسی آب خیار آب کدو آب فرفخ آب نیشکر هر یک
یک ستار لعاب بزرقطونا لعاب بهدانه لعاب تخم خطمی شیره بزر الفرفخ و شیره بزر خیار هر یک اسکرجه
خالص نیکو طلا از همه لعوق سازند لعوق بزرکتان برای سعال مزمن نافع است و سینه را از اخلاط
پاک گرداند و بر نفث یاری دهد بزرکتان بریان سه درم قردمانا ده درم کوفته بپخته العسل بسرشند

حرف المیم مشتمل بر ده باب باب اول در ماء اللحم محتوی بر دو فصل فصل اول در نسخهای
ماء اللحم که با مراض دماغی و قلبی فایده میکند فصل دویم در نسخهای ماء اللحم که در تقویت
باه استعمال میشود باب دویم در ماء العسل و ماء بزور و ماء الاصول مشتمل بر سه فصل فصل
اول در ماء العسل و ماء بزور فصل دویم در ماء الاصول که تعلق با مراض دماغی دارد فصل
سیوم در ماء الاصول که در امراض معده و کبد استعمال میشود باب سیوم در مراهم مشتمل بر
سه فصل فصل اول در مراهم که با مراض چشم و گوش تعلق دارد فصل دویم در مراهم امراض
اعضای دیگر چون مقعده و ثدی و رحم و خصیه متعلق است فصل سیوم در مرهم های آتشک
و نمله و خنازیر و اورام ظاهر بکار می آید باب چهارم در ادویه که بلفظ مربی نوشته میشود
در کتب مشتمل بر دو فصل فصل اول در مربهای امراض حاره استعمال میشود فصل دویم
در مربهائیکه در تقویت معده و جگر و قلب و امراض فاتره استعمال میشود باب پنجم در مضمضه
محتوی بر یک فصل واحد که در امراض دهان و کام تعلق دارد و باب ششم در مطبوخات مشتمل بر

دو فصل فصل اول در مطبوخات امراض باطن فصل دویم در حبوبات ساذجه و مرکبه باب هفتم
در معاجین مشتمل بر پنج فصل فصل اول در معاجین امراض دماغیه مانند صرع و فالج و لقوه و نسیان
وغیره مستعمل است فصل دویم در معاجین امراض معدیه و کبدیه و کلیه و مثانه و امراض
تناسل فصل سیوم در معاجین مفاصلیه فصل چهارم در معاجین امراض جلدیه که بثور و
جروح جدریه و اکله و جذام نافع است فصل پنجم در معاجین حماییه باب هشتم در مفرحات
محتوی بر سه فصل فصل اول در مفرحات دماغیه و قلبیه منکشف و غیر منکشف فصل دویم
در مفرحات جگر و معده و معا قابض و غیر قابض فصل سیوم در مفرحات مفاصلیه و
باهیه باب نهم در سقیات مشتمل بر دو فصل فصل اول در سقیات که با امراض دماغی مفید
است فصل دویم در سقیات که با امراض معده وغیره استعمال میشود باب دهم در نسخها
که بلفظ طلح نوشته شده باب اول در ماء اللحم محتوی بر دو فصل فصل اول در
نسخهای که با امراض دماغی و قلبی فایده میکند ماء اللحم نافع از برای تقویت معده
اصحاب دق و حمی یوم و استفراغی و ناقهین از امراض حاره وقتیکه معده ایشان ضعیف باشد
بجهت تبرید و ترطیب استعمال نموده میشود گوشت حلوان شیرمست یکمن و چوجه مرغ دراج
هر یک هفت قطعه گوشتها از چربی و استخوان جدا کرده در دیگ نقره با آتش ملایم کباب
نیم خام کرده سیب شیرین سنجد شیرین کدو شیرین خیار تازه برگ کاهو گل بید مشک
غنچه گل سرخ هر یک نیم من پودینه تازه برگ فرنجمشک از هر یک چهار و یک من تبرید
کچهو یکه را ریزه کرده در کباب مذکور داخل کرده با گلاب و عرق بید مشک و آب جلاوان
و آب طلا تا به عرق قاتل کشند و هر روز سی درم از آن بخورند و اگر حرارت غالب باشد سبوسهای
ترلبود کافور قیصوری یک مثقال طباشیر سفید تخم گشنیز مقشر هر یک پنج مثقال اضافه
نمایند ماء اللحم دیگر گل گاوزبان گیلانی گل نیلوفر گل سرخ گل بید مشک تازه طباشیر

طباشیر سفید هر یک یکتوله صندل سفید هیل هایان ده چهار توله قسط نقل دارچینی هر یک
چهار ماشه مرغ جوان یک قطعه دوا ها را با مرغ خوب بکوبند تا مثل مرهم شود پس بگلاب
وعرق بیدمشک آب صافی نیز بقدر حاجت اندازند دیگر مرغ جوان یک قطعه مصطگی
نیم دام صندل سفید چهار دام دارچینی نیم دام الایچی خرد هر سه را با گوشت خوب بکوبند
تا مانند مرهم شود پس بگلاب وعرق بیدمشک عرق کشند ماء اللحم نسخه دیگر نافع از برای
ضعف بدن خصوص ضعف قلب و از برای ورم رحم و عسر طمث و درد رحم وقت آمدن حیض
مجرب است گوشت بزغاله فربه یکمن و چهار من تبریزی مرغ جوان فربه دراج ولوه هر یک پنج
قطعه را از چربی و استخوان پاک کرده ورق ورق تراشیده در دیگ نقره کباب نیم خام کنند
طباشیر سفید تخم کشنیز خشک مقشر خارخسک از هر یک دو مثقال و نیم عود الصباغین دو مثقال
غنچه گل سرخ گل گاوزبان از هر یک ده مثقال دارچینی دانه هیل از هر یک دو دانگ و نیم
داخل کرده عرق بیدمشک و عرق گاوزبان عرق عنب الثعلب عرق نیلوفر چهار سیر آب انگور
دو رطل آب خالص بقدر ضرور باید داخل کرده عرق کشند پس عرق عنب الثعلب و گل بنفشه از
هر یک بست و پنج مثقال صندل سفید هفت مثقال و نیم گل گاوزبان پنجاه مثقال گل سرخ
تازه دو رطل گل سیوتی یک رطل داخل کرده در مرتبه ثانی عرق کشند در وقت عرق کشیدن
عنبر اشهب مشک خالص زعفران هر یک یکمثقال در کیسه کتان بسته در ظرفی که عرق در آن
خواهد چکید اندازند فصل دویم در نسخهای ماء اللحم که در تقویت باه استعمال کرده میشود
ماء اللحم که حکیم ارشد برای میرزا طاهر ترتیب داده حلوان یکقطعه مرغ جوان دراج هر یک
دو قطعه کنجشک نر بست عدد سنبل هندی ساذج هندی بهمن سرخ بهمن سفید سنبل دارچینی عود
ثعلب شقاقل بوزیدان خولنجان خارخسک هر یک چهار توله قرنفل دو توله گاوزبان ابریشم شش
توله خارک نخود سیاه هر یک نیم توله سیب شیرین سی عدد آب زردک ده آثار عنبر مشک هر یک

نیم تولہ ماء اللحم گوشت مرغ گوشت بره هر یک دوازده آثار گوشت آهو یک آثار گوشت
کبوتر گوشت گنجشک نر هر یک نیم آثار خرماخار یک آثار دارچینی شقاقل خصیة الثعلب هر یک
نیم سیر بهمن سرخ بهمن سفید جوز بوا بسباسه هر یک دوازده درم مشک عنبر هر یک نیم درم
ماء اللحم مرغ دراز دو قطعه کبوتر چهار قطعه گنجشک نر خانگی چهل قطعه خرماخار بیست درم
دارچینی شقاقل هر یک دو درم بهمن سرخ بهمن سفید جوز بوا بسباسه خولنجان هر یک یک درم
آب سیب سه آثار آب گندم پنج آثار مشک عنبر هر یک دو ماشه بدستور عرق کشند ماء اللحم
که نصرت خان جهت شاهجهان ترتیب داده مرغ جوان بخوبد در زردک پانزده آثار گنجشک خانگی
صد عدد شقاقل مصری پاو آثار سیب قندهاری بخوبد دارچینی یک آثار گوشت بر اضافه کرده
و استخوان از جدا نموده بطریق گلاب عرق کشند پنج پیاله قهوه خوری بخورد عجیب بیند ماء اللحم
که برای مردم خانه رفعت خان ترتیب داده در حمل مرغ جوان بکوبد و لبود چهار عدد دراج
دو عدد گاوزبان دارچینی قرنفل هیل جوزبوا صندل سفید تخم گشنیز خشک سقنقور برگ ترنج پوست
بیرون پسته بهمن سفید بهمن سرخ ابریشم مقرض درونج زعفران مصطکی هر یک سه ماشه عنبر اشهب
یک ماشه گلاب عرق گاوزبان هر یک نیم آثار بدستور عرق کشند باب دویم در ماء العسل و ماء
البزور و ماء الاصول مشتمل بر سه فصل فصل الاول در ماء العسل ماء العسل مستعمل در فالج
ولقوه و معمول این است عسل خالص یک جزو و آب یا عرق گاوزبان یا عرق بادیان القصه
ده جزو جوش دهند هر گاه دو ثلث جذب شود و یک ثلث باند بردارند و صاحب قادری یک جزو
عسل و شش جزو آب چون بنصف آید چنین شود در اکثر کتب یک جزو عسل دو جزو آب چون
دو ثلث بماند العسل آورده نوشته اند و اول موافق قانون است و معمول خود فصل دویم
در ماء البزور و ماء الاصول اما البزور که مستعمل میشود در فالج و استرخا تا چهار درم تخم شبت
تخم کرفس انیسون نانخواه قردمانا هر یک پنج درم مجموعه را در یک رطل و نیم آب بجوشانند تا

تا به نیم رطل آید صاف نموده بنوشند ماء البزور و ماء الاصول مستعمل میشود در فالج تا چهار درهم
انیسون رازیانه تخم کرفس تخم شبت نانخواه قردمانا بادرنجبویه بیخ کرفس بیخ اذخر اصل السوس هر یک
سه درهم در آب بدستور مقرر بپزند و صاف نموده محلی با عسل یا جلنجبین کرده صاف نموده بنوشند
ماء الاصول و البزور از مخترعات علامی فهامی میر محمد هادی پدر حکیم معتمد الملک حکیم علوی خان
مرحوم مستعمل در حمیات انقضا یا ماده فالج و استرخای بلغمی و امثال آن تا چهار درهم اسارون فاوانیا هر یک
یکمثقال رازیانه انیسون تخم کشوث تخم کرفس قردمانا پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کبر بیخ کرفس بیخ اذخر
هر یک ده مثقال در یک رطل و نیم آب بجوشانند تا نیم رطل آب بماند صاف نموده عسل مصفی یک اوقیه
حل کرده نیم گرم بیاشامند ماء البزور بعد گذشتن اسبوع اول کمافیطوس کمادریوس جاوشیر
اسطوخودوس فطراسالیون دوقو هر یک یکمثقال اضافه نموده و بعوض عسل جلنجبین شکری یا عسلی یا شربت
اصول یا شربت اسطوخودوس یا سکنجبین بزوری حار بحسب حاجت یکی از اینها بوزن ده درهم داخل
نموده اند و اگر از استعمال این اجزای حار گرمی در مزاج یا صفرا در معده متولد میشود بر اجزای
مطبوخ اصل السوس پوست بیخ کاسنی افسنتین رومی پرسیاوشان هر یک دو مثقال اضافه
میفرمایند و محلی بگلقند آفتابی یا سکنجبین بزوری معتدل یا بارد مینمایند فصل سیوم
در ماء الاصول که در امراض کبد و معده و غیره استعمال میشود ماء الاصول که در سوء مزاج
بارد کبد بود استسقاء یا ماده بکار آید سنبل اذخر گل سرخ هر یک سه درهم نانخواه انیسون هر یک
چهار درهم تخم کرفس رازیانه هر یک پنج درهم پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه هر یک ده درهم در
دو من آب بپزند تا به نصف آید پاک کنند و از آن سی درهم تا چهل درهم با سه درهم روغن بادام شیرین
تلخ بالمناصفه بدهند ماء البزور بادهای معده و احشا را تحلیل کند و اخلاط غلیظه را که در
قولنج و استسقاء طبلی را نافع باشد نانخواه کاشم زیره کرمانی صعتر شونیز هر یک کفی در سه رطل
آب بجوشانند تا یک رطل بماند هر صبح و شام بیست درهم با سه درهم روغن بید انجیر بنوشند یا ب

قسم سیوم در مراهم مشتمل بر فصل فصل اول در مراهم که با مراض چشم و گوش و بینی تعلق دارد
مرهم بهروزه یعنی سندکار جهت قرحه گوش و سیلان ماده و تسکین وجع معمول مجرب است انزروت
سفیداب هر یک یکدرم بهروزه دو درم موم سفید سه درم کنجد ده درم مرهم ساخته بکاغذ چسپانیده
فتیله کرده در گوش نهند مرهم اسکی که اصلاح قروح چاره کند زردچوبه جوز و مرداسنگ دو
جزو هر دو را بسیار کوبیده و روغن گل بسایند که مثل مرهم شود مرهم زنگار جهت ناصور گوش
زنگار و توبال مس هر یک چهار درم عصاره کنند با عسل مصفی هر یک یک اوقیه در مرهم سرشته
استعمال نمایند مرهم سفرجل جهت قروح انف خصوصا قروح که سبب یبوست درشت باشد
و جهت قروح شقیقه و اکثر قروح عسر الاندمال که ماده آن خالی از خبث در دهه باشد از جمله
عجایبات از خوارق عادت است موم شمع سفید سفیده خشک حب سفرجل و روغن گل هر یک یکمثقال
سفیده را در آب خوب بهم آمیزند و بمبالغه بمالند که آب لعاب دار شود و بس حب سفرجل را هم آب
گرفته با موم و روغن بهم سازند فصل دوم در مرهم های امراض دیگر اعضا چون
سعفه و شقاق رحم و خصیه و بواسیر و غیره متعلق است مرهم سعفه نافع سعفه اطفال که
سرکنج گویند مجرب حکیم ارزانی کمیله حنا مازو مرداسنگ پوست انار زردچوبه اجزا برابر
گرفته بسایند و موم در روغن گل بگدازند و ادویه مسحوقه بدان بسرشند قدری سرکه ضم
نمایند و بر مرهم زنند و نگهدارند و بعد حلق راس یا بعد تنقیه قروح امراض بکار برند دیگر در جمیع
انواع سعفه معمول و مجرب کافور ریاحی شنجرف سرخ زردچوبه گل سرخ اقاقیا مغسول هر یک
یکدرم گلنار کاغذ هر یک دو درم موم زرد هفت درم روغن گل بیست درم دیگر که جهت
سر طفلان نافع است جهت سعفه سه مثقال تخم مرسی سه مثقال هلیله زرد یک مثقال هر یک
حنا کمیله زرنیخ هر یک سه مثقال موم خالص ده مثقال مغز قلم کا و بقدر حاجت مرهم
ساخته استعمال نمایند مرهم که در ورم رحم و صلابت آن بارها بتجربه در آمده

کاهی خطائی ده سوم سفید یکتوله روغن گل یکتوله مغز ساق گاو یکتوله چربی گرده بز یکتوله زرده
بیضه مرغ یکعدد زعفران بابونه کنند هر یک سه ماشه بعضی اوقات در شیره عنب الثعلب سبز که
بعمل آمده باشد نهایت مفید افتاده مرهم که برای باد و صلابت رحم نافع است گل بابونه
تخم شبت مرزنگوش [illegible] صحرائی برگ سداب تخم کرفس بادیان [illegible] نانخواه
بابونه با دران هر واحد یکتوله نرم کوبیده زیت کهنه نیم سیر موم زرد چهار توله بدستور مرهم
تیار کرده استعمال نمایند اگر زیت کهنه نباشد روغن چراغ کنند مرهم برای صلابت رحم
نافع است زعفران نیم توله موم زرد یکتوله مغز قلم گاو یکتوله روغن زیت هفت توله بدستور معمول تیار نمایند
استعمال میتوان کرد مرهم [illegible] از مخترعات صاحب قرابادین جهت تلیین و تحلیل اورام صلبه
جز آن مجرب است لعاب تخم کتان آرد جو گل خطمی هر یک سه درم کوفته بیخته در آب [illegible] با آب گلم [illegible]
و چون قریب بپختن شود فلوس خیارشنبر [illegible] درم در آب گرم حل کرده و صاف نموده اضافه نمایند
و بپزند تا که غلیظ شود و پس روغن گل یا روغن کنجد یا زیت یا پیه گاو بقدر حاجت آمیزند و بر [illegible] بندند
مرهم جهت خیارک که پیدا می بوده باشند بول طفل را در آوند کوزه گرم نمایند و صابون یار یک
تراشیده در ان اندکی نمک داخل کرده بپزند تا غلیظ گردد و بر خیارک ببندند چند روز در
صبح و شام تازه کرده باشند که نضج یافته بلا تصدیع بیرون آرد و بعد ازان مرهم
سندل سازند مرهم [illegible] جهت ناصور از مجربات [illegible] یعنی [illegible] چهار [illegible]
موم سفید روغن کنجد [illegible] هم ساخته بعمل آرند مرهم نافع بواسیر و شقاق مقعد آب
کشند [illegible] درم [illegible] ده درم مغز قلم گاو و روغن زرد گاو هر یک یک وقیه با [illegible]
حل نموده روغن کنجد داخل کرده بجوشانند که آب جذب شود و پس مغز ساق گاو کوفته نرم کرده
قدری موم سفید داخل کرده مرهم سازند مرهم نافع بواسیر اگر ورم از گرمی باشد موم
روغن کنجد پیه [illegible] مغز ساق گاو [illegible] مقل همه برابر مقل را بلعاب تخم کتان حل سازند

و باقیها گداخته مخلوط کرده مرهم نمایند مرهم جهت شقاق مقعد موم سفید یکتوله حنا سه توله
روغن گل چهار توله موم را در روغن گل گداخته حنا مسحوق داخل کرده مرهم سازند مرهم
جهت نواصیر نافع و اندمال جراحات قدیمه نماید مردارسنگ گلنار زرد چوبه خون سیاوشان
عجب بحب مانی همه را سائیده اگر صمغ باشند بهتر شاخ گوزن سوخته موم سفید هر یک یکتوله روغن
زیت چهار توله بدستور مرهم سازند فصل سیوم در مرهمهای شهد و خنازیر و آتشک
وغیره قروح و جروح و اورام ظاهری بکار می آید مرهم که شهد بیتاکلا و سایر قروح
متعفنی را که محتاج بتنقیه بود نافع باشد خام حب الآس و ورق الآس اجزا برابر گرفته کوفته بیخته
در موم روغن که از موم سفید و روغن گل ساخته باشند انداخته بطریق مرهم سازند ایضا
نافع تر از اول مردارسنگ عروق الصباغین هر واحد یکجزو باره نصف جزو گلنار زراوند
قلیل از هر واحد جزو کوفته بیخته موم سفید را در روغن گل انداخته مرهم سازند مرهم آتشک
از مجربات و اسرار است و در یک شبانه روز دفع و التهابی آن زخم آن میکند توتیای هندی
شسته بیست درم شنگرف ده درم چوب چینی پنج درم و اگر نباشد باز سوخته است بازردی
تخم مرغ که زیر خاکستر باشد بقدر کفایت سرشته استعمال نمایند و اگر بجای کمرو چوب چینی
را نگیرد از کرباس بگذرانند تا زیبق در آن ناپدید شود و لیس کرباس السبو را بسوزانند و خاکستر او را
نیم مثقال داخل نمایند بسیار مفید است مرهم لسان الکلب از مجربات فرنگ جهت ناصور
زبان سگ در ظرف سفال سوخته یک عدد کاکات هندی فوفل سوخته هر واحد دو درم خرمهره
بازر سوخته چهار درم کوفته روغن کنجد و موم سفید مرهم سازند مرهم ناصور بکری مجرب
در آمده کات سفید درم توتیا سبز چهار درم کافور نیم درم موم سفید بیست درم
روغن کنجد پانزده مثقال بیضه مرغ یک عدد و انجیر چهار عدد در روغن مذکور بریان
نموده دور سازند و در موم روغن بگدازند و ادویه دیگر سائیده بیامیزند و زرده بیضه

و زروه بیضه در مرهم نموده مرهم سازند مرهم سرطان که یک جزء آن سرطان سوخته است در هر بندی انه خیزد
رو با صلاح آرد صندل سفید یکدرم بوتی در چندی اقاقیا هر یک دو درم شیاف مامیثا سه درم سفید
هر یک چهار درم سرطان سوخته یکصد و روغن گل قدر حاجت مرهم سرطان مجرب است شنگرف
مرچ کهنه زرد چوبه هر یک درمی ... نیم درم برگ ... که خشک شده باشد یکدرم جدا جدا آس نموده
از پارچه کنند رسیده سیماب موم سفید هر یک یکدرم روغن گل بقدر حاجت جمله را یکجا کرده در
روغن مرهم سازند در سرطان و نمله یا ریشه طلا نمایند مرهم زنکبیر جهت تحلیل اورام عسر التحلیل و
سرطان و خنازیر و ورم انثیین و اورام صلبه غیر قابل نضج مردارسنگ نیم درم علک البطم شش درم
شنکوف فلیت درم کندر یا زوا اشق موم سفید هر یک ده درم روغن زیت یا روغن گل پنجاه درم
مرهم برای تسکین وجع و تسکین و اندمال قروح سیاه سفید است اسرب محرق مغسول مردارسنگ سفیداب
کاشغری افیون سوخته زعفران صمغ عربی موم سفید تولد روغن گل موم را در روغن گل گداخته
ادویه دیگر کوفته بیخته ضم نمایند که سفید شود مرهم داخلیون نافع بانضاج اورام خراج و تسکین
اوجاع حاره و اورام و تحلیل خنازیر و صلابات و صلبه و تعقد رباط و تخمه روغن زیت کهنه پنجاه
درم مردارسنگ بیست درم تخم خطمی اسپغول تخم مرو حلبه تخم کتان هر یک یک درم تا هفت درم تخم ... را
شب در آب گرم تر کنند و صباح لعاب غلیظ از آن بگیرند و مردارسنگ باریک ساخته در زیت
انداخته بر آتش نرم گذارند و بچیزی حرکت همی دهند تا روغن با مردارسنگ بسته شود پس از آنکه
روغن سیاه گردد ظرف را از آتش فرود آرند و لعاب در آن اندازند و بکوبند تا غلیظ شود
پس فرو گیرند و بر هم زنند تا آنرا صابونی بهم رسد و اگر خواسته که قوی الاثر باشد زفت و خاکستر
چوب زرد مرصاف هر یک سه درم صمغ ... یکدرم باریک نموده اضافه نمایند مرهم شلغم
کافور چینی یکدرم سفیده کاشغری نیم پاو روغن ... بیست درم شلغم کلان دو عدد شلغم را بکوبند پس در
روغن یکجا نمایند تا سیاه شود پس صاف نموده کم کم سفیده انداخته بر آتش نهند و حرکت بدهند

مرہم ہفت دارو جہت نضج و التیام جراحات نافع است کتیرا تخم کتان تخم مرو سپستان ہموزن
گل بابونہ گل خطمی بالسویہ کوفتہ بیختہ با شراب بقدر ضرورت استعمال نمایند مرہم دیگر رسوت گوگل ہر یک
یک دام شب در آب تر نمایند صبح سہ باسیل کسمری مرداسنگ ہر یک دو ماشہ لونگ دہ عدد کہل
نمایند پس پارچہ مستعمل یک عدد چہار گرہ رنگ نمایند و آب ہمان قدر باشد کہ پارچہ جذب کند
کوزہ نگاہدارند بر ہر قسم زخم بچسپانند بہ خواہد شد ایضاً کہ برای نضج و التیام جمیع اورام
و خنازیر و التیام جراحات و قروح سریع الاثر است موم خالص [illegible] کردہ کافور سفیداب
کاشغری ہر یک چہار درم خام روغن کنجد خالص دوازدہ دام خام تا دو دام موم [illegible]
را در روغن گداختہ و از پارچہ گذرانیدہ بعد از ان سفیداب داخل نمودہ با آتش نرم بجوشانند
تا سیاہ شود و خوشبو شدہ گرد و در ظرف آہنی بریزند و بچوب نیم حل نمایند مرہم گونہ مرچ
چہل بلد رسوت کسید ہر یک یکدام سپیدہ گندم دو دام مسک تیل سرشف ہر یک دو دام دو دو ار
باریک ساختہ مسکہ آمیز کردہ در تیل بزرگ طلا نمایند مرہم گونہ مجرب کوڑی کہنہ [illegible]
نیلہ تھوتھہ سوختہ زردچوبہ سوختہ سہاگہ سوختہ اجزا را بدر آب نیمو کاغذی حل کنند و طلا
نمایند باب چہارم در ادویہ کہ بلفظ مربا نوشتہ شدہ در کتب [illegible] دو فصل فصل اول در
مربہای امراض سر و امراض بارہ دہ فصل دوم در مربہا کہ در تقویت معدہ و جگر و امراض
حارہ استعمال میشود مربای سیب تقوی [illegible] سر را [illegible] دارد و رطوبت از معدہ
کم کنند طعام بگوارد بگیرند سیب [illegible] کلان [illegible] دانہ دانہ نمایند [illegible] سازند و اند شیر تازہ
تر نمایند تا یک شبانہ روز بیاوردہ با عسل صاف بجوشانند چندانکہ مطلوب باشد و حلاوت
در شیرہ اثر کند پس بگیرند قرنفل و ارفلفل [illegible] جوز بوا زعفران ہر یک نیم دام قاقلہ زنجبیل از
ہر یک یکدرم کوفتہ بیختہ اندازند و بجوشانند تا ہموار شود و نگاہدارند و آن مقدار [illegible]
نیز کافی است باب پنجم در [illegible] فصل واحد فصل در [illegible] امراض

دهان کام تعلق دارد مضمضه مجرب تسکین درد دندان کند و مواد ردیه را از ریختن باز
دارد پوست انار گلنار حب الاس کلنار کوکنار هر یک یکجز و پوست درخت توت دو جزو درآب
جوشانیده سرد کرده مضمضه نمایند مضمضه جهت درد دندان مجرب آن بسیار نافع است
چهال کچنال و چهال بیری و چهال کیکر و چهال بانس کهته سفید سپاری چهالیه کوفته چهنیا
بازو چهال ها باقی بقدر رسید دو دو دام چهار چهار دام بعد ازان دو دو دام کوفته بیخته
درآب بقدر نیم سیر جوشانیده که یک سیر بماند سرد کرده نگهدارند و هر روز چهار پنج نوبت
قدری گرم کرده مضمضه کنند مضمضه جهت تسکین درد دندان که با ورم لثه بود نافع است
پوست درخت بره و پیپل هر دو را درآب جوشانیده گرم گرم مضمضه نمایند مجرب است دیگر
پوست درخت کیکر ریزه ریزه کرده جوشانیده مضمضه کنند مضمضه درد دندان که از باد
و نزله باشد نافع آید عنب الثعلب کوکنار سپند یکیک تولہ مجیٹھ نیم تولہ جوشانیده نیم گرم مکرر مضمضه
نمایند مضمضه درد دندان را که از کرم بود و یا ورم باشد نافع است پوست درخت سرس
پوست خشخاش جوشانیده چند روز مکرر مضمضه نمایند ایضا لوجع السن الذی لا یمنع فیه دوا
پوست درخت سرس یا نیم کوفته درآب جوشانند که رنگین شود نیم گرم مضمضه نمایند عجیب الاثر است

باب ششم در مطبوخات مشتمل بر دو فصل فصل اول در مطبوخات امراض ظاهر و باطن

مطبوخ حکیم که در اوجاع مفاصل مجرب است بادیان بسفایج بادیان بیخ کاسنی تخم کاسنی عنب الثعلب
قنطوریون سه ماشه بیکفرس یکجز زنجبیل هر واحد ماشه سورنجان اصل السوس یکیک ماشه
گل بابونه بادآورد تخم خبازی شاهتره هفت هفت ماشه مویز منقی بیست دانه آلوبخارا
هفت دانه گل سرخ [illegible] ماشه گلقند آفتابی چهار تولہ بعد از هفته منضج یک تولہ سنا مکی تولہ
افزایند فرداش مغز فلوس خیارشنبر روغن بادام داخل نمایند پس سفوف سورنجان یا مسهل
تا سه روز بدهند و بعد از تنقیه معجون سورنجان [illegible] نمایند بوده تدبیر لعل از مطبوخ

مطبوخ قوی الاثر برای استیصال مادهٔ وجع الورک و عرق النسا معمول و مجرب است مصطکی
انیسون هر یک دو درم زنجبیل سه درم فوهٔ شیطرج سورنجان شیرین بوزیدان هر یک پنج درم تخم کرفس
رازیانه هفت هفت درم حلبه مویز منقی هر یک ده درم همه را در چهار رطل آب بجوشانند تا چهارم
بماند صاف نموده ثلث رطل هر روز با روغن خروع بقدر تحمل طبیعت بنوشند فصل دوم
در مطبوخات حمیات ساذجه و مرکبه گرده و مثانه مطبوخ که سنگ گرده و مثانه را ازاله
کند گاوزبان عنب الثعلب پرسیاوشان غنچهٔ گل سرخ خار خسک نیم کوفته تخم قلت بسفایج هر یک
شش ماشه مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه خسک دانه هر یک یکتوله سنای مکی چیده یک توله و سه ماشه
جوشانیده صاف نموده مغز فلوس خیارشنبر ترنجبین هر یک شش توله شربت توت چهار توله
حل کرده بار دیگر صاف نموده روغن بادام شش ماشه انداخته بنوشند مطبوخ دیگر در عناب
عناب ولایتی هفت دانه سپستان بیست دانه گل بنفشه پرسیاوشان هر یک نه ماشه برگ
گاوزبان گیلانی نیلوفر تخم کاسنی نیم کوفته حب قلت هر یک هفت ماشه آلوبالو دو توله خار خسک
نیم کوفته نه ماشه سنای مکی چیده یکتوله و سه ماشه گل سرخ یک توله شب در آب گرم تر کرده صبح جوش داده
مغز فلوس خیارشنبر چهار توله ترنجبین پنج توله حل کرده بار دیگر صاف نموده روغن بادام شیرین
چهار ماشه پاشیده بنوشند جهت تنقیه گرده و مثانه از اسهر است فصل در مطبوخات بسیطه و مرکبه
بتفصیل نوشته خواهد شد باب هفتم در معاجین مشتمل بر چهار فصل فصل اول در معاجین
امراض دماغیه چون صرع و فالج و لقوه هم مفید است و دوام باستعمال آن قلع و زوال این مرض
مینماید افتیمون اسطوخودوس بسفایج فستقی عاقرقرحا مساوی با سکنجبین عنصلی یا مویز معجون
سازند دیگر معجون بالترتیب است هلیله کابلی هلیله زرد بلیله آمله اسطوخودوس دو سیر واحد
دو درم عود الصلیب پنج درم عاقرقرحا سه درم مویز منقی از تخم پاک کرده یک رطل بقوام آرند
قدر خوراک پنج درم معجون صرع که مجرب است هلیله کابلی تربد سفید زنجبیل عود مصطکی عود الصلیب

هر سه مثقال اسطوخودوس یک مثقال هلیله سیاه آمله هر یک شش مثقال دارچینی چهار مثقال
روغن بادام پنج مثقال عسل سه وزن ادویه بعد چهار روز استعمال نمایند شربتی یک مثقال معجون
برای صرع بلغمی و سوداوی نافع منفع سریع زعفران یک درم حب الغار سعد کوفی سلیخه اکلیل الملک
اظفار الطیب سنبل ورد هر یک دو درم قصب الذریره نه درم اذخر مکی دوازده درم دارچینی
سه درم مویز منقی علک البطم سنبل واحد بست و چهار درم کوفته بیخته با عسل منزوع الرغوه سرشته
ادویه سرشته شربتی یک درم معجون نجاح مداومت آن مالیخولیا فلاح بخشد و صرع و امراض باطنی را
که از سودا بود سود دارد و خون را از سودا پاک دارد و بلغم غلیظ را باسهال می آرد و بالخاصیت قا
رحم بالخاصیت است ترید سفید اسطوخودوس بسفایج افتیمون هر یک پنج درم هلیله کابلی بلیله
هر یکی ده درم به دو چند عسل مصفی معجون سازند شربت برای مداومت از دو مثقال تا سه برای
اسهال از پنج تا هفت مثقال معجون ازراقی تبدیل مزاج ردی بکار آید جید میکند و جهت فالج
و لقوه و مفاصل و عرق النسا و سلس البول و قطع عادت افیون مجرب است قرنفل صندل سفید هر یک
یک مثقال اهلیل دو مثقال گل گاوزبان زرانباد اسطوخودوس کتیرا زنجبیل مغز چلغوزه مثقال
هر یک سه مثقال آمله منقی هلیله هر یک پنج مثقال ازراقی یعنی کچله را در شیر خیسانیده پوست جدا
کرده بسیار نموده ریزه ریزه کرده کوفته پارچه بیز نموده شش مثقال عسل سه وزن همه قدر
شربت از یک مثقال تا دو مثقال مداومت نمایند معجون حب الصنوبر برای فالج و استرخا نافع صنوبر
کبار مقشر نرم کوبیده با عسل مصفی یا شکر مویز منقی سه وزن همه سرشته قدر شربت از سه
مثقال هر روز پنجدرم تا ده درم تناول نمایند معجون نسیان دارچینی بهمن سفید سنبل الطیب
مصطکی زعفران کندر بیخ سوسن زرد بیخ عاقرقرحا سعد کوفی بهمن سرخ وج اسطوخودوس کبابه چینی
اسارون از هر واحد دو ماشه هلیله کابلی مغز نارجیل هر یک چهار ماشه ابریشم مقرض برشته ماشه
منقی دانه بیرون کرده ده پانزده دانه مغز فندق سه ماشه دار فلفل زنجبیل فلفل سفید از هر یک

هر یک یک باشه با نبات سفید چهار دام عسل سفید نیم باو کف گرفته معجون سازند معجون حافظه را
قوت دهد و نسیان را نافع آید سلیخه و بچ زراوند مدحرج زعفران دارچینی مصطکی رومی از هر یک
شش مثقال قسط سداب فلفل سفید هر واحد بیست مثقال بلادر افتیمون هر یک ده درم
غاریقون بیست و چهار مثقال صبر شصت مثقال عسل با دو چند ادویه معجون ثوم جهت فالج
و لقوه و سکته و رعشه و نسیان و لکنت زبان و جمیع امراض بارده و ضیق النفس و سرفه رطوبی و
فساد آواز و تحلیل ریاح و تفتیح سده و تقویت معده و جگر و برای احتباس حیض و بول و نیکو
کردن رنگ روی و برانگیختن باه و بواسیر بغایت مجرب است در افزودن قوت نافع و شیخ در
قانون نوشته که معجون ثوم کهل و شیخ را ابدیات (انتخاب) مستر د میگرداند و تناول او در شتا تن گرم
میدارد بدن را از پوشش مستغنی میگرداند و محافظت میکند و طبیعت را نفع میدهد هر مرض
و جهت ایراد بلغم خام سود میدهد است و بگرم مزاجان مضر است و مصلحش با سکنجبین و عناب و قوتش
تا چهار سال باقی است گرم در سیوم و خشک در اول شربت او تا دو مثقال صفت آنچه شیخ در
قانون نوشته حمص شامی یک قفیز است شب در آب گرم تر کنند تا آب سیاه شود و نخود سفید
بماند پس صاف سازند و بیارند ثوم را و هر دانه او پاک کنند پستر در آب نخود مطبوخ بپزند که
سیر پخته شود و مثل دماغ گردد پستر شیر گاو تازه آنقدر که او را بپوشاند چهار انگشت مضموم
بالا با ایستد بران ریزند و به آتش نرم مثل دماغ بپزند تا که شیر قریب بخشک شدن آید پستر
روغن گاو تازه قدری بران مثلا شیر اگر نیم من بود در روغن سی درم اندازند و به آتش نرم بپزند که
بپزند تا روغن هم منجذب شود پستر در دیگ نحاس نکوبند و بر هم زنند معجون بحجین گردد بعده
عسل سفید صاف آنقدر که چهار انگشت بالا باشد بران انداخته به آتش نرم بپزند که منعقد
گردد تا قریب بانعقاد آید پستر بگیرند فلفل سه مثقال دار فلفل پنج مثقال تودری
کمون کرمانی خولنجان دارچینی هر یک دو مثقال کوفته بیخته بسرشند و در شیشه نهند و قیمه

جوز خورند و آنچه اسحق مولف تذکره نموده صاحب تحفة المومنین از ان نقل کرده اینست یکرطل
سیر را کوبیده و با یکرطل و نیم شیر تازه جوشانیده تا شیر را جذب کند و با یکرطل و نیم عسل بقوام
آرند پس زعفران یک مثقال زنجبیل فلفل دارفلفل قرنفل دارچینی کبابه جوز بوا عاقرقرحا
خولنجان هر یک دو مثقال روغن گل سرخ ده مثقال دران سرشته و اگر خواهند که روغن
او بستانند قبل از آنکه با عسل بجوشانند سیر را با روغن جوشانیده روغن بگیرند و بعد
با عسل بجوشانند و معجون سازند و این روغن را که ازو بگیرند مالیدن او بر بدن جهت سستی باه و عرق النسا
باشینه و جمیع قلع آثار و طلا کردن او بر قضیب جهت تهییج باه بغایت نافع است و بعضی تا آخر
صفت معجون ثوم بدینوجه کرده اند در یکمن شیر گاو سیر پاک کرده نیم من بپزند تا مهرا
شود و سه چهار یک عسل و سی درم روغن گل سرخ بریزند و با یکدیگر ممزوج سازند و از
آتش فرو گیرند و این ادویه کوفته بیخته با آن سرشته کنند و تمام زعفران هر یک پنجدرم قرنفل
جوز بوا بسباسه فلفل مصطکی قاقله هلیله کابلی دارچینی زنجبیل هر یک ده درم شونیز
سوا [illegible] کرده کار معجون حفظ ارشدیه کازرونی پوست هلیله کابلی پوست هلیله سیاه
آمله هندی دارچینی ترنج ترکی زنجبیل فلفل دارفلفل کندر پوست بلیله سعد کوفی مغز پسته
سوزن هندی کوفته بیخته با شهد سرشته معجون سازند معجون مرجان بجهت تقویت معده
و منع بخار دود از تجربه بعضی بزرگوار که ستایش آن بسیار نموده اند کشنیز خشک صندل
سفید گل سرخ [illegible] تخم کاسنی هر واحد چهار درم گل مختوم طباشیر سفید بهمن سفید مرجان
من کل واحد دو درم لولو [illegible] مصطکی هر واحد یک درم ادویه را کوفته بیخته جواهر را
بسنگ سماق بگلاب حل کرده نبات سفید دو چند شربت سیب شیرین یک چند بقوام
آرند معجون [illegible] تالیف حکیم علوی خان مقوی دماغ و نافع حمق و رعشه و امراض
بارده دماغ عنبر اشهب ورق طلا هر یک پنج مثقال ابریشم مقرض اذخر مکی بادرنجبویه

عود پوست هلیله کابلی دارچینی کندر عود بهر یک یکمثقال مغز پسته ناجیل مقشر بادام مغز حبه الخضرا
مغز فندق مغز چلغوزه هر یک دو مثقال عسل مصفی شصت مثقال بدستور معجون
سازند شربتی یک مثقال معجون ثوم تالیف علویخان نافع جهت امراض سوداوی
بلغمی تریاق جمیع سموم است گل گاوزبان گیلانی برگ بادرنجبویه هر یک بیست و پنج مثقال
بسفایج فستقی هلیله سیاه پوست هلیله کابلی عنب الثعلب هر یک دوازده مثقال و نیم مجموعه را در
دوازده رطل آب شیرین بجوشانند تا ثلث بماند صاف نموده پس بگیرند شیر تازه پاک کرده
یک رطل در ان مطبوخ داخل کرده با آتش ملایم بپزند آنمقدار که بهم آمیخته شود پس دو رطل شیر گاو
تازه دوشیده در ان داخل کرده بپزند که وزن شیر برود پس یک رطل روغن گل داخل کرده
بجوشانند تا روغن جذب کند پس عسل مصفی دو رطل داخل کرده با آتش ملایم بقوام آرند و
زنجبیل و فلفل سیاه و فلفل سفید دارفلفل قرنفل سلیخه کبابه چینی خولنجان بهمن شقاقل
گل بابونه مرزنجوش هر یک یکمثقال کوفته بیخته بآن بسرشند و بدستور معجون سازند و
در ظرف چینی کرده در جو نگهدارند بعد از چهل روز تناول نمایند معجون که در تقویت دماغ
و دفع بخارات و منع آن از صعود و خاصه از جهت نزول و اکثر امراض چشم مفید و بی بدل
است دارفلفل هلیله کابلی و بلیله آمله فلفل سیاه تربد سفید مجوف محکوک هر واحد چهار
مثقال شیطرج شکر طبرزد هر واحد دو مثقال کوفته بیخته با قند سفید دو چند عسل نحل
یکچند و روغن گاو قدری بقوام آرند معجون کرده از برای دفع صعود بخار و سدر
و دوار مجرب خفقان توحش را که از ابخره سوداویه بود نافع بود و دفع نماید مروارید
ناسفته پوست هلیله کابلی تخم کشنیز مقشر شیر آمله هر یک پنج درم طباشیر سفید تخم خشخاش گل گاوزبان
هر یک سه درم پوست ترنج خشک یک درم نبات سفید سه چند گلاب بعطر عرق بید مشک یا و
آب با ورق نقره نیم درم بطریق معهود معجون سازند معجون جالینوس جهت امراض

بلغمی و سوداوی و دماغی و ریاح سده جگر و درد آن نافع و برودت گرده و مثانه را دافع
و باصلاح حال بدن نماید فلفل فلفل سفید هلیله اقسط بحری سنبل الطیب سعد کوفی خولنجان قرنفل
دارچینی سلیخه اسارون زعفران مصطگی اجزا مساوی با عسل مصفی سه وزن ادویه بدستور
مقرر معجون سازند معجون جالینوس که هم مقوی دماغ و اعضای باطنه است عود الصلیب سه ماشه مصطگی
رومی لوزبیدان هر یک دو ماشه سورنجان مصری چهار ماشه شقاقل خولنجان هر یک دو ماشه
بهمن سرخ چهار چهار ماشه گاوزبان ورق بادرنجبویه سنبل الطیب شش شش ماشه بسباسه هر یک دو ماشه
عود هندی یک ماشه هلیله کابلی چهار ماشه قسط شیرین دو ماشه قرنفل یک ماشه دارچینی دو ماشه
تودری مصری سه ماشه برگ فرنجمشک سعد کوفی هر یک دو ماشه زعفران یک نیم ماشه تخم خشخاش چهار
ماشه دار فلفل فلفل درونج عقربی لسان العصافیر یعنی اسارون اسطوخودوس سنبل هندی
سلیخه هر یک دو درم زرنباد یک ماشه عسل سفید سه وزن ادویه مشک خالص یک ماشه کوفته بیخته
بطریق متعارف معجون سازند معجون مرکی نافع بسی البواسیر [illegible] من کتب الهند کابلیه هلیله
کابلی بست مثقال بابونگ کابلی بیست مثقال تربد سفید شصت مثقال قند سفید بوزن برابر
همه بدستور بقوام آورده از دو درم تا ده درم آب سونف منقوع استعمال نمایند معجون
گل سرخ جهت ضعف معده که بسبب ریح و احتباس حیض و برای امراض بادی و اوجاع سرد و قولنج
و اوجاع مفاصل و صلابت الطحال نافع است زیره کرمانی در سرکه تر کرده سه درم مصطگی یک
سه درم قرنفل گل سرخ انیسون بیخ ترکی نانخواه بوره ارمنی پوست بیرون پسته هر یک سه درم
کوفته بیخته بعسل سه چندان سرشته قدر خوراک دو مثقال نوشته اند کم و زیاده مفوض برای شی است
فصل دوم در معاجین امراض معده و کبد و قلب و کلیه و مثانه و امراض تناسل جوارش کمونی
که بجهت اسهال معدی مقوی مجرب است زیره کرمانی نه ماشه طباشیر نه ماشه ورق
[illegible] سرشته یکتوله دارچینی قاقله کبار مصطگی رومی تودری مصری بذر البنج هر یک شش

شش ماشه عود قماری سه ماشه پوست بیرون پسته کوکنار شش ماشه کوفته بیخته با مربای
هلیلکی معجون سازند • معجون بجهت اقسام سهال خصوص اسهال لواسیری نافع است
کهربا گل ارمنی نیم توله انیسون ناسته برشته حب الآس از هریک یکتوله طباشیر سفید دو توله
تیور خطائی تخم گشنیز برشته هریک یکتوله پوست مغیلان بیخ الجبار طراثیث رال یکتوله
بیل دو توله سعد کوفی زیره سفید در سرکه ترکرده برشته هریک یکتوله کوفته بیخته با دو چند
شربت حب الآس معجون سازند قدر خوراک نیم توله • معجون سنگدان معمول و مجرب جهت
ضعف و تحلیل معده نافع و دفع انواع خلفه را دافع پوست اندرون سنگدان مرغ بو داده
تخم گشنیز مقشر برشته خرفه برشته سماق بریان صمغ عربی بریان دانه سوز بریان هریک
دو مثقال کوکنار بو داده طباشیر سفید مروارید ناسفته کهربا شمعی گزمازج گلنار فارسی
تخم حماض بریان حب الآس بریان طراثیث بریان آرد سمید خرنوب نبطی خرنوب شامی هر دو
یک مثقال شیره زرشک بیدانه رب السوس رب به شیرین شربت ریباس قند سفید هر یک
ده توله گلاب یا و شیر معجون سازند الیفنگا موافق نسخه مجمع پوست سنگدان خروس سیاه
طباشیر سفید هریک یک مثقال گل سرخ سه مثقال قیقاح اذخر پوست بیرون پسته ناکفته
قشر اترج پوست هلیله زرد هریک یکمثقال بهمن سفید بهمن سرخ صندل سرخ صندل سفید
سعد گشنیز بریان حب الآس هریک دو درم کوفته بیخته بشربت فواکه سرشند قدر خوراک
دو درم با گلاب • معجون مقل برای لواسیر و ضیق النفس و سعال و اوجاع الحلق هلیله سیاه
هلیله زرد هلیله کابلی بلیله آمله مصطکی از هر واحد سه درم تربد مجوف بیست مثقال
مقل ازرق سی و بیست درم تره تیزک خرفه بیست درم کوفته بیخته با آب گندنا تازه سحق کرده
حل نموده باز سحق نمایند و با شهد یا قند لقوام آرند از دو درم تا پنج درم بخورند • معجون
مصطکی جهت تقویت معده و نفخ آن مصطکی فلفل دراز بادیان هندی بادیان رومی

تخم کرفس بادیان کندر زیره کرمانی نانخواه سداب هر یکی پنج مثقال پوست بیخ بادیان تخم کرفس
تخم کشوث هر یکی سه مثقال کوفته بیخته با دو چند عسل معجون سازند معجون خبث الحدید ضعف
معده و شهوت باطل را زایل کند و بواسیر و نزف خون بواسیر را نافع و حیض ببندد و شکم قبض
نماید و لون نیکو سازد هلیله سیاه بلیله آمله کوفته بیخته خبث الحدید مدبر سکر سنبل اذخر سعد مصطکی
فلفل نانخواه کندر جمله برابر بکوبند و بیزند و بعسل خالص که منزوع باشد بسرشند
شربتی هر روز بقدر یک جوز طریق مدبر کردن خبث الحدید اینست که ریم آهن را باریک
ساخته بسرکه انگوری یا بشراب ریحان تر کرده او فی مرتبه یکهفته نهایت شانزده روز
همچنان تر دارند پس در سایه خشک کرده در ظرف آهن بریان نموده بکار برند و اگر بعد
بریان کردن روغن بادام یا روغن گاو که همچند خبث الحدید بود صلایه بلیغ نموده بعمل آرند اولی
تر است و برین تقدیر حاجت بامتحان روغن دیگر وقت اختلاط عسل نیست معجون خبث الحدید
تخم حماض سماق تخم [illegible] بریان پوست هلیله بریان آمله مقشر بریان پوست بیخ انجبار
هلیله سیاه لسان الحمل کهربا بسد هر یک یک توله خبث الحدید مدبر دو توله عسل سفید شربت تا نیم توله
هر یک یازده توله سیب شیرین دو توله [illegible] معجون سازند نافع است معجون فوتنج کرده
معجون فوتنج مشهور است فی الواقع در قسم ریحی و بلغمیه باشد نفع عظیم دارد و اوجاع
معده ریحی و بلغمی را نفع بین میبخشد برگ سداب پودینه خشک فلفل نانخواه کرویا کاشم
زنجبیل دارچینی دارفلفل مساوی کوفته بیخته معجون سازند معجون حیات بالنفر امراض نافع
است تدارک قصور مسهل هم است و در رفع قبض رطبی فایده میرساند و در معده قولنج را
دور میسازد پوست هلیله زرد پوست بلیله سنا مکی گلقند هر یک پنج درم گل بنفشه تربد مجوف
ده درم فلفل نیم درم کوفته بیخته با سه چند عسل معجون سازند از یک توله تا سه توله یا بیشتر
بخورند معجون مسهل مرکب محمد ذکریا جهت قولنج ثقلی و ریحی خاصه که غثیان بود و تب [illegible]

زنجبیل فلفل دراز فلفل گرد چینی ہر یک نیم دانگ مصطکی یک دانگ سقمونیا نیم درم تربد ہم موصوف
یک درم عسل کف گرفتہ آنقدر کہ ادویہ دران آمیزند بنوعی کہ حب توان بست معجون مسہل
از مجربات کہ اسہال مواد غلیظہ و سوداوی بکند و ادرار بول نفع کند و قبض بواسیر دفع کند
پوست ہلیلہ زرد ہلیلہ سیاہ دو قو اسارون کبابہ چینی قاقلہ اذخر گل سرخ مقل ہر یک یک
درم ہلیلہ کابلی اسطوخودوس ہر یک دو درم زنجبیل سہ درم تربد سفید چہار درم حب النیل
زیرہ سیاہ ہر یک پنج درم سنا مکی ریوند خطائی ہر یک دہ درم روغن خروع پانزدہ درم
تربد موصوف سی درم عسل سہ چند معجون مسہل نافع قبض کثیر گل بنفشہ تازہ گل نیلوفر گل سرخ
تربد سفید موصوف ہر یک دہ درم ترنجبین کشمش عسل ہر یک نیم رطل ترنجبین را بگلاب صاف
حل کردہ بعسل قوام آرند و ادویہ کوفتہ بیختہ با روغن بادام چرب کردہ بسرشند قدر شربت
دو درم تا پنجدرم معجون مقل بواسیر را نافع است و بادی کہ اندر رودہ باشد تسکین دہد و بہ
مقعد را کہ خون آید سود دارد پوست ہلیلہ کابلی پوست آملہ مقشر تخم سپستان تخم گندنا نانخواہ
شاہسفرم ہر یک پنج درم مقل پنجاہ درم مقل را در آب کنند تا حل کنند و داروہا بدان بسرشند
معجون از مجربات حکیم علی رحمۃ اللہ جہت اسہال افیون یکتولہ مسرور دلیلوس چہار تولہ
انیسون کاکڑا سینگی سعد کوفی دار فلفل ہر یک دو تولہ عسل کف گرفتہ بوزن مجموع سازند
معجون از مجربات حکیم علی جہت رفع سوداوی بلغمی بکبیرہ فلفل سہ درم زنجبیل مصطکی ہر یک
یکتولہ تربد موصوف یک رطل بروغن بادام چرب کردہ با دیگر ادویہ جمع کردہ در آسیا
سائیدہ با دو رطل عسل صاف کردہ خمیر کردہ نگہدارند شربتی دو درم تا پنجدرم در آب
داغ حل کردہ و اگر اندکی نوشیدہ بہتر جایز است معجون سرخس جہت حیات حب القرع مجرب است
سرخس ترنج کابلی مقشر ہر یک یکدرم تربد مقل ہر یک دو درم کوفتہ بیختہ با عسل بسرشند
جملہ یک شربت است و قبل از تناول این دوا یک ساعت شیر تازہ دوشیدہ بنوشند و بقدر

دوا وقیه وبلیغ از دوا دو سه روز پرهیز نمایند معجون جهت حب القرع که حکیم علی ساخته صبر سقوطری
ایارج فیقرا ایارج جالینوس هر یک ده درم دو ادرم التربد قنبیل سنگ کابلی هر یک نیم سیر اکبری
عسل سفید وزن ادویه معجون سنا از تالیف حکیم علی گیلانی اسهال صفرا کنند و مواد مختلفه
برآرد و در دفع مواد حمیات و امراض دماغی و معده و مفاصل مجربست زنجبیل هفت مثقال
بسفایج فستقی تربد سفید خراشیده گل بنفشه هر یک نیم رطل افتیمون یک رطل سنای مکی نیم رطل
همه را کوفته بیخته با نیم رطل عسل و یک رطل گلقند و نیم رطل خمیره بنفشه خمیره کنند و نگهدارند شربتی
از دو مثقال تا ده مثقال در آب حل کرده و یک جوش خفیف داده بخرقه باریک صاف نموده
بنوشند معجون که از برای استسقا زقی و لحمی و رفع سستی است پوست هلیله زرد غاریقون تربد
سفید بوزغیج هر واحد ده درم زنجبیل چهار درم نمک هندی ده درم
بعسل بسرشند شربتی یک مثقال معجون المسک جهت درد جگر و ضعف معده و برودت آن و تفتیح
سده و تحلیل ریاح سلیخه سنبل الطیب بسباسه فلفل هندی لک منقی ریوند خطائی جنطیانا ریوند چینی
از هر یک دو درم زعفران نانخواه تخم کرفس مصطکی از هر یک سه درم عود هندی قرنفل مر صاف
از هر یک پنج درم ادویه را کوفته بیخته با شهد خالص کف گرفته بقوام آورده بسرشند قدر شربت یک
با قلامی تحفه معجون کل مر نیم مثقال ریوند لک مغسول هر یک یک مثقال و نیم مثقال زعفران سلیخه
هر یک سه درم گل سرخ چهار درم بیخ سوسن آسمانگونی هفت درم و بعضی تصحیف بیخ سوسن نموده
بیخ سوسن نوشته اند و آن خطاست زعفران را در سکنجبین حل کنند و ادویه کوفته بیخته در آن حل نمایند و
بعسل بسرشند برای رفع ورم جگر و معده و فساد مزاج مفید است معجون ماذریون استسقا زقی
را بغایت نافع اکثر با شیر شتر بعمل آمده مفید است پوست هلیله دو درم آمله زنجبیل هر یک چهار درم
فلفل پنج درم ماذریون مویز مدبر تربد سفید مجوف تراشیده پوست هلیله زرد هر یک دو درم کوفته
بیخته بعسل کف گرفته بسرشند و یک مثقال از وی با شیر شتر بدهند و اگر بغیر شیر دهند سه درم باید داد

باید داد معجون جهت تحریر معده و تقویت نفخه کامل مفید است قرنفل جوزبوا کبابه سعد کوفی هیل زنجبیل از هر یک
نصف جزو ورق اطراف آس بدآمد سنبل الطیب پوست ترنج قاقله اذخر مصطکی هر یک یک جزو
زبیب منقی دو چند همه اجزا معجون سازند و بقدر جوز بگلاب بخورند معجون طلا مقوی دل و دماغ و دافع
خفقان و غشی اشتها مقوی معده و جمیع اجزا عنبر اشهب مشک خالص مروارید ناسفته یاقوت زمرد
هر یک یک مثقال ورق طلا مثقال عسل سفید مثقال آب سیب شیرین آب انار شیرین نبات سفید
هر یک ربع رطل گلاب نیم رطل عرق بید مشک عرق گاوزبان هر یک یک رطل معجون سازند معجون
نقره مختص و معمول جهت تقویت قلب باه مستعمل برای خفقان و غشی قوی العمل و در اکثر جواره
سفر همراه بدل است مشک خالص یک ماشه عنبر اشهب چهار ماشه کهربا شمعی یشب مروارید
ناسفته طباشیر سفید هر یک شش ماشه ابریشم مقرض یک تولہ ورق نقره شش تولہ سیب شیرین
ولایتی نیم پاو و نبات سفید پاو و آثار گلاب خرفه نیم سیر تخم مرغ چهار عدد جمیع اجزا را گلاب صلایه
کنند و ابریشم مقرض را بریان قسمی نمایند که سیاه نشود و سوخته نگردد با گلاب بمالند و در سیب
نبات و گلاب را بقوام آورده عنبر حل کنند و ورق نقره یک یک انداخته حل می نمایند که تمام او را
خوب منحل شود و بعد از ابریشم و جواهر و مشک انداخته بتیرهم زنند و سفیده تخم مرغ داده خوب حل کنند
تا مثل خمیر شود و اگر خواهد که خوب سفید شود ابریشم را بعد بر شستن خوب کوفته و بحریر بیخته داخل کنند
معجون حیات که بخشنده حیات است و نافع است خفقان بارد و ضعف قلب و ضعف جگر و معده را
مفید و تحلیل میکند ریاح غلیظه را اختیار مشک سلیخه سنبل الطیب زرنباد هندی لک مصری
راوند خطای جنطیانا رومی از هر یک دو درم زعفران نانخواه تخم کرفس انیسون مصطکی رومی
از هر یک چهار درم زراوند طویل از هر یک سه درم عود هندی قرنفل مرمکی از هر یک یک درم
نیم دارو را کوفته بیخته بعسل کف گرفته بسرشند معجون فادزهر مقوی اعضای رئیسه و ارواح
ثلثه و مقوی و منتهی و دافع جمیع سموم و مداومت آن حافظ صحت و رافع امراض گوناگون است

فادزہر حیوانی دہ درم جدوار نفسجی پانزدہ درم زعفران پنج درم ابریشم محرق بادرنجبویہ از ہر یک ہفت
درم لعل شش درم گاوزبان سہ درم عنبر اشہب دو درم مشک یک درم صندل سفید درونج عقربی
از ہر یک چہار درم آملہ مقشر زرنباد از ہر یک سہ درم و نیم گل سرخ ہشت درم عرق بید مشک انقدر
جمیع اجزا بدان سرشتہ شود کوفتہ بیختہ بعرق سرشتہ و ہم خشک کردہ بشربت سیب شیرین معجون
سازند قدر خوراک تا یک مثقال معجون دافع خفقان صفراوی تخم لیموں مغز تخم خربزہ تخم خیار
کدو مغز تخم تربوز کوفتہ بیختہ بشربت سیب سرشتہ یک مثقال با شربت بارد استعمال نمایند معجون
مبہی ممسک کہ باکثر طلبا پسند آمدہ جوز بوا بسباسہ دارچینی گل سرخ بیخ لفاح قاقلہ کبار [illegible]
شیرازی بہمن سرخ بہمن سفید ثعلب مصری شقاقل زعفران ہر یک سہ درم طباشیر شش درم مغز بادام
مقشر مغز نارجیل مغز چلغوزہ مغز تخم خیارین ہر یک پانزدہ درم روغن قنبب [illegible] عسل خالص نبات
سفید بالمناصفہ شربتی یک درم تا یک درم و نیم کاستن و افزودن روغن قنبب مفوض بہ اختیار طبیب
بحسب مزاج معجون مقوی باہ شقاقل مصری ثعلب بہمن سرخ بہمن سفید تودری زرد تودری سرخ
مصطگی خولنجان تخم ریحان تخم بلیون تخم بالنگو ہر یک یک تولہ آملہ مربی بست عدد درشتش ابا عرق
گاوزبان بجوشانند ہرگاہ یک آثار باقی ماند صاف نمودہ مروارید سودہ عنبر اشہب شش ماشہ قند سفید
یک آثار شربت سیب انار دانہ الکلرودہ بقوام آرند معجون مقوی باہ قرنفل کلاہ دار یک نیم تولہ قاقلہ
صغار جوز بوا بسباسہ ہر واحد دو تولہ عصارہ رازیانج پنج تولہ زعفران نیم تولہ مغز بادام شیرین
نصف رطل آب مغز حل آب انار شربت سیب از ہر واحد یک رطل و نصف عسل مصفی چہار رطل شکر طبرزد
دو رطل اول دو پیہ بعدہ تحمی بہ بوبہ عسل و گلاب قند بقوام آرند و بعدہ عنبر مشک خالص یک درہم ورق نقرہ
پنج درہم مضاف سازند و بقدر دو دام ہمراہ عرق دہا و بالنگو گلاب نبات سفید بخورند معجون
ہندی مجرب ملا عابد سرہندی کہ مدت این در تسمین آلات شہوت و تہیج باہ بسیار نمودہ یک سالہ کہ
بکیفیات میل دارد بہ نہایت مرغوب افتادہ ثعلب مصری نہ درم دارچینی سو ذکی پنج درم قرنفل

قرنفل سه درم زرنباد تخم انجره سنبل الطیب تخم پیاز تخم شبت تخم شلغم بهر واحد دو درم نخود
مقشر بریان کرده چهار درم صندل سفید چهار درم مغز نارجیل هشتاد درم مغز بادام مقشر
سه درم مغز پسته دو درم مغز چلغوزه سه درم خشخاش سفید هشت درم پوست خشخاش شصت
و پنج درم افیون خالص شستشو شده کافور سوده شده یا بوزنه یکمثقال خرمای تازه هشت درم زعفران
دو مثقال قاقله صغار قاقله کبار هر واحد چهار درم شیر گاو یکمن رطل شکر سفید یک رطل عرق
عنصل غنیه ده رطل خرما را در شیر جوش دهند تا مهرا شود پس با ریحان بیز کرده در شیره قوام آرند
و روغن قند بقدر مناسب گرفته ادویه دیگر کوفته باریک ساخته روغن چرب نمایند و بقدر مذکور
از روغن ادویه را مخلوط نمایند و بدارند و در ظرف چینی نگهدارند و بقدر تحمل ازین معجون میخورده
باشند معجون دیگر اینها که اکثر اطبا ستایش آن بسیار کرده اند شهد خالص تمام سیر یکجا بند
و بجوشانند و کف آن دور نمایند بعده تخم ترب نیم پاو کوفته باریک ساخته بشهد مذکور قوام نموده
بیامیزند و تیار سازند و بقدر یکتوله ازین معجون بوقت نهار و بقدر یکتوله بوقت شب میخورده
باشند نافع باد و ریاح بلغمیه معجون هندی برای تقویت باه خولنجان قرنفل اسگند ناگوری
موصلی سیاه موصلی سفید کبابه خشخاش همگی کوفته بیخته بشهد آمیخته بقدر جوز صباح و عشا قبل
طعام بخورند و مداومت نمایند مصطکی توله اضافه سازند معجون پنبه دانه که برای ایجاد
باه و سعال و ضیق النفس از جمله مجربست و بارها تجربه آمده سفید افتاده پنبه دانه بست درم
دارچینی تخم انجره قرنفل حب الصنوبر از هر واحد ده درم از پستان هفت درم شقاقل
زنجبیل از هر واحد ده درم قسط تخم کتان بریان مصطکی از هر واحد چهار درم بعد کوفتن
و بیختن بشهد مقوم بقوام آرند و بقدر یکمثقال بخورند جالینوس این ترکیب برای سعال قدیم و صحیح
نموده و مشهور است که بعد ترکیب این قاطع القبض شده افعال آنرا زیاده و ضعف در کار قوت منه باد
شده حتی که بعضی از غره نوشته اند که مسعول که از سعال قدیم بد حال بود دواد هم تمریخ باد

مصطگی رومی دو مثقال دو الیسان العصافیر بہمن سفید بہمن سرخ ثعلب مصری ہر یک نیم مثقال
ماہی سقنقور اعرابی دو مثقال جوزبوا یک مثقال پوست خشخاش یک درم دماغ گنجشک نر در وقت
ہیجان گرفتہ باشند پنج مثقال شقاقل مصری سہ مثقال مغز تخم کدو تخم کاہو مغز تخم ہندوانہ
مغز بادام مقشر تخم خشخاش سفید مغز تخم خیارین ہر یک دو مثقال حب النیل سفید دو حصہ دانہ
ہیل سفید کیسہ چند کری قند سفید دو حصہ ادویہ ورق نقرہ دو نیمدرم عرق گیوڑہ ہم آثار عرق
گاوزبان ہم آثار اول دماغ گنجشک را بروغن چرب نمودہ در قوام انداختہ بعد آن ادویہ موافق عمل کوفتہ
داخل قوام ساختہ معجون سازند معجون لولوی ہفت منفعت دارد و قضیب را سخت کند و اوعیہ منی
بکشاید و شہوت زیادہ کند اعضا را قوت دہد و در وقت تغیری عظیم پیدا کند و نعوظ بسیار آرد
و محبت مرد و زن را فزاید صمغ عربی کتیرا نیمدرم قرنفل اذخر سعد کوفی نارمشک دارچینی رسا
مصطگی ہر یک نیم مثقال کاکنج بیخ لبلاب یک یک درم مروارید ناسفتہ بسد ہر یک یک مثقال
بہمن سفید ہر یک سہ درم کوفتہ بیختہ با ہم چندان عسل کف گرفتہ بسرشند وقت خواب نزدیک
یکمثقال بخورند معجون بلکیف عنبر اشہب یکماشہ مشک خالص دو ماشہ قرنفل دارچینی افتیمون
گاوزبان گیلانی سہ ماشہ بہمنین زنجبیل دار فلفل کبابہ چہار چہار ماشہ دارچینی
پنج ماشہ زعفران پنج بسبسہ پنج اغاد بیخ موتہ مچک حسک حبا خیرسفید صندل سفید تخم خرفہ
گل نیلوفر تخم خیار تخم خربزہ مغز تخم کدو مغز ترب مصطگی ہشت ماشہ مغز بادام مقشر ناچیل
چلغوزہ مغز پستہ کشمش ہر یک یکتولہ ورق طلا ورق نقرہ دہ دہ عدد گلاب و سیر عرق
بید مشک یا وسیر عسل خالص ہشت تولہ قند سفید چہل تولہ بقوام آرند معجون نشاط الرئیس
ریزہ الوان کہ رابی نقطہ بول رابی بادہ و استرخا قوت عضو سفید اشتہ تیلیا بلیلہ
یکدرم بہمن سفید نیم درم بودینہ خشک حب الآس سپند نیم درم مرکی کنند سعد کوفی
سہ درم قرنفل نیم درم دار شیشعان حب الحدید دو درم کوفتہ بیختہ بشہد آبلہ بقوام آرند و بعد

دو درم بخورند معجون شیرهٔ انبه دو آثار پخته و شیرین باشد شکر سفید دو آثار شیر گاو پنج آثار
شیرهٔ انبه با شیر و شکر یکجا کرده بآتش ملایم بپزند و قدری گلاب هم در وقت پختن باندازند
چون بقوام آید شهد خالص نیم آثار بیامیزند چون بقوام غلیظ آید قلب حیوانی [illegible] بهمن سفید
بهمن سرخ هر یک توله بسفایج پسباسه نیم توله دانه الاچی [illegible] دارچینی یک یک توله جوز بویا نیم توله
کشنیز مقشر بریان [illegible] یک یک توله کوفته بیخته داخل نمایند و خوب مخلوط کنند بعد از آن
مغز بادام دو توله مغز فندق چهار توله مغز پسته خشک مغز تخم خیار مغز تخم خشخاش هر یک چهار توله
مغزیات را بر سنگ جلا [illegible] ریزه ریزه ساخته بیامیزند بعده مشک خالص [illegible] باشد زعفران سه [illegible] ماشه
اضافه کرده ورق نقره هفت ماشه در قوام داخل نمایند و اگر همچنین خواهند در صحنک چینی انداخته
بطریق لوزینه بریده ورق کشیده باشند و بقدر چهار توله صبح وقت نهار و بقدر دو توله شب پیش از
طعام بخورند معجون مجرب نافع مرض البول فی الفراش اکثر صبیان را عادت میشود بلیله کابلی
بلیله آمله هر واحد ده مثقال بلوط [illegible] در شکر که یک روز و یک شب بر باران نهند [illegible]
سعد کوفی کنند [illegible] خشک [illegible] بسباسه کرمانی قند شود [illegible] احمر از هر یک پنج مثقال مرکی سه سه
مثقال همه را کوفته بیخته بشهد و شیر آمله بقوام آرند و نگهدارند و یک مثقال بوقت خواب
بخورند و مداومت نمایند تناول بلوط مدبر [illegible] بشهد خالص یک هفته همچنین قسم نافع [illegible] مجرب
معجون [illegible] منسوب بعطار [illegible] لتقطیر البول و سرعت انزال را نافع است مصطکی
کندر [illegible] بلوط [illegible] کوفته بیخته با دو چند عسل سرشته و باید که [illegible] شهد
با هم بکوبند و [illegible] مصطکی شربتی دو مثقال معجون کوتوالی سلس البول
سیلان منی باز دارد کندر یک درم صندلین [illegible] قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی
[illegible] سفید هر یک یک درم [illegible] دو مثقال اقاقیا کلنار هر یک سه درم کوفته بیخته
باقند یا عسل سرشته شربتی [illegible] درم معجون کنند صمغ عربی دارچینی مرجان زراوند [illegible]

جوزبوا فلفل هریک دو درم عنبر اشهب مشک هریک درمی ورق طلا ده عدد ورق نقره بست عدد
نصف عشبه را در دوازده رطل آب جوشانیده تا چهار رطل باند صاف نموده دیگر دواها کوفته
بیخته با سه چند عسل مصفی بسرشتند شربتی یکدرم تا دو درم معجون المفصل للمفاصل الاذی سمی اقسام
الوجع لعد التنقیة بالوجه سنو بادام خردل سپاسکی هر واحد یک جزو سورنجان نیم جزو تربد مجوف شیطرج
عود هندی عاقرقرحا از هر واحد ربع جزو مصطگی نیم جزو کوفته بیخته بشهد کشمیری بقوام معجون
آرند و سه مثقال بخورند معجون که فواید از اصحاب عظیم نیمی ار مرض جدید و ریاح افسرده غیره سپایا
ستوده سنبل اسارون گل سرخ مصطگی رومی دارچینی صبر سقوطری از هریک پنجدرم مرمکی ده درم ازاراقی نشادر
درونج عقربی از هر واحد سه درم تخم کرفس تخم حرمل از هریک چهار درم کوفته بیخته بشهد سه چند بقوام
آرند بقدر دو سه درم تا بنیم گرم بخورند معجون که در مفاصل اگر از رطوبت باشد سود دارد.
وحیض برانداز بیخ بوزیدان قنطوریون مشک طرامشیع فودنج هریک دو درم مغز تخم خربزه
سورنجان گل سرخ هریک سه درم تربد چهار درم هلیله کابلی آمله هریک نیم درم بعسل مصفی بسرشتند
شربتی چهار درم معجون سورنجان اوجاع مفاصل و عرق النسا و نقرس بلغمی و صفراوی را مفید
تخم کرفس رازیانه فلفل سفید صعتر نمک هندی برگ حنا زبد البحر هریک یکدرم و نیم بوزیدان بهمنین هر دو
بیخ کبر زیره و شیطرج هریک دو درم گل سرخ خولنجان زنجبیل سقمونیا هریک سه درم سورنجان شش
درم هلیله زرد هفت درم تربد سفید پانزده درم روغن بادام دو استار عسل یکصد و پنجاه درم
شربتی یک مثقال روز یکبار تنقیه مطلوب باشد جهت دوام سه درم خولنجان کشنیز و کنجد را بکوبند و در
انبجا کشنیز بهت معجون عشبه برای اوجاع مفاصل و امراض بارده و اوجاع دیگر نافع است
دارچینی سورنجان شقاقل لسان العصافیر عود مصطگی عاقرقرحا زعفران هریک نیم باشد قاقله
قرنفل خولنجان بوزیدان زنجبیل سنبل اسارون بسباسه دارفلفل کبابه چینی وار بهمن سفید درونج عقربی
بسباسه جوزبوا فلفل هریک نیم توله مشک عنبر هریک سه ماشه ورق طلا ده عدد عشبه مغربی به هفت نیم

تولہ عشبہ پانزدہ تولہ راکوبیدہ داخل ادویہ نمایند دوازدہ و نیم تولہ را در شش سیر آب بجوشانند
کہ یکونیم سیر آب بماند در سہ ابراد ادویہ عسل سفید بقوام آرند و ادویہ را با آن بسرشند شربت از سہ
ماشہ تا نیم تولہ معجون عشبہ سوائی نسخہ معمولی حکیم بدل گل گاوزبان گیلانی عود الصلیب عاقرقرحا ورق
نقرہ ہر واحد دو درم بادرنجبویہ ولایتی بسفایج فستقی دارچینی ہر یک دو نیم درم بادیان
پوست ہلیلہ کابلی ابریشم مقرض مغز بادام مغز چلغوزہ مغز پستہ مغز پہدانہ اسطوخودوس ہر یک
چہار درم سنا مکی پنج درم کندر مصطگی عنبر اشہب ہر یک یکدرم زعفران خالص دو درم عشبہ
مغربی لسبت چہار درم عشبہ را اول ریزہ ریزہ کردہ در عرق عنب الثعلب عرق گاوزبان عرق
بادیان عرق بادرنجبویہ ہر یک نیم سیر یک شبانہ روز تر نمایند بعدہ بجوشانند تا کہ آب جوش
خوردہ بدست بمالند و صاف نمایند و با قند سفید نیم سیر و شہد خالص یک و نیم پاؤ بقوام ادویہ
کوفتہ بیختہ داخل قوام سازند عنبر وغیرہ بگلاب سودہ بازاندازند ورق نقرہ یک یک اندختہ
حلکردہ در مرتبان چینی نگہدارند معجون عشبہ موافق نسخہ معمولہ مشک خالص ورق طلا نیم درم
ورق نقرہ زعفران یک یک درم گاوزبان یکمثقال سورنجان بوزیدان ہر یک یکونیم مثقال
عنبر اشہب دو درم کہربا شمعی ابریشم مقرض غنچہ گل سرخ تخم خشخاش بسفایج مروارید ناسفتہ
بادرنجبویہ یکیک مثقال تخم خربزہ حشیشۃ الثعلب دو دو مثقال پوست ہلیلہ کابلی تخم کشنیز
مقشر مغز تخم کدو تخم تربوز ہر یک سہ مثقال عشبہ مغربی لسبت تولہ عشبہ را ریزہ ریزہ کردہ
شب در عرق گاوزبان عرق شاہترہ و عرق عنب الثعلب گلاب ہر یک یک آثار تر کردہ صبح
بجوشانند تا نصف بماند پس مالیدہ صاف نمودہ قند سفید نیم آثار عسل ولایتی نیم پاؤ داخلکردہ
بقوام آرند بعدہ دواہا دیگر کوفتہ بیختہ ضم سازند از یکمثقال تا بدو نیم مثقال بخورد سازند
واللہ اعلم فصل چہارم در معاجین امراض جلدیہ کہ بقروح و جروح خبیثہ و اکلہ و جذام
نافع است معجون عشبہ معمول اہل فرنگ نافع بقروح خبیثہ و ناصور و اکلہ قدیمہ و دافع جذام

از جماع و مفاصل و مقوی اعضای تناسل بادیان صندل سفید هر یک دو درم بسفایج فستقی
سناملکی هر یک شش درم عشبهٔ مغربی دوازده درم شهد خالص بیست و چهار درم قند سفید
یک آثار دواها بعد کوفتن و بیختن وزن کرده گیرند و معجون سازند قدر خوراک یکدرم صباح
و یکدرم شام با مطبوخ عشبه که یکدرم عشبه را با هفت آثار آب خالص جوش دهند هرگاه
ثلث آب جذب شود صاف نموده باشند بخورند و در تبهای عرق بیرون همین باشد که آب دیگر نخورد و اگر
با عشبه یکدرم چوب گرجوش داده آب سازند قوی تر بود معجون عشبه مسهل برای اصلاح خون
فاسد و اخلاط محترقه بادیان یکدرم صندل سفید گلو تازه افتیمون هر واحد یک درم
هلیله کابلی هلیله زرد هلیله زنگی هلیله کابلی شاهتره چراییته تربد سفید هر یک دو درم سناملکی چهار درم
عشبه مغربی دوازده چوب چینی قند سفید یک سیر عسل پاو سیر بدستور معجون تیار نمایند
معجون که برای آتشک سوداء سوخته و استسقا نافع است و قبض و تفتیح را دافع و تصفیه خون
و رنگ بشره گلگون می کند عشبه مغربی ربع رطل ورق سناملکی ازیابج هر یک دوازده درم
بسفایج فستقی شانزده درم صندل سرخ چهار درم قند سفید ربع رطل عسل مصفی ربع رطل
بقوام آرند معجون چوب چینی قسم اول عرقی ردی اللون بی گرده که نا خورده چهل مثقال
اول ورق ورق تراشیده در آب صافی تر کرده صبح بجوشانند هرگاه نصف بماند صاف نموده
قند سفید عسل ولایتی هر یک پاو آثار داخل کرده بقوام آرند پس مغز تخم کدو و شیرین مغز
تخم هندوانه مغز تخم خربزه هر یک دو مثقال بهمن سرخ بهمن سفید گل گاوزبان گیلانی بادرنجبویه بسفایج
فستقی مروارید ناسفته کهربا شمعی لاجورد مغسول سورنجان مصری هر واحد یکمثقال
عنبر اشهب نیم مثقال مشک خالص نیم درم ورق طلا ورق نقره هر یک نیم درم عرق بید مشک
پاو آثار داخل کرده معجون سازند و با یک توله عرق بید مشک گلاب پاو آثار داخل کرده معجون
سازند و تا یک توله با عرق بید مشک و عرق گاوزبان و گلاب بخورند معجون دیگر که در ضعف ام

وامراض سوداوی بهتر از معجون لجاج و مخترع سید محمد اکبرآبادی است بنفشه پنج درم قرنفل هفت
درم بادیان انیسون گاوزبان هلیله سیاه هلیله کابلی هلیله زرد فاقله مشک طرا شیح هر یک
نه درم بسفایج سنای مکی هر یک دوازده درم تربد سفید مجوف خراشیده سیزده درم ورق گل سرخ
خولنج هر یک پانزده درم آب آمله تازه چهار آثار عالمگیری همه را کوفته بیخته با آب آمله تخمیر نموده بلیغا
معجون سازند قدر خوراک هفت ماشه تا یکتوله معجون سلاجیه که جهت جذام مستحکم بعد تنقیه قویت
الاثر است سلاجیه یعنی بزکوهی یک عدد مغز بادام مقشر عسل سفید مشک هر یک چهار جزو روغن
گاو نصف جزو جمله بهم آمیزند و در ظرف زجاج نهند قدر یکمثقال با شیر گاو که نیمگرم باشد
بخورند معجون ماء الحیوة مجرب است برای نسیان امراض بارده بلغمی مغز چلغوزه مغز
جوز هندی ده مثقال مویز منقی بیست مثقال فلفل گرد ده مثقال فلفل دراز ده مثقال کبابه
دارچینی پوست بلیله آمله منقی شیطرج زراوند مدحرج بیخ بابونه خصیة الثعلب کوفته بیخته
بشهد خالص چند بقوام آورده ادویه ضم نمایند و تیار سازند معجون سفرجلی مستعمل اهل
هند در جذام مستحکم بعد تنقیه بالغ داده میشود و مفید قوی نسخها چندین دارد اما نسخه
اشهر نوشته شد بلیله سیاه شیطرج هندی از هر واحد ده درم دار فلفل پنج درم بسباسه سفید
دو درم و نیم کوفته بیخته بروغن گاو کهنه و عسل بقوام سرشته شد از مثقال تا دو درهم استعمال
نمایند و اگر همچندان دواء المسک معتدل با و یار کرده بخورند مطلقا از ضرر آن ایمن شوند
مجرب است معجون مصفی فساد خون سودا و بلغم و جوشش مزمن را نافع است و سرخ باده
اطفال و غیره اطفال را نافع و مجرب است پوست بلیله زرد پوست هلیله کابلی پوست بلیله هلیله
هر واحد یکتوله آمله منقی شاهتره دو دو توله تخم کشنیز گل معصفر و برم ڈنڈی برگ حنا
هر یک یک توله گلو زیره سفید هر یک دو توله صندل سرخ دهماهه یک یک توله عسل سفید
دو چند ادویه معجون سازند معجون جهت برص پوست بلیله پوست هلیله بسفایج هر یک

گل سرخ طباشیر سفید گل گاوزبان بهمنین سفید تخم کشنیز صندل سفید هر یک یکدرم مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو مغز تخم شیرین هر یک چهار درم تخم خرفه پنجدرم نبات سفید یکصد درم آب سیب شیرین
پنجاه درم عرق بید مشک گلاب هر واحد بست پنجدرم ورق نقره دو درم مشک یکماشه عنبر اشهب
دو ماشه بدستور مرتب سازند مفرح بارد موافق تذکره داؤد انطاکی جهت تنقیه جگر و ازالۀ
امراض حاره و تعدیل مزاج جگر و گرده و سیوم سرد بر قوتش تا دو سال و شربتش تا دو مثقال
طین مختوم عصاره زرشک هر یک یک مثقال طباشیر گل سرخ لسان الثور هر یک یک و نیم مثقال
خشخاش سفید تخم کشنیز خشک مقشر مغز تخم خربزه هر یک سه مثقال با عسل کابلی سرشته مفرح
دیگر از تالیف حکیم علی گیلانی در تقویت دل و سایر اعضای رئیسه بی نظیر است و جهت ماهمین
محرورین مجرب است سریع الاثر جلیل القدر معمول لسید احمد گل ارمنی تخم حماض و گل بنفشه
گل گاوزبان ورق طلا عنبر اشهب مشک خالص هر یک یکمثقال یاقوت رمانی لعل بدخشانی
یشب سفید ورق نقره کافور قیصوری هر یک سه مثقال مروارید ناسفته بادرنجبویه گاوزبان
گیلانی زهار خشک آمله منقی تخم خرفه کاهو مقشر زعفران بهمن سفید بهمن سرخ هر یک پنج مثقال
طباشیر سفید هفت مثقال تخم کاسنی مقشر ده مثقال صندل سفید صندل سرخ پانزده مثقال
زرشک بیدانه سی مثقال شربت انار شربت سیب شربت حماض عرق بید مشک هر یک پنجاه
مثقال نبات پنجاه مثقال عرق کاسنی یکصد و بست مثقال عسل سفید دو صد و بست مثقال
معجون سازند مفرح بابت حکیم محمد تقی لاهوری که تقویت میکند و با سهال تلیین طبیعت
مناسب بود و مجرب معمول است که زرنیخ نیم ماشه ورق طلا کلبا مرورد هر یک یکماشه کافور دو
نیکیم ماشه بسد احمر نیم درم عود عرقی مشک خالص گل ارمنی هر یک دو ماشه بادرنجبویه مغز
تخم خیارین هر یک یک و نیم ماشه یاقوت لعل بدخشانی ورق نقره ابریشم مقرض سماق گل سرخ
تخم کاهو مقشر تخم کشنیز مقشر هر یک سه ماشه عنبر اشهب یا و بالا ماشه مروارید ناسفته گهر با

کهربا شب سفید بهمن سفید بهمن سرخ هر یک یکدرم زعفران گاوزبان آمله منقی بسباسه خرفه
مقشر هر یک چهار ماشه صندل سفید صندل سرخ طباشیر هر یک هفت و نیم ماشه زرشک
منقی پانزده ماشه شربت انار شربت سیب شربت حماض هر یک سی درم عسل سفید شصت
درم نبات سفید یکصد و بست درم عرق گاوزبان عرق بیدمشک عرق کاسنی هر یک یک گلاس
بطریق معهود معجون سازند مفرح جهت نزلات حاره و دیگر امراض حاره و منع بخارات دوا
و تعدیل مزاج جگر و اعضا رئیسه لعابیت سفید مشک کافور یک درم عنبر اشهب یکمثقال عصاره
زرشک تخم کاهو مقشر ورق گل سرخ تخم خشخاش نیلوفر کبود زهر مهره ورق نقره هر یک دو مثقال تخم
هندبا مغز تخم خیارین مغز تخم کدو گل مختوم یا گل ارمنی ابریشم بهمنین پوست ترنج گاوزبان
فادزهر معدنی طباشیر هر یک پنج مثقال آمله بگلاب پرورده خشخاش سفید تخم خرفه تخم کشنیز
هر یک بست مثقال رب شیره ترنجبین شیرخشت و شربت سیب امثال آن چهار صد مثقال
بسرشند و در بعضی نسخه غیر از وزن سابق یکمثقال زیاده و ورق طلا دو مثقال مروارید ناسفته
کهربا مرجان هر یک چهار مثقال زیاده کرده میشود مفرح بارد مسهل سوداویان جهت خفقان
مراقی و سائر اقسام مالیخولیا که از زیاده محترقه صفرا یا سودا بهم رسد مجرب کافور قیصوری
دو دانگ مروارید کبار و صغار ابدا ناسفته کهربا شمعی زعفران هر یک چهار دانگ
لاجورد مغسول حجر یا فادزهر معدنی خطائی صندل سفید طباشیر عود بلسان اسطوخودوس گاوزبان
پوست هلیله کابلی هلیله سیاه آمله مقشر منقی هر یک مثقال نعناع خشک ابریشم مقرض
گل نیلوفر گل بنفشه هر یک دو مثقال مغز تخم کدوی شیرین پنج مثقال زرشک بیدانه
تخم خرفه مقشر پانزده مثقال جدا جدا با آب لیمو و آب ترنج بر روی سنگ سماق صلایه کرده
و باقی ادویه را کوفته بیخته پس بگیرند عسل سفید خشبو صاف و مثقال رب سیب شیرین
شربت فواکه هر یک بست و پنج مثقال قند سفید بقدر حاجت و همه را الکلا بیدمشک و

بعرق گاوزبان حل کرده بجوشانند تا بقوام آید پس حل نمایند و بالائیش عنبر اشهب نیم مثقال زعفران
ورق طلا ورق نقره محلول هر یک چهار دانگ از آتش فرود آرند جواهر اسیا بکرده بران پاشند و خوب بهم
زنند پس ادویه کوفته بیخته آمیخته بمسکوه بهم زنند تا مستوی شود و در ظرف چینی بردارند شربتی دو
درم باشد مفرحه مقویه قلب معده و کبد باشند شربت ریحان منفع شربت تفاح مسهل و فواکه
و شربت صندل یا گلاب عرق بید مشک عرق گاوزبان تخم بادرنجبویه و فرنجمشک یا تخم بادروج
مفرح معتدل دل را قوت دهد خفقان را نافع باشد و نشاط آرد و رنگ نیکو گرداند تشنگی بنشاند
مشک نیم درم کافور زعفران هر یک یک درم مروارید ناسفته عنبر اشهب درونج لسان گاوزبان
عود خام هر یک دو درم سنبل هندی زرنباد تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه خشخاش سفید شقاقل
گل ارمنی هر یک چهار درم کهربا تخم کاسنی تخم کشنیز هر یک پنج درم افتیمون گل سرخ ابریشم شش درم
صندلین طباشیر هر یک بیست درم کوفته بیخته با شربت سیب سرشند مفرحی جهت اورام خفقان
شربت فواکه نود تولہ عود سه تولہ مروارید ناسفته ورق طلا ورق نقره هر یک یک تولہ عنبر اشهب
بیست ماشه زعفران چهار جزو ادویه آنچه کوفتنی است کوفته بیخته در عرق بید مشک و عرق گاوزبان
و گلاب بسایند و اشربت فواکه معجون سازند قدر خوراک پنج سرخ مفرح طرب افزای نشاط آرد و
خشکی ندارد و در تقویت دل و دماغ بی نظیر است مشک سه ماشه ورق نقره چهار ماشه بهمنین کبابه
ریکم شش ماشه تشنه شقاقل سعد مصطکی اذخر ابریشم قرنفل ورق گل سرخ صندل
سفید سفید زعفران هر یک یک تولہ مغز بادام مقشر تخم خشخاش گلاب هر یک یک پاو سیر روغن
بادام نیم پاو سیر سفید شکر نیم سیر معجون سازند اگر بادزهر زیاده و تقویت قلب منظور
باشد تخم بالنگو در همین یک تولہ افزودن بجا است و اگر گرمی مزاج مانع باشد و بعضی اجزا
گرم باشد طریق گرفتن روغن جوز اعظم یعنی ارق قنب مغز بنگ در
آب ... شیر گاو شب تر نمایند و صبح بجوشانند تا اثر بنگ در شیر ظاهر شود و لیس صاف کرده

یکدرم نیم با روغن گاو چرب کرده باز با آتش ملایم بجوشانند تا قریب بانعقاد رسد بیشتر در جام سر دهند گذارند تا دو هفته
بالا آمده از مائیت جدا شود و روغن را بکف دست بر می دارند چنانچه عطر بر می دارند و طریق دیگر
که روغن بنفشه می آید بنابر آنکه در شیر جوش دهند و شیر را بدستور ماست بندند و ماست مخض کرده مسکه
بگیرند مفرح دل که باعتدال خفقان ضعیف را زایل کند و نشاط تمام آرد و نسبه کهربا زرنباد درونج
هر یک یکدرم عود خام یکمثقال پوست هلیله کابلی پوست بیرون پسته پوست ترنج ابریشم مقرض مروارید
ناسفته هر یک دو درم کشنیز خشک طباشیر هر یک سه درم بهمنین هر یک نیم درم گاوزبان
بادرنجبویه آب انار آب به آب حماض آب زرشک هر یک ده درم قند سفید شربت بنفشه هر یک
صد مثقال آبها را با قند و شربت بقوام آرند و ادویه کوفته بیخته با آن بسرشند فصل دویم در
مفرحات جگر و معده و معاقالقبض و غیر قابض است مفرح تالیف حکیم نظام الدین علی جهت ضعف
سوء القنیه و ضعف معده و ضیق النفس از معمولات مجربات والد ماجد او وصله الله الی علی الدرجات
زعفران دو مثقال مروارید ناسفته یاقوت لعل بدخشی کهربا مرجان ابریشم مقرض زرشک بیدانه
انار دانه بریان کرده زرنباد هر یک یکمثقال گاوزبان نعناع خشک بادرنجبویه رب السوس نارمشک
پوست بیرون پسته پوست ترنج سازج هندی عود خام قاقله حب بلسان تخم کاسنی سعد عود بلسان
مصطکی صندلین طباشیر گل مختوم آمله ریوند چینی انیسون الک مغسول فستقین دو سه
تخم ارغس ورق گل سرخ زرانباد تخم کشوث درونج عقربی بهمنین خصیه الثعلب اسپند سنبل الطیب
قصب الذریره کمافیطوس قسط تلخ عصاره غافث فقاح اذخر ناردین افتیمون مرزنجوش حاشا
مشک طرامشیع ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب مشک خالص هر یک نیم مثقال با سه چند قند سفید
بسرشند شربتی یکمثقال بعد از غذا خورد ترب مفرح قابض دافع اسهال و مقوی احشا نافع اسهال کبدی
دموی است زعفران نیم جزو مرجان لعل عود هندی هر یک یک جزو کشنیز خشک یک جزو نیم عقیقی
پوست ترنج بر که بسود تخم حماض بادیان ریوند چینی زرشک منقی خشخاش بریان سرطان نهری

دارشیشعان صمغ عربی درم الاخوین هر یک دو جزو مروارید ناسفته کهربا بسد احمر هر یک سه جزو بهمنین صندلین
طباشیر طین مختوم تخم خرفه بریان حب الآس هر یک پنج جزو کوفته بیخته با سه وزن ادویه معجون سازند
مفرح معتدل از حکیم علی که در تقویت رحم و حفظ جنین بغایت نافع است مشک خالص نیم مثقال قاقله کبار
گل مختوم کافور تخم کشنیز لاجورد مغسول گل ارمنی قرفه سنبل الطیب زرنباد مشک بادرنجبویه عنبر اشهب
ورق نقره ورق طلا هر یک یکدرم لعل بدخشی یاقوت رمانی هر یک یک مثقال مروارید ناسفته بسد
کهربا زعفران گاؤزبان مصطکی دارچینی ابریشم خام پوست ترنج بهمنین سفید اشنه زرنباد و
مغز تخم کدو شیرین اظفار الطیب تخم خرفه مقشر تخم فرنجمشک طباشیر تخم خیار تخم کاهو هر یک دو
مثقال صندل سفید عود هندی گل سرخ درونج عقربی هر یک سه مثقال شربت حماض صد درم
عسل مصفی دو وزن ادویه معجون سازند شربت دو درم تا سه درم مفرح بارد دل را قوت دهد
و خفقان گرم و حرارت معده را نافع است ورق گل سرخ آمله مقشر کشنیز خشک تخم خرفه مقشر
طباشیر سفید صندل سفید زرشک منقی هر یک سه مثقال ابریشم مقرض مروارید ناسفته کهربا هر یک
دو مثقال ورق نقره مشک هر یک یک مثقال عنبر اشهب یک دانگ آب سیب شیرین قند سفید قدر
کفایت دیگر بجهت جگر در غایت نافع و بهمه جهت بهتر از دواء المسک و با قوتی است و بر اختلاج و خفقان
و تب دق و ناقهین و بجهت سوداوی سوخته نهایت مفید شیخ الرئیس در ادویه قلبیه ذکر کرده زعفران
نیم مثقال مروارید بسد کهربا تخم کدر که از او در هندی کنوره نامند سرطان نهری محرق ابریشم
مقرض هر یک یک مثقال اگر تخم کدر بهم نرسد چوب کدر سه مثقال زراخلنایید کافور قیصوری عود
مشک و سروس عنبر سحیق بلیغ یکمثقال و نیم عود هندی درونج زرنباد بهمن سفید هر یک دو
درم صندل دو مثقال تخم خرفه قاقله صغار طباشیر هر یک سه درم تخم کاهو مقشر تخم خربزه
تخم کدو مغز تخم بادرنگ هر یک چند درم گاؤزبان پنج مثقال گل سرخ هفت درم آب سیب و ریشا
و رب انار بقدر کفایت معجون سازند صاحب تحفه اقادیری در این تصرف کرده مشک و آنکه

دانگی عنبر دو دانگ زعفران نیم مثقال مروارید ناسفته کهربا سرطان نهری سوخته ابریشم
مقرض صندل سرخ کافور هر یک یکمثقال عود هندی درونج زرنباد بهمن سفید هر یک مثقال [illegible]
و دو دانگ صندل سفید سنبل طباشیر هر دو مثقال تخم کاهو مقشر مغز تخم خربزه مغز تخم کدو
مغز تخم خرفه هر یک سه مثقال گاوزبان سه مثقال و نیم گل سرخ هم یکمثقال رب سیب رب انار رب به
بالسویه چندانکه ادویه مفرح بارد گل سرخ طباشیر بهمن سفید گاوزبان هر یک یکدرم کشنیز خشک
صندلین مروارید ناسفته کهربا هر یک نیم درم تخم خرفه مقشر خیارین هر یک دو درم زرشک [illegible] دانه
سه درم سنبل دانگی کوفته بیخته بشراب سیب بسرشند شربت مثقال مفرح بارد [illegible] قوی و
مسلول را نافع است و شکم را ببندد و ضعف دل که از گرمی باشد نافع بود لولو کهربا گل ارمنی [illegible]
عود طباشیر هر یک شش درم ابریسم نیم درم تخم خشخاش سفید مغز تخم خیارین هر یک یکدرم
کشنیز بو داده هر یک مثقالی [illegible] ده درم شربت سیب شیرین دو من اجزا کوفته بیخته
با رب سیب بسرشند مفرح معتدل دل را قوت دهد خفقان را دفع کند و با وجود این فواید مقوی
باه است و اصحاب مراقیا و توحش عجیب گاوزبان گیلانی کهربا مروارید تخم کشنیز مقشر
بهمن سفید گل سرخ پوست ترنج تخم خرفه مقشر ابریشم محرق اجزا برابر با جلاب [illegible] بسرشند شربتی
یکمثقال مفرح یاقوتی شیخ الرئیس فقیر بکرر تجربه کرده جهت صرع [illegible] بغایت نافع است و
جهت بهتر است از دواء المسک بارد یاقوتی بارد جهت مالیخولیا [illegible] دق و خفقان حار و دفع
بخار سوداوی سوخته بغایت موثر است [illegible] تخم کاهو مقشر مغز تخم خربزه مغز تخم کدوی شیرین
مغز تخم خیار تخم خرفه مقشر گاوزبان هر یک نه ماشه مروارید ناسفته کهربا سرطان نهری محرق
ابریشم مقرض هر یک سه ماشه صندل سفید صندل سرخ طباشیر دانه هیل خورد هر یک نیم توله
هندی درونج زرنباد بهمن سفید هر یک پنج ماشه گل سرخ یکتوله و سه ماشه زعفران یک نیم ماشه
مشک یک ماشه عنبر اشهب یک ماشه شربت سیب شیرین شربت انار شیرین شربت به شیرین هر یک

بیخته بدان بسرشند والله اعلم فصل سیوم در مفرحات باهیه مفرح که جهت درد مفاصل
و عرق نسا و نقره و ضعف باه مفید سورنجان شیرین لوزیدان خولنجان تخم خربزه تخم خیارین
بادیان بسباسه بهمن سفید بهمن سرخ گاوزبان تودری ثقاقل ثعلب مصری ستاورسیاه هم الوزن
کوفته بیخته در دو چند ادویه یک چند سوزنجان مقشر سرشته مفرح سازند باب پنجم در مسقیات مختویک
بر دو فصل فصل اول که با مراض دماغی مفید است مسقی برای پسر عشق بگیرند مرغ بعسل آلوده
بیاشند بران خردل سوده یک تولی بکار دانند تا فی آید دیگر تخم ترب تخم شبت هر دو را بآب بپزند
و صاف نموده داخل نمایند دران سکنجبین عنصلی واندکی نمک هندی بیاشند و مرغ پر و غن
چرب کرده و بران خردل کوفته بعسل آغشته با پارچه فقیر آلوده یک تولی فرو برند و حرکت دهند
فصل دویم در مسقیات که با مراض معده وغیره استعمال میشود مسقی صفرا و بلغم نمک دو
مثقال سکنجبین عنصلی ده مثقال آب ترب چهل مثقال بهم آمیخته نیم گرم بیاشامند مسقی سودا
مختلف برآرد مغز تخم خیارین مقشر هر واحد چهار درم نمک هندی یک درم جو بهای شبت ده
درم ترب ریزه ریزه کرده بیست درم در چهار رطل آب بپزند تا که ثلث رسد صاف کرده نیم گرم
بنوشند و استفراغ نمایند باب ششم در نسخها که بلفظ ملح نوشته شده ملح سلیمانی جهت تخمه
در معده و نفخ و جمیع دردهای مفاصل و جزان معده و لصر و مصفی لون و بدن و مذهب بیاض و کلف و دافع
رسختن کلیه و مزیل ربو و محرک جماع بسیار و مشهی است و مزید شوق بسوی زنان و دافع سم و دافع سم قایم
مقام تریاق است بلکه اجود از ان در صیف و شتا مستعمل میشود نمک جید چهار رطل خوب بریان
کنند پس در ظرف سفال نهاده اندر تنور گذارند تا که آتش تنور سرد شود بعده بیارند ملح هندی
نوشادر نمک درانی هر یک شش اوقیه تخم کرفس بیست درم فلفل سیاه پانزده درم فلفل سفید
دوازده درم اذخر پانزده درم افتیمون سنبل الطیب جنطیانا زیره سیاه هر یک شش درم
دار چینی کاشم مغز تخم معصفر زنجبیل اصل السوس انیسون هر یک چهار درم همه را علیحده علیحده

علیحده بکوبند لیس سوا ازنه کرده با نمک انکور مخلوط نمایند و در ظرف چینی بند یا سفال بند انداخته در زیر
دفن نمایند و هر قدر که کهنه شود بهتر باشد جهت حدت بصر و درد انک بنها ر خوردن جهت باد در
بینی نشست و برای هضم اشتها همراه طعام بقدر حاجت و برای وجع اورام باید که باشد محمول
درد بالند و بالا می آیند بها شند و کاشم عبارت از زیره کوهی است اگر بهم نرسد بدل آن زیره
معروف اندازند **حرف النون مشتمل بر دو فصل فصل اول در نطول** نطول از برای سرسام
صفراوی نافع گل بنفشه تراشه کدو زر گل نیلوفر گل خطمی عنب الثعلب جوشانیده صاف نموده نطول
نمایند و اگر حرارت بسیار باشد تخم کاهو پوست خشخاش با ندکی بابونه داخل نمایند نطول دیگر
در این باب جهت سرسام نافع و سرسام حار را هم مفید است گل سرخ گل بنفشه تخم کاهو گل بابونه
پوست خشخاش بقدر حاجت گرفته در آب جوشانیده صاف نموده نطول نمایند و تفل را ضماد نمایند
دیگر جهت سرسام حار گل سرخ گل نیلوفر تخم کاهو جو مقشر هر یک یک توله پوست خشخاش نیم توله
بجوشانند و نطول سازند نطولی که سکوت را نافع است مرزنجوش شبت برگ اترج صعتر
اکلیل الملک بابونه قیصوم سداب جاشا جمله یساوی بجوشانند و بر سر بریزند نطول تشنج صبیان را
سود و بنفشه برگ کشنیز گل نیلوفر برگ کاهو بابونه آب شیرین بپزند و بر سر تنطیل نمایند انطول
سبات سهر را در وقتیکه علامت صفرا با علامت بلغم بود نافع و بنفشه اصل السوس
اکلیل الملک بابونه کشنیز خشک جو شب بجوشانند و بر سر ریزند و سرنگبار را آن بارند و آنجا که علامت
بلغم غالب بود ورق غار سداب پیخ زوفا خشک صعتر جند بیدستر بر سر اجزاء مسطور افزایند
نطولی که در اول امر که برای مزطیب و تبرید در معالجه جنون بکار آید گل بنفشه گل نیلوفر
زرشک خطمی برگ بید تراشه کدو و تازه برگ کاهو برگ خطمی سفید از هر یک کفی برگ عنب الثعلب
برگ خبازی از هر یک دسته سپستان دو کف گل سرخ برگ خشخاش سه کف جو مقشر کف
نیمکوفته در آب بجوشانند تا مهرا شود پس صاف نموده روغن بابونه روغن کدو نیم اوقیه

عنب الثعلب مشک طرا شیح تخم خطمی تخم خربزه نیمکوفته تخم قیصوم تخم کشوث تخم بالیون تخم کرفس تخم خبازی
کوفته گل خطمی [illegible] سقشر قنطوریون دقیق گل سرخ گل نرگس شبت گل زنبق جوشانیده صاف نموده
در آب نشینند بسیار نافع است فصل سیوم در امراض اعضاء ظرفیه مفاصل و غیره باب دویم
در نفوخات مشتمل بر یک فصل نفوخی که سکوت را ببرد و بهوش آرد جندبیدستر فلفل کندش سداب
برابر کوفته بیخته در بینی دمند و هم تن را بر روغن ناردین که در وی فرفیون حل کرده باشند چرب نمایند
نفوخی که مفلوج را سود دهد و عطسه آرد فلفل عاقرقرحا زنجبیل بوره نوشادر فرفیون صبر دار چینی
مشک جند خربق سفید مرزنجوش همه برابر کوفته بیخته در بینی دمند حرف الواو مشتمل بر دو فصل
فصل در وجوریکه در صرع اطفال بکار آید صعتر جندبیدستر زیره کرمانی مساوی کوفته بیخته از آن در شیر حل کرده
در حلق اطفال ریزند وجوریکه بسوء نفس اطفال سود دارد که در بن دیار انیمرض بشدت اشتهار دارد
نافع و مجرب است چوک ترش سرخ با مرسوت برابر آب [illegible] بقدر سرخ ساخته در شیر بدهند
وجوریکه جمیع اقسام سرفه خصوص اطفال بسیار مجرب است بهنگر مول کاکره سینگی بهیل پوست [illegible] تخم
جوالسه کوفته بیخته باشهد آمیخته بقدر قوت و سن بدهند وجوریکه جهت سرفه بلغمی اطفال از مجربات
است سه ماشه [illegible] بهیل کاکره سینگی کوفته بیخته در عسل خمیر کرده نگهدارند وقت حاجت
بقدر سن اطفال در شیر حل کرده بدهند حرف الیاء تحتانی فصل اول در یاقوتیهای بارد
یاقوتی بارد یاقوت سرخ یاقوت زرد لعل بدخشی عقیق یمنی یشب سفید مروارید ناسفته از هر
[illegible] کهربا [illegible] بسد از هر یک شش ماشه در گلاب و عرق بید مشک و عرق گاوزبان سحق بلیغ
نموده کشنیز خشک گل گاوزبان [illegible] باشد گل سرخ طباشیر سفید صندل سفید بگلاب سوده ابریشم
خام مقرض شش ماشه تخم خرفه مقشر [illegible] کوفته بیخته در آب انار شیرین آب سیب شیرین
نیم آثار عرق بید مشک پاو آثار گلاب پاو آثار قند سفید نیم آثار بقوام آرند ورق نقره یکصد ورق
طلا شش ماشه عنبر اشهب سه ماشه اضافه نموده علی الرسم مرتب سازند یاقوتی بارد و از مخترعات

سوداوی ... مفرح لیج منی نافع است و بعد بدیل سریع الاثر است و
کثیر المنفعت به آب خیار و آب کدو مستعمل است مروارید ناسفته یاقوت رمانی لسبد احمر کهربا شمعی
در عرق کیوره حل کرده بسد بن سلوچن ابریشم محرق آهن سفید سرطان محرق هر یک یکمثقال دانه هیل چهندل
سه درم مغز تخم خیار یا درنک مغز تخم خیار دراز هر واحد یکدرم مشک خالص عنبر اشهب هر واحد نیم درم
کافور نیم درم زعفران یکدرم ورق نقره یکدرم آب بهلانه آب انار عرق کیوره یا هیل گلسرخ
ریکین کاوزبان گیلانی تخم خرفه تخم کاهو مغز تخم خربزه تخم خیار دراز مغز تخم کدو شیرین مغز تخم
ترابوز قند سفید دو چند شربت سیب یا چند الطریق معمول ادویه کوفته بیخته قند سفید شربت در
چند ونند بقوام آورده مشک و عنبر و کافور و زعفران ساییده داخل نمایند و ورق نقره داخل کرده
در ظرف چینی بردارند یاقوتی بارد یاقوت سرخ ربع مثقال زعفران نیم درم کافور ورق نقره
فرنجمشک عود هندی هر یک یکمثقال یا درنجبویه بهمنین درونج ابریشم خام پوست بیرون پسته
هر یک دو درم صندل سفید مروارید ناسفته بسد کهربا هر یک سه درم مغز تخم خربزه کشنیز خشک عصا
زرشک گل ارمنی شیر املی کاوزبان هر یک پنج درم تخم خشخاش سفید طباشیر گل سرخ هر یک ده درم
ورق نقره دو درم مشک یکماشه عنبر اشهب دو ماشه شربت سیب نگینه قند سفید دو چند ادویه بدستور
مرتب سازند یاقوتی جهت خفقان و مالیخولیا و وسواس لولو مثقوب کهربا لعل بدخشانی یاقوت
زرد و شب ترنقل بهمن سرخ بهمن سفید کبابه زرانباد تخم بادرنجبویه بیافرنج هندی درونج عقربی
پوست بیرون پسته پوست ترنج کاوزبان گیلانی صندل سرخ صندل سفید گل ارمنی تخم فرنجمشک
طباشیر سفید عود خام کافور زعفران عنبر اشهب مشک شربت سیب شربت به هر واحد ده ماشه
... معجون به بدستور معمول یاقوتی سازند یاقوتی بارد از برای خفقان حار
... گل سرخ طباشیر لولو هر یک سه ماشه یا و بالنگو فرنجمشک البقله کزبره
... سفید هر یک دو ماشه عصاره انبر باریس نجمانه مشک دوانق کافور

کافور دانق بجمیع بشراب التفاح والسکر الطبرزد فانه عجیبة هرچند درین نسخه یاقوت نیست اطبا چون
اضافه کرده استعمال نموده سفید زیاده افتاده و در اینجا نوشته شده یاقوتی یاقوت رمانی
لؤلؤ بدخشانی لسان الحمل هر یک سه ماشه مروارید ناسفته چهار ماشه لاجورد مغسول چهار و نیم ماشه صندل
سفید عود قماری ورق گل سرخ هر یک یک ماشه گاوزبان بهمن سفید هر یک سه و نیم ماشه کشنیز مقشر
سنقی مغز تخم کدو مغز تخم خیار شیرین هر یک سه ماشه تخم بادرنجبویه دو و نیم ماشه طباشیر تخم خرفه مقشر مغز تخم خیار
هر یک سه و نیم ماشه ابریشم مقرض تخم کاهو مقشر هر یک سه ماشه مشک خالص یک ماشه ورق طلا دو ماشه
ورق نقره هفت ماشه قند سفید نبات سفید عسل سفید هر یک نوزده توله فصل دوم در یاقوتی
معمول یاقوتی یاقوت رمانی یاقوت زرد یاقوت کبود یاقوت سفید هر یک یک مثقال لعل بدخشی
فیروزه هر یک چهار ماشه زمرد دو ماشه عقیق یمنی یک مثقال یشب سبز چهار ماشه یشب سفید نیم مثقال
مروارید ناسفته کهربا شمعی لاجورد مغسول هر یک نیم مثقال بسد یک مثقال ابریشم مقرض
ورق قرنفل هر یک چهار ماشه پوست بیرون پسته یک مثقال آمله مقشر پوست هلیله کابلی بلیله هر یک
دو و نیم مثقال گل نیلوفر صندل سفید گل سرخ قرنفل دارچینی هر یک چهار ماشه گاوزبان گیلانی یک و نیم
مثقال عصاره زرشک سه مثقال عود قماری یک مثقال درونج عقربی گل مختوم هر یک یک مثقال گل
نیم مثقال طباشیر سفید ششماشه عنبر اشهب گل دارچینی هر یک پنج مثقال مشک ترکی یک و نیم ماشه کا
بیخ سرخ قاقله کبار چهار ماشه ورق طلا سنبل الطیب سازج هندی بهمن سرخ هر یک یک مثقال
بهمن سفید یک مثقال شربت سیب شربت به شیرین آب حماض اترج نیم پاو عرق بید مشک گلاب هر
نیم سیر بدستور مقرر مرتب سازند یاقوتی معتدل از نسخهای مجرب معمول کافور جو دانه ربع مثقال
مشک اذفر نیم مثقال عنبر اشهب قاقله ورق نقره ورق طلا گل مختوم کشنیز لاجورد مغسول گل
مروارید ناسفته زعفران گاوزبان مصطگی بسد دارچینی ابریشم مقرض پوست ترنج کهربا بهمن
سفید زرنباد درونج مغز تخم کدو اظفار الطیب بسباسه ریباس تخم خرفه کشنیز طباشیر مغز تخم خیار